



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

الاختیار لتعلیل المختار ترجمه و تحقیق
(از یاب سجدة التلاوة الی آخرباب الصلاة فی الکعبه)
(رساله ماستری)

محصل: صفی الله "قاضی زاده"

استاد رهنما: دکتور مصباح الله "عبدالباقی"

سال: 1403 هـ ش - 1446 هـ ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

الاختیار لتعلیل المختار ترجمه وتحقیق (ازباب سجدة التلاوة الى آخرباب الصلاة فى الكعبه)

(رساله ماستری)

محصل: صفی الله "قاضی زاده"

استاد رهنما: دکتور مصباح الله "عبدالباقی"

سال: 1403هـ. ش - 1446هـ. ق

الحمد لله
البرحمين
مبارك

اهداء

این اثر علمی که به نیت خدمت به دین اسلام و مسلمانان انجام شده است ثواب آنرا برای، والدین گرامی ام که در پرورش جسمی و تربیه دینی من همه راحت های خود را قربان نموده و برای سعادت و خوش بختی ام از دوران طفولیت تا آخرین لحظات زندگی اش در دوره های تعلیم سعی و تلاش نموده اند، و همه اقارب بالخصوص برادرانم و خویشاوندان و سائر دوستان و همچنان همه اساتیدم تقدیم می نمایم که استاد را بر پدر شرف باشد، بقدر آن که روح را بر جسم شرف است زیرا استاد سبب کمال و تربیت روحانی است، پدر سبب تربیت جسمانی است نیز اهداء می نمایم. واز الله متعال خواهانم اجرآن را در نامه حسنات همه ئی آنها اضافه نماید

صفی الله قاضی زاده

سپاس گذاری

الحمد لله وكفى والصلاة والسلام على نبيه المصطفى وعلى آله وصحابه ومن والاه،
وبعد. به مقتضای این فرموده الله تعالى (رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ) «پاره ۱۹ سوره نمل آیت ۱۹» الله بینای و بی همتا را سپاس گزارم که در راه تحصیل دین پسندیده اش هدایتم کرد و در اتمام این رساله تحقیقی یاری ام کرد. از او تعالی قبولیت این خدمت نا چیز را که ترجمه و تحقیق یک قسمت کتاب الاختیار لتعلیل المختار از باب سجود التلاوة الى آخر باب صلاة في الكعبة است. خواهانم م مطابق این فرموده الله متعال (وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) «پاره ۱۳ النمل آیت ۷» از الله متعال توفیق مزید در راه خدمت به دین پسندیده اش را خواهانم.

وهمچنان پاداش طلبی واحسان دریک عمل پسندیده این است که از کسانی که در این راستا همکار بوده اند سپاس گزاری کرده شود پس با اتباع از این ارشادنبی کریم صلی الله علیه وسلم که فرموده است (لا یشکر الله من لا یشکر الناس ابو داود ج ۱۲ ص ۴۳۶)

اولا از وزارت محترم تحصیلات عالی که در زمینه تحصیل را در کشور مهیا ساخته اند تشکری می نمایم و متعاقبا از بنیان گزار محترم پوهنتون سلام و ریاست محترم پوهنچی شرعیات و آمریت بورد ماستری فقه و قانون، اعضاء اداری و تمام دست اندر کاران این اداره علمی که در راستای فراهم نمودن زمینه تحصیلی برای فرزندان کشور خدمات زیادی انجام داده اند اظهار امتنان و سپاسگزاری می نمایم. و از استاد محترم دوکتور مصباح الله عبدالباقی که در تهیه رساله ام بحیث استاد رهنما بودند و از راهنمایی های سودمند شان در تهیه رساله و از اندوخته های علمی شان در جریان درس مستفید شدم قلبا اظهار سپاس و امتنان می نمایم و همچنان از تمام استادان محترم برنامه ماستری به صورت انفرادی و جمعی تشکری میکنم. و اخیرا از استادانیکه عضو هیأت مناقشه و عهده دار مجلس دفاع رساله ام میباشند.

محترم دكتور (محمد يونس ابراهيمى) و محترم دوكتور (دكتورنجيب الله صالحى) از زحمات و همكارى شان قلبا سپاس گزارم.

و اسأ الله عزوجل أن يجعل هذا العمل فى ميزان حسناتنا جميعا والله المستعان وهو الهادى إلى سواء السبيل.

خلاصه موضوع

موضوع تحقیق که: (ترجمه و تحقیق، از باب سجود التلاوة الى آخر باب صلاة في الكعبة الاختيار لتعليل المختار) میباشد پس از ترجمه متن کتاب، از حیث جزئیات، مفاهیم و دیدگاههای فقهی از کتاب حدیث، علوم حدیث و منابع فقهی قدیم و معاصر مورد بررسی قرار گرفته است و سپس احکام متعلق به سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة في الكعبة به ترتیب کتاب الاختيار. مورد بحث قرار گرفته است. باید گفته شود «کتاب الاختيار لتعليل المختار» از عمده ترین منابع فقهی است در میان دیدگاهان مذهب حنفی بوده و دوبار (یک بار مختصر به نام المختار و بار دیگر به صورت شرح با بیان دلائل) توسط خود مؤلف به رشته تحریر در آمده است و قسمت منتخب آن که (سجدة التلاوة، الى آخر، صلاة في الكعبة) مصنف علیه الرحمة احکام و مسائل (سجدة التلاوة، الى آخر صلاة في الكعبة) به ترتیب منصوصی آن در ارشادات و صورت عملی توسط رسول الله صلی الله علیه وسلم مورد بحث قرار داده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1.....	مقدمه
1.....	اهداف اساسی تحقيق:
2.....	روش تحقيق:
2.....	نتائج متوقفه از تحقيق:
2.....	بيان مسئله تحقيق:
3.....	اهميت موضوع
3.....	اسباب اختيار موضوع:
4.....	اهداف تحقيق:
5.....	پيشينه تحقيق:
6.....	سوالات تحقيق
6.....	سوالات اصلى
6.....	سوالات فرعى
6.....	روش تحقيق:
8.....	طرح تحقيق:
10.....	بحث تمهيدى
10.....	معرفت مصنف كتاب الاختيار لتعليل المختار!
10.....	معرفى كتاب الاختيار لتعليل المختار:
12.....	[بَابُ سُجُودِ التَّلَاوَةِ].....
23.....	[بَابُ صَلَاةِ الْمَرِيضِ].....
38.....	[بَابُ صَلَاةِ الْمَسَافِرِ].....
55.....	[بَابُ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ].....
92.....	[بَابُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ].....
118.....	[بَابُ صَلَاةِ الْخَوْفِ].....
131.....	[بَابُ الصَّلَاةِ فِي الْكَعْبَةِ].....
136.....	خاتمه و نتائج بحث

138.....	پیشنهادات:
140.....	فهرست آیات
142.....	فهرست احادیث
144.....	فهرست اعلام
145.....	مراجع و مصادر

مقدمه

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام على نبيه الكريم، وعلى آله وصحبه اجمعين، ومن اتبعهم بإحسان إلى يوم الدين، (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ. إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ).

وبعد: ((سجدة التلاوة، الى آخر صلاة في الكعبة)) از فرضترین نوع عبادات دین اسلام است و از فرائض بر بالای هر مسلمان اعم از مرد وزن پیر و جوان میباید البتة ((سجدة التلاوة، الى آخر صلاة في الكعبة)) مشتمل بر عبادت بدنی میباید بناء بر این حکم فرضیت آن بسا اوقات مشروط بر استطاعت بدنی میباید و پاداش های بزرگی را از طرف الله متعال بر آن وعده شده است. و موضوع منتخب که (سجدة التلاوة، الى آخر صلاة في الكعبة) ترجمه و تحقیق کتاب الاختیار لتعلیل المختار) این بخش یکی از ضروریتهای تحقیقی بوده که متعلق به احکام و مسائل است و همه مسلمانان به آن ضرورت داشته اند. البتة با ترجمه و تحقیق در مسائل سجدة التلاوة الى آخر صلاة في الكعبة در کتاب الاختیار لتعلیل المختار که یکی از کتاب های مهم فقه حنفی است میتوانیم با این مسایل در مذهب حنفی و دیدگاه مذاهب دیگر اهل سنت معلومات حاصل نمائیم این احکام و مسایل را درست فهمیده و در اجرای عملی این فریضه دینی دچار مشکل نشویم و همچنان به اینگونه بحثهای بر مواضع احادیث و آثار در مصادر اصلی آن که مؤلفان جهت اختصار از ذکر اسناد آن خود داری کرده. آشنائی پیدا می کنیم همچنان این گونه تحقیقات باعث فهم درست از محتوای کتابهای تراث اسلامی میشود و اگر در تحقیق احادیث وارده در متن یک کتاب فقهی که مصنف به آن استناد کرده است تخریج شود اهمیت یک کتاب فقهی در استدلال و شیوه بیان مسایل دانسته میشود.

اهداف اساسی تحقیق:

برسی یکی از امور تعبدی دین مقدس اسلام، احکام شرعی ((سجدة التلاوة الى آخر صلاة في الكعبة)) طبق دیدگاه های فقها و جستجوی آن در یکی از منابع فقهی مذهب حنفی میباید.

عمل به مکلفیت های شرعی بدون دانستن احکام شرعی آن ممکن نخواهد بود باید هر مسلمانی اهداف و مقاصد شرعی را در امور عبادی و کلیه بخش های حیاتی شان درک نمایند. تحقیق روی یکی از کتابهای فقهی به دلیل کم بودن کارهای تحقیقی در این زمینه، یکی از نیامندی های مبرم جامعه ما است. در حد توان این نیازمندی مرفوع خواهد شد.

روش تحقیق:

نظری و کتابخانه ئی بوده و موضوع از حیث بیان احکام و مسائل شرعی ((سجدة التلاوة الى آخر صلاة في الكعبة)) در کتاب های معتبر فقهی و دید گاه علماء و از حیث تخریج احادیث و ادلة شرعی که مصنف استدلال کرده است در کتب حدیث و علوم حدیث و از حیث توضیح مصطلحات فقهی در برخی از منابع لغوی جستجو گردیده است.

نتایج متوقعه از تحقیق:

با بررسی مسایل ذکر شده میتوان به این نتیجه رسید که دین مقدس اسلام در تمام اوامر خود مصلحت ها را رعایت کرده و سهولت های را در نظر گرفته است. و رهنمود های شریعت اسلامی در تمام امور عبادی با توان مندی های انسانها سازگار بوده و زمینه ساز سهولت ها در همه ابعاد دینی و اجتماعی میباشد. واژه های کلیدی: ترجمه، تحقیق و تحقیق در کتاب الاختیار لتعلیل المختار.

بیان مسئله تحقیق:

ابواب سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة في الكعبة « الاختیار لتعلیل المختار » که موضوع منتخب در تحقیق ترجمه دری متن کتاب الاختیار لتعلیل المختار شرح برخی از رموز و مغلقات در عبارات، و توضیح مسایل و احکام فقهی ذکر شده در متن و دید گاه های فقهاء مذاهب و تخریج احادیث وارد شده در متن کتاب الاختیار لتعلیل المختار بوده است البته کتاب الاختیار لتعلیل المختار یکی از کتابهای معتمد فقه حنفی بوده و از مهمترین متون فقهی در تحلیل مسایل اجتهادی بحساب میرود پس ترجمه این کتاب بر یک زبان ملی و تحقیق روی جنبه های علمی آن از اهمیت خاصی

بر خوردار بوده و یکی از ضرورت های علمی در عصر حاضر میباشد بنابر این در نظر گرفتن ترجمه و تحقیق این کتاب معتبر فقهی از طرف پوهنتون سلام توسط محصلین یک اقدام قابل ستایش میباشد. من به حیث یک محصل دوره ماستری در بخش فقه وقانون تلاش خواهم کرد به سهم خود ترجمه و تحقیق احکام و مسایل سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الکعبة که در کتاب الاختیار بیان شده است ادای مسئولیت نمایم البته ترجمه و تحقیق روی یکی از کتابهای تراث اسلامی خالی از معضلات و دشواری های خود نمیشد. ومنظور از تحقیق تعیین سطح ظرفیت محصل و آگاهی حاصل کردن از مسایل شرعی در رشته تحصیل بوده و تلاش میکنم در این زمینه موفقیت داشته و تحقیق بهتری را تقدیم نمایم.

اهمیت موضوع

کتاب الاختیار لتعلیل المختار در بیان احکام و مسایل دینی در مطابقت به دیدگاه اجتهادی مذهب حنفی از روش و شیوه خاصی برخوردار بوده است. تعلق موضوع تحقیق به یکی از کتابهای معتبر فقه حنفی شرح و توضیح شده گردیده است. هر حکم شرعی دارای حکمت شرعی بوده البته نیازی به توضیح و بیان جنبه های عملی اش را دارد از اهمیت عملی برخوردار میباشد.

احکام تکلیفی شرعی دارای درجات از قبیل فرض، واجب، سنت واستحباب بوده است. سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الکعبة در جمع فرائض و یکی از جزئیات تشکیل دهنده امور عبادی دین اسلام بوده که انکار آن باعث خروج از دین اسلام میباشد.

اسباب اختیار موضوع:

یک عده اسباب وعوامل باعث انتخاب یک موضوع برای تحقیق میشود میتوان اسباب وعامل اختیار این موضوع برای تحقیق را در موارد ذیل برشمرد.

۱- سبب نخست برای تحقیق در یک بخش الاختیار لتعلیل المختار اهمیت علمی این کتاب بوده است

۲- بیان احکام و مسایل فقهی یکی از فرایض دینی بر زبانهای ضرورت مسلمانان را در امر دانستن مسایل دینی مرفوع می نماید و از خدمات با ارزش دینی از لحاظ اجر و پاداش میباشد.

۳- ترجمه و تحقیق متون فقهی باعث ازدیاد در علم و معلومات دینی و استفاده از شیوه های علمی برای یک محصل میباشد خواستم با انتخاب این موضوع معلومات علمی خویش را از شیوه های علمی علماء متقدمین تقویت نمایم.

۴- بحث و تحقیق در مورد یکی از فرایض دینی دعوت آمادگی برای زندگی بعد از مرگ است زیرا آگاهی یک مسلمان از اعمال عبادی باعث عملی نمودن آن میشود و عمل به فرایض دینی آمادگی برای زندگی پس از مرگ بوده است خواستم در اجرای این خدمت دینی سهم نداشته باشم.

اهداف تحقیق:

تحقیق روی یکی از موضوعات دینی یک عمل خیر میباشد و هدف مهم در انجام اعمال نیک داشتن نیت درست و طلب رضاء الله متعال است و در قدم بعدی میتوان موارد ذیل را از اهداف مهم تحقیق در موضوع محوله بر شمرد.

۱- ترجمه و تحقیق یکی از کتاب های فقهی در بیان احکام شرعی یک عمل با ارزش دینی

۲- سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الکعبة یکی ارکان دین مقدس و از فرائض دینی میباشد توضیح مسائل سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الکعبة یکی از مسائل مهم دینی سهم گرفتن در امر دعوة به دین مقدس اسلام و از فرائض دینی میباشد.

۳- آشنائی با احکام سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الکعبة در مطابقت با احکام اجتهادی فقه حنفی و مقائسه با مذاهب دیگر.

۴- انتخاب یکی از موضوعات مهم دینی که از ارکان پنجگانه دین اسلام است با ترجمه و تحقیق در یکی از متون فقه حنفی.

۵- و آگاهی بخشیدن برادران مسلمان در مورد یکی از موضوعات مهم دینی یکی از اهداف تحقیق در این موضوع میباشد.

پیشینه تحقیق:

باجستجو و بررسی کتب فقهی ترجمه و تحقیق شده به زبان فارسی دریافتیم که کتاب الاختیار لتعلیل المختار مورد ترجمه و تحقیق قرار نگرفته است این کتاب نیز به زبان فارسی (دری) ترجمه و تحقیق نشده است ممکن است به زبان عربی و زبان های دیگر در کشور های اسلامی تحقیقی در موضوعات این کتاب صورت گرفته باشد و آنچه در مورد این کتاب یافت میشود بعضی از تعلیقاتی است که از سوی علماء بالای کتاب الاختیار لتعلیل المختار به زبان عربی صورت گرفته است. که در نتیجه آن احادیث ذکر شده در این کتاب نیز تخریح گردیده است.

الاختیار لتعلیل المختار، با تعلیق (شیخ خالد عبدالرحمن العک)

الاختیار لتعلیل المختار با تعلیق (شیخ شعیب الارنؤوت)

الاختیار لتعلیل المختار با تعلیق المؤلف: عبدالله بن محمود بن مودود الموصلی البلدحی، مجد الدین أبو الفضل الحنفی (المتوفی: ۶۸۳) علیها تعلقات: الشیخ محمود ابو دقیقه (من علماء الحنیفة ومدرس بكلية أصول الدين سابقا) الناشر: مطبعة الحلبي - القاهرة (وصورتها دار الكتب العلمية بيروت)

الاختیار لتعلیل المختار، تحقیق: عبدالطیف محمد عبدالرحمن عدد الأجزاء/ه دارالنشر: دار

و این کتاب ها به زبان عربی بوده و تعلیقات است نه شرح و تحقیق موضوعات فقهی کتاب الاختیار لتعلیل المختار، بنابر این خواستم با ترجمه و تحقیق روی یک قسمت منتخب کتاب الاختیار لتعلیل المختار تحقیقی، را مطابق رهنمود کمیته ماستری پوهنتون سلام به زبان فارسی انجام دهم.

سوالات تحقیق.

سوالات تحقیق طرح برشش ها و فریضه های مقدماتی است که تحقیق جوابگو آن میباشد.

سوالات اصلی.

احکام فقهی - سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الكعبة در کتاب الاختیار

لتعلیل المختار مطابق دیدگاه کدام مذهب بحث شده است؟

واین کتاب از چه جایگاهی بر خوردار میباشد؟

سوالات فرعی.

۱-الاختیار لتعلیل المختار اثر علمی کی است؟

ومسائل سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الكعبة در این کتاب به کدام

شیوه بیان شده است؟

۲-آیا نویسندۀ کتاب الاختیار در بیان مسایل سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة

الخوف، صلاة فی الكعبة از احادیث واثار استفاده کرده است؟

۳- سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الكعبة چی را میگویند و در کدام

بخش احکام دینی محسوب میشود؟

۴-حکم تکلیفی سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الكعبة چیست

و شروط فرضیت وصحت ان چگونه است؟

روش تحقیق:

روش تحقیق، بعد از ترجمه متن کتاب الاختیار لتعلیل المختار نظری و کتابخانه ئی بوده و از شیوه های

استقرائی در کتب در کتب معتمد فقه، ولغت با رعایت دیدگاه فقهاء قرار شرح ذیل است بررسی شده است.

۱-ترجمه متن منتخب از کتاب الاختیار در هر صفحه ودرتر جمه متن منتخب.

۲-شرح وتوضیح مصطلحات فقهی ومغلفات در متن کتاب الاختیار لتعلیل المختار.

۳--تخریج احادیث وارد شده در متن کتاب الاختیار لتعلیل المختار از کتب معتمد علوم الحدیث.

۴- استخراج قواعد و بیان فقهی سجدة التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الكعبة در کتاب الاختیار طبق مذهب حنفی و با دیدگاهای مذاهب فقهی دیگر.

۵- استفاده از منابع معتبر در بیان و توضیح احکام سجدة التلاوة، الی آخر، صلاة فی الكعبة.

۶- در بیان مسائل به صورت مفهومی، موجز و مختصر.

۷- ذکر نام کتاب، نام مؤلف بدون مواصفات والقاب در پاورقی، وزمان، مکان طبع و تاریخ طبع در فهرست منابع.

۸- معرفی شخصیات که در قسمت منتخب کتاب الاختیار لتعلیل المختار از آن ها نامبرده شده است.

۹- تحقیق با یک خاتمه کوتا و نتیجه گیری از محتوای بحث پایان یافته است.

طرح تحقیق:

موضوع تحقیق: که متن (منتخبی) از کتاب الاختیار لتعلیل المختار از سجدة التلاوة، الی آخر صلاة فی الکعبة است از حیث ترجمه و تحقیق، مشتمل بر یک مقدمه ترجمه الاختیار لتعلیل المختار تخریخ احادیث بیان مسایل فقهی، ترتیب فهرست ها (فهرست آیات قرآن کریم، فهرست احادیث، فهرست اعلام و فهرست منابع) و به غرض تحقیق و طبق رهنمود برنامه ماستری پوهنخوی شرعیات پوهنتون سلام مورد بحث قرار گرفته و قرار شرح ذیل ترتیب گردیده است.

مقدمه: مشتمل بر موضوعات لازم برای تحقیق میباشد که عبارت است از بیان مسئله تحقیق.

اهمیت تحقیق.

اسباب اختیار موضوع.

اهداف تحقیق.

پیشینه تحقیق.

سوالات تحقیق.

روش تحقیق.

طرح تحقیق.

بحث تمهیدی: معرفی کتاب الاختیار لتعلیل المختار و مؤلف آن.

وسپس قسمت منتخب کتاب الاختیار لتعلیل المختار، قرار شرح ذیل مورد تحقیق و بررسی قرا میگیرد قسمت از متن الاختیار در هر صفحه انتخاب شده و طبق رهنمود ترجمه و تحقیق میشود.

در صدر صفحه:

۱- متن کتاب الاختیار لتعلیل المختار در ابتدای صفحه.

۲- ترجمه متن الاختیار به فارسی (دری) بدون تصرف.

در پاورقی:

۱- توضیح مسئله.

- ۲- شرح کلمات و مصطلحات.
 - ۳- تخریج احادیث، آثار.
 - ۴- بیان دیدگاه‌های مذاهب فقهی.
 - ۵- توضیح دیدگاه هر مذهب فقهی از کتب معتبر همان مذهب .
 - ۶- معرفی اشخاص که در متن کتاب الاختیار لتعلیل المختار از آنها نام برده شده باشد.
 - ۷- تخریج قواعد فقهی ذکر شده در متن.
 - ۸- توضیح قواعد اصولی و مقاصد شرعی.
- خاتمه: بیان نتایج ، و پیشنهادات.
- فهارس: فهرست آیات ، فهرست احادیث، فهرست اعلام، فهرست مصادر و مراجع.

بحث تمهیدی

معرفت مصنف کتاب الاختیار لتعلیل المختار!

عبدالله بن محمود بن مودود بن محمود، مجدالدین، أبو الفضل معروف به موصلی، که در شهر موصل در روز جمعه چهارشنبه چهاردهم ماه شوال سال (۵۹۹هـ.ق) مطابق به (۱۲۰۳م) به دنیا آمده و در همان زادگاهش بزرگ شده است و علوم ابتدائی را در شهر موصل آموخته است و در سن ۱۶-۱۷ سالگی بحیث نوجوان دارای ذهن و ذکاوت عالی در آنجا تبارز کرده است و سپس به کوفه رفته است و در آنجا مسکن گزین شده است، و به خاطر آموختن علم به دمشق سفر کرده و از علماء آنجا علم آموخته است، مدت زمانی قضای کوفه را بعهدده داشته و آخراً در بغداد مستقر شده است و در مدرسه موسوم به امام ابو حنیفه رحمه الله علیه مصروف به تدریس گردیده است، و از علماء شهرت یافته آن عصر و در جمع طبقات متقدمین فقهاء حنفی میباشد که در حفظ و ترویج فقه حنفی در بخش تدریس و تدوین خدمات شائسته ئی انجام داده است از او تصنیفات بجاء مانده که تماماً در فقه حنفی میباشد که عبارت اند از (المختار) در فتوای فقه حنفی مورد استفاده بوده سپس به تقاضای علماء و طلاب علم خودش این کتاب را به نام (الاختیار لتعلیل المختار) شرح نموده، که اخیراً در پنج مجلد به چاپ رسیده است، و نیز کتاب (السیر الکبیر) امام محمد شیبانی رح را شرح نموده، و کتاب بنام (المشتمل علی مسایل المختصر) نیز به او منسوب بوده است، و تا آخر عمرش مفتی فقه حنفی در بغداد بود تا اینکه در روز شنبه (۱۹) ماه محرم در سال (۶۸۳هـ.ق) به عمر هشتاد چهارساله گی در بغداد در گذشت و همانجا دفن شده است. رحمه الله علیه رحمة واسعة.

معرفی کتاب الاختیار لتعلیل المختار:

موصلی رحمه الله در مقدمه این کتاب خودش چگونگی تألیف این کتاب را قرار ذیل معرفی نموده است. وبعد از حمد و ثنای ذات بیهمتا باید گفت: من در آغاز دوره جوانی کتاب مختصر در علم فقه جمع آوری نمودم (تا اینکه یک مجموعه مفیدی) برای مبتدئین (شاگردان و دوستانم در علم فقه) بوده باشد و این مجموعه مختصر را بنام «المختار للفتوی» نام گزاری نمودم (البته من درین کتاب) قول و دیدگاه امام

ابوحنیفه رضی الله عنه را اختیار نمودم، زیرا که او شخص اول در علم فقه و بنیان گذار اولی مذهب حنفی است، چون این کتاب به دست رس علماء قرار گرفت، و بعضی از فقهاء به تدریس آن مشغول شدند، از من درخواست کردند که (این کتاب مختصر) را شرح و توضیح نمایم و به بیان علت ها و دلائل مسائل ذکر شده در آن وضاحت دهم و فروع را در آن بافزایم که به آن ضرورت بوده، و (مرجع) نقل آن قابل اعتماد باشد، و در آن مسائلی را نقل کنم که اصحاب ما (فقهاء حنفی) اختلاف نظر (دیگر فقهاء) را (در آن مسائل) بیان کرده اند، و آن مسائل را تعلیل (علت و دلائل) آن را بقصد دست رسی به حقیقت آن بصورت موجز و منصفانه بیان نمایم، و (بعد در یافت این تقاضا) بنام الله سبحان استخاره نمودم، و امر موفقیت در انجام این کار را به تعالی سپردم، و با درخواست استعانت و با توکل به الله متعال این کار را شروع کردم، و نام (این شرح) را «الاختیار لتعلیل المختار» گذاشتم و در آن مسائلی را افزودم که ضرورت های عامه بوده است، و روایاتی را در آن افزودم که در فتوی دادن در (قضایای جدید، شاگردان نو مبتدی به آن ضرورت داشته باشد و کسانی که به منتهای علم به فتوی رسیده اند نیز از آن مستغنی نباشد !

[بَابُ سُجُودِ التَّلَاوَةِ]

(وَهُوَ وَاجِبٌ عَلَى التَّالِيِ وَالسَّامِعِ) قَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «السَّجْدَةُ عَلَى مَنْ تَلَاهَا،

السَّجْدَةُ عَلَى مَنْ سَمِعَهَا» وَعَلَى لِلْوَجُوبِ، وَلِأَنَّ بَعْضَ السَّجَدَاتِ أَمْرٌ فَيَقْتَضِي الْوَجُوبَ،

وَبَعْضُهَا ذَمٌّ عَلَى تَرْكِ السُّجُودِ وَهُوَ مَعْنَى الْوَجُوبِ،

(باب در بیان سجده تلاوت میباشد)

(وسجده تلاوة واجب است بالای تلاوت کننده و شنونده) رسول الله — صلى الله عليه وسلم فرموده اند

سجده تلاوت واجب است بر قرائت کننده و شنونده (1) و کلمه (على) مستلزم وجوب است.

دیگر اینکه بعض سجده ها امر است و تقاضای وجوب را میکند و بعضی از آنها ذم (2) و توبیخ است بر انجام

ندادن سجده و آن وجوب را إفاده میکند و سجده واجب (3) میگردد .

(¹) الحافظ ابن حجر در کتاب خود الدرر الیه فی تخریج أحادیث الهدایة الناشر: دار المعرفه - بیروت، (ج/۱ ص ۱۱۰) فرموده است که این حدیث مرفوع نیست و ابن قول ابن عمر، و عثمان، رضی الله عنهما است.

جمال الدین أبو محمد عبد الله بن یوسف بن محمد الزبلی (المتوفی: 762هـ) در کتاب خود نصب الراية الناشر: مؤسسة الريان للطباعة والنشر - بیروت - لبنان/ دار القبلة للثقافة الإسلامية - جدة - السعودية (ج ۲ ص ۱۷۸) فرموده که این حدیث غریب است.

أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه العباسي الكوفي (159 - 235 هـ) در مصنف خود (ج ۲ ص ۵) به روایت ابن عمر رضی الله عنه فرموده است که سجده بالای شنونده است.

الدرایة فی تخریج أحادیث الهدایة أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفی: 852هـ) الناشر: دار المعرفه - بیروت در کتاب خود درایة: (ج 1 ص 210) در حدیث نمبر (۲۷۲) فرموده است که سجده بالای تلاوة کننده و شنونده است این حدیث مرفوع نیست و ابن شیبة از ابن عمر رضی الله عنه روایت کرده که این حدیث موقوف است و عبد الرزاق از عثمان و علقه البخاری روایت کرده است که سجده بالای سامع است.

(²) دکتر ابراهیم انیس، دکتر عبد الحلیم منتصر، عطیه صالحی، محمد خلف الله احمد در کتاب خود المعجم الوسيط در صفحه (۲۰۹) فرموده است ذم بمعنى مذموم (جانز نیست)

(³) أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابی الحنفی بدر الدين العيني (المتوفی: 855هـ) در کتاب خود البناية شرح الهدایة دار الکتب العلمیة - بیروت، لبنان در (ج ۲ ص ۶۶۰) فرموده است در چهارده جاها سجده کردن واجب است و سجده کرده به نزد احناف واجب و به نزد امام الشافعی و مالک و أحمد رحمة الله عليه سنة است.

(۳) أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفی: 676هـ) در کتاب خود المجموع شرح المهذب موقع مكتبة المسجد النبوي الشريف در (ج ۴ ص ۶۲) باب سجود التلاوة فرموده است که به نزد امام شافعی رحمة الله عليه سجده تلاوة سنة

(۳) سجده تلاوة به نزد احناف واجب و به نزد مالکيه سنة است مثلی که در کتاب محمد العربي القروي در کتاب خود. الخلاصة الفقهية على مذهب السادة المالكية الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت باب سجود التلاوة (ج ۱ ص ۹۹) فرموده است به نزد امام مالک رحمة الله عليه سجده تلاوة سنة است)

وَتَجِبُ عَلَى التَّرَاخِي، وَسَوَاءٌ كَانَ التَّالِي كَافِرًا أَوْ حَائِضًا أَوْ نُفَسَاءً أَوْ جُنْبًا أَوْ مُحَدِّثًا أَوْ صَبِيًّا عَاقِلًا أَوْ امْرَأَةً أَوْ سَكَرَانَ؛ لِأَنَّ النَّصَّ لَمْ يَفْصَلْ، وَمَنْ لَا يَجِبُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَلَا قَضَاؤُهَا لَا يَجِبُ عَلَيْهِ سُجُودُ التَّلَاوَةِ كَالْحَائِضِ وَالنُّفَسَاءِ لِأَنَّهَا مِنْ أَجْزَاءِ الصَّلَاةِ.

ووجوب آن بنا بر تراخی یعنی (تاخیر در ادا) (۳) برابر است که تلاوت کننده کافر باشد یا زن حایضه باشد یا زن در حالت نفاس باشد یا تلاوت کننده جنب باشد یا بی وضو باشد یا طفل عاقل و ممیز باشد یا زن باشد یا در حالت نشه باشد؛ زیرا (1) که در حدیث وارد شده در بیان تلاوت کننده آیه سجده مطلق ذکر شده است و کدام فرق میان تلاوت کننده گان ذکر نگردیده است و شخصیکه بالای آن اداء نماز و قضاء آن فرض نیست، پس سجده تلاوت هم بالای آن نیست، مانند حایضه و زن که در حالت نفاس باشد، زیرا که سجده هم از جمله اجزاء نماز است (2).

(۱) این حدیث که در کتاب الاختیار لتعلیل المختار در (ج ۱ ص ۲۵۴) چنین ذکر است (قَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «السُّجْدَةُ عَلَى مَنْ تَلَاهَا، السُّجْدَةُ عَلَى مَنْ سَمِعَهَا وَعَلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَرَمُودَةٌ أَمَّا سَجْدَةُ تَلَاوَتٍ وَاجِبَةٌ عَلَى قَرَأَتِهَا كَمَا سَمِعْتَهُمْ». (أبو الحسن علي بن الحسين بن محمد السُّعْدِي، حنفي (المتوفى: 461هـ) التنف في الفتاوى الناشر: دار الفرقان / مؤسسة الرسالة - عمان الأردن / بيروت لبنان. (ج ۱ ص ۴۷) سجده در نماز فرض (رکن) است.

زين الدين بن إبراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: 970هـ) البحر الرائق شرح كنز الدقائق الناشر: دار الكتاب الإسلامي (ج ۱ ص ۳۰۹) ركوع وسجده در نماز فرض است بدليل قول الله تعالى {ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا} [الحج: 77] و اجماع هم است كه ركوع وسجده فرض است.

(۳) در قاعده فقهی معلوم میشود که مطلق امر تقضای فور را ندارد (الامر المطلق لا يقتضی الفور) أحمد بن محمد بن إسحاق الشاشي أبو علي در کتاب خود أصول الشاشي صفحه (۱۳۱) مطلق حکم آن است که اداء کردنش واجب باشد لکن در اداء اجازه تاخیر داشته باشد بشرط که در عمر خود اداء کند فوت نه کن.

قَالَ: (وَهِيَ فِي آخِرِ الْأَعْرَافِ [الآية ٢٠٦] وَالرَّعْدِ [الآية ١٥] وَالنَّحْلِ [الآيتان ٤٩-٥٠] وَبَنِي إِسْرَائِيلَ [الآية ١٠٩] وَمَرْيَمَ [الآية ٥٨] وَالْأُولَى فِي الْحَجِّ [الآية ١٨] وَالْفُرْقَانَ [الآية ٦٠] وَالنَّمْلَ [الآية ٢٥] وَالْمَ تَنْزِيلَ [الآية ١٥] وَصَ [الآية ٢٤] وَحَمَّ السَّجْدَةَ [الآية ٣٨]،

مصنف — عليه الرحمة — فرمود: این آیات سجده در آخر سوره (الاعراف در آیت (٢٠٦)، والرعد در آیت (١٥)، ودرسوره النحل در آیت است (٤٩-٥٠)، ودرسوره بنی اسرایل در آیت (١٠٩)، ودرسوره مریم آیت (٥٨) و سجده اول در سوره حج آیت (١٨)، ودرسوره الفرقان آیت (٦٠) ودرسوره النمل، آیت (٢٥) ودرسوره الم تنزیل آیت (١٥)، ودرسوره ص آیت (٢٤) (١)، ودرسوره حم السجده آیت (٣٨)

(١) درباره آیت های سجده تلاوة و تعداد سجده تلاوة امامان اختلاف نظر دارند که قرار ذیل ذکر است أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووي (المتوفی: 676هـ) در کتاب خود المجموعة شرح المذهب دار العام الكتب _ الرياض در (ج ٤ ص ٦١) باب سجود التلاوة فرموده که به نزد امام شافعی رحمة الله علیه در سوره «ص» سجده نیست و اگر امام سوره «ص» را خواند سجده کردن بالایش لازم نیست و اگر امام سهوا سجده کرد نماز امام باطل نمیشود و اگر امام عمدا سجده کرد نماز امام باطل میشود و اگر امام درسوره «ص» آیت سجده را خواند و سجده کرد مقتدی سجده نکند بلکه در حالت قیام انتظار امام باشد تا دوباره ایستاده شود.

عبدالسلا بن عبدالله بن الخضر بن محمد المحرر در کتاب خود الفقه امام احمد بن حنبل الناشر: مكتبة المعارف- الرياض در (ج ١ ص ٧٩) فرموده که به نزد امام احمد بن حنبل رحمة الله علیه سجده تلاوة سنة است در سوره الحج دو جاء سجده است و درسوره «ص» سجده شکر است و سجده شکر مستحب است.

محیی السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوي الشافعي (المتوفی: 516هـ) در کتاب خود شرح السنة (ج ٣ ص ٣٠٢) فرموده از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سجده کردیم درسوره اقرأ بِاسْمِ رَبِّكَ، وَإِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ». این حدیث صحیح است که مسلم از ابوبکر بن ابی شیبه و عمرو الناقد از سفیان بن عیینه نقل کرده است. تعداد سجده ها در قرآن به گفته اکثر علما چهارده است: سه تا از آنها در المفصل است و این قول ثوری و ابن مبارک و شافعی رحمة الله علیهم است. و اهل نظر احمد و اسحاق. برخی بر این عقیده بودند که در مفصل سجده نمی شود، این را از ابی بن کعب و ابن عباس و ابن عمر نقل کرده اند و نظر امام مالک رحمة الله علیه هم است.

از عکرمه از ابن عباس روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از زمانی که به مدینه روی آورد در هیچ نقطه ای از المفصل سجده نکرد.

قول اولی بهتر است، زیرا از ابوهریره تصدیق شده است: ما با رسول الله صلی الله علیه و آله درسوره اقرأ سجده کردیم.

ودرسورة وَالنَّجْمِ [الآية ٦٢] وَالْإِنْشِقَاقِ [الآيتان ٢٠-٢١] وَالْعَلَقِ [الآية ١٩] هَكَذَا هِيَ
 فِي مٌصْحَفِ عُثْمَانَ. رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.

النجم آیت (٦٢)(1)، ودرسورة الانشقاق دوآیت است (٢٠-٢١) ودرسورة العلق آیت (١٩) میباشد این
 چنین در مصحف عثمان - رضي الله عنه ذکر است (3)

(1) الشافعي أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي (المتوفى: 204هـ) در کتاب خود مسند الإمام الشافعي (ترتيب سنجر) الناشر: شركة غراس للنشر والتوزيع، الكويت در (ج ١ ص ٣٢٣) در حديث
 نمبر (٣٣٣) از ابی هريرة رضي الله عنه روايت کرده است که رسول الله صلى الله عليه وسلم سورة النجم را قرائت کرد و سجده کرد و مردم
 هم همرايش سجده کرد. و در همین کتاب در (ج ١ ص ٣٢٣) در حديث نمبر (٣٣٤) اعرج روايت است که عمر بن خطاب رضي الله عنه سورة
 النجم را تلاوة کرد و سجده کرد.

(2) دليل امام أحمد بن حنبل رحمة الله عليه عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسي أبو محمد در کتاب خود المغني في فقه الإمام أحمد بن
 حنبل الشيباني الناشر: دار الفكر - بيروت در (ج ١ ص ٦٨٣) مواضع سجود التلاوة من القرآن فرموده است که از ابن ماجه وأبو داود از عمرو
 بن العاص روايت است که رسول الله صلى الله عليه وسلم پانزده جائ آيت سجده را خواند.
 أبو القاسم، محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الله، ابن جزى الكلبي الغرناطي (المتوفى: 741هـ) در کتاب خود القوانين الفقهية در صفحه
 (٦٢) در فقه امام مالك رحمة الله عليه است که در قرآن کریم يازده سجده تلاوة است به نزد امام ابوحنيفه رحمة الله عليه در قرآن کریم چهارده
 جاء سجده کردن لازم است و به نزد امام شافعي رحمة الله عليه چهارده جاء سجده کردن لازم است و به نزد امام مالك رحمة الله عليه يازده جاء
 سجده کردن لازم است و به نزد امام احمد بن حنبل رحمة الله عليه پانزده جاء سجده کردن لازم است.

(وَشَرَائِطُهَا كَشَرَائِطِ الصَّلَاةِ) لِأَنَّهَا جُزْءٌ مِنْهَا (وَتُقْضَى) لِمَكَانِ الْوُجُوبِ، وَيُكْرَهُ لِلْسَامِعِ إِذَا سَجَدَ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ التَّالِيِ؛ لِأَنَّ التَّالِيَّ كَالْإِمَامِ وَيُكْرَهُ لِلْإِمَامِ أَنْ يَقْرَأَهَا فِي صَلَاةِ الْمُخَافَةِ لِنَلَا يَشْتَبَهُ الْأَمْرُ عَلَى الْقَوْمِ، فَرُبَّمَا رَكَعَ بَعْضُهُمْ؛

وسایر شرایط سجده تلاوت مانند شرایط نماز است؛ زیرا که سجده تلاوت هم از جمله اجزاء نماز است. وقضا آورده میشود؛ زیرا که مرتبه وجوب را دارد، و مکروه است برای سامع اینکه سر خود را از سجده قبل از قاری (1) بالا کند؛ زیرا که تلاوت کننده مانند امام (2) برای سامع است و مکروه است برای امام اینکه تلاوت کند آیت سجده را در نمازهای خفیه تا اینکه قوم یعنی (مقتدیها) در اشتباه نیفتند؛ پس بسا اوقات رکوع میکند بعضی از آنها (و حال آنکه امام به سجده رفته باشد)

(1) محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي در کتاب خود صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان [صحیح ابن حبان] مؤسسه الرسالة - بیروت در (ج 5 ص 606) در حدیث نمبر (2227) به روایت البراء که همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز میخواندیم به سجده وقتی پانین میشودیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم به سجده میرفت باز ما به سجده میرفتیم ازین معلوم میشود که متابعة امام ضروری و لازمی است و شعيب الأرنؤوط رحمة الله علیه فرموده که اسناد این حدیث صحیح است.

(2) (التابع ليس له حكم مستقل بل حكمه حكم المتبوع) طبق این قاعده تلاوة کننده مانند امام است وقتیکه امام آیات سجده تلاوت را بخواند بالای اوام و مقتدی سجده تلاوة لازم میشود همچنان تلاوت کننده بخوتند بالای هردو سجده تلاوة لازم میشود.

وَلَوْ قَرَأَهَا وَسَجَدَهَا سَجَدَ الْقَوْمُ مَعَهُ وَإِنْ لَمْ يَسْمَعُوهَا حُكْمًا لِلْمُتَابَعَةِ كَمَا يَلْزِمُهُمْ سَهْوُهُ.

بازهم اگر امام تلاوت کرد و به سجده رفت مردم هم باید به سجده بروند اگرچی مردم نشنیده باشند ، از

لحاظ حکم متابعت برای امام ؛ (1) مانند اینکه برای امام سجده سهولازم شد مردم هم ملزم به تابعیت امام

(2) شان را در اداء سجده سهو میباشد

(1) محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي در کتاب خود صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان [صحیح ابن حبان] مؤسسة الرسالة - بیروت در (ج 5 ص 606) در حدیث نمبر (2227) به روایت البراء که همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز میخواندیم به سجده وقتی پانین میشودیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم به سجده میرفت باز ما به سجده میرفتیم ازین معلوم میشود که متابعت امام ضروری و لازمی است و شعیب الأرنؤوط رحمة الله علیه فرموده که إسناد این حدیث صحیح است.

(2) «1» أبو العباس أحمد بن محمد الخلوئی، الشهير بالصاوي المالكي (المتوفى: 1241هـ) در کتاب خود الأقرب المسالك المعروف بحاشية الصاوي على الشرح الصغير (الشرح الصغير هو شرح الشيخ الدردير لكتابه المسمى أقرب المسالك لِمَذْهَبِ الإِمَامِ مَالِكٍ) دار المعارف (ج 1 ص 418) فرموده که در مفصل سجده تلاوة نیست به قول مشهور مالکیها در دوم جائی سورة الحج اگر سجده کرد در دوم جائی نماز اش باطل میشود مگر باطل نمیشود که مقتدی باشد با امام خود سجده کند و اگر بدون امام سجده کرد نماز اش باطل میشود و اگر تابعداری امام خود را نکرد در سجده تلاوة گناه گار میشود و لکن نماز اش درست است.

أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: 463هـ) در کتاب خود الكافي في فقه أهل المدينة (مكتبة الرياض الحديثة، الرياض، المملكة العربية السعودية) فرموده که ابن وهب روایت کرده از امام مالک رحمة الله علیه که در قرآن کریم یازده جائی سجده تلاوة است و در مفصل سجده نیست و اگر امام اش سجده کرد و مقتدی هم تابعداری در سجده همراهی کرد گناه کار میشود. (از عبارات فوق معلوم میشود که به نزد امام مالک رحمة الله علیه متابعت امام لازم نیست)

عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسي أبو محمد در کتاب خود المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني [المغني - ابن قدامة] دار الفكر - بیروت فرموده که ابن عمر رضی الله عنه فرموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده که «لَيْسَ عَلَيَّ مَنْ خَلْفَ الإِمَامِ سَهْوٌ فَإِنْ سَهَا إِمَامُهُ فَعَلَيْهِ وَعَلَى مَنْ خَلْفَهُ» بالای مقتدی سهو نیست و اگر امام اش سهو شد باز بالای هردو (امام و مقتدی) سجده لازم است از خاطریکه مقتدی تابع امام میباشد سهو امام مانند سهو مقتدی است اگرچه مقتدی سهو نه شده باشد اگر امام سهو شد در حالیکه همین مقتدی در وقت سهو امام نبود باز هم همراهی امام خود سجده سهو کند.

قَالَ: (فَإِنْ تَلَاهَا الْإِمَامُ سَجَدَهَا وَالْمَأْمُومُ) لِمَا بَيَّنَّا. (وَلَوْ تَلَاهَا الْمَأْمُومُ لَمْ يَسْجُدْهَا) لِمَا بَيَّنَّا فِي السَّهْوِ. وَقَالَ مُحَمَّدٌ: يَسْجُدُونَهَا بَعْدَ الْفَرَاغِ لِتَحَقُّقِ السَّبَبِ وَهُوَ السَّمَاعُ وَقَدْ زَالَ الْمَانِعُ.

مصنف علیه الرحمه فرمود: اگر امام آیت سجده را تلاوت کرد، سجده کند و مردم هم باید سجده کنند؛ به لحاظ دلیل که قبلاً بیان نمودیم (1) اگر مقتدی آیت سجده را تلاوت کرد در حالت نماز برای هیچ کدام از امام و مقتدی سجده تلاوت نمودن لازم نیست به علت دلیل که در بیان سجده سهو بحث گردید (2) و امام محمد (3) رحمه الله میفرماید: باید بعد از فارغ شدن از نماز سجده تلاوت نماید به علت اینکه سبب متحقق (4) گردید و آن عبارت است از سماع و شنیدن و حال آنکه مانع هم زایل شده (و آن قرار داشتن در حال نماز بود و زمانی که نماز ختم شد دیگر مانع از برای سجده نمودن وجود ندارد پس باید سجده نمایند).

(1) در همین کتاب الاختیار لتعلیل المختار در صفحه قبلی (7) ذکر شده، اگر امام تلاوت کرد و به سجده رفت مردم هم باید به سجده بروند اگرچی مردم نشنیده باشند، از لحاظ حکم متابعت برای امام؛ مانند اینکه برای امام سجده سهو لازم شد مردم هم ملزم به تابعیت امام شان را در اداء سجده سهو میباشند

(2) عمر رضی الله عنه فرموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده که «لَيْسَ عَلَيَّ مَنْ خَلَفَ الْإِمَامَ سَهْوً فَإِنْ سَهَا إِمَامُهُ فَعَلَيْهِ وَعَلَى مَنْ خَلَفَهُ» بالای مقتدی سهو نیست و اگر امام اش سهو شد باز بالای هر دو (امام و مقتدی) سجده لازم است از خاطریکه مقتدی تابع امام میباشد سهو امام مانند سهو مقتدی است اگرچه مقتدی سهو نه شده باشد اگر امام سهو شد در حالیکه همین مقتدی در وقت سهو امام نبود باز هم همراهی امام خود سجده سهو کند.

(15) امام محمد رحمه الله علیه نام اصلی محمد نام پدرش حسن مشهور به ابو عبدالله شیبانی بود وطن اش کوفه بود و شاعر امام ابو حنیفه رحمه الله علیه بود در باره امام محمد رحمه الله علیه، امام شافعی رحمه الله علیه میفرماید عالمی مانند امام محمد رحمه الله را نه دیده ام، روز که وفات شد همایش علم فقه و لغة دفن شد در سال (۱۰۲ هج تولدشده) البداية والنهاية لابن کثیر (ج ۱۰ ص ۴۸۱) امام محمد رحمه الله علیه در سال (۱۸۹ هج) وفات شده سیر اعلام النبلاء (ج ۹ ص ۱۳۵)

قُلْنَا هُوَ مَحْجُورٌ عَنِ الْقِرَاءَةِ لِمَا بَيَّنَّا، وَلَا حُكْمَ لِتَصَرُّفِ الْمَحْجُورِ بِخِلَافِ الْحَائِضِ وَالنَّفْسَاءِ فَإِنَّهُمَا مِنْهَيَّانِ، وَالنَّهْيُ يَقْتَضِي الْقُدْرَةَ عَلَى الْفِعْلِ وَالْحَجْرُ لَا، وَإِنَّمَا لَا يَجِبُ عَلَيْهِمَا لِعَدَمِ أَهْلِيَّتِهِمَا. قَالَ: (وَإِنْ سَمِعَهَا مَنْ لَيْسَ فِي الصَّلَاةِ سَجْدَهَا) لِتَحَقُّقِ السَّبَبِ فِي حَقِّهِ وَالْحَجْرُ لَا يَعْدُوهُمْ. قَالَ: (وَإِنْ سَمِعَهَا الْمُصَلِّيَ مِمَّنْ لَيْسَ مَعَهُ فِي الصَّلَاةِ سَجْدَهَا بَعْدَ الصَّلَاةِ) لِتَحَقُّقِ السَّبَبِ، وَإِنْ سَجَدُوهَا فِي الصَّلَاةِ لَمْ تُجْزِهِمْ لِأَنَّهَا صَارَتْ نَاقِضَةً لِلنَّهْيِ فَلَا يَتَأَدَّى مَعَهَا الْكَامِلُ وَلَا تَفْسُدُ صَلَاتُهُمْ لِأَنَّهَا لَا تُنَافِي الصَّلَاةَ وَيُعِيدُونَهَا لِمَا بَيَّنَّا وَلَا سَهْوًا عَلَيْهِمْ لِأَنَّهُمْ تَعَمَّدُوهَا

مایان گفتیم مقتدی ممنوع است از قرائت قسمیکه در موضع قرائت بیان شد و برای تصرف شخص محجور هیچ حکم مرتب نمیشود برخلاف حیض و نفساء زیرا که آنها محجور نیستن بلکه منهی عنه میباشد و نهی اقتضاء قدرت بر فعل را میکند و حراصلا اقتضای قدرت را نمیکند و اینکه سجده تلاوت برحایضه و نفساء لازم نمیگردد به دلیل اینکه آنها اهل تکلیف در آن وقت نیستند .

مصنف علیه الرحمه فرمود : اگر آیت سجده را شخصیکه در نماز نیست از امام شنید باید سجده کند زیرا که سبب سجده در حق آن متحقق شد که همان سماع است و احکام محجور به آن تعدی نمیکند. و اگر شنین آیت سجده را شخصیکه در نماز بود از شخص خارج نماز بود شنید با ید بعد از فارغ شدن از نماز سجده کند؛ از جهت متحقق شدن سبب آن که سماع میباشد و اگر سجده کند در داخل نماز قبل از فراغت جایز نیست زیرا که سجده تلاوت به صورت ناقص ادا گردید به دلیل ادا شدنش در در داخل نماز حال آنکه این کار ممنوع بود پس در این صورت بصورت کامل ادا نگر دیده و نماز ایشان فاسد نمیگردد زیرا که سجده تلاوت بانماز منافات ندارد و اعاده میکنند به دلیل اینکه به صورت کامل ادا نگردید. و سجده سهو هم نمکنند به دلیل اینکه سجده سهو در صورت لازم است که سجده تلاوت غیر قصدی باشد و این جا سجده قصدی انجام شده است.

قَالَ: (وَمَنْ تَلَاهَا فِي الصَّلَاةِ فَلَمْ يَسْجُدْهَا فِيهَا سَقَطَتْ) لِأَنَّهَا صَلَاتِيَّةٌ وَهِيَ أَقْوَى مِنَ الْخَارِجِيَّةِ فَلَا تَتَأَدَّى بِهَا، وَلَوْ تَلَاهَا فِي الصَّلَاةِ إِنْ شَاءَ رَكَعَ بِهَا وَإِنْ شَاءَ سَجَدَهَا ثُمَّ قَامَ فَقَرَأَ وَهُوَ أَفْضَلُ، يُرَوَى ذَلِكَ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ؛ لِأَنَّ الْخُضُوعَ فِي السُّجُودِ أَكْمَلُ، وَتَتَأَدَّى بِالسَّجْدَةِ الصَّلْبِيَّةِ لِأَنَّهَا تُوَافِقُهَا مِنْ كُلِّ وَجْهِ، وَيَنْوِي أَدَاءَ سَجْدَةِ التَّلَاوَةِ وَلَوْ لَمْ يَنْوِ ذِكْرَ فِي التَّوَادِرِ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ. وَقِيلَ يَجُوزُ لِأَنَّهُ أُنِيَ بِعَيْنِ الْوَاجِبِ.

مصنف علیه الرحمه فرمود کسیکه تلاوت کرد آیت سجده را در نماز پس آنرا در حالت نماز سجده نکرد ساقط میشود زیرا که آن سجده نمازی بود یعنی باید در داخل نماز ادای شد و آن قوی تر میباشد از سجده خارج از نماز پس ادا نمیگردد به همراهی سجده خارج از نماز و اگر تلاوت کرد آنرا در نماز، اگرخواست به رکوع میروید و سجده را در رکوع حساب میکند و اگر نه باید سجده کند برای تلاوت و باز قیام کند و تلاوت را ادامه دهد همین بعدی بهتر است این قول برجواز سجده تلاوت در رکوع فقط از امام ابوحنیفه (1) رحمه الله علیه روایت شده است زیرا که از رکوع کردن شکستگی در سجده کامل تر است و اینکه ادا میگردد در سجده داخل نماز به لحاظ این است که با سجده نماز از هر لحاظ موافقت دارد و باید نیت سجده تلاوت را کند اگر نیت نکند در نوادر ذکر شده است که جایز نمیشود و گفته شده است که جایز است زیرا که واجب را به جا آورده است.

(1) امام ابوحنیفه رحمه الله علیه که نام اصلی اش نعمان نام پدرش ثابت و نام پدرکلانش زوطی التیمی است امام ابوحنیفه رحمه الله علیه فقیه در عراق بود از جمله امامان اسلام بود و از همه امامان قبلتر وفات کرد و همراهی صحابه کرام ملاقات اش شده بود با انس بن مالک رضی الله عنه هم ملاقات کرده بود بعضی فرموده اند که همراهی هفت صحابه کرام ملاقات کرده و سفیان ثوری و ابن مبارک رحمه الله علیهما میفرماید که امام ابوحنیفه رحمه الله علیه بهترین عالم زمانه ما بود در سال ۸۰ هجری پیداشد و در سال ۱۵۰ هجری از دنیای فانی رحلت نمود.

وَلَوْ نَوَاهَا فِي الرُّكُوعِ قِيلَ: يَجُوزُ لِأَنَّهُ أَقْرَبُ إِلَى التَّلَاوَةِ. وَقِيلَ لَا وَتُنُوبُ عَنْهَا السَّجْدَةُ
 الَّتِي عَقِيبَ الرُّكُوعِ؛ لِأَنَّ الْمَجَانِسَةَ بَيْنَهُمَا أَظْهَرَ، رُوِيَ ذَلِكَ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ. قَالَ: (وَمَنْ
 كَرَّرَ آيَةَ سَجْدَةٍ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ يَكْفِيهِ سَجْدَةٌ وَاحِدَةٌ) دَفْعًا لِلْحَرَجِ، فَإِنَّ الْحَاجَةَ دَاعِيَةٌ
 إِلَى التَّكْرَارِ لِلْمُعَلِّمِينَ وَالْمُتَعَلِّمِينَ، وَفِي تَكَرُّرِ الْوُجُوبِ حَرَجٌ بِهِمْ، وَكَانَ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ
 السَّلَامُ يَقْرَأُ السَّجْدَةَ عَلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَالنَّبِيُّ يُسْمِعُهَا أَصْحَابَهُ وَلَا
 يَسْجُدُ إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً.

اگر نیت کرد سجده تلاوت را در رکوع بعضی علما گفتند جایز است زیرا که این از سجده کرده نزدیکتر به
 تلاوت آیت سجده است و بعضی علما گفتند جایز نیست و قایم مقام آن میشود آن سجده که بعد از رکوع انجام
 میدهد زیرا که در میان هر دو سجده نوع مجانست و همخوانی آشکار تر میباشد این روایت از امام ابوحنیفه
 (1) رحمة الله علیه میباشد .

مصنف علیه الرحمه فرمود : شحصیکه آیت سجده را چند بار تکرار کرد د ریک مکان واحد یک سجده از
 همه کفایت میکند از لحاظ دفع حرج زیرا که ضرورت سجده باعث تکرار سجده میشود برای کسانی که
 معلم و متعلم هستند و در صورت که تکرار سجده بالایشان واجب گردد حرج و مشقت لازم میشود و جبریل
 علیه السلام تلاوت میکرد آیت سجده را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و پیامبر گوش میدادند و سجده
 نمیکردند مگر یکمرتبه .

(1) امام ابوحنیفه رحمة الله علیه که نام اصلی اش نعمان نام پدرش ثابت و نام پدرکلانش زوطی التیمی است امام ابوحنیفه رحمة الله علیه
 فقیه در عراق بود از جمله امامان اسلام بود و از همه امامان قبلتر وفات کرد و همراهی صحابه کرام ملاقات اش شده بود با انس بن مالک رضی
 الله عنه هم ملاقات کرده بود بعضی فرموده اند که همراهی هفت صحابه کرام ملاقات کرده و سفیان ثوری و ابن مبارک رحمة الله علیهما
 میفرماید که امام ابوحنیفه رحمة الله علیه بهترین عالم زمانه ما بود در سال ۸۰ هجری پیداشد و در سال ۱۵۰ هجری از دنیای فانی رحلت
 نمود.

قَالَ: (وَإِذَا أَرَادَ السُّجُودَ كَبَّرَ وَسَجَدَ ثُمَّ كَبَّرَ وَرَفَعَ رَأْسَهُ) اِعْتِبَارًا بِالصَّلَاتِيَّةِ، وَهُوَ الْمَرْوِيُّ

عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ، وَلَا تَشْهَدُ عَلَيْهِ وَلَا سَلَامٌ، لِأَنَّهُمَا لِلتَّحْلِيلِ وَلَا تَحْرِيمِ هُنَاكَ. (1).

مصنف علیه الرحمه فرمود :

زمانیکه اراده سجده را کرد تکبیر بگوید و سجده نماید بعد از آن تکبیر بگوید و سر خود را بالا کند از سجده از لحاظ قیاس به سجده نماز و این روایت شده از عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنه و تشهد و سلام در این نیست زیرا که آنها برای تحلیل است و در نماز است که تحریمه داشته باشد و سجده تلاوت تحریمه نیست پس تحلیل یعنی سلام دادن هم نیست

(۱۹) جمال الدین أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: 762 نصب الراية لأحاديث الهداية. ج ۲ ص ۱۷۹) به روایت از ابن مسعود فرموده وقتی اراده سجده را کرد تکبیر بگوید دست های خود را بلند نکند و سجده کند و سر خود را از سجده بلند کند و تشهد و سلام نیست بالای سجده تلاوة کننده علامه زيلعي رح می فرماید که این حدیث غریب (نا آشنا) است در کتاب امام ابو داود به روایت از ابن عمر رضی الله عنه نقل کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر ما قرآن میخواند وقتی به آیت سجده میرسید تکبیر میگفت و سجده میکرد و ما هم همرايش سجده میکردیم و عبدالرزاق در مصنف خود از حسن، عطاء، ابراهيم نخعی، وسعيد بن جبیر رضی الله عنهما روایت کرده که اونها فرموده اند که ما در سجده تلاوة سلام نمی گشتانديم. سنن أبي داود

أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني در کتاب خود سنن أبي داود در (ج ۱ ص ۵۳۲) در حدیث نمبر (۱۴۱۳) به روایت ابن عمر رضی الله عنه می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم در سال فتح آیت سجده را خواند و سجده کرد و صحابه کرام همه همرايش سجده کردند لکن الباني مي فرماید که سند این حدیث ضعیف است.

محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله در کتاب خود الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم و سننه و أيامه (البخاری) در (ج ۲ ص ۴۲) در حدیث نمبر (۱۰۷۵) به روایت ابن عمر رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم ایت سجده را خواند و سجده کرد و ما هم همرايش سجده کردیم.

مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ) در کتاب خود المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم (صحيح مسلم) در حدیث نمبر (۵۷۵) به روایت ابن عمر رضی الله عنه فرموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم ایت سجده را خواند و سجده کرد و ما هم همرايش سجده کردیم حتی بضعی از صحابه کرام جای سجده پیدا کرده نمیتوانستند از ازدحام زیاد.

[بَابُ صَلَاةِ الْمَرِيضِ]

(إِذَا عَجَزَ عَنِ الْقِيَامِ أَوْ خَافَ زِيَادَةَ الْمَرَضِ صَلَّى قَاعِدًا يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ، أَوْ مُوَمَّانٍ عَجَزَ عَنْهُمَا، وَإِنْ عَجَزَ عَنِ الْقُعُودِ أَوْ مَا مُسْتَلْقِيًا) وَقَدَمَاهُ نَحْوَ الْقِبْلَةِ.

(أَوْ عَلَى جَنْبِهِ) لِقَوْلِهِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «يُصَلِّي الْمَرِيضُ قَائِمًا، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَى قَفَاهُ يَوْمِي إِيْمَاءً فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاللَّهُ أَحَقُّ بِقَبُولِ الْعُذْرِ مِنْهُ» .

باب در بیان نماز مریض

وقتی که عاجز شد مریض از قیام نمودن (1) یا اینکه خوف زیادت مریضی اش بود باید نماز را نشسته بگذارد یا به اشاره بگذارد اگر عاجز ماند از رکوع و سجده و اگر عاجز ماند از نشسته نماز خواندن به پشت انداخته (۳) شود و نماز بخواند و قدمهایش طرف قلبه باشد یا اینکه به پهلو گذاشته شود از جهت قول پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نماز بگذارد مریض به صورت ایستاده اگر نتوانست نشسته بخواند و اگر نتوانست به پشت انداخته شود و اشاره کند به نحو اشاره کردنی و اگر نتوانست پس خداوند مستحق تر است از آنکه عذر او را بپذیرد (2)

(1) أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى : 852هـ) در کتاب خود الدراریة فی تخریج أحادیث الهدایة (در ج ۱ ص ۲۰۹) در حدیث نمبر (۲۶۹) رسول الله صلی الله علیه وسلم به عمران بن حصین فرمود نماز به ایستاده گوی بخوان اگر ایستاده شده نمیتوانی پس نشسته بخوان و اگر نشسته نمیتوانی به پهلو و به اشاره بخوان و این روایت در بخاری شریف آمده و در کتاب نسائی شریف آمده که اگر به نشسته نماز خوانده نمیتوانی خود را به پشت سر انداخته نماز بخوان.

(۳) مُسْتَلْقِيًا بمعنای پشت سر خود را انداختن که چشم هایش به طرف بالا باشد.

(2) جمال الدین أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزبلي (المتوفى : 762هـ) در کتاب خود نصب الرایة لأحادیث الهدایة (در ج ۲ ص ۱۷۶) در حدیث نمبر (۱۳۸) فرموده حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرمودند: مریض باید ایستاده نماز بخواند و اگر ایستاده شده نمیتوانست بنشیند و نماز بخواند و اگر نشسته نمیتوانست به پشت سر خود را انداخته و به اشاره نماز بخواند و اگر اشاره هم نمیتوانست خدا بیشتر میداند به قبول عذرا و علامه زبلی می فرماید که این حدیث غریب (عجیب) و دارقطنی در سنن خود از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: مریض ایستاده نماز بخواند و اگر نمیتوانست نشسته نماز بخواند و اگر نشسته و سجده کرده نمیتوانست به اشاره نماز بخواند لکن سجده خود را پائین از رکوع کند و اگر نشسته نمی توانست باز به پهلو راست و رو به قبله نماز بخواند، و اگر به پهلو هم نمیتوانست خود را به پشت سر انداخته و پاهای خود را به طرف قبله کند و به اشاره نماز بخواند.

أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطني (المتوفى : 385هـ) در کتاب خود سنن الدارقطني (در ج ۲ ص ۳۷۷) در حدیث نمبر (۱۷۰۶) از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: مریض ایستاده نماز بخواند و اگر نمیتوانست نشسته نماز بخواند و اگر نشسته و سجده کرده نمیتوانست به اشاره نماز بخواند لکن سجده خود را پائین از رکوع کند و اگر نشسته نمی توانست باز به پهلو راست و رو به قبله نماز بخواند، و اگر به پهلو هم نمیتوانست خود را به پشت سر انداخته و پاهای خود را به طرف قبله کند و به اشاره نماز بخواند.

وَقَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ لِعِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ: «صَلِّ قَائِمًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَعَلَى جَنْبِكَ»، وَلِأَنَّ التَّكْلِيفَ بِقَدْرِ الْوُسْعِ، وَالْأَفْضَلَ الْإِسْتِثْقَاءَ لِيَقَعَ إِيمَاؤُهُ إِلَى جِهَةِ الْقِبْلَةِ، وَيَجْعَلَ الْإِيمَاءَ بِالسُّجُودِ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ اعْتِبَارًا بِهِمَا.

وپیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم برای عمران بن حصین فرمودند نماز را اداکن به صورت ایستاده اگر نتوانستی پس به صورت نشسته بگذار و اگر نتوانستی پس به پهلو بخوان (1) و دیگر اینکه تکلیف به حد توان میباشد (2) و بهتر برای مریض نماز خواندن به صورت به پشت افتیده و ادا نمودن است تا اینکه واقع شود اشاره نماز گذار به طرف قبله و بگرداند اشاره برای سجده را پاینتر از اشاره برای رکوع به لحاظ قیاس نمودن به رکوع و سجود یکه در حالت صحت انجام میداد.

(1) ابن الملقن سراج الدین أبو حفص عمر بن علی بن أحمد الشافعی المصري (المتوفی 804) در کتاب خود البدر المنیر فی تخریج الأحادیث والأثار الواقعة فی الشرح الکبیر در (ج 3 ص 519) فرموده است که عمران بن حصین رضی الله عنه می فرماید که من مریض بودم (بواسیر) و از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که نماز ایستاده بخوان و اگر به ایستاده نمیتوانستی نشسته بخوان و اگر نشسته نمیتوانستی به پهلو بخوان و این به شرط شیخین صحیح است.

أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفی : 852هـ) در کتاب خود التلخیص الحبیر فی تخریج أحادیث الرافعی الکبیر در (ج 1 ص 551) فرموده است. و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم برای عمران بن حصین فرمود که نماز ایستاده بخوان و اگر به ایستاده نمیتوانستی نشسته بخوان و اگر نشسته نمیتوانستی به پهلو بخوان.

محمد بن إسماعیل أبو عبد الله البخاری الجعفی الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأيامه = (صحیح البخاری) در (ج 2 ص 48) در حدیث نمبر (1117) فرموده است که عمران بن حصین رضی الله عنه می فرماید که من مریض بودم و از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که نماز ایستاده بخوان و اگر به ایستاده نمیتوانستی نشسته بخوان و اگر نشسته نمیتوانستی به پهلو بخوان.

(2) در قاعده فقهی معلوم شد که تکلیف باندازه توانمندی میباشد (لا یکلف الله نفسا إلا وسعها) (لا تکلیف بما لا یطاق) ازین آیت و قاعده فقهی معلوم میشود که که مکلفیت به اندازه طاقت بشری است از طاقت خود کرده زیاد کسی مکلف نیست. (أصول السرخسی الناشر : دار الکتاب العلمیة بیروت لبنان ج 2 ص 340)

(فَإِنْ رَفَعَ إِلَى رَأْسِهِ شَيْئًا يَسْجُدُ عَلَيْهِ إِنْ خَفَضَ رَأْسَهُ جَازًا) لِحُصُولِ الْإِيمَاءِ. (وَإِلَّا فَلَا) يَجُوزُ لِعَدَمِهِ.

واگر بالا کرده شود به طرف سر مریض چیزی را، که رکوع کند اگر سرش پایین میشد رکوع آن درست است از جهت اینکه اشاره صورت گرفت واگر سر مریض پایین نمیشد جایز نیست چون اشاره صورت نگرفت.

قَالَ: (فَإِنْ عَجَزَ عَنِ الرَّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَقَدَرَ عَلَى الْقِيَامِ أَوْماً قَاعِداً) لِأَنَّ فَرَضِيَّةَ الْقِيَامِ
لِأَجْلِ الرَّكُوعِ وَالسُّجُودِ ; لِأَنَّ نَهَايَةَ الْخُشُوعِ وَالْخُضُوعِ فِيهِمَا،

مصنف علیه الرحمه فرمود: اگر از رکوع و سجده عاجز شد اما استطاعت قیام را داشت پس باید نشست به ایما و اشاره نماز بگذارد (1) به دلیل اینکه فرض بودن قیام از لحاظ رکوع و سجده است زیرا که عاجزی در آن دو زیادتر است.

(1) درباره آن نفری که ایستاده شده میتواند مگر سجده و رکوع نمیتواند علماء کرام اختلاف نظر دارند نظر احناف بالا در متن ذکر است لکن نریات ائمه ثلاثه را در ذیل ذکر نودیم أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى : 463هـ) در کتاب خود الکافی فی فقه أهل المدينة المالکی در (ج ۱ ص ۲۳۶) فرموده است که جائز نیست بر هیچ کسی که ایستاد شده میتواند و نماز به نشسته بخواند و اگر ایستاد شده نمیتوانست باز چارزانو کرده نماز بخواند و رکوع و سجده کند اگر نمیتوانست و اگر رکوع و سجده نمیتوانست باز به اشاره نماز بخواند و لکن سجده اش پائینتر از رکوع باشد.

أبو الحسين يحيى بن أبي الخير بن سالم العمراني اليميني الشافعي (المتوفى : 558هـ) در کتاب خود البیان فی مذهب الإمام الشافعي در (ج ۲ ص ۴۴۲) فرموده است که اگر یک نفر ایستاده شده نمیتوانست نشسته نماز بخواند بدلیل قول الله تعالی لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ} [آل عمران: 191] (قِيَامًا) باین معناست که یک نفر ایستاده شده میتواند باز ایستاده شده نماز بخواند (وَقُعُودًا) باین معنا که یک نفر ایستاده شده نمیتواند نشسته نماز بخواند (وَعَلَى جُنُوبِهِمْ) باین معنا که یک نفر نشستته هم نمیتواند به پهلو خود را انداخته و نماز بخواند.

موسی بن أحمد بن موسی بن سالم بن عیسی بن سالم الحجایو المقدسی، ثم الصالحی، شرف الدین، أبو النجا (المتوفى : 968هـ) در کتاب خود الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل در (ج 1 ص 176) فرموده واجب است که مریض نماز فرض را ایستاده بخواند، به اجماع، اگر ایستاده شده نمیتواند، مگر به شکل رکوع ایستاده شده میتواند، و یا به یک چیزی تکیه کند یا به دیوار باز ایستاده شده میتواند باز هم درست ایستاده شده نماز بخواند و اگر بهمین شکل ایستاده شود ن برایش بسیار تکلیف بود یا مرض اش زیاد میشود و یا زود جور نمیشود باز درین صورت جائز است که چارزانو نشسته و یا هر قسم که میتواند بنشیند و نماز بخواند و اگر بلکه نشستته نمیتواند باز به پهلو راست خود را انداخته و نماز بخواند و اگر به پشت سر خود را انداخته و پائهای خود را به طرف قبله کرده نماز بخواند هم درست است.

لِهَذَا شُرِعَ السُّجُودُ بِدُونِ الْقِيَامِ كَسَجْدَةِ التَّلَاوَةِ وَالسَّهْوِ وَلَمْ يُشْرَعِ الْقِيَامُ وَحْدَهُ، وَإِذَا سَقَطَ مَا هُوَ الْأَصْلُ فِي شَرْعِيَّةِ الْقِيَامِ سَقَطَ الْقِيَامُ؛ وَلَوْ صَلَّى قَائِمًا مُؤَمِّيًا جَازًا، وَالْأَوْلَى أَفْضَلُ لِأَنَّهُ أَشْبَهُ بِالسُّجُودِ.

از همین لحاظ سجده مشروع و معتبر دانسته شده است بدون قیام (1) مانند سجده تلاوت و سجده سهو و قیام هیچگاه به تنهایی مشروع نبوده است و زمانیکه ساقط شد آنچه که اصل است در مشروعیت قیام ساقط گردید و قیام هم ساقط میگردد و اگر نماز را به صورت ایستاده گذاشت به ایما و اشاره جایز است اما صورت اولی یعنی نشسته نماز خواندن بهتراست زیرا که این شباهت به سجده دارد.

(1) درباره آن نفری که ایستاده شده میتواند مگر سجده و رکوع نمیتواند علماء کرام اختلاف نظر دارند نظر احناف بالا در متن ذکر است لکن نریات ائمه ثلاثه را در ذیل ذکر نودیم موسی بن أحمد بن موسی بن سالم بن عیسی بن سالم الحجایو المقدسی، ثم الصالحی، شرف الدین، أبو النجا (المتوفی: 968هـ) در کتاب خود الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل فرموده است اگر یک نفر ایستاده شده میتواند و لکن رکوع و سجده نمیتوانست درین صورت ایستاده شده به اشاره رکوع کند و نشسته سجده هم به اشاره کند. الشافعی أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي (المتوفی: 204هـ) در کتاب خود الأم (در ج 1 ص 99) امام شافعی رحمه الله علیه فرموده اگر کسی ایستاده شده نمیتواند نشسته و به رکوع و سجده نماز بخواند بشرط که رکوع و سجده میتواندست.

موسی بن أحمد بن موسی بن سالم بن عیسی بن سالم الحجایو المقدسی، ثم الصالحی، شرف الدین، أبو النجا (المتوفی: 968هـ) در کتاب خود الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل (در ج 1 ص 176) فرموده واجب است که مریض نماز فرض را ایستاده بخواند، به اجماع، اگر ایستاده شده نمیتواند، مگر به شکل رکوع ایستاده شده میتواند، و یا به یک چیزی تکیه کند یا به دیوار باز ایستاده شده میتواند باز هم درست ایستاده شده نماز بخواند و اگر بهمین شکل ایستاده شود نبرایش بسیار تکلیف بود یا مرض اش زیاد میشود و یا زود جور نمیشود باز درین صورت جائز است که چارزانونشسته و یا هر قسم که میتواند بنشیند و نماز بخواند و اگر بلکه نشسته نمیتواند باز به پهلوی راست خود را انداخته و نماز بخواند و اگر به پشت سر خود را انداخته و پائهای خود را به طرف قبله کرده نماز بخواند هم درست است.

قَالَ: (فَإِنْ عَجَزَ عَنِ الْإِيمَاءِ بِرَأْسِهِ أَوْ خَرَّ الصَّلَاةَ) لِمَا رَوَيْنَا، فَإِنْ مَاتَ عَلَى تِلْكَ الْحَالَةِ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ بَرِيَ فَالصَّحِيحُ أَنَّهُ يَلْزَمُهُ قَضَاءُ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ لَا غَيْرَ نَفِيًا لِلْحَرَجِ كَمَا فِي الْجُنُونِ وَالْإِعْمَاءِ بِخِلَافِ النَّوْمِ حَيْثُ يُفْضِيهَا وَإِنْ كَثُرَتْ، لِأَنَّهُ لَا يَمْتَدُّ أَكْثَرَ مِنْ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ غَالِبًا.

مصنف علیه ارحمه فرمود اگر عاجز ماند از نماز خواندن با اشاره نمودن بر سر تا خیر شود نماز از آن (1) از لحاظ حدیث شریف که روایت کردیم پس اگر در این حالت وفات کند هیچ نوع مسؤولیت بالای آن مریض از نمازهای که با این حالت ترک نموده نیست و اگر صحت یاب شد در روایت صحیح بالای آن مریض قضا آوردن یک شب و یک روز نماز است نه غیر آن از لحاظ دفع حرج (2) مانند جنون دیوانگی یا بیهوشی و این موضوع برخلاف خواب است زیرا که نمازهای قضا شده از اثر خواب را بجا میآورد هر چند که از یک شب و روز زیادت هم باشد زیرا که خواب در اغلب احوال از یک شب و روز بیشتر نمیشود.

(1) در باره آن نفری که نماز به اشاره هم خوانده نمیتواند احناف و مالکیان اختلاف نظر دارند نظریه احناف بالا در متن ذکر است و نظریه مالکیان در ذیل ذکر شد ابو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: 463هـ) در کتاب خود الکافی فی فقه أهل المدينة المالکی (در ج 1 ص 237) اگر یک نفر به اشاره هم نماز خوانده نمیتواند او مانند آن نفر است که بیهوش شده باشد لکن نماز اش ساقط نمیشود.

جمال الدین أبو محمد عبد الله بن یوسف بن محمد الزیلعی (المتوفى: 762هـ) در کتاب خود: نصب الرایة لأحادیث الهدایة مع حاشیته بغیة الألمعی فی تخریج الزیلعی (در ج 2 ص 176) در حدیث نمبر (138) فرموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید که مریض نماز به ایستاده بخواند و اگر ایستاد شده نمیتوانست نشسته بخواند و اگر نشسته نمیتوانست به پشت سر خود را انداخته به اشاره بخواند و اگر اشاره هم نمیتوانست الله تعالی بهتر میداند به قبول کردن عذرا و علامه زیلعی می فرماید که این حدیث غریب است.

(2) درباره ساقط نمودن نماز آن نفری که به اشاره هم نماز خوانده نمیتواند این قاعده هم به دلیل شده میتواند (الرحم مرفوع) العلامة نور الدین بن مختار الخادمی در کتاب خود علم المقاصد الشرعیة الناشر: مكتبة العبيکان (در ج 1 ص 130) فرموده است که دور کردن حرج بخاطری است که در دین الله تعالی آسانی است باین خاطر حرج دور شده به ترک بعضی واجبات و تغیر بعضی اوقات و کیفیات.

بِهَذِهِ الْأَشْيَاءِ فَلَا يَجُوزُ بِهَا الْإِيْمَاءُ كَمَا لَوْ أَوْمَأَ بِيَدِهِ أَوْ رَجَلِهِ بِخِلَافِ الرَّأْسِ لِأَنَّهُ يَتَأَدَّى بِهِ فَرَضَ السُّجُودِ. وَقَالَ زُفَرٌ: يَوْمِي بِالْقَلْبِ لِأَنَّهُ يَتَأَدَّى بِهِ بَعْضُ الْفَرَائِضِ وَهُوَ النَّيَّةُ وَالْإِخْلَاصُ فَيُؤَدَّى بِهِ الْبَاقِي. وَجَوَابُهُ أَنَّ الْإِيْمَاءَ بِالْقَلْبِ النَّيَّةُ وَلَا يَقُومُ مَقَامَ فِعْلِ الْجَوَارِحِ كَالْحَجِّ.

مصنف رحمة الله عليه فرمود اشاره نکند مریض به جسمهای خود ونه به قلب خود ونه با ابروی خود(1) زیراکه فرضیت سجده حاصل نمیشود با این اعمال پس جایز نیست به توسط آن اشاره نمودن مانند اینکه اشاره کند با دست وپای خود برخلاف سر زیراکه با اشاره بر آن ادی میگردد فرض سجده وامام زفر (2) رحمه الله تعالی فرموده باید اشاره با قلب هم بکند زیراکه توسط آن ادا میگردد بعض فرایض وآن عبارت از نیت واخلص است پس باقی اعمال نیز ادا میگردد وجواب در مقابل آن این است که اشاره باقلب نیت است وقایم مقام فعل جوارح واعضا شده نمیتواند مانند حج .

(1) درباره آن نفری که به اشاره نماز خونده نمیتواند علماء کرام اختلاف نظر دارند نظر احناف بالا در متن ذکر است لکن نریات امام احمد بن حنبل رح را در ذیل ذکر نمودیم عبد الغنی الغنیمی الدمشقی المیدانی در کتاب خود اللباب فی شرح الكتاب در صفحه نمبر (49) فرموده اگر اشاره به سر نمیتوانست باز نماز خواندن بالایش نیست به چشم، قلب، و آبرو اشاره درست نیست.

عبد الله بن قدامة المقدسی أبو محمد در کتاب خود (الكافي في فقه الإمام المجل أحمد بن حنبل در ج 1 ص 314) فرموده است اگر یک نفر به پهلو نماز خوانده نمیتوانست به پشت سر خود را انداخته نماز به اشاره سر وبه رکوع وسجد بخواند واگر به هر دو پهلو نماز خوانده نمیتوانست باز هم نماز اش ساقط نمیشود تا حالیکه عقل اش درست باشد.

(2) امام زفر رحمة الله عليه نام پدرش الهذیل نام پدر کلانش قیس بن سلم است فقیه ومجتهد بود یحی بن معین میفرماید که امام زفر رحمة الله عليه امانتدار مامون بود و حسن بن زیاد اللؤلئی ون ندیده ام فقیه مناظر مانند امام زفر رحمة الله عليه تاریخ پیدایش اش (110 هج وفات 158 هج) سیر اعلام النبلاء (ج 8 ص 39)

قَالَ: (وَلَوْ صَلَّى بَعْضُ صَلَاتِهِ قَائِمًا ثُمَّ عَجَزَ فَهُوَ كَالْعَجْزِ قَبْلَ الشُّرُوعِ) مَعْنَاهُ إِنْ قَدَرَ عَلَى الْقُعُودِ أَتَمَّهَا قَاعِدًا، وَإِنْ عَجَزَ فَمُسْتَلْقِيًا لِأَنَّهُ بِنَاءُ الضَّعِيفِ عَلَى الْقَوِيِّ، وَإِنْ شَرَعَ قَاعِدًا ثُمَّ قَدَرَ عَلَى الْقِيَامِ بَنَى خِلَافًا لِمُحَمَّدٍ بِنَاءً عَلَى مَا تَقَدَّمَ أَنَّ صَلَاةَ الْقَائِمِ خَلْفَ الْقَاعِدِ تَجُوزُ عِنْدَهُمَا خِلَافًا لَهُ. (وَلَوْ شَرَعَ مُومِيًا ثُمَّ قَدَرَ عَلَى الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ اسْتَقْبَلَ) لِأَنَّهُ بِنَاءُ الْقَوِيِّ عَلَى الضَّعِيفِ وَلَا يَجُوزُ لِمَا تَقَدَّمَ.

مصنف علیه الرحمه فرمود: اگر بعض نماز خود را به صورت ایستاده ادا کرد بعدآن عاجز شد پس آن عجز مانند عجز قبل از شروع است معنی اش این است که اگر توانایی اتمام نماز به صورت نشسته را داشت باید نشسته ادا نماید واگر از آن هم عاجز بود پس باید به صورت به پشت خوابیده انجام دهد زیرا که این چنین نماز خواندن از جمله بناء ضعیف بر قوی (۱) میباشد واگر شروع نمود نماز را نشسته بعد از آن قادر بر قیام شد باید بنا کند باقی نماز را به صورت ایستاده این امر برخلاف امام محمد رحمه الله تعالی میباشد بنا برآن چی که قبلا گذشت اقتدای قایم از عقب نشسته جایز است نزد یاران نه نزد امام از لحاظ آنچه که گذشت .

(وَمَنْ أُغْمِيَ عَلَيْهِ أَوْ جُنَّ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فَضَاهَا، وَلَا يَقْضِي أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ) نَفْيًا لِلْحَرَجِ،
وَذَلِكَ عِنْدَ الْكَثْرَةِ بِالتَّكْرَارِ، وَهُوَ مَأْثُورٌ عَنْ عُمَرَ وَابْنِهِ وَالْخُدْرِيِّ.

و شخصیکه بیهوش شد یا دیوانه شد پنج نماز قضا بیاورد آنرا نه بیشتر از آن را (1) زلاحظ دفع مشقت
(2) و این در صورت کثرت تکرار اغما یا دیوانگی است و این قول منقول است از حضرت عمر رضی الله عنه
و فرزندشان عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما و همچنان ابی سعید الخدری رضی الله عنه میباشد .

(1) جمال الدین أبو محمد عبد الله بن یوسف بن محمد الزیلعی (المتوفی: 762هـ) در کتاب خود نصب (الرایة لأحادیث الهدایة مع حاشیته بغیة الألمعی فی تخریج الزیلعی در (ج ۲ ص ۱۷۷) فرموده که از یزید مولى عمار بن یاسر رضی الله عنهما روایت است که عمار بن یاسر رضی الله عنه بیهوش شده بود در وقت پیشین، دیگر، شام، خوفتن به هوش آمد نصف شب پس قضائی آورد نماز های خود را امام شافعی رحمة الله علیه می فرماید که این روایت از مولى عمار بن یاسر ثابت نیست و اگر ثابت هم شود حمل است بر استحباب.
(2) این قاعده فقهی درباره دفع حرج است در وقت که بالای یک نفر مشقت بسیار بیاید باید برایش آسانی آورده شود قسم که در قاعده ذیل است (الحرج مرفوع) العلامة نور الدین بن مختار الخادمی در کتاب خود علم المقاصد الشرعية الناشر: مكتبة العبيکان در (ج ۱ ص ۱۳۰) فرموده است که دور کردن حرج بخاطری است که در دین الله تعالی آسانی است باین خاطر حرج دور شده به ترک بعضی واجبات و تغیر بعضی اوقات و کیفیات.

مَرِيضٌ مَجْرُوحٌ تَحْتَهُ ثِيَابٌ نَجِسَةٌ وَكُلَّمَا بَسَطَ تَحْتَهُ شَيْءٌ تَنَجَّسَ مِنْ سَاعَتِهِ يُصَلِّي عَلَى
حَالِهِ مُسْتَلْقِيًا، وَكَذَا إِنْ كَانَ لَا يَتَنَجَّسُ لَكِنَّهُ يَزِدَادُ مَرَضَهُاَوْ تَلَحُّقَهُ مَشَقَّةٌ بِتَحْرِيكِهِ بَأَنْ
بَزَغَ الْمَاءُ مِنْ عَيْنِهِ دَفْعًا لَزِيَادَةِ الْحَرَجِ. مَرِيضٌ رَاكِبٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى مَنْ يُنْزِلُهُ يُصَلِّي
الْمَكْتُوبَةَ رَاكِبًا بِإِيْمَاءٍ، وَكَذَلِكَ إِذَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَى النُّزُولِ لِمَرَضٍ أَوْ مَطَرٍ أَوْ طِينٍ أَوْ عَدُوٍّ لِمَا
رُوي: «أَنَّهُ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -

مريض زخمی که در زیر پای آن کالای ناپاک قرار دارد و هر وقتیکه هموار کرده شود در زیر پای آن چیزی را
ناپاک میسازد آنرا در همان ساعت به همان حالت خود را به پشت سر انداخته و نماز خود را
ادانماید، و همچنان در زمانی که نجس نمیگردد لکن بیماری اش زیاد میشود یا برای مریض تکلیف عارض
میگردد به حرکت دادن آن به شکلی که در چشمهای مریض آب نمایان میگردد که نشان افکار شدن باشد
نماز رابه همان حالت ادا میکند این از لحاظ دفع زیادت مشقت برای مریض است مریض سوار است که
توانای ندارد از اسب پایین گردد یا کسی دیگر هم نیست که آنرا از سواری پایین کند میگذارد نماز های
پنجگانه را در حالت سوار به صورت اشاره و همچنان زمانی که قدرت پایین شدن از سواری را از جهت مرض
یا از لحاظ بودن باران یا گل ولایی یا از جهت موجودیت دشمن از لحاظ اینکه روایت شده است رسول
اکرم صلی الله علیه وسلم (1)

(1) در (ج 5 ص 481) در حدیث نمبر (3679) از عمرو بن عثمان بن یعلی بن مرة واو از پدر و پدیر کلان خود روایت میکند که اونه همراهی رسول
الله صلی الله علیه وسلم در سفر بودند در یک تنگی قرار گرفتند پس وقت نماز شد و باران از بالای شان میبارید و از پایین نم وتری بود
و رسول الله صلی الله علیه وسلم آذان کرد در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم بالای سواری خود بودند پس پیش شدند و برای اصحاب
کرام امامت نمودند و در بالای سواری خود با اشاره نماز ادا میکردند و سجده خود را از رکوع پایین تر انجام میدادند و این حدیث را امام ترمذی
روایت کرده و می فرماید که این حدیث غریب است.

(1) محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: 1420هـ) در کتاب خود صحیح و ضعیف سنن الترمذی در صفحه (48) از عمر بن الرماح و او از کثیر
بن زیاد واو از عمرو بن عثمان بن یعلی بن مرة واو از پدر خود و او از پدر کان خود روایت میکند که اونها همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم
در یک در سفر بودند در یک تنگی قرار گرفتند پس وقت نماز شد و باران از بالای شان میبارید و از پایین نم وتری بود و رسول الله صلی الله
علیه وسلم آذان کرد در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم بالای سواری خود بودند پس پیش شدند و برای اصحاب کرام امامت نمودند
و در بالای سواری خود با اشاره نماز ادا میکردند و سجده خود را از رکوع پایین تر انجام میدادند و همچنان از انس بن مالک رضی الله عنه
روایت کرده است که بالای حیوان خود در آب و گل نماز خواند و به نظر اهل علم به آن عمل می شود و احمد و اسحاق چنین می گویند.
و اسناد این حدیث ضعیف است)

كَانَ فِي مَسِيرِ فَانْتَهَوْا إِلَى مَضِيقٍ فَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَمَطَرُوا السَّمَاءَ مِنْ فَوْقِهِمْ وَالْبَلَّةُ مِنْ أَسْفَلَ مِنْهُمْ، فَأَذَّنَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ عَلَى رَاحِلَتِهِ وَأَقَامَ، فَتَقَدَّمَ عَلَى رَاحِلَتِهِ فَصَلَّى بِهِمْ يَوْمَئِذٍ إِيمَاءً، فَجَعَلَ السُّجُودَ أَحْفَظَ مِنَ الرَّكُوعِ»

در یک را بودند در سفر پس در تنگنای قرار گرفتند پس وقت نماز شد وباران از بالای شان باریدن گرفت واز پایین نم وتری بود. پس رسول اکرم صلی الله علیه وسلم اجازه(1) دادند در حالیکه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بالای سواری خود بودند پس پیش آهنگ شدند و برای اصحاب کرام امامت(2) نمودند ودر بالای سواری خود با اشاره نماز ادامیکردند و سجده خود را از رکوع پایین تر انجام میدادند.

(¹) محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمي در الجامع الصحیح سنن الترمذی در (ج ۲ ص ۲۶۶) در حدیث نمبر (۴۱۱) مانند حدیث بالا فرموده است و امام ترمذی زیاد میگوید که این حدیث غریب است که مختص عمر بن الرماح البلخی است و فقط در همین حدیث شناخته شده است. و علامه البانی می فرماید که پند اش ضعیف است.

(¹) ابن الملقن سراج الدین أبو حفص عمر بن علی بن أحمد الشافعی المصري (المتوفی: 804 هـ) در کتاب خود البدر المنیر فی تخریج الأحادیث والأثار الواقعة فی الشرح الكبير (ج ۳ ص ۴۲۵) فرموده که این حدیث غریب (عجیب) است و در مسند احمد و دارقطنی آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم امر کرد به مأذن و او آذان کرد و بعد نماز خواندند.

أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی (المتوفی: 241 هـ) در کتاب خود مسند الإمام أحمد بن حنبل در (ج ۲۹ ص ۱۱۲) در حدیث نمبر (۱۷۵۷۳) مانند حدیث که در متن است فرموده و لکن زیاد کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم به مأذن امر کرد که آذان بگوید و بعد از آذان به نماز پیش شد و به اشاره نماز خواند و سجده را پانینتر از رکوع کرد.

(¹) در (ج ۵ ص ۴۸۱) در حدیث نمبر (۳۶۷۹) از عمرو بن عثمان بن یعلی بن مرة و او از پدر خود و او از پدر خود و او از پدر خود روایت میکند که او نه همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم در یک در سفر بودند در یک تنگی قرار گرفتند پس وقت نماز شد و باران از بالای شان مبارید و از پایین نم وتری بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم آذان کرد در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم بالای سواری خود بودند پس پیش شدند و برای اصحاب کرام امامت نمودند و در بالای سواری خود با اشاره نماز ادامیکردند و سجده خود را از رکوع پایین تر انجام میدادند و این حدیث را امام ترمذی روایت کرده و می فرماید که این حدیث غریب است.

(¹) محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: 1420 هـ) در کتاب خود صحیح و ضعیف سنن الترمذی در صفحه (۴۸) از عمر بن الرماح و او از کثیر بن زیاد و او از عمرو بن عثمان بن یعلی بن مرة و او از پدر خود و او از پدر خود و او از پدر خود روایت میکند که او نه همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم در یک در سفر بودند در یک تنگی قرار گرفتند پس وقت نماز شد و باران از بالای شان مبارید و از پایین نم وتری بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم آذان کرد در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم بالای سواری خود بودند پس پیش شدند و برای اصحاب کرام امامت نمودند و در بالای سواری خود با اشاره نماز ادامیکردند و سجده خود را از رکوع پایین تر انجام میدادند و همچنان از انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است که بالای حیوان خود در آب و گل نماز خواند و به نظر اهل علم به آن عمل می شود و احمد و اسحاق چنین می گویند. و اسناد این حدیث ضعیف است)

(¹) محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمي در الجامع الصحیح سنن الترمذی در (ج ۲ ص ۲۶۶) در حدیث نمبر (۴۱۱) مانند حدیث بالا فرموده است و امام ترمذی زیاد میگوید که این حدیث غریب است که مختص عمر بن الرماح البلخی است و فقط در همین حدیث شناخته شده است. و علامه البانی می فرماید که پند اش ضعیف است.

(¹) ابن الملقن سراج الدین أبو حفص عمر بن علی بن أحمد الشافعی المصري (المتوفی: 804 هـ) در کتاب خود البدر المنیر فی تخریج الأحادیث والأثار الواقعة فی الشرح الكبير (ج ۳ ص ۴۲۵) فرموده که این حدیث غریب (عجیب) است و در مسند احمد و دارقطنی آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم امر کرد به مأذن و او آذان کرد و بعد نماز خواندند.

أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی (المتوفی: 241 هـ) در کتاب خود مسند الإمام أحمد بن حنبل در (ج ۲۹ ص ۱۱۲) در حدیث نمبر (۱۷۵۷۳) مانند حدیث که در متن است فرموده و لکن زیاد کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم به مأذن امر کرد که آذان بگوید و بعد از آذان به نماز پیش شد و به اشاره نماز خواند و سجده را پانینتر از رکوع کرد.

(²) محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمي در الجامع الصحیح سنن الترمذی در (ج ۲ ص ۲۶۶) در حدیث نمبر (۴۱۱) مانند حدیث بالا فرموده است و امام ترمذی زیاد میگوید که این حدیث غریب است که مختص عمر بن الرماح البلخی است و فقط در همین حدیث شناخته شده است. و علامه البانی می فرماید که سند اش ضعیف است.

وَلِأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَى النُّزُولِ سَقَطَ عَنْهُ كَحَالَةِ الْخَوْفِ، وَإِذَا جَازَ لِلصَّلَاةِ رُكْبَانًا، فَفَرَضُوهُمْ
 الْإِيمَاءُ؛ لِأَنَّ الرَّكَبَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَلَمَّا رُوِينَا،

ودلیل دیگر اینکه زمانی که قادر بر پایین شدن از راحله نداشت (1) قیام از اوساقت میشود مانند صلوة
 خوف ووقتی که نماز درحالت سواری جایز گردید پس ایماء یا اشاره فرض است زیرا که سوار کار توانای رکوع
 وسجود را ندارد ودلیل دیگر هم همان رویت که تذکر صورت گرفت میباشد.

(¹) احناف و حنابل اتفاق نظر دارند در باره کسی که توان پائین از سواری خود را نداشت که قیام ازشان ساقط میشود أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی (المتوفى: 241هـ) در کتاب خود (مسند الإمام أحمد بن حنبل در ج 8 ص 44) در حدیث نمبر (4470) از مُعْتَمِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ، وَاوَازُ نَافِعٍ، رَوَيْتَ مِیْکَنْد نَافِعٍ فَرَمُودَ کَه ابْنِ عَمْرِو رَضِيَ اللهُ عَنْهُ رَا دِيدِمُ کَه بِالَايِ حَيَوَانَ خُودِ نَمَازِ نَفْلِ مِیْخَوَانِدُ وَمَنْ بَه اَوْمَتْوَجِهَ شَدِمُ وَبِرَايشِ دَرِبَارَهَ نَمَازِ بِالَايِ دَابَهَ تَذَكَّرَ کَرْدِمُ وَاوُ فَرَمُودَ کَه مِنْ اِبَا قَاسِمِ (رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَا دَرِيْنَ حَالِ دِيدَه اَم. اَزِ بِنِ مَعْلُومِ مِیْشُودُ کَه نَمَازِ نَفْلِ بِالَايِ حَيَوَانَ جَائِزُ اسْتِ وَفَرَضُ جَائِزُ نِیْسْتِ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ. عِبْدُ اللهِ بِنِ قَدَامَةَ الْمُقَدَّسِيِّ اَبُو مُحَمَّدِ دَرِکْتَابِ خُودِ الْکَافِي فِي فَهْمِ الْاِمَامِ الْمَبْجَلِ اَحْمَدِ بِنِ حَنْبَلِ دَرِ (ج 1 ص 314) فَرَمُودَه اسْتِ اِگْرَ پَائِيْنَ شُودِ مَرِيضُ تَكْلِيْفِ بَرَايشِ مِیْرَسِدُ بَازِ مِیْتَوَانِدُ کَه بِالَايِ حَيَوَانَ خُودِ نَمَازِ بَخَوَانِدُ دَرِ وَاقْتِي کَه خَطَرَ جَانَشِ بَاشَدِ مَانَدِ کَسِي کَه اَزِ دَشْمَنِ مِیْتَرَسِدُ.

وَإِنْ قَدَرَ عَلَى النُّزُولِ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ لِأَجْلِ الطَّيْنِ صَلَّى قَائِمًا بِإِيمَاءٍ
 لِلْعَجْزِ عَنِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، وَإِذَا صَلَّى رَاكِبًا يُوقِفُ الدَّابَّةَ؛ لِأَنَّ فِي السَّيْرِ انْتِقَالَ
 وَاخْتِلَافًا لَا يَجُوزُ فِي الصَّلَاةِ، وَإِنْ تَعَذَّرَ عَلَيْهِ إِيقَافُهَا جَازَتْ الصَّلَاةُ مَعَ السَّيْرِ كَمَا فِي
 حَالَةِ الْخَوْفِ.

واگر قدرت برنزول داشت ولكن رکوع وسجود را انجام داده نمیتوانیست از لحاظ موجودیت گل ولای باید
 نماز را به صورت ایستاده ادانماید با اشاره ازلحاظ موجودیت عجز از رکوع وسجود وزمانیکه به صورت سوار
 نماز ادا میکند ایستاد میکند سواری را زیرکه در حرکت نوع انتقال ودگرگونی در حرکات میباشد که آن د
 رنماز ممنوع است واگر ایستاد نمودن سواری متعذر بود در آن حالت نماز گذاریدن در حالت حرکت جایز
 میباشد مانند نماز خوف .

وَمَنْ كَانَ فِي السَّفِينَةِ فَإِنْ قَدَرَ عَلَى الْخُرُوجِ إِلَى الشَّطِّ يُسْتَحَبُّ لَهُ الْخُرُوجُ لِيَتِمَّكَنَ
 مِنَ الْقِيَامِ وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، وَإِنْ صَلَّى فِي السَّفِينَةِ أَجْزَأَهُ لَوْجُودِ شَرَائِطِهَا، فَإِنْ كَانَتْ
 مُوثَقَةً بِالشَّطِّ صَلَّى قَائِمًا، وَكَذَلِكَ إِنْ كَانَتْ مُسْتَقَرَّةً عَلَى الْأَرْضِ لِأَنَّهُ مُسْتَقَرٌّ فِي أَرْضِ
 السَّفِينَةِ فَيَأْتِي بِالْأَرْكَانِ بِالْإِجْمَاعِ وَإِنْ كَانَتْ سَائِرَةً يُصَلِّي قَائِمًا، فَإِنْ صَلَّى قَاعِدًا وَهُوَ
 يَسْتَطِيعُ الْقِيَامَ أَجْزَأَهُ وَقَدْ أَسَاءَ وَقَالَا: لَا يَجُوزُ لِأَنَّ الْقِيَامَ رُكْنَ فَلَا يَجُوزُ تَرْكُهُ وَصَارَ كَمَا
 إِذَا كَانَتْ مَرْبُوطَةً.

و شخصیکه در کشتی بود مستحب است تا به ساحل دریا خارج گردد و نماز را ادا نماید تا اینکه قادر گردد
 بر قیام و رکوع و سجده و اگر نماز را در کشتی انجام داد جایز است از لحاظ موجودیت شرایط آن که همانا
 تمکین بر رکوع و سجده است پس اگر کشتی بسته شده در کنار ساحل باشد نماز را حتماً به صورت
 ایستاده بگذارد و همچنین زمانی که کشتی قرار گرفته در زمین بود زیرا که در این حالت نماز گذار مستقر
 و متمکن در زمین کشتی میباشد پس تمام ارکان را باید مکمل انجام دهد و اگر کشتی حرکت کننده
 یعنی روان بود به صورت ایستاده نماز بگذارد پس اگر نماز گذاشت به صورت نشسته و حال آنکه توانایی
 نماز خواندن به صورت ایستاده را داشت جایز است اما بدکار کرده و صاحبین گفتند جایز نیست زیرا که
 قیام رکن نماز است و بدون عذر ترک شده است پس ترک آن جایز نیست و این بعینه مانند حالت بسته
 بودن کشتی را دارد.

وَلَهُ مَا رَوَى ابْنُ سِيرِينَ قَالَ: أَمْنَا أَنْسَ فِي نَهْرٍ مَعْقِلٍ عَلَى بَسَاطِ السَّفِينَةِ جَالِسًا وَنَحْنُ جُلُوسٌ، وَلِأَنَّ الْعَالِبَ فِيهَا دَوْرَانُ الرَّأْسِ، وَالْعَالِبُ كَالْمُتَحَقِّقِ كَمَا فِي السَّفَرِ لَمَّا كَانَ الْعَالِبُ فِيهِ الْمَشَقَّةُ كَانَ كَالْمُتَحَقِّقِ فِي حَقِّ الرُّخْصَةِ كَذَا هُنَا، بِخِلَافِ الْمَرْبُوطَةِ لِأَنَّهَا تَأْخُذُ حُكْمَ الْأَرْضِ، فَإِنْ اسْتَدَارَتِ السَّفِينَةُ وَهِيَ سَائِرَةٌ اسْتَدَارَ إِلَى الْقِبْلَةِ حَيْثُ كَانَتْ لِأَنَّهُ يَقْدَرُ عَلَى الْاسْتِقْبَالِ مِنْ غَيْرِ مَشَقَّةٍ فَلَا يَسْقُطُ كَالْمُصَلِّيِّ عَلَى الْأَرْضِ، بِخِلَافِ الرَّكَّابِ؛ لِأَنَّ الْاسْتِقْبَالَ يَتَعَدَّرُ عَلَيْهِ إِذَا كَانَ يَقْطَعُهُ عَنْ طَرِيقِهِ فَيَسْقُطُ لِلْعُذْرِ.

دلیل امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی روایت ابن سیرین است که فرمود: برای ما امامت کرد انس رضی الله عنه در نهر معقل (1) در داخل کشتی به صورت نشسته و ماهم نشسته بودیم دلیل دیگر اینکه غالباً در داخل کشتی دوران سراسر وهمین واقعه اغلبی مانند متحقق است چنانچه در سفر که غالباً در آن مشقت است پس حیثیت متحقق را دارد در حق رخصت همچنین در موضوع نماز در کشتی برخلاف کشتی بسته شده زیرا که آن در استقرار حکم زمین را دارد پس اگر دوران کرد کشتی و آن در حال حرکت بود دوران کند به طرف قبله قسم که ممکن باشد درین صورت ممکن است به طرف قبله شدن بدون تکلیف و سقوط نمیکند مانند نماز گذار بر زمین برخلاف سوار و روبرو شدن عذر است در حالت رفتار ازین خاطر روبرو شدن به قبله ساقط میشود.

(1) یاقوت بن عبد الله الحموي أبو عبد الله در کتاب خود معجم البلدان در (ج 5 ص 323-324) فرموده نهر معقل جوی ای است منسوب به معقل بن یسار بن عبد الله والواقدي می فرماید عمر رضی الله عنه به ابا موسی اشعری امر کرد که یک نهر حفر کند در بصره و به دست معقل بن یسار آب در آن جاری کند همین بود که این نهر یا جوی بنام معقل مشهور شد و معقل در بصره وفات شد.

[بَابُ صَلَاةِ الْمَسَافِرِ]

(وَفَرَضَهُ فِي كُلِّ رُبَاعِيَّةٍ رَكَعَتَانِ) لِحَدِيثِ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ: «فُرِضَتِ الصَّلَاةُ فِي الْأَصْلِ رَكَعَتَيْنِ، فَزِيدَتْ فِي الْحَضَرِ وَأُقِرَّتْ فِي السَّفَرِ» وَلَا يُعْلَمُ ذَلِكَ إِلَّا تَوْقِيفًا. وَقَالَ عُمَرُ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -: «صَلَاةُ السَّفَرِ رَكَعَتَانِ، وَصَلَاةُ الْجُمُعَةِ رَكَعَتَانِ تَمَامٌ غَيْرُ قَصْرِ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكُمْ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ .

(باب در بیان نماز مسافر می باشد) فرض نماز مسافر در هر چهار رکعتی دو رکعت میباشد ار لحاظ حدیث عایشه رضی الله تعالی عنها که فرموده اند: فرض گردانیده شد نماز در اوایل دو رکعت پس زیاد شد در حضر و به حالت خود باقی گذاشته شد در سفر و این دانسته نمیشود مگر به صورت توقیفی (1). و عمر رضی الله تعالی عنه فرمود: نماز سفر دو رکعت است و نماز جمعه نیز دو رکعت است تمام بدون قصر از بان پیامبرتان صلی الله علیه وسلم ثابت شده است.

(1) محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن معبد، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البستي (المتوفى: 354هـ) بر کتاب خود الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان (ج 6 ص 447) فرموده عایشه رضی الله عنها می فرماید: نماز سفر و شهر دو رکعتی واجب شده است، پس چون رسول الله صلی الله علیه و آله دو رکعت به جا آورد، نماز صبح دو رکعت شد. به سبب طولانی شدن قرائت، و نماز شام چون نماز روز است، طاق است.

أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني در کتاب خود سنن أبي داود (ج 1 ص 464) در حدیث نمبر (1200) به روایت عایشه رضی الله عنها می فرماید نمازها فرض شده بود دو دو رکعت در حالت سفر و حضر و حالت سفر به حال خود ماند و حالت حضر زیاد شد.

أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: 241هـ) در کتاب خود مسند الإمام أحمد بن حنبل (ج 43 ص 357) در حدیث نمبر (26338) به روایت عروة بن الزبير از عایشه رضی الله عنها اول که بالای رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز فرض شد دو دو رکعت بود بدون نماز شام که او سه رکعت بود باز الله تعالی نماز پیشین، دیگر، و خوفتن را پوره کرد (چهار رکعات) در حال حضر و در حال سفر بر حال خود ماند. شیخ البانی صاحب می فرماید که این حدیث صحیح است.

محمد بن يزيد أبو عبد الله القزويني (المتوفى: 273هـ) در کتاب خود سنن ابن ماجه (ج 1 ص 338) در حدیث نمبر (1064) به روایت عمر رضی الله عنه می فرماید نماز سفر دو رکعت است و نماز جمعه دو رکعت است نماز عید فطر و عید قربان دو دو رکعت است و نماز سفر دو رکعت است.

وَرَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ الصَّلَاةَ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكُمْ فِي الْحَضَرِ أَرْبَعًا وَفِي السَّفَرِ رَكْعَتَيْنِ»، وَمِثْلُهُ عَنِ عَلِيٍّ. أَمَّا الْفَجْرُ وَالْمَغْرِبُ وَالْوُتْرُ فَلَا قَصْرَ فِيهَا بِالْإِجْمَاعِ، وَلَوْ أْتَمَّ الْأَرْبَعَ فَقَدْ خَالَفَ السُّنَّةَ، لِأَنَّهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - «لَمَّا صَلَّى بِأَهْلِ مَكَّةَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: " أَتَمُّوا صَلَاتَكُمْ فَإِنَّا قَوْمٌ سَفَرٌ »،

وروايت کرده است عبدالله ابن عباس رضی الله عنه (1) که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود یقیناً خداوند فرض گردانید بالای شما نماز را بر زبان پیامبرتان در حالت اقامه چهار رکعت و درحالت سفر دورکعت میباشد. ومثال آن از حضرت علی رضی الله تعالی عنه نیز رروایت شده ایت . اما نماز فجر ونماز شام ونماز وتر پس در اینها قصر نیست به اجماع امت اسلامی واگر چهار رکعت تمام کرد پس خلاف سنت عمل کرده است. زیرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم زمانیکه نماز گذرانید براهل مکه بعد از هجره نماز گذرانید دورکعت وبعد برای مقیمین فرمود: نماز خود را چهار رکعت تکمیل کنید زیرا که ما قوم مسافرهستیم .

(1) أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ) در کتاب خود سنن أبي داود (ج 2 ص 434) میفرماید از ابن عباس رضی الله عنه فرموده است: خداوند متعال چهار رکعت نماز را به زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - در اقامه واجب کرد، دو رکعت در مسافرت.

أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ) در کتاب خود سنن أبي داود در حدیث نمبر (۱۲۲۹) فرموده به روایت عمران بن حصین رضی الله عنه فرمود با رسول الله صلی الله علیه و آله در غزوه فتح مکه بودم و در مکه هژده شب ماندیم همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم دو رکعت نماز سفر میخواندیم و رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از نماز می فرمود که شما نمازتان را پوره نمائید ما مسافر هستیم.

فَإِنْ قَعَدَ فِي الثَّانِيَةِ أَجْزَأَهُ اثْنَتَانِ عَنِ الْفَرَضِ، وَقَدْ أَسَاءَ لِتَأْخِيرِ السَّلَامِ عَنْ مَوْضِعِهِ،
وَرُكْعَتَانِ لَهُ نَافِلَةٌ لَزِيَادَتِهَا عَلَى الْفَرَضِ، وَإِنْ لَمْ يَقْعُدْ فِي الثَّانِيَةِ بَطَلَ فَرَضُهُ لِأَنَّهُ تَرَكَ
رُكْنًا وَهُوَ الْقَعْدَةُ آخِرُ الصَّلَاةِ.

پس اگر در رکعت دوم قعد نمود و رکعت سوم و چهارم را نیز ادا نمود دو رکعت آن فرض محسوب می‌گردد و در واقع به این عمل گناه کار شد زیرا که سلام گشتانیدن متاخر شد و دو رکعت بعدی برایش نافله شد زیرا که از فرض زیاد شد و اگر در در رکعت دوم قعد نمود فرضش باطل است زیرا که یک رکن از آن ترک کردید (1) و آن قعد آخر است .

(۱) وقتی که پس از رکعت دوم قعد نه کرد طبق قاعده فقهی نماز اش باطل میشود (الامر بالشیء نهی عن ضدّ العلامة: عبد الله بن سعید محمد عبّادی اللجی الحضرمی الشحّاری در کتاب خود ایضاً القواعد الفقهیة لطلاب المدرسة الصولتیة للجی صفحہ نمبر (۲۹) فرموده است اگر در عبادات یک رکن ترک شد واجب است اعاده آن عبادت.
قاعدة (من أقوى مراتب العموم) محمد بن مفلح بن محمد بن مفرج، أبو عبد الله، شمس الدين المقدسي الراميني ثم الصالحي الحنبلي (المتوفى: 763هـ) أصول الفقه الناشر: مكتبة العبيكان در (ج ۲ ص ۸۶۱) فرموده که که لفظ عام احتمال خاص را ندارد بدون دلیل باین خاطر مسافر که از سه روز کمتر در سفر باشد احکام سفر بالای او عملی نمیشود.

قَالَ: (وَيَصِيرُ مُسَافِرًا إِذَا فَارَقَ بُيُوتَ الْمِصْرِ قَاصِدًا مَسِيرَةَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَلِيَالِيهَا) لِأَنَّهُ لَا يَصِيرُ مُسَافِرًا إِلَّا إِذَا خَرَجَ مِنَ الْمِصْرِ، وَقَدْ قَالَتِ الصَّحَابَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَجْمَعِينَ لَوْ فَارَقْنَا هَذَا الْخُصَّ لَقَصَرْنَا.

مصنف رحمة الله عليه فرموده زمانیکه خانه های شهر خود را ترک نمود (1) و دور شد از آن مسافر محسوب میگردد در صورتیکه نیت کننده مسافه سه شب و سه روز را داشته باشد زیرا که از جمله مسافر محسوب نمیگردد مگر زمانیکه از شهر خود خارج گردد و اصحاب کرام فرمودند اگر ازین الخص (کلبه) جدا شدیم قصر میخوانیم .

(1) درباره حساب شدن وقت سفر با احناف ائمه ثلاثه اتفاق نظر دارند امام أبو بکر محمد بن إبراهيم بن المنذر النيسابوري (المتوفى: 319هـ) در کتاب خود الأوسط فی السنن والاجماع والاختلاف (ج 4 ص 351) بر حدیث نمبر (2271) به روایت اوزاعی و عام علماء که می فرمایند به مسافه یک روز و یک شب و ابتداء نماز مسافرت از وقتی که یک نفر اراده سفر را کند و از خانه های قریه خود بیرون شود مسافر حساب میشود. محمد العربي القروي در کتاب خود الخلاصة الفقهية على مذهب السادة المالكية در صفحه نمبر (119) میفرماید درباره شروع نماز سفر وقتی کی یک نفر از باغهای اهل قریه خود و یا از زمین زراعتی اهل قریه خود دور شد نماز مسافری بخواند و آنان که در خیمه زندگی میکنند به مجرد جدا شدن از خیمه های قوم خود و آنان که در کوهها زندگی میکنند مانند چوپانها وقتی که از خانهای اهل قریه خود جدا شدند مسافر حساب میشوند.

وَأَمَّا التَّقْدِيرُ فَلِقَوْلِهِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «يُمَسَّحُ الْمَسَافِرُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَيَالِيهَا»،
وَالْمُرَادُ بَيَانُ حُكْمِ جَمِيعِ الْمَسَافِرِينَ لِيَكُونَ أَعْمَ فَائِدَةً، فَيَتَنَاوَلُ كُلُّ مُسَافِرٍ سَفْرَهُ ثَلَاثَةَ
أَيَّامٍ لِيَسْتَوْعِبَ الْحُكْمَ الْجَمِيعَ، وَلَوْ كَانَ السَّفَرُ الَّذِي تَتَعَلَّقُ بِهِ الْأَحْكَامُ أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِ
لَبَقِيَ مِنَ الْمَسَافِرِينَ مَنْ لَمْ يُبَيِّنْ حُكْمَهُ، وَلِأَنَّ الْأَلْفَ وَاللَّامَ لِلْجِنْسِ فَيَدْخُلُ فِي هَذَا
الْحُكْمِ كُلِّ مُسَافِرٍ، وَمَنْ لَمْ يَثْبُتْ لَهُ هَذَا الْحُكْمُ لَا يَكُونُ مُسَافِرًا.

و اما اندازه سه شب و سه روز از جهت قول پیامبر علیه السلام است که فرمودند مسح میکند مسافر سه شب و سه روز (1) و هدف حدیث شریف بیان نمودن حکم تمام مسافری است تا اینکه فایده عام تر داشته باشد پس حکم آن شامل میشود تمام مسافری که مسافه سه شب و سه روز را طی میکند تا اینکه حکم حدیث همه را در برگیرد و اگر سفری که احکام حدیث به آن تعلق میگیرد کمتر از سه روز باشد در آن حالت از جمله مسافری محسوب میگردد که حکم آن را این حدیث بیان نکرده است و دیگر اینکه الف و لام المسافر برای جنس است حکم حدیث شامل تمام مسافری میگردد که با شرایط این حدیث برار باشد و شخصیکه شامل حکم این حدیث نگردد از جمله مسافر محسوب نمیگردد.

(1) أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطني (المتوفى: 385هـ) در کتاب خود سنن الدارقطني در (ج 1 ص 357) در حدیث نمبر (747) به روایت عبد الرحمن بن أبي بكره و او از پدر خود و او از نبي صلى الله عليه و سلم روایت کرده (که به مسافر سه روز و سه شب مسح کردن جائز است و به مقيم یک روز و یک شب.

سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360هـ) در کتاب خود المعجم الكبير در (ج 4 ص 94) در حدیث نمبر (3759) به روایت خزيمه بن ثابت که رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است مسافر سه روز و سه شب مسح کند. ابن منذر رحمة الله عليه در کتاب خود الاوسط لابن المنذر در (ج 4 ص 365) فرموده ابوبكر رضى الله عنه قصر کرد در مکه و این روایت از دیگر روایان هم ثابت است و همچنان فعل کرد عمر رضى الله عنه وقتی که به مکه رفت دو رکعت خواند و باز فرمود که شما نمازتان را پوره کنید ما مسافر استیم.

أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني در کتاب خود مصنف عبد الرزاق در (ج 2 ص 540) در روایت نمبر (4369) عبد الرزاق به روایت معمروا و از زهری و او از سالم و او از ابن عمر رضى الله عنهم روایت کرده که عمر رضى الله عنه در مکه دو رکعت نماز خواند و فرمود که شما نمازتان را پوره کنید ما مسافر استیم.

قَالَ: (بَسِيرِ الْإِبِلِ وَمَشْيِ الْأَقْدَامِ) لِأَنَّهُ الْوَسْطُ الْمُعْتَادُ، فَإِنَّ السَّيْرَ عَلَى الْخَيْلِ فِي غَايَةِ السَّرْعَةِ، وَعَلَى الْعَجَلِ فِي غَايَةِ الْإِبْطَاءِ، فَاعْتَبَرْنَا الْوَسْطَ لِأَنَّهُ الْغَالِبُ.

قَالَ: (وَيُعْتَبَرُ فِي الْجَبَلِ مَا يَلِيقُ بِهِ، وَفِي الْبَحْرِ اعْتِدَالُ الرِّيَّاحِ) لِأَنَّهُ هُوَ الْوَسْطُ، وَهُوَ أَنْ لَا تَكُونَ الرِّيَّاحُ غَالِبَةً وَلَا سَاكِنَةً، فَيَنْظُرُ كَمْ يَسِيرُ فِي مِثْلِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَيُجْعَلُ أَصْلًا.

قَالَ: (وَلَا يَزَالُ عَلَى حُكْمِ السَّفَرِ حَتَّى يَدْخُلَ مِصْرَهُ أَوْ يَنْوِيَ الْإِقَامَةَ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا فِي مِصْرٍ أَوْ قَرْيَةٍ) لِأَنَّ السَّفَرَ إِذَا صَحَّ لَا يَتَغَيَّرُ حُكْمُهُ إِلَّا بِالْإِقَامَةِ،

مصنف رحمه الله فرمود دوری مسافت اندازه کرده میشود به رفتار شتر و حرکت با پای زیرا که همین حرکت متوسط به صورت عادی را شامل میشود زیرا که حرکت بالای اسب در نهایت سرعت است و بر چرخ حرکت نمودن در نهایت سستی است پس اعتبار دادیم رفتار در میانه را از لحاظ اغلیبیه.

مصنف رحمه الله فرمود اعتبار کرده میشود در کوه آن حرکت که مناسب کوه باشد و در دریا و وزیدن باد حالت میانه آن و میانه اینکه باد به شکل نباشد که بسیار تیز و نه بسیار نرم و سست پس ندیده میشود در مثل همین باد چقدر حرکت صورت میگیرد پس همان اصل محسوب میگردد. 1.

مصنف رحمه الله فرمود همیشه مسافر محسوب میگردد تا آنکه داخل شهر خود گردد یا اینکه نیت اقامه پانزده شبانه روز را کرده باشد در شهر یا قریه. زیرا که سفر وقتی که سفر صحیح محسوب شد حکم آن تغییر نمکند مگر به اقامه (۱).

(۱) مسافر تا وقتی مقیم شمرده نمیشود که نیت اقامه را کند بخاطریکه لفظ عام آمده و لفظ عام دلالت بر خاص نمکند قسم که از قاعده فقهی معلوم میشود قاعده (من أقوى مراتب العموم) محمد بن مفلح بن محمد بن مفرج، أبو عبد الله، شمس الدين المقدسي الراميني ثم الصالحي الحنبلي (المتوفى: 763هـ) أصول الفقه الناشر: مكتبة العبيكان در (ج ۲ ص ۸۶۱) فرموده که که لفظ عام احتمال خاص را ندارد بدون دلیل باین خاطر مسافر که از سه روز کمتر در سفر باشد احکام سفر بالای او عملی نمیشود.

وَالْإِقَامَةُ بِالنِّيَّةِ أَوْ بِدُخُولِ وَطَنِهِ؛ لِأَنَّ الْإِقَامَةَ تَرُكُ السَّفَرَ، فَإِذَا اتَّصَلَ بِالنِّيَّةِ أْتَمَّ، بِخِلَافِ الْمُقِيمِ حَيْثُ لَا يَصِيرُ مُسَافِرًا بِالنِّيَّةِ؛ لِأَنَّ السَّفَرَ إِنْشَاءُ الْفِعْلِ فَلَا يَصِيرُ فَاعِلًا بِالنِّيَّةِ. وَأَمَّا دُخُولُ وَطَنِهِ فَلِأَنَّ الْإِقَامَةَ لِلرَّتْفَاقِ وَأَنَّهُ يَحْضُلُ بِوَطَنِهِ مِنْ غَيْرِ نِيَّةٍ، وَكَذَا نُقِلَ أَنَّ النَّبِيَّ وَأَصْحَابَهُ كَانُوا يُسَافِرُونَ وَيَعُودُونَ إِلَى أَوْطَانِهِمْ مُقِيمِينَ مِنْ غَيْرِ نِيَّةٍ. وَأَمَّا الْمُدَّةُ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا فَمَنْقُولَةٌ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَابْنِ عُمَرَ، وَلَا يُعْرَفُ ذَلِكَ إِلَّا تَوْقِيفًا؛ وَلِأَنَّ السَّفَرَ لَا يَخْلُو عَنِ اللَّبْثِ الْقَلِيلِ، فَاعْتَبَرْنَا الْخَمْسَةَ عَشَرَ كَثِيرًا فَاصِلًا اعْتِبَارًا بِمُدَّةِ الطُّهْرِ.

واقامت منظور میشود به نیت یا داخل شدن در وطن خود زیرا که اقامت ترک نمودن سفر است پس زمانیکه به نیت متصل گردید تمام میشود برخلاف انسان مقیم که مسافرنمیگردد به نیت نمودن زیرا که سفر ایجاد عمل است پس به مجرد نیت مسافر محسوب نمیگردد تا اینکه عملاً سفر نکند اما اقامت به مجرد نیت هم مقیم میگردد وهم با دخول در وطن خود وهمچنین به مجرد داخل شدن در وطن بدون نیت مقیم محسوب میگردد وهمچنین نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم واصحابش مسافرت میکردند و عودت میکردند به وطن بدون کدام نیت ومدت اقامه پانزده روز می باشد منقول است از ابن عباس وابن عمر رضی الله عنهما میباشد وشناخت این مسایل به صورت توقیفی میباشد دیگر اینکه سفر حتماً خالی از درنگ تیر کردن ولو که کم هم باشد نیست پس اعتبار داده شد پانزده روز (1)

(1) امام محمد بن الحسن الشیبانی رحمه الله علیه در کتاب خود الآثار لمحمد بن الحسن در صفحه نمبر (۲۴۱) در روایت نمبر (۱۸۹) فرموده که امام ابوحنیفه رحمه الله علیه به ما فرموده که از موسی بن مسلم روایت شده و او از مجاهد، و او از عبدالله بن عمر رضی الله عنه، روایت کرده که «وقتی که شما مسافر باشید و میخواهید مقیم شوید نیت پانزده روز را داشته باشید پس نمازتان را پوره نمائید. أبو بکر عبد الرزاق بن همام الصنعانی در کتاب خود مصنف عبد الرزاق در (ج ۲ ص ۵۳۴) در روایت نمبر (۳۴۳۴) به روایت عمر بن ذر رضی الله عنه فرموده که از مجاهد شنیدم که ابن عمر رضی الله عنه به مکه آمد و خواست پانزده شب در مکه بماند و نماز خود را پوره می کرد. أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف بالطحاوي (المتوفى : 321هـ) در کتاب خود أحكام القرآن الکریم در (ج ۱ ص ۱۹۱) در روایت نمبر (۳۴۶) فرموده که این روایت را بر ما روح بن الفرخ کرده و او از یحیی بن سلیمان الجعفی، و او از عبد الله بن یزید المرقی، و او از امام أبو حنیفة، رحمه الله علیه و او از عمر بن ذر، و او از مجاهد، و او از ابن عباس، و ابن باقی مانده صفحه (۴۴)

عمر رضی الله عنهما و هر دو می فرمایند که وقتی که یک نفر به به یک جائ رفت و مسافر بود در دل خود گفت که من درین جائ پانزده روز میباشد پس نماز خود را پوره باید بخواند و اگر نمیدانست که چه وقت ازین جائ خواهد رفت باز نماز مسافری بخواند.

أَذْ لَهَا أَثْرٌ فِي إِجَابِ الصَّلَاةِ وَإِسْقَاطِهَا - قَالَ: (وَإِنْ نَوَى أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ فَهُوَ مُسَافِرٌ وَإِنْ طَالَ مَقَامُهُ) لِمَا رَوَى «أَنَّهُ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - أَقَامَ بِتَبُوكَ عَشْرِينَ لَيْلَةً يَقْصُرُ الصَّلَاةَ»⁽¹⁾ از لحاظ قیاس به بیشترین از لحاظ اعتبار به مدت طهر زیرا که د رهمین مدت تاثیر است در وجوب ازسقاط نماز بر مکلف. مصنف رحمه الله فرمود اگر کمتر از این مدت (پانزده روز) رانیت کرد پس آن مسافراست اگرچی اقامتش به مدت طولانی بیفتد از لحاظ روایت که وجود دارد اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در تبوک بیست روز (1) اقامه نمودند نماز را قصرا می کردند.

أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي (159 - 235 هـ) در کتاب خود مُصنّف ابن أبي شيبة در (ج ۲ ص ۴۵۵) در روایت نمبر (۸۳۰۵) به روایت وکیع که از سفیان روایت میکند می فرماید که اگر یک نفر در یک جائی پانزده روز بماند باید نماز خود را پوره بخاند و اگر نمیدانست کی چی وقت ازین جاء خواهم رفت نماز مسافری بخواند ولو که سال هم بالایش بگذرد. أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني در کتاب خود مُصنّف عبد الرزاق در (ج ۲ ص ۵۳۴) در حدیث نمبر (۴۳۴۳) عبد الرزاق به روایت عمر بن ذر که او از مجاهد شنیده ومی فرماید که ابن عمر رضی الله عنه در مکه اراده پانزده روز را کرد و نماز خود را پوره میخواند. أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي (159 - 235 هـ) در کتاب مُصنّف ابن أبي شيبة در (ج ۲ ص ۴۵۴) در روایت نمبر (۸۲۹۵) به روایت حفص که از عاصم روایت کرده و او از عکرمه و او از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم هفده روز در یک جاء ماند و لکن نماز های خود را قصر (مسافری) میخواند و ابن عباس رضی الله عنه می فرماید که اگر در یک جاء کسی هفده روز ماند نماز مسافری باید بخواند و اگر از هفده روز زیاد ماند پوره نماز بخواند.

(۱): ابن بطلال ابوالحسن علی بن خلف بن عبد الملك (متوفی: 449 ق)، در کتاب خود، شرح صحیح البخاری، ابن بطلال، در (ج ۳ ص ۶۸) به روایت جابر رضی الله عنه می فرماید که پیامبر (صلی الله علیه وسلم). بیست شب در تبوک ماند و نماز را قصر میخواند. وعمر رضی الله عنه در آذربایجان شش ماه ماند و نماز قصر میخواند. و انس رضی الله عنه در نيساپور دو سال ماند و نماز قصر میخواند این فعل را زیاد صحابه کرام انجام داده اند.

محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن معاذ بن مَعْبُد، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، النبستي (المتوفى: 354هـ) در کتاب خود الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان در (ج ۶ ص ۴۵۶) در حدیث نمبر (۲۷۴۹) به روایت جابر بن عبد الله رضی الله عنه می فرماید که پیامبر (صلی الله علیه وسلم). بیست شب در تبوک ماند و نماز را قصر میخواند. شعيب الأرنؤوط می فرماید که إسناده اش صحیح است.

ابن الملقن سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى: 804هـ) در کتاب خود البدر المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير در (ج ۴ ص ۵۳۸) همین قسم روایت کرده است.

جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: 762هـ) در کتاب خود نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الألمعي في تخريج الزيلعي در (۲ ص ۱۸۶) همین قسم روایت کرده و زیاد کرده که این روایت در کتاب امام بخاری و مسلم هم است و در خلاصه ذکر است که بشرط بخاری و مسلم اسناد این حدیث صحیح است.

أبو مُحمَّد، صالح بن مُحمَّد بن حسن آل عُمَيْر، الأسمري، القحطاني مجموعة الفوائد البهية على منظومة القواعد الفقهية الناشر: دار الصمعي للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية در (ج 1 ص 90) فرموده که (التابع تابع) که این یک قاعده فقیه است و تابع مستقل نمیباشد وقتی که تابع مستقل شد حکم غیر را میگیرد.

ابن سعدی رح می فرماید که در قواعد و اصول اینست که مسائل و صورته ها تابع میباشند و شامل میباشند به حکم متبوع خود تنها کدام حکم ندارند و اگر به او حکم ثابت کنیم این حکم دیگر خواهد بود.

وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ: أَقَامَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِالسُّوسِ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ
يَقْصُرُونَ الصَّلَاةَ. قَالَ: (وَمَنْ لَزِمَهُ طَاعَةٌ غَيْرِهِ كَالْعَسْكَرِ وَالْعَبْدِ وَالزَّوْجَةِ يَصِيرُ مُسَافِرًا
بِسَفَرِهِ مُقِيمًا بِإِقَامَتِهِ) لِأَنَّهُ لَا يُمْكِنُهُ مُخَالَفَتُهُ.

وحضرت انس رضی اللہ عنہ میفرماید پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم درمنطقه به نام سوس نو ماه نمازها را قصر میخواندند. مصنف فرمود: کسیکه مطیع شخص دیگری است مانند عسکر غلام یا زوجه به مسافرت بزرگ خود مسافر و به اقامه آن مقیم میگردد به دلیل اینکه مخالفت آن از بزرگ خود ممکن نیست.

قَالَ: (وَالْمَسَافِرُ يَصِيرُ مُقِيمًا بِالنِّيَّةِ) لِمَا بَيَّنَّا. (إِلَّا الْعَسْكَرَ إِذَا دَخَلَ دَارَ الْحَرْبِ أَوْ حَاصَرَ مَوْضِعًا) لِأَنَّ إِقَامَتَهُمْ لَا تَتَعَلَّقُ بِاخْتِيَارِهِمْ، لِأَنَّهُمْ لَوْ نَوَّوْا الْإِقَامَةَ ثُمَّ انْهَزَمُوا انْصَرَفُوا فَلَا تَصِحُّ نِيَّتُهُمْ. (وَبَيَّةُ الْإِقَامَةِ مِنْ أَهْلِ الْأَخْبِيَةِ صَحِيحَةٌ) كَالْأَكْرَادِ وَالتُّرْكُمَانَ فِي الصَّحْرَاءِ وَالْكَلَّاءِ لِأَنَّهُ مَوْضِعُ إِقَامَتِهِمْ عَادَةً، فَهُوَ فِي حَقِّهِمْ كَالْأَمْصَارِ وَالْقُرَى لِأَهْلِهَا. قَالَ: (وَلَوْ نَوَى أَنْ يُقِيمَ بِمَوْضِعَيْنِ لَا يَصِحُّ) إِذْ لَوْ صَحَّ فِي مَوْضِعَيْنِ لَصَحَّ فِي أَكْثَرٍ وَأَنَّهُ مُمْتَنَعٌ.

ومسافر به نیت (1) خود مقيم میگردد طوری که بیان نمودیم مگر عسکر زمانی که داخل دار الحرب گردید یا اینکه محاصره نمود جای را زیرا که اقامت آنها متعلق به اختیار خودشان نیست زیرا که اگر نیت اقامه کند بعدا شکست بخورند از نیت خود ناگزیر منصرف میشوند پس نیت شان صحیح نشد و نیت اقامت از اهل خیمه (کوچیها) درست است مانند کردها و ترکمن ها در صحرا و دشتها زیرا که همان جای اقامت شان است عادتاً پس همان دشت صحرا در حق ایشان مانند قریه برای اهل آن است مصنف فرمود اگر نیت اقامت در دوجای کرد صحیح نیست زیرا که اگر در دوجای نیت اقامت صحیح شود در بالاتر از آن هم صحیح میشود و آن ممتنع است.

(1) أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني در کتاب خود مصنف عبد الرزاق در (ج ۲ ص ۵۳۴) در حدیث نمبر (۴۳۴۳) عبد الرزاق به روایت عمر بن ذر که او از مجاهد شنیده و می فرماید که ابن عمر رضی الله عنه در مکه اراده پانزده روز را کرد و نماز خود را پوره میخواند. أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدی الحجری المصری المعروف بالطحاوی (المتوفی : 321 هـ) در کتاب خود أحكام القرآن الکریم در (ج ۱ ص ۱۹۱) در روایت نمبر (۳۴۶) فرموده که این روایت را بر ما روح بن الفرخ کرده و او از یحیی بن سُلیمان الجعفی، و او از عبْدُ اللهِ بنُ یزیدِ الْمُقْرِی، و او از امام أَبُو حَنِیْفَةَ، رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و او از عُمَرَ بنِ ذَرٍّ، و او از مُجَاهِدٍ، و او از ابْنِ عَبَّاسٍ، و ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا و هر دو می فرمایند که وقتی که یک نفر به یک جای رفت و مسافر بود در دل خود گفت که من درین جاء پانزده روز میباشم پس نماز خود را پوره باید بخوانند و اگر نمیدانست که چه وقت ازین جاء خواهد رفت باز نماز مسافری بخواند.

(إِلَّا أَنْ يَبِيتَ بِأَحَدِهِمَا) فَتَصِحُّ النَّيَّةُ ; لِأَنَّ مَوْضِعَ الْإِقَامَةِ مَوْضِعُ الْبُيُوتَةِ، أَلَا تَرَى أَنَّ السُّوقِيَّ يَكُونُ فِي النَّهَارِ فِي حَانُوتِهِ وَيَعُدُّ سَاكِنًا فِي مَحَلَّةٍ فِيهَا بَيْتُهُ .

قَالَ: (وَالْمُعْتَبَرُ فِي تَغْيِيرِ الْفَرَضِ قَصْرًا وَإِتْمَامًا آخِرَ الْوَقْتِ) لِأَنَّ الْوُجُوبَ يَتَعَلَّقُ بِآخِرِ الْوَقْتِ حَتَّى لَوْ سَافَرَ آخِرَ الْوَقْتِ قَصْرًا، وَإِنْ أَقَامَ الْمَسَافِرُ آخِرَ الْوَقْتِ تَمَّمَ لِمَا بَيْنَا.

مگر اینکه شب گذراندن آن در یکی از آن دو موضع باشد در این حالت نیت صحیح است زیرا که موضع اقامت همان جای است که شب سپری میکند آیانبینی شخص بازاری روزانه در دکانش میباشد و خانه اش همانجای حساب میگردد که شب سپری میکند.

مصنف علیه الرحمة فرمود: (و آنچه در تغییر فرض محسوب می شود کوتاه کردن آن و تمام کردن آن در آخر وقت است) زیرا وجوب مربوط به آخر وقت است اگر مسافر شد در آخر وقت نماز مسافرانه بخواند و اگر مسافر در آخر وقت مقیم شد باید نماز خود را پوره بخواند قسم که توضیح داده شد (در همین جاء).

قَالَ: (وَلَا يَجُوزُ اقْتِدَاءُ الْمَسَافِرِ بِالْمُقِيمِ خَارِجِ الْوَقْتِ) لِتَقَرُّرِ فَرَضِهِمَا وَقَدْ تَقَدَّمَ.
 (فَإِنْ اقْتَدَى بِهِ فِي الْوَقْتِ أَتَمَّ الصَّلَاةَ) لِأَنَّهُ التَّزَمَ مُتَابَعَتَهُ. قَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ إِمَامًا لِيُؤْتَمَّ بِهِ فَلَا تَخْتَلِفُوا عَلَيَّ أَنْتُمْ» وَصَيْرُورَتُهُ مُتَابَعًا أَنْ يُصَلِّيَ
 أَرْبَعًا.

مصنف علیه الرحمه فرمود : جایز نیست اقتدا مسافر بر مقیم خارج از وقت نماز یعنی نمازها متفاوت باشد
 از جهت تثبیت فرض هر دو بصورت جداگانه پس اگر اقتدانمود مسافربه مقیم در نماز وقتی تمام بکند
 نمازرا زیراکه آن برای خود لازم گردانید متابعت امام مقیم را پس باید به اتمام برساند بنا بر قول پیامبر اکرم
 صلی الله علیه وسلم که فرمودند : یقینا امام مقرر شده است تا اینکه از آن متابعت صورت گیرد پس از
 امامان خود مخالفت نکنید.

(فَإِنْ أَمَّ الْمَسَافِرُ الْمُقِيمَ سَلَّمَ عَلَى رَكَعَتَيْنِ لِأَنَّهُ تَمَّ فَرَضَهُ. وَأَتَمَّ الْمُقِيمُ لِأَنَّهُ بَقِيَ عَلَيْهِ
إِتْمَامُ صَلَاتِهِ، وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يَقُولَ: «أَتَمُّوا صَلَاتَكُمْ فَإِنَّا قَوْمٌ سَفَرٌ»، هَكَذَا نُقِلَ عَنْ رَسُولِ
اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -.

اگر امامت کند مسافر بر مقیم سلام بگردد در دو رکعت زیرا که فرض مسافر تمام شد و مقیم نماز خود را
تمام کند زیرا که تمام نماز بالای آن باقی است.

و مستحب است اینکه بعد از فراغت بگوید نماز خود را تمام کنید زیرا من مسافر هستم (1) همچنین از پیامبر
اکرم صلی الله علیه وسلم نقل شده است .

(1) ابن منذر رحمه الله علیه در کتاب خود الاوسط لابن المنذر در (ج 4 ص 365) فرموده ابوبکر رضی الله عنه قصر کرد در مکه و این روایت
از دیگر روایان هم ثابت است و همچنان فعل کرد عمر رضی الله عنه وقتی که به مکه رفت دو رکعت خواند و باز فرمود که شما نمازتان را پوره
کنید ما مسافر هستیم.

أبو بکر عبد الرزاق بن همام الصنعاني در کتاب خود مصنف عبد الرزاق در (ج 2 ص 540) در روایت نمبر (4369) عبد الرزاق به روایت معمروا
از زهری و او از سالم و او از ابن عمر رضی الله عنهم روایت کرده که عمر رضی الله عنه در مکه دو رکعت نماز خواند و فرمود که شما نمازتان
را پوره کنید ما مسافر هستیم.

(1) أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي
(المتوفى: 620هـ) در کتاب خود المغني لابن قدامة در (ج 2 ص 211) در روایت نمبر (1276) فرموده وقتی که امامت کند مسافر به مقیم و مسافر
مسافر دو رکعت را پوره میکند و سلام میگردد باز مقیم نماز خود را پوره کند بر این اجماع علماء است. بدلیل روایت عمران بن حصین رضی
الله عنه بعد از فتح مکه همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکه هژده روز ماند رسول الله صلی الله علیه وسلم دو رکعت میخواند و بعد
می فرود ای مردم شما نمازتان را پوره کنید ما مسافر هستیم.

قَالَ: (وَالْعَاصِي وَالْمُطِيعُ فِي الرَّحْصِ سَوَاءٌ) لِإِطْلَاقِ النُّصُوصِ، مِنْهَا قَوْلُهُ تَعَالَى: {فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ} [البقرة: ١٨٤]. وَقَوْلُهُ تَعَالَى: {فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا} [البقرة: ٢٣٩]. وَقَوْلُهُ: {فَتَيَمَّمُوا} [المائدة ٦]. وَقَوْلُهُ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ «يَمْسَحُ الْمَسَافِرُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَيَالِيهَا» ، مِنْ غَيْرِ فَضْلٍ، فَصَارَ كَمَا إِذَا أُنْشِئَ السَّفَرُ فِي مَبَاحِ ثُمَّ نَوَى الْمَعْصِيَةَ بَعْدَهُ.

مصنف علیه الرحمه فرمود: در نماز رخصت مسافرت شخص گناهکار و پرهیزگار برابر است از لحاظ اطلاق نص (2) به دلیل آیت مبارکه فوق ترجمه: پس اگر شخص مریض بود یا مسافر بود پس مسح کند مسافر سه روز و سه شب (1) بدون تفکیک بین مسافر و مریض در مطیع بودن و عاصی بودن پس مسئله ای چنان میشود که گویا اولاسفر را در امرمباح آغاز کرد بعدا قصد گناه کرده باشد.

(١) أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطني (المتوفى: 385هـ) در کتاب خود سنن الدارقطني در (ج ١ ص ٣٥٧) در حدیث نمبر (٧٤٧) به روایت عبد الرحمن بن أبي بكرة و او از پدر خود و او از نبي صلى الله عليه و سلم روایت کرده) که به مسافر سه روز و سه شب مسح کردن جائز است و به مقيم یک روز و یک شب.

(2) از قاعده فقهی معلوم میشود که در حالت سفر باید سه روز و سه شب مسح شود بخاطريکه امر للوجوب میباشد قسم که از قاعده فقهی معلوم میشود (الأمر المطلق للوجوب) عبد الكريم بن علي بن محمد النملة در کتاب خود الْمُهِدَبُ فِي عِلْمِ أُصُولِ الْفِقْهِ الْمُقَارِنِ دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض در (ج 3 ص 1336) و این دلالت میکنم به که امر مطلق واجب میباشد و آن که واجب باشد به ترک اش کناه است.

وَأَمَّا قَوْلُهُ تَعَالَى: {غَيْرِ بَاغٍ وَلَا عَادٍ} [البقرة: ۱۷۳] أَيْ غَيْرِ مُتَلَدِّذٍ فِي أَكْلِهَا وَلَا مُتَجَاوِزٍ قَدَرَ الضَّرُورَةَ، وَنَحْنُ لَا نَجْعَلُ الْمَعْصِيَةَ سَبَبًا لِلرُّخْصَةِ، وَإِنَّمَا السَّبَبُ لِحُوقِ الْمَشَقَّةِ النَّاشِئَةِ مِنْ نَقْلِ الْأَقْدَامِ وَالْحَرِّ وَالْبَرْدِ وَغَيْرِ ذَلِكَ، وَالْمَحْظُورُ مَا يُجَاوِرُهُ مِنَ الْمَعْصِيَةِ،

اما در باره این قول خداوند متعال {غَيْرِ بَاغٍ وَلَا عَادٍ} [البقرة: ۱۷۳] معنی آن چنین است که خوردن گوشت خنزیر برای شما جایز است در صورتیکه هدف از خوردن سد جوع و حفظ حیات باشد نه اینکه لذت حاصل کردن از گوشت خنزیر باشد و از قدر ضرورت بیشتر شود و ما گناه را سبب از برای رخصت نمیدانیم (1) و در واقع سبب همان رسیدن مشقت که از حرکت قدم ها و سردی و گرمی میباشد اما آنچه که ممنوع است مجاور سفر که همان معصیت است.

(۱) أبو عمر دُبَيَّانِ بْنِ مُحَمَّدِ الدُّبَيَّانِ در کتاب خود موسوعه أحكام الطهارة در (ج ۵ ص ۴۳۲) فرموده که خود سفر موصوف به طاعة یا به گناه نمیباشد بلکه طاعة و گناه در سفر میباشد گفته نمیشود که این سفر طاعة است یا سفر گناه است بلکه بنده موصوف به طاعة یا به گناه میباشد.

فَكَانَ السَّفَرُ مِنْ حَيْثُ إِفَادَتِهِ الرُّخْصَةَ مُبَاحًا ; لِأَنَّ ذَلِكَ مِمَّا يَقْبَلُ الْإِنْفِصَالَ .
 وَاعْلَمْ أَنَّ الْأَوْطَانَ ثَلَاثَةٌ: أَصْلِيٌّ وَيُسَمَّى أَهْلِيًّا، وَهُوَ الَّذِي يَسْتَقِرُّ الْإِنْسَانُ فِيهِ مَعَ أَهْلِهِ،
 وَذَلِكَ لَا يَبْطُلُ إِلَّا بِمِثْلِهِ، وَهُوَ أَنْ يَنْتَقِلَ إِلَى بَلَدٍ آخَرَ بِأَهْلِهِ بِعَزْلِ الْقَرَارِ فِيهِ، إِلَّا تَرَى أَنَّهُ
 - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - بَعْدَ انْتِقَالِهِ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ سَمَّى نَفْسَهُ مُسَافِرًا بِمَكَّةَ
 حَيْثُ قَالَ: «فَإِنَّا قَوْمٌ سَفَرٌ»

پس سفر از حیث افاده رخصت مباح است زیرا که این از جمله اوچیزهای است که قبول انفصال را میکند یعنی میتواند سفر باشد اما معصیت نباشد بدان که وطن ها به سه نوع است (1) اول وطن اصلی و آن را وطن فامیلی یا خانواده گی هم گفته میشود و آن همان وطن است که انسان همراهی فامیل خود زندگی میکند و آن همان وطن است که شخص همراهی فامیل خود به آن جا انتقال کند و استقرا حاصل نماید و این نوع وطن باطل نمیشود مگر به مثل خود مانند اینکه فامیل را انتقال بدهد به وطن دیگر و آن جا مسکن گزین شود آیانمیبینی که پیامبر علیه السلام زمانیکه از مدینه به مکه به منظور حج کردن آمدند خود را مسافر گفتند و فرمودن که ما قوم مسافر هستیم.

(۱) أبو بكر بن علي بن محمد الحدادي العبادي الزبيدي اليمني الحنفي (المتوفى: 800هـ) در کتاب خود الجوهرة النيرة (در ج ۱ ص ۸۷) فرموده که وطن ها به سه گونه تقسیم میشود (اول وطن اهلی دوم وطن اقامه سوم وطن سکنی) و وطن اهلی آن است که در آن جا سکونت داشته باشد همیشه این وطن باطل میشود که جای دیگری را به سکونت همیشگی اختیار کند و وطن اقامه که نیت سکونت در آن جا پانزده روز و یا زیاد از پانزده روز داشته باشد و این وطن به وطن اهلی باطل میشود و به وطن سکنی آن است که سکونت اختیار کند کم از پانزده روز و این وطن به وطن اهلی و اقامه باطل میشود این ضعیفترین وطنها است.

وَالثَّانِي وَطَنُ إِقَامَةٍ، وَهُوَ الَّذِي يَدْخُلُهُ الْمَسَافِرُ فَيَنْوِي أَنْ يُقِيمَ فِيهِ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا، وَيَبْطُلُ بِالْأَصْلِيِّ لِأَنَّهُ فَوْقَهُ، وَبِالْمُمَائِلِ لَطَرِيَانِهِ عَلَيْهِ، وَبِإِنْشَاءِ السَّفَرِ لِمَنَافَاتِهِ الْإِقَامَةَ. وَالثَّلَاثُ وَطَنٌ سَكْنِيٌّ، وَهُوَ أَنْ يُقِيمَ الْإِنْسَانُ فِي مَرَحَلَةٍ أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا، وَيَبْطُلُ بِالْأَوَّلِ وَالثَّانِي لِأَنَّهُمَا فَوْقَهُ، وَبِمِثْلِهِ لَطَرِيَانِهِ عَلَيْهِ، وَبَيَانُ ضَعْفِهِ عَدَمُ وُجُوبِ الصَّوْمِ وَإِتْمَامِ الصَّلَاةِ،

دوم وطن اقامه وآن اینکه مسافر دران داخل شود و نیت اقامه پانزده شبانه روز را بکند و آن وطن با وطن اصلی باطل میگردد زیراکه وطن اصلی فوق آن است و همچنان باطل میشود باوطن اقامه دیگر از لحاظ انتقال آن برآن وطن و تجدید وطن و همچنان با احداث سفر زیراکه مسافرت با اقامت منافات دارد سوم وطن سکنی و آن اینکه شخص اقامه کند در مرحله کمتر از پانزده روز و این وطن با دو وطن اولی و دومی باطل میگردد زیراکه هر دو آن بالاتر میباشد از آن وطن آخری و همچنان یک وطن سکنی توسط وطن سکنی دیگر باطل میشود و یکی از نشانه های ضعف وطن سکونت عدم وجوب و روزه و قصر نماز است.

[بَابُ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ]

اعْلَمَنَّ أَنَّ الْجُمُعَةَ فَرِيضَةٌ مَحْكَمَةٌ لَا يَجُوزُ تَرْكُهَا إِلَّا لِعُذْرٍ.

باب در بیان نماز جمعه میباشد :

بدان که جمعه فرض (1) ثابت (محکم را باید در پاورقی تعریف کنید، و آن حکمی هست که امکان تاویل

و نسخ را نه داشته باشد) شده است، بدون عذر ترک آن جایز نیست.

(¹) أبو الحسن عبید الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين الرحمانی (المبارکفوری (المتوفی: 1414هـ) در کتاب خود مرعاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح در (ج 4 ص 443) در حدیث نمبر (1379) فرموده که در شرح السنة ذکر شده که نماز جمعه به نزد اکثر اهل علم فرض عین است. و بعضی علماء می فرمایند که نماز جمعه فرض کفائی است و ابن همام رحمة الله علیه می فرماید نماز جمعه فرض محکم است، و فرضیت اش از قرآن، حدیث، و اجماع ثابت است. و علماء به این صراحت دارند که تاکید نماز جمعه بالا تر از نماز پیشین است. و در کتاب الرحمة فی اختلاف الأمة آمده که نماز جمعه فرض عین است و آنانی که گفتند که نماز جمعه فرض کفائی است سهو شده اند. و العراقی (عراقی کیست؟) می فرماید: مذاهب اربعة به این اتفاق دارند که نماز جمعه فرض عین است.

أبو محمد محمود بن أحمد بن موسی بن أحمد بن حسین الغیتابی الحنفی بدر الدین العینی (المتوفی: 855هـ) در کتاب خود عمدة القاری شرح صحیح البخاری در (ج 6 ص 163) فرموده که نماز جمع فرض است اگر کسی انکار کرد از نماز جمعه کافر میشود باجماع.

عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسی أبو محمد در کتاب خود (المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی) المغنی - ابن قدامة [فرموده است که دلیل به فرضیت نماز جمعه قرآن، حدیث، و اجماع است پس در آیت کلام الله مجید آمده { يا أيها الذین آمنوا إذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر الله وذروا البیع } ترجمه ای کسانی که ایمان آورده اید وقتی که در روز جمعه برای نماز اذان داده شد. به یاد خدا بکوشید و بیع را رها کنید پس امر کوشش به رفتن به نماز جمعه است و امر تقاضای وجوب را دارد، و کوشش به سعی و منع کردن از خرید و فروش در مقابل فرض میباشد. اگر یک نفر مشغول خرید و فروش شود ممکن نماز جمعه از او قضاء شود پس اگر نماز جمعه فرض نمیبود منع از خرید و فروش نمیشد، و مراد درین جاء از سعی رفتن به نماز جمعه است. و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید که جمعه حق است، و واجب است بالای هر مسلمان مگر بالای چهار نفر نماز جمعه نیست: 1- زن. 2- مسافر 3- نابالغ. 4- مریض. از جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما خطبه داد و فرمود بدانید که الله تعالی بالای شما نماز جمعه را فرض گردانیده است ازین جاء درین ماه درین سال.

خلف بن أبی القاسم محمد، الأزدي القیروانی، أبو سعید ابن البرادعی المالکی (المتوفی: 372هـ) در کتاب خود التهذیب فی اختصار المدونة در (ج 1 ص 309) در روایت نمبر (316) فرموده که بالای زن، غلام، مسافر، نابالغ، نماز جمعه نیست.

باقی مانده صفحه (56)

باقی مانده صفحه (55) الشافعی أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المکی (المتوفی: 204هـ) در کتاب خود الأم در (ج 1 ص 217) ربیع بن سلیمان از امام شافعی رحمة الله علیه روایت میکند که اللّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِیفرماید {إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ} [الجمعة: 9] {وَأَشْهِدُوا مَشْهُودًا} [البروج: 3] امام شافعی رحمة الله علیه بدلی این آیات نماز جمعه را فرض عین میگوید و از ابراهیم بن محمد روایت کرده که او از صفوان بن سلیم و او از نافع بن جبیر و او از عطاء بن یسار و او از نبی صلی الله علیه وسلم روایت کرده که مراد از شَهِدَ رُوزَ الْجُمُعَةِ، است و مراد از مَشْهُودٌ رُوزَ عَرَفَةَ است. ابن ماجه - و ماجه اسم ابیه یزید - أبو عبد الله محمد بن یزید القزوینی (المتوفی: 273هـ) در کتاب خود سنن ابن ماجه ت الأرنؤوط در (ج 2 ص 183) در حدیث نمبر (1081) فرموده که درین (فریضة واجبة) ذکر نیست و این حدیث ضعیف است که از جمله راویان اش علی بن زید بن جدعان است و او ضعیف است، و عبد الله بن محمد العدوی الراوی متروک الحدیث است.

أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی (المتوفی: 676هـ) در کتاب خود المجموع شرح المذهب ((مع تکملة السبکی والمطیعی)) در (ج 4 ص 485) بالای مسافر نماز جمعه نیست این مذهب ما است درین باره هیچ مخالفتی نداریم این نظر ابن المنذر و اکثر علماء است و زهری و نخعی می فرمایند که اگر مسافردائ آذان را شنید نماز جمعه بالاایش لازم میشود و اصحاب ما می فرمایند اگر به نماز جمعه آمدن مستحب است که باید نماز جمعه را بخوانند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: {إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ}

[الجمعة: ٩].

الله متعال می فرماید: (زمانیکه برای نماز جمعه اذان داده شد بسوی ذکر الله متعال (استماع خطبه و

ادای نماز) بشتابید، و خرید و فروش را بگذارید) [الجمعة: ٩]

وَقَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ مِنْ رِوَايَةِ جَابِرٍ: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ الْجُمُعَةَ فِي يَوْمِي هَذَا فِي شَهْرِي هَذَا، فِي عَامِي هَذَا، فِي مَقَامِي هَذَا، فَرِيضَةً وَاجِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

وپیامبر علیه السلام در یک حدیث دراز که که آن را جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت می کند، فرمودند: (بدانید که الله متعال نماز جمعه را بالای شما فرض گردانیده است در همین روز و در همین ماه (1) و در همین سال و در همین جای که من وجود دارم فریضه ث تا روز قیامت)

(1) عبد القادر بن ملا حویش السید محمود آل غازی العانی (المتوفی: 1398هـ) در کتاب خود بیان المعانی (ج 6 ص 263) می فرماید به حواله کتاب أبو داود والنسائی - و در حدیث طولانی از آن حضرت صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «بدانید که خداوند نماز روز جمعه را در این روز، در این ماه، در این مقام من بر شما قرار داده است».

قَالَ: (وَلَا تَجِبُ إِلَّا عَلَى الْأَحْرَارِ الْأَصْحَاءِ الْمُقِيمِينَ بِالْأَمْصَارِ) قَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ «تَجِبُ الْجُمُعَةُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ إِلَّا امْرَأَةً أَوْ صَبِيًّا أَوْ مَمْلُوكًا». وَقَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ «أَرْبَعَةٌ لَا جُمُعَةَ عَلَيْهِمْ: الْعَبْدُ، وَالْمَرِيضُ، وَالْمُسَافِرُ، وَالْمَرْأَةُ» وَلِأَنَّ الْعَبِيدَ مَشْغُولُونَ بِخِدْمَةِ الْمَوَالِي، وَالْمَرْأَةَ بِخِدْمَةِ زَوْجِهَا،

مصنف علیه الرحمه فرمودند: و تنها بالای اشخاص آزاد و تندرستی که در شهرها زندگی کنند، واجب می باشد. پیامبر علیه السلام فرمودند: جمعه بغیر از زنان، اطفال و غلامان بالای هر مسلمان واجب است (1) و رسول الله صلی الله علیه وسلم همچنین فرمودند: چهار صنف از مردم بالای شان نماز جمعه فرض نیست؛ غلام، مریض، مسافر، و زن (2). و دلیل دیگر اینست که غلامان مصروف خدمت آقایان خویش می باشند، و زن مصروف خدمت شوهر می باشد.

(¹) أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني در کتاب خود سنن أبي داود (ج 1 ص 412) در حدیث نمبر (1069) - به روایت طارق بن شهاب فرموده است که نبی -صلی الله علیه وسلم فرموده که نماز جمعه حق است و بر هر مسلمان باجماعت فرض است مگر بر چهار نفر فرض نیست 1- غلام 2- زن 3- نابالغ 4- مریض.

أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ) در کتاب خود المجموع شرح المهذب ((مع تكملة السبكي والمطيعي)) در (ج 4 ص 485) بالای مسافر نماز جمعه نیست این مذهب ما است درین باره هیچ مخالفتی نداریم این نظر ابن المنذر و اکثر علماء است و زهری و نخعی می فرمایند که اگر مسافر صدائ آذان را شنید نماز جمعه بالایش لازم میشود و اصحاب ما می فرمایند اگر به نماز جمعه آمدن مستحب است که باید نماز جمعه را بخوانند.

(²) أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ) المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت در (ج 1 ص 280) در حدیث نمبر (1067) به روایت طارق بن شهاب رضی الله عنه می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود است که نماز جمعه حق است و واجب است بالای هر مسلمان به جماعت مگر بالای چهار اشخاص نماز جمعه نیست 1- غلام 2- زن 3- نابالغ 4- مریض و امام ابو داود رحمه الله علیه می فرماید که طارق بن شهاب رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیده و لكن چیزی نه شنویده و علامه البانی رحمه الله علیه می فرماید که این حدیث صحیح است.

الامام الحافظ ابي عبد الله محمد بن الحسن الشيباني در کتاب خود الآثار لمحمد بن الحسن. المحقق: أبو الوفا الأفعاني دار النشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان در (ج 1 ص 596) رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث نمبر (199) فرموده که بالای چهار نفر نماز جمعه نیست 1- زن 2- غلام 3- مسافر 4- مریض. لكن امام ابو حنیفه رحمه الله علیه می فرماید اگر نماز جمعه را خواند جائز است.

العلامة: محمد مصطفى الزحيلي در کتاب خود القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة الناشر: دار الفكر - دمشق در (ج 2 ص 747) بالای ایند چهار اشخاص نماز جمعه فرض نیست بخاطریکه ایها مصروف استند و ازین قاعده فقهی هم چنین معلوم میشود یک قاعده فقهی است (المشغول لا يُشغل) در تفصیل اش ذکر شده کسی که مصروف باشد در دیگر چیزی مصروف کردن اش جائز نیست بخاطریکه این مصروفیت به یک حکم شده است و حکم دوم را قبول کرده نمیتواند آن حکم مانند حکم اول باشد یا مغایر حکم اول باشد بخاطریکه عمل بردو حکم ممکن نیست.

وَقَدْ بَيَّنَّا الْعُذْرَ فِي تَرْكِ خُرُوجِهَا إِلَى الْجَمَاعَاتِ، وَأَمَّا الْمَرِيضُ فَلِلْعَجْزِ. وَاخْتَلَفُوا فِي الْأَعْمَى قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: لَا تَجِبُ عَلَيْهِ. وَقَالَا: تَجِبُ إِذَا وَجَدَ قَائِدًا لِأَنَّهُ يَصِيرُ قَادِرًا عَلَى السَّعْيِ فَصَارَ كَالضَّالِّ وَلَهُ أَنَّهُ عَاجِزٌ بِنَفْسِهِ كَالْمَرِيضِ فَلَا يَصِيرُ قَادِرًا بَعِيْرِهِ، فَإِنَّ الْقَائِدَ قَدْ يَتْرُكُهُ فِي الطَّرِيقِ.

و قبلا در باره عذر شان برای ترک برآمدن آنان از خانه برای نمازهای با جماعت بیان داشتیم. و اما مریض بخاطر عاجز بودنش معذور می باشد. (1) و علما اختلاف نمودند در باره شخص نابینا، امام ابوحنیفه رحمت الله علیه فرموده اند: بالایش جمعه لازم نیست، و صاحبین فرموده اند: اگر رهنمای را داشت باز نماز جمعه بالایش واجب است؛ زیرا درین حالت قادر بر سعی هست، بناء حکم وی مثل حکم راه گم است (2). و امام ابوحنیفه رحمة الله علیه میگوید او بذات خود عاجز است مانند مریض، پس به سبب غیر قادر شمرده نمیشود؛ زیرا می شود که راهنما او را در راه رها کند.

(1) أبو عبد الله محمد بن علي بن عمر التَّمِيمِي المازري المالكي (المتوفى: 536هـ المحقق: فضيلة الشيخ محمد الشاذلي النيفر در كتاب خود المَعْلَمُ بفوائد مسلم در (ج 1 ص 472) الناشر: الدار التونسية للنشر المؤسسة الوطنية للكتاب بالجزائر المؤسسة الوطنية للترجمة والتحقيق والدراسات بيت الحكمة در فرضیت نماز جمعه اختلاف است اکثر علماء می فرمایند که نماز جمعه فرض عین است بدلیل قول الله سبحانه: {فَأَسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ} این خطاب به همه مردم است پس حمل اش بر عموم است و بعضی شوافع می فرمایند که نماز جمعه فرض کفائی است بدلیل قول النبي - صلى الله عليه وسلم [صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ] أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ أَحَدِكُمْ" الحديث ازین حدیث معلوم میشود افضلیت نماز جمعه بالای نمازهای دیگر.

(2) أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي (159 - 235 هـ) در کتاب خود مُصَنَّفُ ابْنِ أَبِي شَيْبَةَ تَحْقِيقٌ: محمد عوامة. در (ج 2 ص 154) در روایت نمبر (5575) فرموده است که عباد بن عوام از هشام و او از حسن روایت کرده که نماز جمعه بالای کسی که از دید چشم معذور (کور) باشد واجب است بشرط که یک نفر او را دست گرفته به مسجد ببرد و دوباره بیاورد.

محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي - (المتوفى: 483هـ) در کتاب خود المَبْسُوطُ الناشر: دار المعرفة - بيروت امام ابو حنیفه رحمة الله علیه میفرماید که بالای کسی که از دید چشم معذور (کور) باشد لازم نیست ولو که یک نفر پیدا شود که او را دست گرفته به مسجد ببرد و دوباره بیاورد به نزد صاحبین اگر یک نفر پیدا شد که او را دست گرفته به مسجد ببرد و دوباره بیاورد بالایش لازم میشود نماز جمعه بخاطریکه این نفر که چشم اش دید ندارد و لکن توانائی رفتن به عید گاه را دارد مانند کسی که راه گمگ باشد اگر به راه گمگ راه نما پیدا شد نماز جمعه بالایش لازم است همین طور به نفر که کور است.

وَأَمَّا قَوْلُهُ الْمُقِيمِينَ بِالْأَمْصَارِ فَلَقَوْلِهِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - : «لَا جُمُعَةَ وَلَا تَشْرِيْقَ وَلَا أَضْحَى إِلَّا فِي مِصْرٍ جَامِعٍ» .

و اما این قول مصنف: که جمعه بالای مردم مقیم در شهر واجب میباشد؛ دلیل آن این قول پیامبر علیه السلام است: جمعه و تشریق و قربانی تنها در شهر (1) جامع می باشد (2).

(¹) نظام الدین الحسن بن محمد بن حسین القمی النیسابوری (المتوفی: 850هـ) در کتاب خود غرائب القرآن و رغائب الفرقان المحقق: الشیخ زکریا عمیرات الناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت در (ج 6 ص 301) فرموده مصر جامع آنجائی است که در آن جاء حدود و احکام نافذ میشود و شرط است که امام (بادشاه) یا قائم مقام داشته باشد که در آنجا نهر آب جاری باشد و بازار داشته باشد.

شمس الدین، محمد بن أحمد الخطیب الشربینی الشافعی (المتوفی: 977هـ) در کتاب خود السراج المنیر فی الإعانة علی معرفة بعض معانی کلام ربنا الحکیم الخبیر الناشر: مطبعة بولاق (الأمیریة) - القاهرة در (ج 4 ص 288) درباره تعداد اشخاص که اقامه نماز جمعه شود علماء کرام مختلف رأی دارند اول رأی عبد الله بن عمر رضی الله عنه، و عمر بن عبد العزیز رحمة الله علیه، و امام الشافعی رحمة الله علیه، و أحمد رحمة الله علیه، و إسحاق رحمة الله علیه، می فرمایند که در یک قریه که چهل نفر مردان موجود باشند در آن جاء نماز جمعه خواندن درست است و اگر از چهل نفر مردان کمتر باشند نماز جمعه درست نیست و عمر بن عبد العزیز شرط گذاشته که والی هم موجود باشد و نزد امام ابو حنیفه رحمة الله علیه می فرماید که چهار نفر همراهی امام باشند نماز جمعه جائز است لکن آن جاء باید والی داشته باشد و امام ابو یوسف رحمة الله علیه، و امام اوزاعی رحمة الله علیه، می فرمایند اگر در یک جاء سه نفر باشند هم نماز جمعه درست است بشرط که آن جاء والی داشته باشد و امام حسن رحمة الله علیه، و امام أحمد رحمة الله علیه، و امام اسحاق رحمة الله علیه، هم است امام اوزاعی رحمة الله علیه می فرماید که آن قریه که باندازه شش میل دورتر باشد از جای که نماز جمعه اداء میشود در آن جاء هم نماز جمعه خواندن درست است و امام ربیع رحمة الله علیه می فرماید که چهار میل دور باشد نماز جمعه درست است و امام مالک رحمة الله علیه و لیث رحمة الله علیه می فرمایند که سه میل دور باشد هم نماز جمعه میشود و امام ایم حنیفه رحمة الله علیه می فرماید که در قریه ها نماز جمعه درست نیست اگر نزدیک باشد یا دور.

(²) أبو بکر عبد الرزاق بن همام الصنعانی در کتاب خود مصنف عبد الرزاق در (ج 3 ص 168) در حدیث نمبر (5177) به روایت علی رضی الله عنه (به روایت علی رضی الله عنه نیست بلکه قول حضرت علی می باشد نه حدیث از رسول الله صلی الله علیه و سلم) که می فرماید «نماز جمعه و تشریق در مسجدی که در شهر باشد میشود.» شهرها را می شمرد: بصره و کوفه و مدینه و بحرین و مصر و شام و جزیره و شاید می گفت یمن و یمامه.

ابن الملقن سراج الدین أبو حفص عمر بن علی بن أحمد الشافعی المصري (المتوفی: 804هـ) در کتاب خود التوضیح لشرح الجامع الصحیح در (ج 7 ص 439) به روایت علی رضی الله عنه فرموده که نماز جمعه در شهر میشود و ابن اَبی شیبه می فرماید که سند این حدیث خوب است (جید)

قَالَ: (وَلَا تُقَامُ إِلَّا فِي الْمِصْرِ) لِمَا رَوَيْنَا. (أَوْ مُصَلَّاهُ) لِأَنَّهُ فِي حُكْمِهِ.

(وَالْمِصْرُ مَا لَوْ اجْتَمَعَ أَهْلُهُ فِي أَكْبَرِ مَسَاجِدِهِ لَمْ يَسْعَهُمْ) رُوِيَ ذَلِكَ عَنْ أَبِي يُوسُفَ.

ونماز جمعه اقامه کرده نمیشود مگر در شهر (1) یا عیدگاه شهر، بخاطر حدیثی که روایت کردیم (2) زیرا عیدگاه هم حکم شهر را دارد. وشهر به مناطقی اطلاق میشود که اگر باشندگان آن در بزرگترین مسجد آن جمع گردند گنجایش آن را نداشته باشد، این تعریف از امام ابویوسف (3) رحمه الله علیه نقل شده است،

(1) أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي در كتاب خود السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي در (ج 3 ص 183) در روایت نمبر (5823) به روایت علی رضی الله عنه می فرماید که نماز جمعه در شهر ومسجد جامع ادا میشود.

ابن الملقن سراج الدین أبو حفص عمر بن علی بن أحمد الشافعی المصري (المتوفی: 804هـ) در کتاب خود التوضیح لشرح الجامع الصحیح در (ج 7 ص 439) به روایت علی رضی الله عنه فرموده که نماز جمعه در شهر میشود. و ابن أبی شیبہ می فرماید که سند این حدیث خوب است (جید)

(2) - در همین کتاب الاختیار لتعلیل المختار یک صفحه قبل در حدیث ذکر شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است نماز جمعه در شهر فقد در شهر میشود.

أبو الحسن عبید الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين الرحمانی المبارکفوری (المتوفی: 1414هـ) در کتاب خود مرعاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح در (ج 4 ص 450) فرموده اند که در محل اقامة جمعه اختلاف است امام ابوحنیفه رحمه الله علیه می فرماید: که نماز جمعه تنها در شهر میشود در قریه ها اقامه نمیشود، وائمه ثلاثه می فرمایند: که نماز جمعه در شهرها و همچنان در قریه ها نیز اقامه میشود، ودلیل امام ابوحنیفه رحمه الله علیه این حدیث است که از علی رضی الله عنه روایت است که نماز جمعه در شهرها میشود، وامام احمد رحمه الله علیه می فرمایند: که این حدیث ضعیف است، واین حزم رحمه الله علیه می فرماید که این حدیث صحیح است.

(3) امام ابو یوسف رحمه الله علیه: نام اصلی اش یعقوب بود نام پدرش ابراهیم و سلسله نسب اش این چنین است (قاضی، ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم بن حبیب بن حبیب بن سعد بن بجیر بن معاویه الانصاری الکوفی) از کوفه بود از جمله شاگردان امام ابوحنیفه رحمه الله علیه بود و امام ابوحنیفه رحمه الله علیه درباره امام ابو یوسف رحمه الله علیه می فرمود که از جمله بهترین شاگردانش بود و اولین نفر بود که به لقب قاضی القضاة ملقب شد در سال (113 هج پیداشد و در سال 189 هج) وفات شد (البدایة والنهاية ج 10 ص 449) همچنان در کتاب سیر اعلام النبلاء آمده که پیدایش امام ابو یوسف رحمه الله علیه (113 هج پیداشد و در سال 189 هج) وفات شد در ج 8 ص 536) باقی مانده صفحه (61)

أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسین الغیتابی الحنفی بدر الدین العینی (المتوفی: 855هـ) البناية شرح الهدایة الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، لبنان (ج 3 ص 46) (وعنه أنهم إذا اجتمعوا في أكبر مساجدهم لم يسعهم)، مراد از (عنه) امام ابو یوسف رحمه الله علیه است (انهم) مراد ازین آنان استند که بالایش نماز جمعه فرض باشد از جمله مردان بالغین و احرار اطفال و زنان و غلامان حساب نیست اگر در یک مسجد کلان همین مردم جمع شوند جای نمیشوند این را شهر گفته میشود و این قول امام ابو یوسف رحمه الله علیه است.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ شُجَاعِ الثُّلَجِيِّ: هَذَا أَحْسَنُ مَا قِيلَ فِيهِ ; وَقِيلَ: هُوَ أَنْ يَعِيشَ كُلُّ صَانِعٍ

بِحِرْفَتِهِ.

و محمد بن شجاع ثلجی (1) فرموده است این بهترین تعریف شهر است از میان تعریفاتى که ارایه است. و بعض (61) دیگر گفتند: مصر جای است که هر صاحب حرفه با حرفه خود در آن جا زندگی کرده بتواند.

¹ شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایم‌از الذهبی (المتوفى: 748هـ) در کتاب خود سیر أعلام النبلاء الناشر : مؤسسة الرسالة در (ج ۱۲ ص ۳۷۹) رقم نمبر (۱۶۳) فرموده که مُحَمَّدُ بْنُ شُجَاعِ ابْنِ الثُّلَجِيِّ البَغْدَادِيُّ از جمله فقهاء بلند مرتبه مذهب حنفی در بغداد بود که به ابن ثلجی مشهور بود در علم حدیث شاگرد الیزیدی و یحی بن ادم بود در کتابهای فقه شاگرد حین بن زیاد بود از جمله شاگردان مشهورش یعقوب بن شبیه ، حفیده، عبدالله بن احمد بن ثابت بودو عابد و تهجد خوان و بسیار تلاوة کننده بود و در حالت سجده وفات شد یک کتاب نوشته کرده (المناسک) بیشتر از شست جز دارد و هشتاد و پنج ساله بود که وفات شد در سال (۲۶۶) هـ.ق. (61) أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسین الغیتابی الحنفی بدر الدین العینی (المتوفى: 855هـ) در کتاب خود لبنایة شرح الهدایة الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، لبنان در (ج ۳ ص ۴۵) این قول أبی عبدالله البلخی است.

وَقَالَ الْكَرْخِيُّ: مَا أُقِيمَتْ فِيهِ الْحُدُودُ، وَنُفِّدَتْ فِيهِ الْأَحْكَامُ. وَزَادَ بَعْضُهُمْ: وَيُوجَدُ فِيهِ جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ فِي مَعَايِشِهِمْ. وَعَنْ مُحَمَّدٍ: كُلُّ مَوْضِعٍ مَصْرَهُ الْإِمَامُ فَهُوَ مِصْرٌ، فَلَوْ بَعَثَ إِلَى قَرْيَةٍ نَائِبًا لِإِقَامَةِ الْحُدُودِ وَالْقِصَاصِ صَارَ مِصْرًا، فَلَوْ عَزَلَهُ وَدَعَاهُ التَّحَقُّقُ بِالْقُرَى.

و امام کرخی(1) رحمه الله عليه فرموده است: شهر جای را گفته میشود که در آن اقامه حدود صورت گیرد و احکام در آن نافذ گردد. وبعضی اضافه نمودند که شهر جای است که تمام چیزها در آن جا یافت شود که انسان برای بود و باش به آن نیاز می داشته باشد. و امام محمد (۶۳) رحمه الله میگوید هر جای را که امام به حیث شهر تعیین کند همانجا شهر است پس اگر امام نایب خود را فرستاد تا در آنجا اقامه حدود نماید، آن جا مصر محسوب--میگردد، و اگر پس نایب خویش را برطرف کرد، و آن را پس نزد خود خواست آن منطقه پس ملحق به قریه میگردد.

(۱) شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي (المتوفى : 748هـ) در کتاب سیر أعلام النبلاء الناشر : مؤسسة الرسالة در (ج ۱۵ ص ۴۲۷) فرموده که اسم گرامی امام کرخی رحمه الله عليه الشیخ، الإمام، الزاهد، مُقْتَنِي الْعِرَاق، شَيْخُ الْخَنْفِيَّةِ، أَبُو الْحَسَنِ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ دَلَالِ بْنِ الْبَعْدَادِيِّ، الْكَرْخِيُّ، الْفَقِيهُ. شاگرد اسماعیل بن اسحاق القاضی و محمد بن عبدالله الحزرمی است از جمله شاگردانش أَبُو عَمْرٍو بْنُ حَبُوبٍ، وَأَبُو حَفْصٍ بْنُ شَاهِينَ، وَالْقَاضِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْأَكْفَانِي، وَالْعَلَّامَةُ أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ الرَّازِيِّ الْحَنْفِيِّ، وَأَبُو الْقَاسِمِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ التَّنُوحِيُّ، است ژند ئی دیر په فقر اوزهد کینی تیر کرو او د مشهور شاگردانو څخه ئی ابوبکر رازی است و شاگردان اش در مختلف شهرها است و نامش مشهور است و در عمر هشتاد ساله گي وفات شد أَبُو الْقَاسِمِ بْنِ عَلَانَ الْوَّاسِطِيُّ می فرماید که ابا الحسن کرخی در آخر عمرش فالج شد و از همین مرض در سال (۳۴۰) هجی وفات شد.

(۶۳) امام محمد رحمه الله عليه نام اصلی محمد نام پدرش حسن مشهور به ابو عبدالله شیبانی بود وطن اش کوفه بود و شاگرد امام ابو حنیفه رحمه الله عليه بود در باره امام محمد رحمه الله عليه، امام شافعی رحمه الله عليه میفرماید من به مثل امام محمد رحمه الله عليه عالم نه دیده ام روز که وفات شد همایش علم فقه و لغة دفن شد در سال (۱۰۲ هج پیداشده) البداية والنهاية لابن كثير (ج ۱۰ ص ۴۸۱) امام محمد رحمه الله عليه در سال (۱۸۹ هج) وفات شده سیر اعلام النبلاء (ج ۹ ص

قَالَ: (وَلَا بُدَّ مِنَ السُّلْطَانِ أَوْ نَائِبِهِ) لِأَنَّهُ لَوْلَا ذَلِكَ لَأَخْتَارَ كُلُّ جَمَاعَةٍ إِمَامًا فَلَا يَتَّفِقُونَ عَلَى وَاحِدٍ فَتَفْعُ بَيْنَهُمُ الْمُنَازَعَةُ، فَرُبَّمَا خَرَجَ الْوَقْتُ وَلَا يُصَلُّونَ، وَلِأَنَّ ذَلِكَ يُفْضِي إِلَى الْفِتْنَةِ، وَمَعَ وُجُودِ السُّلْطَانِ لَا.

مصنف رحمه الله تعالى فرمود: برای اقامه نماز جمعه موجودیت حاکم و یا نایب وی ضروری است؛ زیرا اگر چنین نباشد هر گروه برای خود امامی را تعیین می کند، و به امامت یک شخص متفق نمی شوند، بناء در بین شان اختلاف و کشمکش واقع میگردد، و ممکن است اوقات که وقت نماز جمعه بگذرد (وبه سبب همین اختلاف) نماز را نه گذارند. و دیگر اینکه این کار سبب فتنه میگردد، و در موجودیت سلطان امکان واقع شدن فتنه نمی باشد. (1)

(1) أ. د. فهد بن عبد الرحمن بن سليمان الرومي در کتاب خود اتجاهات التفسير في القرن الرابع عشر الناشر: طبع بإذن رئاسة إدارات البحوث العلمية والافتاء والدعوة والارشاد في المملكة العربية السعودية برقم 5/951 وتاريخ 1406/8/5 در (ج 2 ص 491) فرموده که نماز جمعه فرض است و دورکت است و در وقت نماز پیشین است در مسئله بین علماء اختلاف وجود ندارد مگر اختلاف درین است که نماز جمعه مطلق واجب است بدون شرط است یا شرط است وجود امام (پاچا) یا نایب امام. در مذهب احناف و امامیه وجود امام یا نایب اش شرط است لکن امامیه عدالت امام را شرط میدانند و اگر امام عادل نباشد وجود امام کالعدم است و احناف عدالت امام را شرط نمیدانند مطلق امام باشد یا نایب امام.

شوافع، مالکیه، حنابله میفرمایند که نماز جمعه مطلقا واجب است امام باشد یا خیر و اکثر فقهای مذهب امامیه میفرمایند وقتی که امام عادل پیدا نشد و یک عالم فقیه عادل باشد باز مردم اختیار دارند که نماز جمعه میخوانند یا نماز پیشین میخوانند. درباره نماز جمعه چهار اقوال وجود دارد. شوافع، مالکیه، حنابله، رحیم الله میفرماید امام باشد یا نباشد نماز جمعه واجب است. احناف میفرمایند که وجود امام شرط است امام عادل باشد یا خیر یک طائفه اهل تشیع میفرمایند که به نماز جمعه شرط امام عادل است. یک طائفه اهل تشیع میفرمایند که به نماز جمعه شرط امام معصوم است مراد از امام پاچاه وقت است.

(وَوَقْتُهَا وَقْتُ الظُّهْرِ) لِحَدِيثِ أَنَسٍ: «كُنَّا نُصَلِّي الْجُمُعَةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ إِذَا مَالَتِ الشَّمْسُ»
وَلِأَنَّهَا خَلْفٌ عَنِ الظُّهْرِ وَقَدْ سَقَطَتِ الظُّهْرُ فَتَكُونُ فِي وَقْتِهَا.

و وقت نماز جمعه وقت نماز پیشین می باشد بنا بر حدیث انس بن مالک رضی الله عنه که فرموده است : ما نماز جمعه را با رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وقتی می خواندیم که آفتاب به طرف مغرب میلان میکرد (1) و دلیل دیگر آن اینست که نماز جمعه قایم مقام نماز پیشین است، و به همین اساس به وجوب نماز جمعه نماز ظهر ساقط می گردد؛ بناء جمعه در وقت نماز پیشین می باشد (2)

(1) أبو بکر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي (159-235 هـ) در کتاب خود مُصَنَّف ابن أبي شيبة در (ج ۲ ص ۱۰۸) در حدیث نمبر (۵۱۷۸) به روایت آنس بن مالک رضی الله عنه می فرماید که ما نماز جمعه را همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم خواندیم در حال که آفتاب به طرف قبله مائل بود.

محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله در کتاب خود الأم در (ج ۱ ص ۱۹۴) امام شافعی رحمه الله علیه به روایت مطلب بن حنطب که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز جمعه را خواند و آفتاب به اندازه یک گز یا زیادتر از یک گز از سایه زوال بود. إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي أبو إسحاق در کتاب خود المذهب في فقه الإمام الشافعي در (ج ۱ ص ۹۳) می فرماید که در روز جمعه نماز خواندن در وقت که آفتاب در مابین آسمان (استوی) باشد نماز جمعه مکروه نیست بدلیل روایت أبوسعید الخدری رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم منع فرموده از نماز در وقت نصف روز (استوی) مگر در روز جمعه از خاطر تکلیف به مردم که زیاد میباشند در آن صورت که مردو جمع شده باشند و اگر جمع نه شده باشند در صورت دوروایت است اول جائز است بدلیل حدیث که ذکر شد دوم جائز نیست بدلیل عدم تکلیف بر مردم که جمع نه شده اند.

(2) علي بن سلطان، محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (المتوفى: 1014 هـ) در کتاب خود مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح الناشر: دار الفكر، بیروت - لبنان در (ج ۳ ص ۱۰۴۸) در روایت نمبر (۱۴۱۶) به نماز جمعه وقت شرط است و وقت نماز جمعه وقت پیشین است به نزد احناف قبل از زوال نماز جمعه درست نیست و وقتی که وقت نماز دیگر داخل شد نماز جمعه درست نیست و به نزد امام أحمد بن حنبل رحمه الله علیه قبل از زوال نماز جمعه درست است و به نزد امام مالک رحمه الله علیه بعد از داخل شدن وقت نماز دیگر نماز جمعه جائز است.

قَالَ: (وَلَا تَجُوزُ إِلَّا بِالْخُطْبَةِ) لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ} [الجمعة: 9] وَلَا يَجِبُ السَّعْيُ إِلَّا إِلَى الْوَجِبِ، وَالنَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَمْ يُصَلِّ الْجُمُعَةَ بِدُونِهَا. وَقَالَتْ عَائِشَةُ: إِنَّمَا قُصِرَتِ الصَّلَاةُ لِمَكَانِ الْخُطْبَةِ، وَعَلَيْهِ الْإِجْمَاعُ،

مصنف علیه الرحمه فرمود: جایز نیست نماز جمعه مگر باخطبه، بخاطری که الله متعال می فرماید: ترجمه (پس بشتابید بسوی ذکر خداوند، و ترک کنید خرید و فروش را) وسعی وقتی واجب می باشد که عمل واجب باشد، و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نماز جمعه را بدون خطبه نخوانده اند(1) و عایشه رضی الله تعالی عنها فرمودند: بخاطر خطبه، نماز جمعه مختصر شده است (یعنی دورکعت شده است)(2) و در این مورد اجماع وجود دارد(3)

(1) الأستاذ الدكتور موسى شاهين لاشين در کتاب خود فتح المنعم شرح صحيح مسلم الناشر: دار الشروق در(ج 4 ص 91) رسول الله صلى الله عليه وسلم بدون خطبه نماز جمعه را نخوانده و فرموده که قسمی که مه نماز میخوانم شما هم بخوانید و جمهور علماء می فرمایند که نماز جمعه بدون خطبه درست نیست.

(2) عبد العزيز بن أحمد بن محمد، علاء الدين البخاري (المتوفى: 730 هـ) در کتاب خود کشف الأسرار عن أصول فخر الإسلام البزدوي المحقق: عبد الله محمود محمد عمر الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت در(ج 1 ص 206) در ذیل این آیات فرموده {فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ} [الجمعة: 10] مراد درین آیت از قضاء نماز جمعه است در اصول فقه دیدیم که اصل در نماز جمعه وقت پیشین است بدلیل قول عائشه رضی الله عنها که نماز جمعه قصر شد بخاطریکه خطبه خوانده میشود و نماز جمعه قائم مقام نماز پیشین است همراى قدرة بر اداء نماز پیشین این یک نوع ضرورت است و اسم قضاء بر نماز جمعه براین دلیل است.

(3) عبد العزيز بن أحمد بن محمد، علاء الدين البخاري (المتوفى: 730 هـ) در کتاب خود کشف الأسرار عن أصول فخر الإسلام البزدوي (ج 1 ص 206) فرموده: {فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ} [الجمعة: 10] أي أدیت وفرغ منها (وقتی که نماز جمعه را اداء کردید و از نماز جمعه فارغ شدید در کتاب اصول فقه آمده که اصل در روز جمعه نماز پیشین است عائشه رضی الله عنها می فرماید که نماز جمعه قصر شد بجایش خطبه خوانده میشود و نماز جمعه بجای نماز پیشین خوانده میشود ازین وجه در آیت آمده که (قضیت) یعنی قضاء شد.

أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العباسي الكوفي (159 - 235 هـ) در کتاب خود مُصنّف ابن أبي شيبة در(ج 2 ص 128) در حدیث نمبر(5367) به روایت عمر بن خطاب رضی الله عنه می فرماید که خطبه به جائ دورکعت نماز است اگر کسی خطبه نخواند چهار رکعت بخواند.

محمد بن علي بن آدم بن موسى الإثيوبي الوَلَوِيّ در کتاب خود شرح سنن النسائي المسمى «ذخيرة العقبى في شرح المجتبى». الناشر: دار المعراج الدولية للنشر در(ج 16 ص 267) به نزد جمهور فقهاء کرام مانند امام مالک، امام امام والشافعي، امام أحمد رحمه الله تعالی هر دو خطبه در نماز جمعه شرط است و امام ابو حنیفة رحمه الله می فرماید که در نماز جمعه خطبه شرط است اگر یک خطبه خوانده شود شرط پوره میشود و ابن المنذر از حسن بصری رحمة الله علیه حکایت میکند که نماز جمعه بدون خطبه هم درست است و ایچنین قول داود، و عبد الملك رحمة الله علیه از جمله أصحاب مالک رحمة الله علیه هم است.

وَهِيَ قَبْلَ الصَّلَاةِ، هَكَذَا فَعَلَهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - وَالْأُئِمَّةُ بَعْدَهُ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا.

(يَخْطُبُ الْإِمَامُ خُطْبَتَيْنِ) قَائِمًا يَسْتَقْبِلُ الْقَوْمَ وَيَسْتَدْبِرُ الْقِبْلَةَ.

(يَفْصِلُ بَيْنَهُمَا بِقَعْدَةٍ خَفِيفَةٍ) هُوَ الْمَأْتُورُ مِنْ فِعْلِهِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - وَالْأُئِمَّةُ بَعْدَهُ

وخطبه قبل از نماز جمعه ارایه می شود، به همین شکل رسول الله صلی الله علیه وسلم و خلفاء مسلمانان تا امروز عمل داشته اند. امام دو خطبه را بصورت ایستاده طوری می خواند که رو بر روی مردم و پشت به طرف قبله نماید، و در میان هر دو خطبه به یک نشست کوتاه فاصله ایجاد نماید، به همین شکل عمل رسول الله صلی الله علیه وسلم و ائمه نقل شده است (1)

⁽¹⁾ أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420هـ) در کتاب خود مُخْتَصَر صَحِيحُ الْإِمَامِ الْبُخَارِيِّ النَاشِر: مَكْتَبَةُ الْمَعَارِفِ لِلنُّشْرِ وَالتَّوْزِيعِ، الرِّيَاضِ دَرَجِ ١ ص ٢٧٩) در روایت نمبر (١٤٩) به روایت انس رضی الله عنه فرموده است که النبي - صلی الله علیه وسلم خطبه به اسیتاده میخواند.

قَالَ: (وَإِنْ أَقْتَصَرَ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى جَازَ) وَكَذَلِكَ التَّسْبِيحُ وَنَحْوُهَا، وَإِنْ تَعَمَّدَ ذَلِكَ لَغَيْرِ عُدْرٍ فَقَدْ أَسَاءَ وَأَخْطَأَ السُّنَّةَ. وَقَالَا: لَا بُدَّ مِنْ ذِكْرِ طَوِيلٍ يُسَمَّى خُطْبَةً؛ لِأَنَّ الْخُطْبَةَ شَرْطٌ. وَالتَّسْبِيحُ وَالتَّحْمِيدَةُ لَا تُسَمَّى خُطْبَةً. وَلَهُ أَنْ التَّسْبِيحُ وَالتَّحْمِيدَةُ خُطْبَةٌ. لِاشْتِمَالِهَا عَلَى مَعَانٍ جَمَّةٍ، وَالْعِبْرَةُ لِلْمَعَانِي:

مصنف رحمة الله عليه فرمود: واگر در خطبه فقط به ذکر خداوند اکتفا کند درست است (1) همچنان اگر به تسبیح و یا یک ذکر مماثل دیگر اکتفا کرد هم درست است، ولی اگر قصداً این کار را انجام دهد، اشتباه را مرتکب شده و ترک سنت نموده است. صاحبین میگویند: در خطبه ضرور است که ذکر دراز را بخواند، به اندازه باشد که خطبه نامیده شود؛ زیرا که خطبه شرط است، و به تسبیح و تحمید خطبه گفته نمیشود. (2) و امام ابوحنیفه رحمة الله عليه میگوید: تسبیح و تحمید هم خطبه نامیده میشود، زیرا که شامل معانی بسیار است، و اعتبار به معنی داده میشود نه به الفاظ.

(1) در ارکان خطبه جمعه فقهاء کرام مختلف رأی دارند.

امام ابوحنیفه رحمة الله عليه می فرماید که خطبه عبارت است از تحمید، تهلیل و تسبیح بدلیل قول الله تعالی {فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ} ازین آیت معلوم میشود که مطلق ذکر الله تعالی باشد و مطلق ذکر شامل قلیل و کثیر میباشد.

امام مالک رحمة الله عليه میفرماید که حد اقل باید باندازه دو شعر باشد که این را عرب خطبه میگویند.

ابن العربی رحمة الله عليه میفرماید که در خطبه حداقل باید حمد، درود، بشارت، و چند آیت از قرآن کریم باشد.

امام شافعی رحمة الله عليه می فرماید که خطبه پنج ارکان دارد

۱- حمد د الله ۲- درود بر نبی صلی الله علیه وسلم و در درود باید اسم و صفت نبی صلی الله علیه وسلم باشد. ۳- وصیة به تقوی باشد. ۴- در خطبه دوم به عام مؤمنین دعا شود. ۵- قرأت آیت هم باشد و سنه است که آیت در خطبه اول باشد. به نزد حنابله ارکان خطبه.

۱- حمد الله تعالی ۲- درود درود بر نبی صلی الله علیه وسلم ۳- پند و نصیحت به مردم ۴- خواندن یک آیت پوره.

(2) محمد عمیم الإحسان المجددی البرکتی در کتاب خود قواعد الفقه الناشر: الصدق ببلشرز - کراتشی در (ج ۱ ص ۷۴) قاعده فقهی نمبر (۱۰۱) ذکر کرده است (الثَّابِتُ بِالْعَرَفِ كَالثَّابِتِ بِالنَّصِّ) آن چیزی که به عرف ثابت باشد مانند آن است که به دلیل شرعی ثابت شده باشد.

«وَجَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَّمَنِي عَمَلًا يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ، فَقَالَ: " لَنْ أَقْصِرْتَ الْخُطْبَةَ لَقَدْ أَعْرَضْتَ الْمَسْأَلَةَ » سَمِّيَ هَذَا الْقَدْرُ خُطْبَةً،

ویک مردی آمد نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و گفت: یا رسول الله به من عملی را تعلیم بدهید که توسط آن داخل جنت شوم. پیامبر علیه السلام فرمود: "اگر چه خطبه را کوتاه ارایه کردی ولی (در آن) قضیه خلی عریض وکلان را مطرح ساختی" (1) (2) همین اندازه (چیزی که در سوال همین آدم آمده) را خطبه نامیدند.

(1) - هدف رسول الله صلی الله علیه وسلم اینست که در کلمات خلی مختصر یک قضیه خلی طویل و عریض و کلان را مطرح ساختید که آن عبارت است از اسباب داخل شدن به جنت.

أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: 405هـ) در کتاب خود المستدرک علی الصحیحین تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت در (ج ۲ ص ۳۳۶) در روایت نمبر (۲۸۶۱) از البراء بن عازب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که یک اعرابی به رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت یا رسول الله به من عملی را تعلیم بدهید که توسط آن داخل جنت شوم. پیامبر علیه السلام فرمودند: "اگر چه خطبه را کوتاه ارایه کردی ولی (در آن) قضیه خلی عریض وکلان را مطرح ساختید.

(2) أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: 405هـ) در کتاب خود المستدرک علی الصحیحین (ج ۲ ص ۲۳۶) به روایت براء بن عازب رضی الله عنه می فرماید که یکروز یک اطرافی به رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و فرمود یا رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا یک چیزی تعلیم بده که داخل جنت شود پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر خطبه را کوتاه خواندی به اصل مسئله رسیدی (خلص معنی اینکه اگر خطبه کوتاه وبامحتوی خوب بود در حقیقت میلان کردن به امر صاحب طول و عرض است هدف همان (جنت عرضه السموات والارض) میباشد اشاره به تشویق به خطبه کوتاه وبامحتوی وعدم اطناب در خطبه است)

وَالْخُطْبَةُ لَا نِهَائِيَةَ لَهَا، فَيَتَعَلَّقُ الْجَوَازُ بِالْأَدْنَى، ولقوله تعالى (فاسعوا الى ذكر الله)[الجمعة: ٩] وهذا ذكر فتجوز الجمعة به.

خطبه نامیدند^(۱) و خطبه کدام حدی ندارد، پس جواز تعلق میگیرد به ادنی ترین آن^(۲)، و بدلیل قوله تعالى (فاسعوا الى ذكر الله)[الجمعة: ٩] و به این ذکر جائز است خطبه.

(۱) این نفر از اعمالی پرسیان کرد که باعث داخل شدن به جنت می شوند و این را رسول الله صلی الله علیه وسلم خطبه نامیدند ازین ثابت می شود که به این قدر کلام مختصر و کوتاه هم خطبه گفته می شود، بناء تسبیح و تحمید نیز خطبه نامیده می شود.

أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: 405هـ) در کتاب خود المستدرک علی الصحیحین (ج ۲ ص ۲۳۶) به روایت براء بن عازب رضی الله عنه می فرماید که یکروز یک اطرافی به رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و فرمود یا رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا یک چیزی تعلیم بده که داخل جنة شود پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر خطبه را کوتاه خواندی به اصل مسئله رسیدی (خلص معنی اینکه اگر خطبه کوتاه و بامحتوی خوب بود در حقیقت میلان کردن به امر صاحب طول و عرض است هدف همان (جنة عرضة السموات والارض) میباشد اشاره به تشویق به خطبه کوتاه و بامحتوی و عدم اطنا ب در خطبه است)

(۲) هدف اش اینست که خطبه به کوتاه ترین کلام هم گفته می شود، و به طولانی ترین کلام هم گفته می شود، و جواز به اندک ترین کلامی تعلق می گیرد که اطلاق خطبه بر آن درست باشد، به همین خاطر تسبیح و تحمید نزد امام أبو حنیفه خطبه تلقی می گردد امام ابو حنیفه رحمة الله علیه می فرماید که خطبه عبارت است از تحمید، تهلیل و تسبیح بدلیل قول الله تعالى {فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ} ازین آیت معلوم میشود که مطلق ذکر الله تعالی باشد و مطلق ذکر شامل قلیل و کثیر میباشد.

علاء الدين علي بن حسام الدين ابن قاضي خان القادري الشاذلي الهندي البرهانفوري ثم المدني فالمكي الشهير بالمتقي الهندي (المتوفى: 975هـ) در کتاب خود كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال (ج ۶ ص ۴۳۷) در روایت نمبر (۱۶۴۲۹) به روایت ابو ذر رضی الله عنه فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر خطبه را کوتاه خواندی به اصل مسئله رسیدی.

(وَالأُولَى أَنْ يَخْطُبَ قَائِمًا طَاهِرًا) هُوَ الْمَأْثُورُ.

(فَإِنْ خَطَبَ قَاعِدًا أَوْ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ جَازَ) لِمَا رُوِيَ أَنَّ عَثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لَمَّا أَسَنَّ

كَانَ يَخْطُبُ قَاعِدًا، وَلِأَنَّ الطَّهَّارَةَ لَيْسَتْ بِشَرْطٍ لِلْخُطْبَةِ

بهتر این است که خطبه را ایستاده (1) وبا وضوء ارایه دهد، اگر خطبه بخواند نشسته یا بدون وضوء درست

است از لحاظ روایت که عثمان رضی الله عنه زمانیکه سن شان بلند شد نشسته خطبه ارایه میکردند(2) و به

دلیل اینکه طهارت برای خطبه شرط نیست؛

(1) خطبه در حالت نشستن جواز دارد یا خیر احمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی در کتاب خود فتح الباری شرح صحیح البخاری الناشر: دار المعرفة - بیروت، 1379 در (ج 2 ص 401) فرموده که ابن منذر رحمه الله علیه فرمود به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه خطبه سنة است واجب نیست و به نزد امام مالک رحمه الله علیه واجب است اگر کسی خطبه نشسته خواند گناه کار میشود. محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التیمی البستی در کتاب خود صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان [صحیح ابن حبان] در (ج 7 ص 39) حدیث نمبر (2801) و در حدیث نمبر (2803) به روایت سماک بن حرب که از جابر بن سمره رضی الله عنه پرسیده بود درباره خطبه خواندن رسول الله صلی الله علیه وسلم و جابر رضی الله عنه فرمود که رسول الله صلی الله علیه وسلم خطبه میخواند باز می نشست و دروباره ایستاده شده خطبه میخواند.

اسناد این حدیث را شعیب الأرنؤوط حسن گفته.

ابن المنذر در کتاب خود «الاوسط» در (ج 4 ص 58) به روایت ابوبکر می فرماید که از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است که دو خطبه میخواند و در میان هر دو خطبه می نشست این دلیل است که رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته خطبه نخوانده عطاء می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم تا حال رحلت نشسته خطبه نخوانده و همیشه ایستاده میخواند از عطاء پرسیده شد که اول کی بود که خطبه را نشسته خواند عطاء فرمود که عثمان رضی الله عنه در آخر عمر خود

(2) محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ) در کتاب خود المبسوط الناشر: دار المعرفة - بیروت در (ج 2 ص 26) عثمان رضی الله عنه در آخر عمرش که مریض هم بود نشسته خطبه میخواند.

لِأَنَّهُ ذَكَرَ لَا يُشْتَرَطُ لَهُ اسْتِقْبَالُ الْقِبْلَةِ فَلَا تُشْتَرَطُ لَهُ الطَّهَارَةُ كَالْتَّلَاوَةِ وَالْأَذَانَ وَالْإِقَامَةَ،
إِلَّا أَنَّهُ يُكْرَهُ لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَصْلِ بَيْنَ الْخُطْبَةِ وَالصَّلَاةِ بِالْوُضُوءِ، وَقَدْ أَسَاءَ لِمُخَالَفَتِهِ السُّنَّةَ.

زیرا که خطبه ذکری است که برای آن استقبال قبله شرط نیست، بناء طهارت یا وضو داشتن نیز شرط نیست، مثل تلاوت، اذان و اقامت، مگر (ارایه کردن خطبه بدون طهارت) کراهت دارد زیرا که در آن فصل بین خطبه و نماز برای وضو کردن لازم میگردد، و کار اشتباه را انجام داده است زیرا که مخالف سنت عمل کرده است .

قَالَ: (وَلَا بُدَّ مِنَ الْجَمَاعَةِ لِأَنَّهَا مُشْتَقَّةٌ مِنْهَا، وَلَا خِلَافَ فِي ذَلِكَ. وَاخْتَلَفُوا فِي كَمِّيَّتِهَا. قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: لَا بُدَّ مِنْ ثَلَاثَةِ سَوَى الْإِمَامِ، وَأَنْ يَكُونَ الْإِمَامُ وَالثَّلَاثَةُ مِمَّنْ يَجُوزُ الْاِقْتِدَاءُ بِهِمْ فِي غَيْرِ الْجُمُعَةِ. وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: اِثْنَانِ سِوَى الْإِمَامِ، وَالْأَصَحُّ أَنَّ مُحَمَّدًا مَعَ أَبِي حَنِيفَةَ. لِأَبِي يُوسُفَ أَنَّ الْاِثْنَيْنِ جَمَاعَةٌ لِأَنَّهُ مُشْتَقٌّ مِنَ الْاجْتِمَاعِ وَقَدْ وَجِدَ.

مصنف علی الرحمة فرموده: و ضروری است که با جماعت ادا شود؛ چون کلمه جمعه از جماعت ماخوذ است. و در این هیچ نوع اختلاف نیست و اختلاف در کمیت آن است.

امام ابوحنیفه (1) رحمت الله علیه فرموده است: برای اقامه نماز جمعه موجودیت سه نفر (2) غیر از امام ضرور می باشد. و اینکه امام و سه نفری دیگر از جمله اشخاصی باشند که به آنان در غیر از نماز جمعه اقتدا جایز باشد. و امام ابو یوسف و امام محمد (3) رحمهما الله فرمودند: (که برای صحت جماعت نماز جمعه) دو نفر باشند غیر از امام. و صحیح ترین قول این است که امام محمد درین مساله با امام ابوحنیفه هم نظر است. دلیل امام ابو یوسف اینست که دو جمع است زیرا که لفظ جماعت از جمع مشتق است که معنای آن یک جا شدن است، و این در دو متحقق می شود. 4

(1) شهرت امام ابو حنیفة رحمة الله علیه در صفحه (74)

در نماز جمعه چند نفر باید باشد درین باره ائمه اربعه اختلاف نظر دارند که در ذیل ذکر شده است.

(2) شرف الدین موسی بن أحمد بن موسی أبو النجا الحجاوی (المتوفی: 960هـ) در کتاب خود الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل در (ج 1 ص 191) نماز جمعه در آن جا می شود که آبادی داشته باشد خانه ها جور باشد اگر تنها اهل خیمه (کوچی) ها در یک جائ باشند نماز جمعه خوانده نمیتوانند و همراهی امام چهل نفر یا زیاد از چهل نفر نماز گذار موجود باشد.

محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله (سنة الولادة 150 / سنة الوفاة 204) در کتاب خود الأم (ج 1 ص 190) امام شافعی رحمة الله می فرماید که از زیاد اصحاب خود شنیده ایم که نماز جمعه در جائ فرض است که در آن جا چهل نفر موجود باشند.

أبو القاسم، محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الله، ابن جزى الكلبي الغرناطي (المتوفى: 741هـ) در کتاب خود القوانين الفقهية در صفحه (56) فرموده که از امام احمد بن حنبل رحمة الله علیه فرموده که به نماز جمعه حد اقل باید سی نفر باشد و بعضی گفته اند که باید پنجاه نفر باشند.

(3) شهرت امام ابو یوسف رحمة الله علیه در صفحه (61) و شهرت امام محمد رحمة الله علیه در صفحه (63) ذکر شده است.

⁴ پاورقی صفحه (73)

امام ابوحنیفه رحمة الله علیه که نام اصلی اش نعمان نام پدرش ثابت و نام پدر کلانش زوطی التیمی است امام ابوحنیفه رحمة الله علیه فقیه در عراق بود از جمله امامان اسلام بود و از همه امامان قبلتر وفات کرد و همراهی صحابه کرام ملاقات اش شده بود با انس بن مالک رضی الله عنه هم ملاقات کرده بود بعضی فرموده اند که همراهی هفت صحابه کرام ملاقات کرده و سفیان ثوری و ابن مبارک رحمة الله علیهما میفرماید که امام ابوحنیفه رحمة الله علیه بهترین عالم زمانه ما بود در سال 80 هجری پیداشد و در سال 150 هجری از دنیای فانی رحلت نمود.

وَلَهُمَا أَنْ الْجَمْعَ الصَّحِيحَ ثَلَاثَةٌ وَمَا دُونَهَا مُخْتَلَفٌ فِيهِ، وَالْجَمَاعَةُ شَرْطٌ بِالْإِجْمَاعِ فَلَا يَتَأَدَّى بِالْمُخْتَلَفِ.

و دلیل طرفین اینست که جمع صحیح سه میباشد (سه نفر نزد همه جماعت شمرده می شود)، و از این کمتر اختلافی است (این امر اختلافی است که به کمتر از سه لفظ جماعت اطلاق می شود یا خیر) و جماعت برای نماز جمعه به اتفاق علما شرط است پس باید به یک حالتی ادا شمرده شود که اتفاقی است (و آن سه نفر است)، نه به حالت اختلافی (که دو نفر است)(1).

امام ابو یوسف رحمه الله علیه: نام اصلی اش یعقوب بود نام پدرش ابراهیم و سلسله نسب اش این چنین است (قاضی ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم بن حبيب بن حبيش بن سعيد بن جبیر بن معاویه الانصاری الکوفی) از کوفه بود از جمله شاگردان امام ابو حنیفه رحمه الله علیه بود و امام ابو حنیفه رحمه الله علیه درباره امام ابو یوسف رحمه الله علیه می فرمود که از جمله بهترین شاگردانش بود و اولین نفر بود که به لقب قاضی القضاة ملقب شد در سال (۱۱۳ هج پیداشد و در سال ۱۸۹ هج وفات شد (البداية والنهاية (ج ۱۰ ص ۴۴۹) همچنان در کتاب سیر اعلام النبلاء آمده که پیدایش امام ابو یوسف رحمه الله علیه (۱۱۳ هج پیداشد و در سال ۱۸۹ هج وفات شد در ج ۸ ص ۵۳۶)

امام محمد رحمه الله علیه نام اصلی محمد نام پدرش حسن مشهور به ابو عبدالله شیبانی بود وطن اش کوفه بود و شاگرد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه بود در باره امام محمد رحمه الله علیه، امام شافعی رحمه الله علیه میفرماید من به مثل امام محمد رحمه الله علیه عالم نه دیده ام روز که وفات شد همایش علم فقه و لغة دین شد در سال (۱۰۲ هج پیداشده) البداية والنهاية لابن كثير (ج ۱۰ ص ۴۸۱) امام محمد رحمه الله علیه در سال (۱۸۹ هج) وفات شده سیر اعلام النبلاء (ج ۹ ص ۱۳۵)

(۱) أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابی الحنفی بدر الدين العيني (المتوفى: 855هـ) در کتاب خود عمدة القاري شرح صحيح البخاري الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت در (ج ۶ ص ۲۴۹) یکی از شرائط نماز جمعه جماعت است نماز جمعه بدون جماعت درست نیست لکن در عدد نماز گزاران مختلف نظریان وجود دارد ۱- به نزد امام ابو حنیفه رضی الله عنه حداقل یک نفر امام و سه نفر مقتدی باشد ۲- به نزد امام ابو یوسف و امام محمد رحمه الله علیهما حداقل یک نفر امام و دو نفر مقتدی باشد ۳- به نزد امام النُّعْمِيّ وَالْحَسَنِ بْنِ حَيٍّ وَجَمِيعِ الظَّاهِرِيَّةِ، حداقل یک نفر امام و یک نفر مقتدی باشد ۴- به نزد امام عِكْرِمَةَ رحمه الله علیه حداقل هفت نفر امام و مقتدی باشد ۵- به نزد امام ربیع رحمه الله علیه حداقل نونفر یا دوازده نفر امام و مقتدی باشد ۶- به نزد امام مالک رحمه الله علیه به روایت ابن حبيب حداقل نفر سیزده نفر یا بیست نفر یا سی نفر امام و مقتدی باشد ۷- به نزد عمر بن عبدالعزيز رحمه الله علیه حداقل چهل نفر غلامان و چهل نفر مقیمین که در تابستان و زمستان امام و مقتدی موجود باشند ۸- به نزد امام شافعی و امام احمد رحمه الله علیهما حداقل چهل نفر غلامان و چهل نفر مقیمین امام و مقتدی موجود باشند ۹- در یک روایت دیگر به نزد امام احمد و عمر بن عبدالعزيز رحمه الله علیهما حداقل پنجاه نفر امام و نفر مقتدی باشند ۱۰- به نزد امام المازری رحمه الله علیه حداقل هشتاد نفر امام و نفر مقتدی باشند و در یک روایت غیر محدود نفر باید باشد ۱۱- به نزد امام کرمانی رحمه الله علیه حداقل دوازده نفر امام و نفر مقتدی باشند.

قَالَ مُحَمَّدٌ: لَا بَأْسَ بِصَلَاةِ الْجُمُعَةِ فِي الْمِصْرِ فِي مَوْضِعَيْنِ وَثَلَاثَةِ وَلَا يَجُوزُ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ؛ لِأَنَّ الْمِصْرَ إِذَا بَعُدَتْ أَطْرَافُهُ شَقَّ عَلَى أَهْلِهِ الْمَشْيُ مِنْ طَرَفٍ إِلَى طَرَفٍ فَيَجُوزُ دَفْعًا لِلْحَرَجِ، وَأَنَّهُ يَنْدَفِعُ بِالثَّلَاثِ فَلَا حَرَجَ بَعْدَهَا، وَلِهَذَا كَانَ عَلِيٌّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - يُصَلِّي الْعِيدَ فِي الْجَبَانَةِ، أَيْ الْمُصَلَّى، وَيَسْتَخْلِفُ مَنْ يُصَلِّي بِضَعْفَةِ النَّاسِ بِالْمَدِينَةِ،

امام محمد(1) رحمه الله میگوید: به ادا نمودن نماز جمعه در دو یا سه جای در شهر باکی نیست، و در جاهای بیشتر از این خواندن نماز جمعه درست نیست، (نماز خواندن در دو یا سه جای در شهر) بخاطری جواز دارد زیرا وقتی اطراف شهر دور بوده باشد، برای باشندگان آن رفتن از یک طرف شهر به طرف دیگران باعث مشقت می شود. و به خواندن جمعه در سه جای همین حرج مرفوع میگردد، و بعد از آن حرج نمی ماند و به همین سبب حضرت علی رضی الله عنه خود شان نماز عید را در جبانه(2) می خواندند، و در مدینه کسی را نماینده خویش تعیین می نمودند تا برای مردمان ضعیف نماز عید اقامه نماید(4) نماز جمعه را میخواندند و جانشین خود قرار میدادند شخص را که در مدینه برای معذورین نماز بگذارد.

(1) امام محمد رحمه الله علیه نام اصلی محمد نام پدرش حسن مشهور به ابو عبدالله شیبانی بود وطن اش کوفه بود و شاگرد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه بود در باره امام محمد رحمه الله علیه، امام شافعی رحمه الله علیه میفرماید من به مثل امام محمد رحمه الله علیه عالم نه دیده ام روز که وفات شد همرايش علم فقه و لغة دفن شد درسال (۱۰۲ هج پیدا شده) البداية والنهاية لابن كثير (ج ۱۰ ص ۴۸۱) امام محمد رحمه الله علیه درسال (۱۸۹ هج) وفات شده سیر اعلام النبلاء (ج ۹ ص ۱۳۵) (چند دفعه پیش هم این امام را معرفی نموده اید.

(2) مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الکریم الشیبانی الجزري ابن الأثیر (المتوفی: 606هـ) در کتاب خود المحقق: أحمد بن سليمان - أبي تميم يأسر بن إبراهيم الشافعي في شرح مُسْنَدِ الشَّافِعِيِّ لِابْنِ الأَثِيرِ الناشر: مَكْتَبَةُ الرُّشْدِ، الرياض - المملكة العربية السعودية در (ج ۲ ص ۲۰۸) فرموده که (جبانه به معنی دشت و بیابان) بسا اوقات اطلاق جبانه بر حَضِيرَه (مقبره) هم میشود و نماز عید در بیابان میشود باین خاطر جبانه هم نامیده شده.

مجمع اللغة العربية بالقاهرة (إبراهيم مصطفى / أحمد الزيات / حامد عبد القادر / محمد النجار) در کتاب خود المعجم الوسيط در (ج ۱ ص ۱۰۶) (الجبان) الصَّحْرَاءُ وَالْمَقْبَرَةُ (جبانه به معنی دشت و بیابان)

سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360هـ) در کتاب خود الدعاء للطبراني صفحه (295) به روایت حنن بن المعتمر فرموده است که علي رضي الله عنه در جبانة نماز عید را اداء میکرد.

وَالْجَبَانَةُ مِنَ الْمَدِينَةِ، وَالْخِلَافُ فِي الْجُمُعَةِ وَالْعِيدِ وَاحِدٌ.

وَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: لَا تَجُوزُ إِلَّا فِي مَوْضِعٍ وَاحِدٍ لِأَنَّهُ الْمُتَوَارِثُ، وَلِأَنَّهُ لَوْ جَازَ فِي مَوْضِعَيْنِ

لَجَازَ فِي جَمِيعِ الْمَسَاجِدِ كَغَيْرِهَا مِنَ الصَّلَوَاتِ وَأَنَّهُ مُمْتَنَعٌ.

وجبانه از جمله موضوع است جزء مدینه و اختلاف که ذکرگردید در مورد عیدهم صادق می آید . اما ابوحنیفه(1) رحمت الله علیه می گویند: خواندن نماز جمعه تنها در یک جای در شهر جایز می باشد. نیست نماز خواندن مگر در یک جای (2) زیرا که همین به عمل متوارث(3) ثابت شده است. ودلیل دیگر اینکه اگر در دو جای جایز قرار داده شود، درین حالت باید در تمام مساجد جایز قرار داده شود مانند سایر نمازها، حال آنکه این ممتنع است

(1) شهرت امام ابو حنیفه رحمه الله علیه در صفحه (74) ذکر است .

(2) إبراهیم بن محمد بن عبد الله بن محمد ابن مفلح، أبو إسحاق، برهان الدین (المتوفی: 884هـ) در کتاب خود النکت والفوائد السنیة علی مشکل المحرر لمجد الدین ابن تیمیة در (ج 1 ص 143) نماز جمعة در سه جای جائز نیست مانند نماز عید بعضی فرموده است که قیاس خو این است که در یک جای نماز اداء شود اگر در هر جاء نماز جمعه جائز شود با در همه مساجد نماز باید میشود مانند نماز پنجگانه و یا در همه جاء نماز جمعه اداء باید شود در حال سفر و حضر مگر ماد قیاس را ترک کردیم در دو جای بدلیل روایت علی رضی الله عنه که در دو جای نماز عید را اداء میکرد و حکم هر دو جای حکم نماز جمعه بود.

خالد الرباط، سید عزت عید [بمشاركة الباحثین بدار الفلاح] الإمام: أبو عبد الله أحمد بن حنبل در کتاب خود الجامع لعلوم الإمام أحمد - الفقه در (ج 13 ص 109) فرموده که نماز جمعه در جائ که وصیت شده باشد جائز است که این جائ ضرورة است در صورة که جائ دیگر پیدا نه شد.

(3) عبد الرحمن بن محمد بن سلیمان المدعو بشیخی زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفی: 1078هـ) در کتاب خود مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر الناشر: دار إحياء التراث العربی در (ج 1 ص 623) این عمل به متوارث ثابت شده و هرآن عمل که به متوارث ثابت شده باشد مانند خبر متواتر است که به سند ضرورة ندارد.

عبد الرحمن بن محمد بن سلیمان المدعو بشیخی زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفی: 1078هـ) در کتاب خود مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر الناشر: دار إحياء التراث العربی در (ج 1 ص 249) فرموده مخالفت از متوارث مکروه است.

وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ كَذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَ الْمَوْضِعَيْنِ نَهْرٌ فَاصِلٌ كَبَغْدَادَ لِأَنَّهُ يَصِيرُ كَمَصْرَيْنَ. وَكَانَ أَبُو يُوسُفَ يَأْمُرُ بِقَطْعِ الْجِسْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِتَنْقَطِعَ الْوَصْلَةُ بَيْنَ الْجَانِبَيْنِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا نَهْرٌ فَالْجُمُعَةُ لِمَنْ سَبَقَ لِعَدَمِ الْمُزَاحِمِ،

وامام ابویوسف هم به همین نظر هستند ولی او مگوید: اگر بین دو جای نهری حایل باشد، (باز در دو جای خواندن نماز جمعه درست می باشد) مانند بغداد(1) زیرا درین صورت دو جای در یک شهر حیثیت دو شهر را میگیرد، وامام ابویوسف رحمه الله تعالی در روز جمعه به بستن پل امر میکرد، تا ارتباط دو طرف شهر قطع گردد. اگر بین هر دو مسجد نهر حایل نه بود، جمعه ای کسی درست است که اول شروع کرده باشد، زیرا وقتی او شروع کرد مزاحمی وجود نه داشت(2)

(1) أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفى بدر الدين العيني (المتوفى: 855هـ) در کتاب خود عمدة القاري شرح صحيح البخاري الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت در(ج ۲۱ ص ۱۸۸) نهر بغداد بنام دجله یاد میشود که از بیخ کوه نزدیک جاء بنام آمد باز این نهر به طرف میا فارقین رفته باز به طرفحصن کیفا باز به طرف جزیره اثن عمر باز به طرف الموصل اگر در یک جاء نفوس مردم زیاد باشد در چند جاء باید نماز جمعه خوانده شود درین باره میان ائمه اختلاف نظر است که قرار ذیل است.

(2) المظهري، محمد ثناء الله در کتاب خود التفسير المظهري المحقق: غلام نبي التونسي الناشر: مكتبة الرشدية - الباكستان در (ج ۹ ص ۲۹۲) راجح قول آخر امام شافعی رحمة الله عليه اینست وقتی که در یک شهر نفوس مردم زیاد باشد در چندین جاء بحسب ضرورت نماز جمعه خواندن جائز است وامام محمد رحمة الله عليه می فرماید که در یک جاء نفوس مردم زیاد باشد بدون قید در چندین جاء نماز جمعه خواندن جائز است وامام سرخسی رحمة الله عليه می فرماید که صحیح قول اینست که در مذهب امام ابو حنیفة رحمة الله عليه در یک شهر چندین جاء نماز جمعه جائز است مانند کابل.

النکت في المسائل المختلف فيها بين الشافعي وأبي حنيفة - من مسائل التطوع - الاعتكاف در(ج ۲ ص ۲۰) به روایت امام محمد رحمة الله عليه از امام ابو حنیفة رحمة الله عليه فرموده نماز جمعه در دو جاء یا سه جاء یا زیاد از سه جاء هم جائز است. جواز تعدد نماز جمعه در کتب ذیل ذکر است. (بدائع الصنائع (587-586/1)، المبسوط (120/2، 121)، مجمع الأنهر (167/1)، تبیین الحقائق (218/1)، الجوهرة النيرة (89/1)، درر الحکام (138/1)، البحر الرائق (154/2)، الدرّة المضيئة (205/1)، حلیة العلماء (297/2)، الإفصاح (120/1).

وَقَدْ وَقَعَتْ فِي وَقْتِهَا بِشَرَائِطِهَا، وَتَفْسُدُ جُمُعَةُ الْآخِرِينَ وَيَقْضُونَ الظُّهْرَ، فَإِنْ صَلَّى أَهْلُ
 الْمَسْجِدَيْنِ مَعًا، أَوْ لَا يَدْرِي مَنْ سَبَقَ فَصَلَاةُ الْكُلِّ فَاسِدَةٌ لِعَدَمِ الْأَوْلَوِيَّةِ فَلَا يُخْرَجُ عَنِ
 الْعَهْدَةِ بِالشَّكِّ. قَالَ: (وَمَنْ لَا تَجِبُ عَلَيْهِ الْجُمُعَةُ، إِذَا صَلَّاهَا أَجْزَأَتْهُ عَنِ الظُّهْرِ، وَإِنْ
 أَمَّ فِيهَا جَازَ) لِأَنَّهَا وُضِعَتْ عَنْهُمْ تَخْفِيفًا وَرُخْصَةً لِمَكَانِ الْعُذْرِ، فَإِذَا حَضَرُوا زَالَ الْعُذْرُ

زیرا که نماز در وقتش و با شرایطش ادا گردیده است. و نماز کسانی دیگری که بعدتر ادا کرده باشند فاسد
 میگردد، و نماز پیشین را قضائی بیاورند، و اگر اهل هر دو مسجد در یک زمان واحد خوانده باشند، و یا
 در حالتی که دانسته نشود که کدام گروه پیشتر نماز گذاشته است، درین حالت نماز هر دو گروه فاسد
 است، زیرا درین حالت گروه اسبق مشخص نیست، و به سبب موجودیت شک از عهده نماز هیچ یکی از
 آنان برآمده نمی توانند(2)

مصنف علیه الرحمه می فرماید: شخصی که نماز جمعه را ادا کرد با وجود اینکه بالایش فرض نبود بدیل نماز
 ظهر شده می تواند، و اگر در آن امامت هم کرد امامتش هم درست است، زیرا نماز جمعه از معذورین به
 علت تخفیف و از لحاظ رخصت جهت موجودیت عذر ساقط است، و وقتی به نماز حاضر شدند عذر زائل

شد(1)

(1) زین الدین عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السَّلَامِي، البَغْدَادِي، ثم الدَّمَشْقِي، الحَنْبَلِي (المتوفى: 795هـ) در کتاب خود
 فتح الباری شرح صحیح البخاری الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة النبوية. فرموده که بالای آنانکه نماز جمعه فرض نیست مانند
 مریض، مسافر، زندانی.

أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني (المتوفى: 855هـ) در کتاب خود البناية شرح
 الهداية الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان در (ج 3 ص 72) به روایت حسن رَضِي اللهُ عَنْهُ فرموده که در زمانه رسول الله صلى الله
 عليه وسلم طبقه انان هم نماز جمعه میخواندند لکن در نماز پیشین ایشان حساب میشد بخاطری که اینها از اهل فرض بودند ولکن نماز
 جمعه بر اینها رخصت بود بخاطر ترک سعی به نماز جمعه وقتی که به نماز جمعه حاضر شدند آن عذر که (سعی) بود خلاص شد و نماز
 فرض پیشین از ذمه ایشان ساقط شد.

(2) أصول السرخسي الناشر: دار الكتاب العلمية بيروت لبنان (ج 2 ص 117) قاعدة اليقين لايزول بالشك) وقتی که به یک نفر در نماز
 شک پیدا شد که ایا دو رکعت خوانده یا سه رکعت باید عمل بر یقین کند که دو رکعت است و همچنان در احکام اگر یک نفر در شک شد
 که خانم خود را طلاق داده یا خیر طلاق واقع نمیشود(مطلب اینست که با شک حکم ثابت نمیشود همچنان نماز جمعه که خوانده شد و
 شک پیدا شد که کی قبلا نماز خوانده هر جانب باید دوباره بخواند.

فَتَجُوزُ صَلَاتُهُمْ كَالْمُسَافِرِ إِذَا صَامَ، وَإِذَا حَضَرُوا صَارَتْ صَلَاتُهُمْ فَرَضًا فَتَجُوزُ إِمَامَتُهُمْ كَمَا فِي سَائِرِ الصَّلَوَاتِ،

نماز آنها درست است مانند (درست بودن روزه) مسافر(1) زمانیکه روزه بگیرد(2) و زمانیکه به نماز حاضر شدند، نماز آنها فرض میگردد پس امامت شان نیز جایز می گردد مانند سایر نمازها.

(¹) أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ) در کتاب خود المجموع شرح المذهب ((مع تكملة السبكي والمطيعي)) در (ج 4 ص 485) بالای مسافر نماز جمعه نیست این مذهب ما است درین باره هیچ مخالفتی نداریم این نظر ابن المنذر و اکثر علماء است و زهری و نخعی می فرمایند که اگر مسافر صدائ آذان را شنید نماز جمعه بالایش لازم میشود و اصحاب ما می فرمایند اگر به نماز جمعه آمدن مستحب است که باید نماز جمعه را بخوانند.

(²) عبد الرحمن بن محمد بن سليمان المدعو بشيخي زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: 1078هـ) در کتاب خود مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر الناشر: دار إحياء التراث العربي در (ج 1 ص 170) مسافر، مريض، غلام اگر امامت کند درست است بخاطريکه گذر به سقوط نماز جمعه حاضر شدن به نماز جمعه است که حرج است وقتیکه حاضر شد آن عذر زائل شد و نماز جمعه اش درست است.

وَلِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى الْجُمُعَةَ بِمَكَّةَ وَهُوَ مُسَافِرٌ. قَالَ: (وَمَنْ صَلَّى الظُّهْرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِغَيْرِ عُدْرٍ جَازٍ وَيُكْرَهُ).

و.دلیل دیگر اینکه پیامبر علیه السلام نماز جمعه را در مکه (1) ادا نمودند و خود ایشان مسافر بودند (2) و فرمودند کسیکه نماز پیشین را در روز جمعه ادا نمود جایز است مگر با کراهیت (3)

(1) أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني در کتاب خود سنن أبي داود در (ج 1 ص 438) در حدیث نمبر (1132) به روایت ابن عمر رضی الله عنه می فرماید که در مکه بود نماز جمعه را خواند و دو رکعت خواند و دیگر وقت چهار رکعت خواند وقتی که به مدینه منوره آمد نماز جمعه را خواند باز به خانه رفت و در خانه خود دو رکعت خواند و فرمود که رسول الله صلی الله علیه وسلم این چنین کرده بود.

(2) د. وهبة بن مصطفى الزحيلي، أستاذ ورئيس قسم الفقه الإسلامي وأصوله بجامعة دمشق - كلية الشريعة در کتاب خود الفقه الإسلامي وأدلته (الشامل للأدلة الشرعية والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية وتحقیق الأحادیث النبوية وتخریجها) الناشر: دار الفكر - سوریه - دمشق در (ج 2 ص 1332) به نزد احناف اگر یک نفر در روز جمعه بدون عذر نماز پیشین را در خانه خود خواند قبل از نماز خواندن امام حرام است و نماز اش جائز است موقوفاً و اگر به نماز جمعه رفت نماز اش باطل شد و نماز پیشین اش نقل می‌گردد اگر چه نماز جمعه را گیر نه کرد و اگر بعد از نماز امام به نماز جمعه رفت نماز اش باطل نمیشود بخاطریکه سعی خصوصت نماز جمعه است. به نزد صاحبین به سعی نماز جمعه باطل نمیشود تا که داخل نماز جمعه شود امام ابوحنيفة وصاحبان رحمهم الله اتفاق رأی دارند اگر بعد از نماز امام به نماز جمعه رفت نماز اش باطل نمیشود. و به نزد جمهور (المالكية والشافعية في الجديد والحنابلة) قبل از نماز امام نماز پیشین درست نیست و رفتن به نماز جمعه لازم است اگر غالب کمانش بود که نماز جمعه را گیر کرده میتواند و اگر یقین اش بود که نماز جمعه را گیر کرده نمیتواند باز نماز پیشین اش درست است.

(3) أبو الحسين ابن أبي يعلى، محمد بن محمد (المتوفى: 526هـ) در کتاب خود طبقات الحنابلة (ج 2 ص 83) فرموده است لمسألة الثانية والعشرون قَالَ الخرقى: اگر نماز پیشین را یک نفر قبل از اداء نماز جمعه خواند در حالیکه بالای این نفر نماز جمعه اداء کردن لازم بود نماز پیشین خود را دوباره بخواند این نظر امام شافعی رحمة الله علیه است.

أبو القاسم عمر بن الحسين بن عبد الله الخرقى (المتوفى: 334هـ) متن الخرقى على مذهب ابي عبد الله أحمد بن حنبل الشيباني اگر نماز پیشین را یک نفر قبل از اداء نماز جمعه خواند در حالیکه بالای این نفر نماز جمعه اداء کردن لازم بود بالايش واجب است که نماز جمعه را بخواند.

وَقَالَ زَفَرٌ: لَا يَجُوزُ، وَأَصْلُهُ الْإِخْتِلَافُ فِي فَرَضِ الْوَقْتِ. قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ وَأَبُو يُوسُفَ: هُوَ الظُّهْرُ، لَكِنَّ الْعَبْدَ مَأْمُورٌ بِاسْقَاطِهِ عَنْهُ بِأَدَاءِ الْجُمُعَةِ. وَقَالَ مُحَمَّدٌ: هُوَ الْجُمُعَةُ لِأَنَّهُ مَأْمُورٌ بِهَا، وَالْفَرَضُ هُوَ الْمَأْمُورُ بِهِ، وَلَهُ أَنْ يُسْقَطَهُ بِالظُّهْرِ رُخْصَةً.

وامام زفر رحمه الله (۱۰۰) میفرماید جایز نیست و دلیل شان اختلاف در وقت فرض شده است (هدف شان اینست که سبب اختلاف بین جمهور احناف و امام زفر رحمه الله علیه اینست که فرض وقت چیست ایا فرض وقت نماز جمعه می باشد یا نماز ظهر) امام ابوحنیفه و ابویوسف رحمهما الله تعالی فرمودند: که فرض وقت همانا نماز پیشین است، لکن بنده از طریق ادا نمودن جمعه مامور به اسقاط آن است. و امام محمد رحمه الله تعالی (۱) میفرماید: که فرض وقت همان نماز جمعه است؛ زیرا که او مامور به است، و فرض همان چیزی است که مامور به باشد، مگر برای مکلف جایز است که آن را به حیث رخصت از طریق ادا نمودن نماز ظهر ساقط سازد.

(۱) امام محمد رحمه الله علیه نام اصلی محمد نام پدرش حسن مشهور به ابو عبدالله شیبانی بود وطن اش کوفه بود و شاگرد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه بود در باره امام محمد رحمه الله علیه، امام شافعی رحمه الله علیه میفرماید من به مثل امام محمد رحمه الله علیه عالم نه دیده ام روز که وفات شد همایش علم فقه و لغة دفتن شد در سال (۱۰۲ هج پیداشده) البداية والنهاية لابن كثير (ج ۱۰ ص ۴۸۱) امام محمد رحمه الله علیه در سال (۱۸۹ هج) وفات شده سیر اعلام النبلاء (ج ۹ ص ۱۳۵)

امام ابو یوسف رحمه الله علیه: نام اصلی اش یعقوب بود نام پدرش ابراهیم و سلسله نسب اش این چنین است (قاضی ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم بن حبیب بن حبیب بن سعید بن جبیر بن معاویه الانصاری الکوفی) از کوفه بود از جمله شاگردان امام ابو حنیفه رحمه الله علیه بود و امام ابو حنیفه رحمه الله علیه درباره امام ابو یوسف رحمه الله علیه می فرمود که از جمله بهترین شاگردانش بود و اولین نفر بود که به لقب قاضی القضاة ملقب شد در سال (۱۱۳ هج پیداشد و در سال ۱۸۹ هج) وفات شد (البداية والنهاية ج ۱۰ ص ۴۴۹)

همچنان در کتاب سیر اعلام النبلاء آمده که پیدایش امام ابو یوسف رحمه الله علیه (۱۱۳ هج پیداشد و در سال ۱۸۹ هج) وفات شد در ج ۸ ص ۵۳۶

(۱۰۰) امام زفر رحمه الله علیه نام پدرش الهذیل نام پدر کلانش قیس بن سلم است فقیه و مجتهد بود یحی بن معین میفرماید که امام زفر رحمه الله علیه امانتدار مامون بود و حسن بن زیاد اللؤلؤی ون ندیده ام فقیه مناظر مانند امام زفر رحمه الله علیه تاریخ پیدایش اش (۱۱۰ هج وفات ۱۵۸ هج) سیر اعلام النبلاء (ج ۸ ص ۳۹).

وَعَنْهُ أَنَّ الْفَرَضَ أَحَدُهُمَا لَا بَعِيْنَهُ وَيَتَعَيَّنُ بِأَدَائِهِ؛ لِأَنَّ أَيُّهُمَا أَدَّى سَقَطَ عَنْهُ الْفَرَضُ، قَدْ لَّ
 أَنَّ الْوَاجِبَ أَحَدُهُمَا. وَعِنْدَ زَفَرٍ هُوَ الْجُمُعَةُ، وَالظُّهْرُ بَدَلٌ عَنْهَا فِي حَقِّ غَيْرِ الْمَعْدُورِ لِأَنَّهُ
 مَأْمُورٌ بِالْجُمُعَةِ مِنْهِيَ عَنِ الظُّهْرِ، فَإِذَا فَاتَتْ الْجُمُعَةُ أُمِرَ بِالظُّهْرِ، وَهَذَا آيَةُ الْبَدَلِيَّةِ.

و از محمد رحمه الله مذهب دیگر هم نقل شده است، و آن اینکه فرض وقت بالای مسافر یکی از آن دو (نماز جمعه یا نماز ظهر) است به صورت غیر معین، و یکی از آنها زمانی (به حیث فرض وقت) متعین میگردد که انجام داده شود؛ زیرا هر کدام آن را که ادا نمود همان به حیث فرض متعین میگردد، و این به خاطر به حیث فرض وقت شمرده می شود که هر یکی از آنها را که انجام دهد فرض وی ساقط میگرد. پس همین خودش دلالت دارد که فرض وقت بدون تعیین یکی از آن دو می باشد. و نزد امام زفر رحمه الله تعالی (برای فرض وقت) جمعه متعین است و ظهر در حق غیر معذورین عوض (۳) جمعه میباشد، زیرا که وی (مکلف غیر معذور) مامور به ادای جمعه است، و از ادای ظهر منع شده است، مگر وقتی که جمعه از وی فوت شد مامور به ادای ظهر (1) میگردد، و همین خود نشانه عوض بودن ظهر از جمعه است (2)

(۱) القاضی أبو محمد عبد الوهاب بن علی بن نصر البغدادي المالکي (422هـ) در کتاب خود الإشراف علی نکت مسائل الخلاف در (ج ۱ ص ۳۲۶) در روایت نمبر (۴۰۲) به نزد امام مالک رحمه الله علیه فرض در روز جوعه نماز جمعه است بدلیل این آیت قوله تعالی: [إذا نودي للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله]، وقتی که آذان جمعه شد در روز جمعه پس به سوی ذکر الله بروید. یعنی به نماز جمعه بروید مراد این جاء از ایجاب سعی به نماز جمعه است پس نماز جمعه فرض است نماز پیشین در روز جمعه فرض نیست.

الرویانی، أبو المحاسن عبد الواحد بن إسماعيل (ت 502 هـ) در کتاب خود بحر المذهب (في فروع المذهب الشافعي) در (ج ۲ ص ۳۷۷) درباره فرض وقت فرموده در روز جمعه نماز جمعه فرض است بدلیل قول رسول الله صلى الله عليه وسلم "فعلية الجمعة يوم الجمعة" بالای شمادر روز جمعه نماز جمعه است.

2 - (علي بن سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي الفاري (المتوفى: 1014 هـ) در کتاب خود مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح الناشر: دار الفكر، بيروت - لبنان در (ج ۳ ص ۱۰۴۸) در روایت نمبر (۱۴۱۶) به نماز جمعه وقت شرط است و وقت نماز جمعه وقت پیشین است به نزد احناف قبل از زوال نماز جمعه درست نیست و وقتی که وقت نماز دیگر داخل شد نماز جمعه درست نیست و به نزد امام أحمد بن حنبل رحمه الله علیه قبل از زوال نماز جمعه درست است و به نزد امام مالک رحمه الله علیه بعد از داخل شدن وقت نماز دیگر نماز جمعه جائز است.

(۳) نماز جمعه که خوانده شد نماز پیشین خوانده نمیشود بخاطریکه درین جاء نماز جمعه اصل است و نماز پیشین فرع است مثل در قاعده معلوم میشود العلامة: د. محمد مصطفى الزحيلي. القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة الناشر: دار الفكر - دمشق در (ج ۱ ص ۶۷۱) (قاعدة الاصل والبدل لا يجتمعان) اصول اینست که اصل و بدل جمع نمیتواند شود (ازین خاطر وقتی که نماز جمعه خوانده شد نماز ظهر ساقط میشود)

وَلَنَا أَنَّ التَّكْلِيفَ يَعْتَمِدُ الْقُدْرَةَ، وَالْعَبْدُ إِنَّمَا يَقْدِرُ عَلَىٰ أَدَاءِ الظُّهْرِ بِنَفْسِهِ دُونَ الْجُمُعَةِ لِأَنَّهَا تَتَوَقَّفُ عَلَىٰ شَرَائِطَ تَتَعَلَّقُ بِاخْتِيَارِ الْغَيْرِ، وَلِهَذَا لَوْ فَاتَتْهُ الْجُمُعَةُ أُمِرَ بِقَضَاءِ الظُّهْرِ لَا الْجُمُعَةَ، وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ الْفَرَضُ الظُّهْرَ، وَيُؤْمَرُ بِتَقْدِيمِ غَيْرِهِ كَانْجَاءِ الْعَرِيقِ آخِرَ الْوَقْتِ قَبْلَ الصَّلَاةِ.

ودلیل مذهب ما این است که مبنای تکلیف (3) توان و قدرت است، و مکلف بر ادای ظهر بدون همکاری دیگران خودش قادر هست، و بر ادای جمعه بدون همکاری دیگران قادر نیست(1)؛ زیرا جمعه موقوف به شرایطی است که متعلق به اختیار دیگران است، از همین لحاظ اگر جمعه فوت شود او به قضای نماز پیشین مأمور است نه به قضای جمعه، و این هم ممکن است که فرض وقت نماز پیشین باشد، مگر به خاطر اهمیت نماز جمعه، آن مأمور به قرار داده شده باشد، مانند اینکه در آخر وقت نماز (فرض وقت) نماز می باشد، اما نجات شخص در حالت غرق شدن را از نماز (فرض وقت) مقدم دانسته اند.(2)

(1) لجنة الفتوى بالشبكة الإسلامية در کتاب خود فتاوی الشبكة الإسلامية در (ج ۱۱ ص ۱۲۰۳۲) در فتوی نمبر (۱۲۷۷۵۵) فرموده است که وقتی نماز جمعه از کسی قضاء شد باید چهار رکعت نماز پیشین را بخواند به نماز جمعه جماعت شرط است و ابن قدامه مالکی می فرماید در کتاب خود المعنی وقتی که نماز جمعه فوت شد باز نماز پیشین را قائل بیاید به نماز جمعه جماعت شرط است. و ابن عبدالبر مالکی در کتاب خود الکافی فرموده که از هر نفری که نماز جمعه به عذر یا بدون عذر قضاء شد باز نماز پیشین را بخواند. امام نووی شافعی می فرماید در کتاب خود المجموع اگر یک نفر بعد از رکوع نماز جمعه را گرفت بعد از سلام امام نماز پیشین را بخواند.

(2) وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت در کتاب لموسوعة الفقهية الكويتية در (ج ۳۱ ص ۱۸۲) فرموده است که اگر یک از چشم معذور بود و نزدیک یک چاه روان بود امکان افتادن این نفر بود درین صورت واجب است که همراهی این نفر معذور کومک شود تا از افتادن در چاه نجات بیابد مانند نفر که در حال غرق شدن در آب باشد باید اول آن را نجات داده شود.

مجلة مجمع الفقه الإسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الإسلامي بجدة در کتاب تصدر عن منظمة المؤتمر الإسلامي بجدة (۴ ص ۱۶۹) وقتیکه یک نفر در حال غرق شدن باشد نماز گزار باشد اول غرق شونده را نجات دهد یا یک نفر از چشم ها معذور است و به طرف چاه روان است ممکن در بماند اول باید اینرا نجات داده شود.

(۳) محمد بن عمر بن الحسين الرازي در کتاب خود المحصول في علم الأصول الناشر : جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية - الرياض (در ج ۲ ص ۵۰۹) (قاعدة تكليف مالا يطاق) فرموده است که از طاقت انسان زیاد تکلیف جائز نیست بخاطریکه این کار بیپوده است. درباره اداء کردن نماز پیشین و نماز جمعه میان ائمه اختلاف نظر قرار ذیل است.

قَالَ: (فَإِنْ شَاءَ أَنْ يُصَلِّيَ الْجُمُعَةَ بَعْدَ ذَلِكَ يَبْطُلُ ظُهُرُهُ بِالسَّعْيِ) وَقَالَ: لَا تَبْطُلُ مَا لَمْ يَدْخُلَ مَعَ الْإِمَامِ؛ لِأَنَّ السَّعْيَ شَرْطٌ كَسْتِرِ الْعَوْرَةِ وَالطَّهَارَةِ. وَلَهُ أَنْ السَّعْيِ مِنْ فَرَائِضِ الْجُمُعَةِ وَخَصَائِصِهَا لِلْأَمْرِ، وَالِإِشْتِعَالِ بِفَرَائِضِ الْجُمُعَةِ الْمُخْتَصَّةِ بِهَا يَبْطُلُ الظُّهْرُ كَالْتَّحْرِيمَةِ.

صاحب متن می گوید: اگر خواست که نماز جمعه را بعد ادا نمودن نماز پیشین بخواند، به مجرد اینکه برای ادای جمعه حرکت نمود نماز ظهرش باطل میگردد (1)، و صاحبین می فرمایند: تا وقتی باطل نمی شود که با امام داخل نماز نگردد؛ زیرا که سعی نمودن برای ادای جمعه شرط است مانند ستر عورت و مانند وضو نمودن. دلیل امام ابوحنیفه این است که سعی از جمله فرایض جمعه و خصوصیات آن است از لحاظ امریکه در مورد آن وارد شده است، و مشغول شدن به فرایض مخصوصه جمعه، نماز ظهر ادا شده را باطل میسازد، مانند تکبیر تحریمه (2)

(1) سيف الدين أبي بكر محمد بن أحمد الشاشي القفال سنة الولادة / سنة الوفاة 507هـ در کتاب خود حلیة العلماء في معرفة مذاهب الفقهاء (در ج ۲ ص ۲۲۷) امام شافعی رحمه الله علیه می فرماید که اگر یک نفر معذور بود و نماز پیشین را خواند و بعدا به نماز جمعه رفت و نماز جمعه خواند نماز جمعه اش نفل و نماز پیشین اش فرض اداء شد و امام شافعی رحمه الله علیه در قول قدیم اش این است که الله تعالی میداند که کدامش را فرض حساب میکند و کدامش را نفل و امام ابوحنیفه رحمه الله علیه فرموده که اگر سعی کرد به نماز جمعه نماز پیشین اش باطل میشود و اگر یک نفر اهل نماز جمعه باشد بر او جائز نیست که نماز پیشین را قبل از نماز جمعه بخواند و اگر نماز پیشین را خواند نمازش درست نیست و همین قول امام احمد رحمه الله علیه و امام مالک رحمه الله علیه است.

(2) عبد الرحمن بن محمد بن سليمان المدعو بشيخي زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: 1078هـ) در کتاب خود شرح ملتقى الأبحر الناشر: دار إحياء التراث العربي (در ج ۱ ص ۱۷۰) به نزد امام ابوحنیفه رحمه الله علیه اگر یک نفر نماز پیشین را در خانه خود خواند باز به نیت نماز جمعه از خانه خود بیرون و روان شد به نماز جمعه به مجرد نیت کردن و روان شدن نماز پیشین اش باطل میشود نماز جمعه را گرفت یا نه گرفت بخاطر که سعی در نماز جمعه فرض است مانند تکبیر تحریمه که یک نفر به نماز جمعه آمد و همراهی امام در نماز جمعه شریک شد و تکبیر تحریمه گفت نماز پیشین اش باطل میشود. صاحبین می فرمایند که به مجرد سعی نماز جمعه باطل نمیشود اگر در نماز جمعه شریک شد باز نماز پیشین اش باطل میشود.

قَالَ: (وَيُكْرَهُ لِأَصْحَابِ الْأَعْدَارِ أَنْ يُصَلُّوا الظُّهْرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ جَمَاعَةً فِي الْمِصْرِ) لِأَنَّ فِيهِ إِخْلَالًا بِالْجُمُعَةِ، فَرُبَّمَا يَقْتَدِي بِهِمْ غَيْرُهُمْ، بِخِلَافِ الْقُرَى لِأَنَّهُ لَا جُمُعَةَ عَلَيْهِمْ، وَقَدْ جَرَى التَّوَارُثُ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ وَالْأَعْصَارِ بَعْلُقِ الْمَسَاجِدِ وَقْتُ الْجُمُعَةِ مَعَ أَنَّهَا لَا تَخْلُو عَنْ أَصْحَابِ الْأَعْدَارِ، وَلَوْلَا الْكِرَاهَةُ لَمَا أُغْلِقُوا.

مصنف فرمود: برای أصحاب اعذار ادا نمودن نماز ظهر باجماعت در شهر مکروه میباشد، (1) زیرا به این عمل شان در نماز جمعه خلل وارد می گردد، و بسا اوقات اشخاص غیر معذور به اینها اقتدا میکنند، به خلاف قریه ها (که در آن جا نماز ظهر با جماعت ادا کردن مکروه نیست) زیرا بالای آنها جمعه نیست. همچنان یکی از اعمال متوارث (2) در شهرها و در همه زمانه ها اینست که در شهرها مساجد غیر جامع را در وقت نماز جمعه بسته می کنند، با وجود اینکه هیچ شهری بدون صاحب عذر نمیشد، و اگر (ادا نمودن نماز ظهر با جماعت در روز جمعه) مکروه نمی بود، هیچ وقت مساجد جامع را بسته نمی کردند.

(1) شمس الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن محمد بن أحمد بن قدامة المقدسي (المتوفى: 682 هـ) در کتاب خود الشرح الكبير (المطبوع مع المقنع والإنصاف) در (ج 5 ص 180) به نزد ما روایت أبو عالیہ است که از عبد الله بن صامت پرسید ما نماز پیشین را در روز جمعه همراهی امیر خواندیم و نماز جمعه نه شده بود باز از اباذر درین باره پرسیدم که گفت که درین باره از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم فرمود که نماز وقت را خواندید و این نماز نفل است و یا ایچنین فرمود که اگر نماز جمعه را دریافتید پس نماز جمعه را بخوانید این نماز به شما نفل است.

(2) سيف الدين أبي بكر محمد بن أحمد الشاشي القفال سنة الولادة / سنة الوفاة 507 هـ در کتاب خود حلیة العلماء فی معرفة مذاهب الفقهاء در (ج 2 ص 227) امام شافعی رحمة الله علیه می فرماید که اگر یک نفر معذور بود و نماز پیشین را خواند و بعدا به نماز جمعه رفت و نماز جمعه خواند نماز جمعه اش نفل و نماز پیشین اش فرض اداء شد و امام شافعی رحمة الله علیه در قول قدیم اش این است که الله تعالی میداند که کدامش را فرض حساب میکند و کدامش را نفل و امام ابو حنیفة رحمة الله علیه فرموده که اگر سعی کرد به نماز جمعه نماز پیشین اش باطل میشود و اگر یک نفر اهل نماز جمعه باشد بر او جائز نیست که نماز پیشین را قبل از نماز جمعه بخواند و اگر نماز پیشین را خواند نمازش درست نیست و همین قول امام احمد رحمة الله علیه و امام مالک رحمة الله علیه است.

(3) عبد الرحمن بن محمد بن سليمان المدعو بشيخي زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: 1078 هـ) در کتاب خود مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر الناشر: دار إحياء التراث العربي در (ج 1 ص 623) این عمل به متوارث ثابت شده و هرآن عمل که به متوارث ثابت شده باشد مانند خبر متواتر است که به سند ضروره ندارد.

قَالَ: (وَإِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ (استقبل الناس) بِهِ جَرَى التَّوَارُثُ. (وَاسْتَمِعُوا وَأَنْصِتُوا) لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا} [الأعراف: ٢٠٤] 204]. قَالُوا: نَزَلَتْ فِي الْخُطْبَةِ.

مصنف علیه الرحمه فرمود: و وقتی امام (برای خطبه دادن) بیرون شود باید روی خویش را به طرف مردم بگرداند، همین عملی متوارث است (1) و گوش فرادهند و سکوت کنند به دلیل این قول الله متعال {فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا} [الأعراف:] یعنی بشنوید و سکوت نمایید. علماء گفتند در باره خطبه نازل شده اند. (2)

(1) عبد الرحمن بن محمد بن سليمان المدعو بشيخي زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: 1078هـ) در کتاب خود مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر الناشر: دار إحياء التراث العربي در (ج ١ ص ٦٢٣) این عمل به متوارث ثابت شده و هرآن عمل که به متوارث ثابت شده باشد مانند خبر متواتر است که به سند ضروری ندارد.

(2) ابن الملقن سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى: 804هـ) در کتاب خود التوضيح لشرح الجامع الصحيح در (ج ٢٢ ص ٣٥٢) یک جماعت از علماء می فرمایند که این آیت درباره خطبه نماز جمعه نازل شده است أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ) در کتاب خود التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير در (ج ٢ ص ١٤٠) در روایت نمبر (٦٢٦) فرموده که رأی مفسرین این است که این آیت در باره خطبه نازل شده است این روایت در دارقطنی و ابن ابی شیبہ هم ذکر شده است.

أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه العبسي الكوفي (159 - 235 هـ) در کتاب خود مُصنّف ابن أبي شيبه در (ج ٢ ص ٤٧٨) در روایت نمبر (٨٤٦٨) به روایت مجاهد فرموده که آیت درباره نماز و خطبه جمعه نازل شده است.

وَمَنْ كَانَ بَعِيدًا لَا يَسْمَعُ النَّدَاءَ قِيلَ يَقْرَأُ فِي نَفْسِهِ، وَالْأَصَحُّ أَنَّهُ يَسْكُتُ لِلْأَمْرِ.

و شخصی که دور بود و صدای (خطیب) را نمیشنید بعضی گفتند: باید در دل خود طور خفیه بخواند(1)

و صحیح ترین قول(2) این است که سکوت کند بخاطر وارد شدن امر(3)

(¹) خطبه را بخواند.

(²) نظام الدین الحسن بن محمد بن حسین القمی النیسابوری (المتوفی: 850هـ) در کتاب خود غرائب القرآن و رغائب الفرقان المحقق: الشیخ زکریا عمیرات الناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت در (ج ۲ ۳۶۷) الحسن وأهل الظاهر. فرموده است که این آیت (وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا) در باره وجوب سکوت است در وقت قرائت در نماز باشد یا غیر وقت نماز باشد و ابی هریره رضی الله عنه میفرماید این آیه در باره گپ در نماز نازل شده و قتاده رضی الله عنه میفرماید وقتی که یک نفر به مسجد میامد و جماعت ایستاده میبود از نماز گذار می پرسید چند رکعت خوانده اید این آیه نازل شد.

(³) مقصد از امر این آیت لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا} [الأعراف: ۲۰۴] [204] که در باره خطبه نازل شده است در همین کتاب الاختیار لتعلیل المختار در صفحه ۵۸ آمده.

وَتُكْرَهُ الصَّلَاةُ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ) لِأَنَّ الْوَاجِبَ الْإِسْتِمَاعُ لِقَوْلِهِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -:
 «إِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ فَلَا صَلَاةَ وَلَا كَلَامًا» .

وَلَوْ شَرَعَ فِي النَّفْلِ قَبْلَ خُرُوجِهِ سَلَّمَ عَلَى رَكَعَتَيْنِ، فَإِنْ كَانَ شَرَعَ فِي الشَّفْعِ الثَّانِي
 أُمَّتَهُ

و نماز خواند در حالتی که امام خطبه میخواند مکروه است؛ زیرا که شنیدن خطبه واجب است، به دلیل این قول پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم که فرمودند (زمانیکه امام (برای خطبه دادن) بیرون شد پس نه نماز درست است و نه سخن زدن (1)).

گفت: و اگر پیش از بیرون شدن امام (برای خطبه) به نفل خواند شروع کرده بود، بعد از رکعت دو رکعت سلام بگرداند، و اگر (از نوافل چهار رکعتی) در دورکعت آخری شروع کرده بود باید آن را تمام کند،

(¹) جمال الدین أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزیلعی (المتوفی: 762هـ) در کتاب خود نصب الرایة لأحادیث الهدایة مع حاشیته بغیة الألمعی فی تخریج الزیلعی در (ج ۲ ص ۲۰۱) فرموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود وقتی که امام به خطبه خواندن آمد باز نه نماز درست است و صحبت کردن. علامه زیلعی می فرماید که این حدیث غریب است.
 أبو بکر عبد الله بن محمد بن أبی شیببة العبسی الکوفی (159 - 235 هـ) در کتاب خود مُصنّف ابن أبی شیببة در (ج ۲ ص ۱۱۱) در حدیث نمبر (۵۲۱۸) به روایت ابن عباس و ابن عمر رضی الله عنه فرموده که مکروه است نماز بعد از آمدن امام به خطبه خواندن.
 أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة أبو جعفر الطحاوي در کتاب خود شرح معانی الآثار در (ج ۱ ص ۳۷۰) حدیث نمبر (۲۰۱۷) به روایت عطاء که ابن عمر و ابن عباس رضی الله عنهما فرموده اند وقتی که امام به خطبه خواندن آمد صحبت کردن مکروه است.
 أبو بکر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي در کتاب خود السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي در (ج ۳ ص ۱۹۲ و ۱۹۳) در حدیث نمبر (۵۸۹۴) و حدیث نمبر (۵۸۹۵) به روایت شهاب که از ثعلبه بن أبی مالک رضی الله عنه می فرماید که عمر رضی الله عنه خطبه میخواند همه ما خاموش بودیم هیچ کسی صحبت نمیکرد. مرتبه حدیث باید مشخص شود، تخریج دو چیز را در بر می گیرد؛ اول: در کدام کتاب ها ذکر شده، دوم: مرتبه آن از لحاظ قبول و رد چیست؟

، وَلَوْ كَانَ شَرَعَ فِي الْأَرْبَعِ قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَتَمَّهَا. قَالَ: (فَإِذَا أَدَّنَ الْأَذَانَ الْأَوَّلَ تَوَجَّهُوا إِلَى الْجُمُعَةِ) لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {فَاسْعَوْا} [الجمعة: 9]

و اگر چهار رکعت سنت قبل از نماز جمعه را شروع کرده بود باید آن را تکمیل کند(1). مصنف رحمة الله عليه فرموده است: زمانیکه اذان اول گفته شد مردم به طرف نماز جمعه بروند، به دلیل این قول الله متعال {فَاسْعَوْا} [الجمعة: 9]. یعنی حرکت کنید.

(1) - أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي در کتاب خود السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي در (ج 3 ص 193) در حدیث نمبر (5898) به روایت یحیی بن اَبی کثیر که از ضمیم بن جوس و او از اَبی هریره رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که برآمدن امام در روز جمعه به نماز نماز های دیگران را قطع میکند و صحبت امام صحبت های دیگران را قطع میکند. سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360هـ) در کتاب خود المعجم الكبير للطبراني المجلدان الثالوث عشر والرابع عشر در (ج 13 ص 75) در حدیث نمبر (13708) به روایت عامر الشعبي که از ابن عمر رضی الله عنه شنیده بود و او از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده که وقتی که یکی از شما به مسجد داخل شدید و امام بالای منبر بود درین اثناء نه نماز است و نه صحبت کردن است تا که امام فارغ شود از خطبه. أحمد بن عبد الرحمن بن محمد البنا الساعاتي (المتوفى: 1378هـ) در کتاب خود الفتح الرباني لترتيب مسند الإمام أحمد بن حنبل الشيباني ومعه بلوغ الأماني من أسرار الفتح الرباني در (ج 6 ص 78) به روایت ابن عمر رضی الله عنه. محمد بن علي بن آدم بن موسى الإثيوبي الوَلَوِي در کتاب خود شرح سنن النسائي المسمى «ذخيرة العقبى في شرح المجتبى». در (ج 16 ص 195) روایت ابن عمر رضی الله عنه. شنوده بود و او از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده که وقتی که یکی از شما به مسجد داخل شدید و امام بالای منبر بود درین اثناء نه نماز است و نه صحبت کردن است تا که امام فارغ شود از خطبه. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد در کتاب خود [مجمع الزوائد - الهيثمي] در (ج 2 ص 410) در حدیث نمبر (3132) به روایت ابن عباس رضی الله عنه می فرماید مکروه است صحبت کردن در وقت که امام بالای منبر باشد و خطبه میگوید.

(وَإِذَا صَعِدَ الْإِمَامُ الْمَنْبَرَ جَلَسَ وَأَذَّنَ الْمُؤَدِّنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ الْأَذَانَ الثَّانِي) وَهُوَ الَّذِي كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ. فَلَمَّا كَانَ زَمَنُ عُثْمَانَ، وَكَثُرَ النَّاسُ وَتَبَاعَدَتِ الْمَنَازِلُ زَادَ مُؤَدِّنًا آخَرَ يُؤَدِّنُ قَبْلَ جُلُوسِهِ عَلَى الْمَنْبَرِ، فَإِذَا جَلَسَ أَذَّنَ الْأَذَانَ الثَّانِي، فَإِذَا نَزَلَ أَقَامَ، فَالثَّانِي هُوَ الْمُعْتَبَرُ فِي وُجُوبِ السَّعْيِ وَتَرْكِ الْبَيْعِ؟

وزمانیکه امام بر منبر بالا شد، باید بنشیند، و مؤذنین پیش روی امام اذان دوم بگویند، و تنها همین اذان در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم میباشد (1) و همچنان در وقت ابوبکر و عمر رضی الله عنهما وجود داشت، و در زمان خلافت حضرت عثمان وقتی مردم زیاد شدند، و خانه ها از یک دیگر دور شد، مؤذن دیگری را اضافه نمودند (2) که پیش ازن نشستن وی اذان بگوید، و وقتی امام بر منبر بنشیند اذان دوم را بگوید، و زمانیکه از منبر پایان شد اقامت بگوید. پس در مورد واجب شدن سعی و ترک نمودن خرید و فروش اذان دوم معتبر است.

(¹) جمال الدین أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزیلعی (المتوفی : 762هـ) در کتاب خود نصب الرایة لأحادیث الهدایة مع حاشیته بغیة الألمعی فی تخریج الزیلعی در حدیث نمبر (6) وقتی که امام به منبر بالا شد بنشیند و مأذن اذان کند روبروی امام این طریقه از زمان سابق میراث آمده و در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم این آذان بود.

(²) جمال الدین عبد الله بن يوسف بن محمد الزیلعی در کتاب خود تخریج الأحادیث والآثار الواقعة فی تفسیر الکشاف للزمخشري دار النشر / دار ابن خزیمة - الریاض - 1414هـ در (ج 4 ص 12) در روایت نمبر (1338) فرموده که در وقت رسول الله صلی الله علیه وسلم به روز جمعه به مؤذن بود وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم بر منبر مینشست مأذن اذان میکرد همچنان در زمانه ابو بکر صدیق رضی الله عنه و در زمانه عمر فاروق رضی الله عنه و در زمانه عثمان رضی الله عنه مردم زیاد شدند خانه زیاد شد و دورتر بودند و عثمان رضی الله عنه حکم کرد که یک دفعه در زورا که خانه عثمان رضی الله عنه بود اذان شود و باز قبل از خطبه دوباره آذان شود.

وَقِيلَ الْأَصَحُّ أَنَّهُ الْأَوَّلُ إِذَا وَقَعَ بَعْدَ الزَّوَالِ لِإِطْلَاقِ قَوْلِهِ تَعَالَى: (30) إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ { [الجمعة: 9] (فَإِذَا أَتَمَّ الْخُطْبَةَ أَقَامُوا)

و گفته شده است: که صحیح ترین مذهب اینست که اذان معتبر برای وجوب سعی و ترک نمودن خرید و فروش همانا اذان اول است، بشرطی که اذان بعد از زوال داده شده باشد (1) بخاطر مطلق بودن این قول الله متعال {إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ} [الجمعة: 9] زمانیکه خطبه را امام تمام کرد ایستاده شوند به نماز .

(¹) علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروری القاری (المتوفی: 1014هـ) در کتاب خود مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح الناشر: دار الفکر، بیروت - لبنان (ج3 ص 1042) علماء کرام میفرمایند وقتی که آذان اول شد خرید و فروش ترک شود بدلیل قول الله تعالی {إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ} [الجمعة: 9]. امام طحاوی رحمة الله علیه میفرماید وقتی که بعد از نشستن امام بر منبر آذان دوم شد ترک بیع لازم است بخاطریکه در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم ودر زمانه شیخین هم همین آذان بود ا و امام لشیبی رحمت الله علیه می فرماید که صحیح قول اینست که ترک بیع بعد از آذان اول شود که در زمانه عثمان رضی الله عنه شروع شد واین را شامام شمس الأئمة رحمت الله علیه اختیار کرده است.

وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت (ج 9 ص 228) در کتاب الموسوعة الفقهية الكويتية به نزد امام ابو حنیفه رحمت الله علیه بعد از دخول وقت واجب است سعی و ترک بیع که دران وقت آذان هم میشود پس بیع مکروه است بعد از زوال و امام شافعی رحمت الله علیه هم میفرماید که قبل از آذان دوم بیع مکروه است

[بَابُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ]

(وَتَجِبُ عَلَيَّ مَنْ تَجِبُ عَلَيْهِ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ) أَمَّا الْوُجُوبُ فَلِقَوْلِهِ تَعَالَى: {وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ

وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ} [البقرة: 185]

(این باب است در بیان نماز هر دو عید)

و این نماز بالای هر کسی واجب (1) می باشد که بالای او نماز جمعه واجب هست؛ اما دلیل وجوب (نماز

عیدین) این قول الله متعال است که می فرماید: {وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ} [البقرة: 185] "و تا شما

تکمیل نمایید شمارش ایام روزه را والله متعال را به بزرگی یاد کنید".

(¹) در باره حکم نماز عید ائمه اختلاف نظر دارند بهرام بن عبد الله بن عبد العزيز بن عمر بن عوض، أبو البقاء، تاج الدين السلمي الدميري (الدميَاطي المالكي) (المتوفى: 805هـ) در کتاب خود شامل في فقه الإمام مالك (در ج ۲ ص ۱۴۲) نماز عیدین به نزد مالکیان سنة است و یک روایت آورده که فرض کفائی است بالای آنان که نماز جمعه بالای است. حکم نماز عیدین را به تفصیل بیان کنید، نزد کی واجب است؟ و نزد کی سنت است، و آیا این اختلاف حقیقی است یا تنها لفظی است؟

موسی بن أحمد بن موسی بن سالم بن عیسی بن سالم الحجایي المقدسي، ثم الصالحي، شرف الدين، أبو النجا (المتوفى: 968هـ) در کتاب خود الإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل (ج 1 ص 199) فرموده است که نماز عید فرض کفائی است و اگر اهل قریه نماز عید را ترک کنند باید حاکم وقت همرايش جنگ کند.

أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي (المتوفى: 476هـ) در کتاب خود المذهب في فقه الإمام الشافعي (در ج ۱ ص ۲۲۱) فرموده که نماز عیدین سنة است. أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي (المتوفى: 476هـ) در کتاب خود المذهب في فقه الإمام الشافعي (در ج ۱ ص ۲۲۱) فرموده که نماز عیدین سنة است.

أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ) المجموع شرح المذهب (در ج ۵ ص ۲) فرموده که مصنف رحمة الله عليه می فرماید. نماز هر دو عید سنة است بدلیل روایت طلحه بن عبیدالله رضی الله عنه یک نفر به رسول الله صلی الله علیه وسلم تشریف آورد و در باره اسلام پرسید و رسول الله صلی الله علیه وسلم برایش فرمود پنج نماز را الله تعالی بالای بنده گانش فرض گردانیده است او مرد پرسید آیا دیگر هم بالای ما چیزی است رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود نخیر مگر نفل است.

أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ) در کتاب خود المغني لابن قدامة الناشر: مكتبة القاهرة (در ج ۲ ص ۲۷۲) در کتاب الله تعالی آمده که قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى:

{فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ} [الكوثر: 2] مراد درین آیت نماز عید است.

(³) در صفحه آينده «۹۶» (۱)

قَالُوا: الْمُرَادُ صَلَاةُ الْعِيدِ، وَلِمَوَازِبَتِهِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - عَلَيْهَا وَلِقَضَائِهِ إِيَّاهَا، وَكُلُّ ذَلِكَ دَلِيلُ الْوُجُوبِ، وَقِيلَ إِنَّهَا سُنَّةٌ، وَالْأَوَّلُ أَصَحُّ؟ وَقَوْلُهُ فِي الْجَامِعِ الصَّغِيرِ: عِيدَانِ اجْتَمَعَا فِي يَوْمٍ: الْأَوَّلُ سُنَّةٌ، وَالثَّانِي فَرِيضَةٌ. مَعْنَاهُ وَجَبَ بِالسُّنَّةِ؛ لِأَنَّ قَوْلَهُ وَلَا يَتْرُكُ وَاحِدٌ مِنْهُمَا دَلِيلَ الْوُجُوبِ.

علماء گفتند (۱۲۴) مراد از (تکبیرا الله) در اینجا نماز عید می باشد، و به خاطر (این واجب است) که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به آن مواظبت فرموده اند (1) و (به این دلیل واجب می باشد) که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آن را قضا آوردند، این همه دلایل بر وجوب نماز عیدین می باشد. و بعضی علما (3) گفتند: که نماز عیدین سنت است و قول اول (یعنی قول بر وجوب نماز عیدین) قول صحیح تر است. و معنای این فرموده امام محمد رحمه الله تعالی در الجامع الصغیر که گفته است: "دو عیدی (4) که در یک روز یکجا می گردد اولی آن سنت است و دومی آن فرض است" (5) این است که (اول آن) به دلیل سنت واجب شده است. زیرا که این قول وی: "که هیچ یکی از آنها ترک کرده نمیشود" دلیل برای وجوب است (6) 7

^(۱) در صفحه آینده «۹۶» (۱)

^(۲) - در صفحه (۹۶) (۳)

^(۳) در صفحه (۹۶) (۴)

^(۴) در صفحه (۹۶) (۵)

^(۵) (۷) در صفحه (۹۷) (۷)

^(۶) در صفحه (۹۷) (۸)

باقی مانده صفحه (۹۵)

الحسین بن علی بن حجاج بن علی، حسام الدین السُّعْنَقِي (المتوفى: 711 هـ) شرح البزودي الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع در ج ۲ ص ۸۷۷ (قاعدة ولأن مواظبة النبي عليه السلام على الشيء بدون الترك تدل على الوجوب،)

(7) أبو عبد الرحمن عبد الله بن عبد الرحمن بن صالح بن حمد بن محمد بن إبراهيم البسام التميمي (المتوفى: 1423 هـ) در کتاب خود توضیح الأحكام من بلوغ المرام الناشر: مكتبة الأسد، مكة المكرمة در ج ۳ ص ۳۵ فرموده است علماء اتفاق نظر دارند در باره مشروعیت نماز عید مگر اختلاف درین است که نماز عید سنة است یا فرض است یا فرض کفایه است یا فرض عین است درین باره چهار اقوال است. به نزد امام مالک و امام شافعی رحمة الله علیهما نماز عید سنة مؤکد است بدلیل قول النبی -صلى الله عليه وسلم به اعرابی که سوال کرد که بغیر از نماز پنجگانه دیگر چیزی بالای ما واجب است در جواب رسول الله صلى الله عليه فرمود نخیر ازین حدیث معلوم شد که نماز عید سنة مؤکد است و مؤکد بودنش بخاطریکه رسول الله صلى الله عليه وسلم همیشه نماز عید را خوانده. به نزد حنابله نماز عید فرض کفائی است اگر بعضی مردم نماز

-عید را خواند از دیگران ساقط میگردد بدلیل قول الله تعالی فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ (2) [الکوثر]، و بدلیل که رسول الله صلى الله عليه وسلم نماز عید را همیشه خوانده و نماز عید از علامه های دین است. و به نزد احناف نماز عید واجب است بالای آنانکه نماز جمعه واجب است نماز عید هم واجب است و خطبه در نماز عید سنة است به نزد امام احمد رحمة الله علیه نماز عید عرض عین است بخاطریکه در آیه آمده (فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ).

قَالَ: (وَشَرَائِطُهَا كَشَرَائِطِهَا) يَعْنِي السُّلْطَانَ وَالْجَمَاعَةَ وَالْمِصْرَ وَالْوَقْتَ وَغَيْرَ ذَلِكَ لِمَا مَرَّ فِي الْجُمُعَةِ. وَقَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «لَا جُمُعَةَ وَلَا تَشْرِيْقَ، وَلَا فِطْرَ وَلَا أَضْحَى إِلَّا فِي مِصْرٍ جَامِعٍ». قَالَ: (إِلَّا الْخُطْبَةَ) فَإِنَّهُ يَخْطُبُ بَعْدَ الصَّلَاةِ، كَذَا الْمَأْثُورُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -

مصنف علیه الرحمه فرمود: شرایط نماز عیدین مانند شرایط نماز جمعه میباشد، یعنی موجودیت حاکم مسلمان، وبا جماعت ادا شدن، و موجودیت مصر یعنی شهر و دیگر شرایطی که تفصیل آن در مسایل نماز جمعه گذشت. و پیامبر علیه السلام فرمود ند: "لَا جُمُعَةَ وَلَا تَشْرِيْقَ وَلَا فِطْرَ وَلَا أَضْحَى إِلَّا فِي مِصْرٍ جَامِعٍ". نیست نماز جمعه و نه تکبیرات تشریق (1) و نه عید فطر و نه عید قربان مگر در شهر جامع (2) مصنف علیه الرحمه فرمود: مگر خطبه تفاوت دارد، چون خطبه عیدین بعد از نماز خوانده میشود، همین طور از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نقل شده است (3)

(1) أبو بكر بن أبي شيبة، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي العسبي (المتوفى: 235هـ). در کتاب خود المصنف في الأحاديث والآثار. در (ج 1 ص 439) حدیث نمبر (5059) فرموده عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فرموده نیست نماز جمعه، و نه نماز تشریق، و نه نماز عید فطر، و نه نماز عید قربان، مگر در مصر که نماز جماعت یا شهر بزرگ است.

أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني در کتاب خود مصنف عبد الرزاق در (ج 3 ص 167) در حدیث نمبر (5175) به روایت عبد الرزاق و او از معمر و او از ابی اسحق و او از حارث و او از علی رضی الله عنه روایت کرده است نیست نماز جمعه و نیست نماز تشریق مگر در شهر بزرگ. (2) - أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الناشر: المكتبة الإسلامية - بيروت در کتاب خود مصنف عبد الرزاق در (ج 3 ص 168) در حدیث نمبر (5177) به روایت علی رضی الله عنه نماز جمعه و تشریق در شهر جامع باشد و شهر جامع مانند بصره، کوفه، مدینه، بحرین، شام، جزیره.

(3) - أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدی الحجري المصري المعروف بالطحاوي (المتوفى: 321هـ) الناشر: عالم الكتب در کتاب خود شرح معاني الآثار در ج 1 ص 325) در حدیث نمبر (1910) به روایت عائشه رضی الله عنها و عبد الله بن زيد رضی الله عنه می فرمایند که رسول الله صلی الله علیه وسلم خطبه عید را قبل از نماز خوانده است و در روایت که از ابی هریره رضی الله عنه است می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم خطبه عید را بعد از نماز خواند و رسول الله صلی الله علیه وسلم همچنان میگرد ازین دو روایت معلوم میشود که خطبه قبل از نماز هم خوانده شده و بعد از نماز هم خوانده شده است فلهدا اگر قبل از نماز خطبه خوانده شود یا بعد از نماز خطبه خوانده شود درست است و لکن بهتر اینست که بعد از نماز عید خطبه خوانده شود.

(4) أبو عبد الرحمن عبد الله بن عبد الرحمن بن صالح بن حمد بن محمد بن حمد بن إبراهيم البسام التميمي (المتوفى: 1423هـ) در کتاب خود تَوْضِيْحُ الْأَحْكَامِ مِنْ بُلُوْغِ الْمَرَامِ الناشر: مكتبة الأُسدي، مكّة المَكْرَمَة در (ج 3 ص 35) فرموده است علماء اتفاق نظر دارند در باره مشروعیت نماز عید مگر اختلاف درین است که نماز عید سنة است یا فرض است یا فرض کفایه است یا فرض عین است درین باره چهار اقوال است. به نزد امام مالک و امام شافعی رحمه الله علیهما نماز عید سنة مؤکد است بدلیل قول النبی - صلی الله علیه وسلم به اعرابی که سوال کرد که بغیر از نماز پنجگانه دیگر چیزی بالای ما واجب است در جواب رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود نخیر ازین حدیث معلوم شد که نماز عید سنة مؤکد است و مؤکد بودنش بخاطریکه رسول الله صلی الله علیه وسلم همیشه نماز عید را خوانده. به نزد حنبله نماز عید فرض کفائی است اگر بعضی مردم نماز عید را خواند از دیگران ساقط میگردد بدلیل قول الله تعالی فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ (2) [الکوثر].

وَلَوْ تَرَكَهَا جَازَ لِأَنَّهَا سُنَّةٌ وَلَيْسَتْ بِشَرْطٍ، وَقَدْ أَسَاءَ لِمُخَالَفَةِ السُّنَّةِ؛ وَكَذَلِكَ إِنْ خَطَبَ قَبْلَ الصَّلَاةِ يَجُوزُ لِحُصُولِ الْمَقْصُودِ، وَهُوَ تَعْلِيمُهُمْ وَظِيْفَةُ الْيَوْمِ، وَيُكْرَهُ لِمَا بَيْنَنَا، وَلَا أَذَانَ لَهَا وَلَا إِقَامَةً لِأَنَّهُ لَمْ يَنْقَلِ.

واگر خطبه (1) را ترک کند جایز است، زیرا که سنت است و شرط نیست (2) ولی به خاطر مخالفت سنت کار خوب نه کرده، همچنان اگر خطبه عیدین را قبل از نماز ارایه کند جایز است زیرا که مقصود حاصل می شود، و آن (مقصود) تعلیم مسؤولیت ها و واجبات همان روز عید به مردم می باشد. ولی این هم کراهیت دارد به دلیلی که بیان کردیم (5) و نه اذان است در نماز عیدین و نه اقامت زیرا که منقول نیست.

ویدلیل که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز عید را همیشه خوانده و نماز عید از علامه های دین است. و به نزد احناف نماز عید واجب است بالای آنکه نماز جمعه واجب است نماز عید هم واجب است و خطبه در نماز عید سنه است به نزد امام احمد رحمه الله علیه نماز عید عرض عین است بخاطریکه در آیه آمده (فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ).

(5) عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسي أبو محمد المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني در کتاب خود [المغني - ابن قدامة] الناشر: دار الفكر - بيروت در (ج 2 ص 224) درین جاء مراد از بعضی علماء امام مالک رحمه الله علیه و بعضی از اصحاب امام شافعی رحمه الله علیه است.

(6) کتاب: الجامع الصغير وشرحه النافع الكبير لمن يطالع الجامع الصغير مؤلف الجامع الصغير: أبو عبد الله محمد بن الحسن الشيباني (المتوفى: 189 هـ) مؤلف النافع الكبير: محمد عبد الحي بن محمد عبد الحلیم الأنصاري اللكنوي الهندي، أبو الحسنات (المتوفى: 1304 هـ) الناشر: عالم الكتب - بيروت در کتاب خود در صفحه نمبر (113) فالأول سنه مراد از سنه درین جاء وجوب است ذکر سنه بخاطر شده که وجوب اش به سنه ثابت شده در اصل نماز عید واجب است.³

أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي (159 - 235 هـ) رقما الجزء والصفحة يتوافقان مع طبعة الدار السلفية الهندية القديمة. در کتاب خود مُصنّف ابن أبي شيبة در (ج 14 ص 128) در حدیث نمبر (37136) به روایت حسن رضی الله عنه می فرماید که اول عثمان رضی الله عنه خطبه نماز عید را قبل از نماز عید خواند بخاطریکه نفوس مردم زیاد شد و مردم در نماز عید مشکل داشتند عثمان رضی الله عنه خطبه نماز عید را قبل از نماز خواند.

(1) محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي در کتاب خود الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري در (ج 2 ص 18) در حدیث (963) به روایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول الله صلی الله علیه وسلم وابوبکر وعمر رضی الله عنهما نماز عید را قبل از خطبه میخواند.

(2) أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف بالطحاوي (المتوفى: 321 هـ) الناشر: عالم الكتب در کتاب خود شرح معاني الآثار در (ج 1 ص 325) در حدیث نمبر (1910) به روایت عائشه رضی الله عنها وعبد الله بن زيد رضی الله عنه می فرمایند که رسول الله صلی الله علیه وسلم خطبه عید را قبل از نماز خوانده است و در روایت که از ابی هریره رضی الله عنه است می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم خطبه عید را بعد از نماز خواند و رسول الله صلی الله علیه وسلم همچنان میکرد ازین دو روایت معلوم میشود که خطبه قبل از نماز هم خوانده شده و بعد از نماز هم خوانده شده است فلهدا اگر قبل از نماز خطبه خوانده شود یا بعد از نماز خطبه خوانده شود درست است ولكن بهتر اینست که بعد نماز عید خطبه خوانده شود.

أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي (159 - 235 هـ) رقما الجزء والصفحة يتوافقان مع طبعة الدار السلفية الهندية القديمة. در کتاب خود مُصنّف ابن أبي شيبة در (ج 14 ص 128) در حدیث نمبر (37136) به روایت حسن رضی الله عنه می فرماید که اول عثمان رضی الله عنه خطبه نماز عید را قبل از نماز عید خواند بخاطریکه نفوس مردم زیاد شد و مردم در نماز عید مشکل داشتند عثمان رضی الله عنه خطبه نماز عید را قبل از نماز خواند.

(3) در همین صفحه چند خط پیشتر دلیل ذکر است که خطبه عید سنه است اگر از نماز عید پیش خواند گناه میشود.

قَالَ: (وَيُسْتَحَبُّ يَوْمَ الْفِطْرِ لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَغْتَسِلَ) لِمَا تَقَدَّمَ فِي الطَّهَارَةِ. (وَيَسْتَأْكَ) لِأَنَّهُ مَنْدُوبٌ إِلَيْهِ فِي سَائِرِ الصَّلَوَاتِ. (وَيَلْبَسُ أَحْسَنَ ثِيَابِهِ) لِأَنَّهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كَانَ لَهُ جُبَّةٌ فَنَكَ يَلْبَسُهَا فِي الْجُمُعِ وَالْأَعْيَادِ

مصنف علیه الرحمه فرمود: در روز عید فطر برای انسان مستحب است که غسل کند، بخاطر دلیلی که در بحث طهارت ذکر شد (1) مسواک استعمال کند زیرا که استعمال مسواک در تمام نمازها (2) مستحب است. و بهترین لباسهای خود را بپوشد؛ زیرا که پیامبر علیه السلام یک پوستینی از پوست روبا (3) داشت که آن را (4) در روزهای جمعه و عیدها می پوشید (5).

(1) عبد الله بن محمود بن مودود الموصلي البلدحي، مجد الدين أبو الفضل الحنفي (المتوفى: 683هـ) الناشر: مطبعة الحلبي - القاهرة (وصورتها دار الكتب العلمية - بيروت، وغيرها) در کتاب خود الاختیار لتعلیل المختار (ج 1 ص 8) در باب الطهارت چنین ذکر است مصنف رحمة الله عليه می فرماید: مسواک در وقت وضو کردن سنه است بخاطریکه رسول الله صلی الله علیه وسلم همیشه در وقت وضوء کردن مسواک میکرد و فرموده بود که بر من وصیه کرده جبریل علیه السلام به مسواک کردن و به صحیح قول مسواک مستحب است. (2) مسواک در وضو مستحب است در نماز مستحب نیست تفصیل در رقوم نمبر (139) در همین صفحه ذکر است. (3) عبد الکریم بن محمد بن عبد الکریم، أبو القاسم الرافعي القزويني (المتوفى: 623هـ) در کتاب خود شرحُ مُسْنَدِ الشَّافِعِيِّ (ج 2 ص 141) در حدیث نمبر (323) فرموده است به روایت جعفر که او از پدر خود و او از پدر کلان وی روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در روزهای عید چنین حبره (بالا پوش) میپوشید. (حبره یک قسم چین یمنی است). (4) مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّزَّاقِ الْحُسَيْنِيِّ در کتاب خود تاج العروس من جواهر القاموس، و همچنان أبو الحسن علي بن إسماعيل بن سیده المرسي در کتاب خود لمحکم والمحیط الأعظم (ج 7 ص 64) فرموده است کراع می فرماید که فنک یک حیوان است که از پوست اش چین (بالا پوش) جور میشود و پوشیده میشود. (5) أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ) المحقق: السيد عبد الله هاشم اليماني المدني الناشر: دار المعرفة - بيروت در کتاب خود الدراية في تخريج أحاديث الهداية (ج 1 ص 218) در حدیث نمبر (280) فرموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم یک چین فنک (که از پوست حیوان جور شده بود) و پشمی بود در روزهای عید میپوشید.

(وَيَتَطَيَّبُ) لِأَنَّهُ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - كَانَ يَتَطَيَّبُ يَوْمَ الْعِيدِ وَلَوْ مِنْ طِيبِ أَهْلِهِ، ثُمَّ يَرْوِحُ إِلَى الصَّلَاةِ.

خوشبوویی استعمال کند زیرا که پیامبر علیه السلام در روزهای عید خوشبوویی استعمال می نمودند هرچند از عطر فامیلش هم میبود بعد از آن به سوی نماز می رفت(1)

(1) أحمد بن محمد بن إسماعيل الطحاوي الحنفي - توفي 1231 هـ المحقق: محمد عبد العزيز الخالدي الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان در کتاب خود حاشیة الطحاوي علی مراقی الفلاح شرح نور الإيضاح در صفحه نمبر (۵۲۹) در روز عید باید خوشبوئی زده شود بخاطریکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز عید خوشبوئی میزد اگر عام خوشبوئی پیدا نمیشد خوشبوئی خانگی میزد و لباس خوب خود را پوشیده به نماز عید میرفت.

(وَيَأْكُلُ شَيْئًا حُلُومًا تَمْرًا أَوْ زَبِيبًا أَوْ نَحْوَهُ) هَكَذَا نُقِلَ مِنْ فِعْلِهِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -
 وَلِأَنَّهُ يُحَقِّقُ مَعْنَى الْإِسْمِ، وَمُبَادَرَةٌ إِلَى امْتِثَالِ الْأَمْرِ. (وَيُخْرِجُ صَدَقَةَ الْفِطْرِ) فَيَضَعُهَا فِي
 مَصْرِفِهَا، هَكَذَا فَعَلَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَفِيهِ تَفْرِيعٌ بِأَلِ الْفَقِيرِ لِلصَّلَاةِ.

و باید بخورد چیزی شیرین مانند خرما یا کشمش و یا مانند آن، همین قسم از فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نقل شده است (1) و به دلیل این که این کار معنی اسم فطر را تحقق می بخشد. همچنان در (خوردن چیزی) مبادرت به اطاعت امر پیامبر علیه السلام هست (2) و صدقه فطر (3) را پردازد و آن را در مصارف صدقه فطر (5) به مصرف برساند، پ به همین شکل این کار را رسول اکرم صلی الله علیه وسلم انجام داده است (6) و دلیل دیگر اینست که در ادا نمودن صدقه فطر قبل از نماز عید جمع ساختن خاطر فقیر برای نماز است.

(¹) عبد الکریم بن محمد بن عبد الکریم، أبو القاسم الرافعي القزويني (المتوفى: 623هـ) در کتاب خود شرح مُسْنَدِ الشَّافِعِيِّ (در ج 2 ص 17) فرموده از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم قبل از نماز عید چند دانه خرما میخورد و بعضی زیاد کرده اند که طاق خرما میخورد.

(²) ابن الملحق سراج الدین أبو حفص عمر بن علی بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى: 804هـ) المحقق: مصطفى أبو الغيط و عبد الله بن سليمان ویاسر بن کمالناشر: دار الهجرة للنشر والتوزيع - الرياض - السعودية در کتاب خود البدر المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير (در ج 5 ص 684) به روایت عمرو بن خالد و او از مادر خود روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه وسلم حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه را روان کرد تا اعلان کند میان مردم که امروز روزه نگیرید بخاطریکه امروز زوز خوراک و نوشیدن است.

(³) علی بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي در کتاب خود سنن الدارقطني (در ج 2 ص 44) در حدیث نمبر (1) به روایت ابن عباس رضی الله عنه فرموده که سنه اینست قبل از نماز عید باید خوراک کند و صدقه فطر داده شود.

أحمد بن علي أبو بكر الرازي الحنفي (المتوفى: 370هـ) در کتاب خود شرح مختصر الطحاوي (در ج 2 ص 149) به روایت أبو جعفر مستحب است برای مردان که روز عید غسل کنند و مسواک بزنند و خوشبوئی بزنند و خوراک کنند و بهترین لباس بپوشند باز بسوی عید گاه به اداء نمودن نماز عید بروند.

(⁴) علی بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي در کتاب خود سنن الدارقطني الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1386 - 1966 تحقیق: السيد عبد الله هاشم يماني المدني (در ج 2 ص 142) در حدیث نمبر (10) به روایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است فرض شده بالای هر مسلمان آزاد باشد یا غلام مرد وزن یک پیمانۀ خرما یا یک پیمانۀ جو.

(⁵) علی بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي در کتاب خود سنن الدارقطني الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1386 - 1966 تحقیق: السيد عبد الله هاشم يماني المدني (در ج 2 ص 152) در حدیث نمبر (67) به روایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است (أغنهم في هذا اليوم) فقرا و مساکین را در این روز از سوال کردن مستغنی بسازید

قَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «أَغْنُوهُمْ عَنِ الْمَسْأَلَةِ فِي هَذَا الْيَوْمِ» وَإِنْ أَخْرَهَا جَازًا.
وَالتَّعْجِيلُ أَفْضَلُ.

پیامبر علیه السلام فرمودند: "فقرا و مساکین را در این روز از سوال کردن مستغنی بسازید" (1) و اگر پرداختن صدقه فطر را به تاخیر بیندازد هم جایز است، اما عجله در پرداخت آن بهتر است (2)

(1) تخریج حدیث جمال الدین أبو محمد عبد الله بن یوسف بن محمد الزیلعی (المتوفی: 762هـ) در کتاب خود نصب الرایة لأحادیث الهدایة مع حاشیته بغیة الأعمی فی تخریج الزیلعی الناشر: مؤسسه الریان للطباعة والنشر - بیروت - لبنان/ دار القبلة للثقافة الإسلامية- جدة - السعودية در (ج ۲ ص ۴۳۲) در حدیث نمبر (۹) رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود در این روز از سوال کردن مستغنی بسازید.

(2) علی بن عمر أبو الحسن الدارقطنی البغدادی در کتاب خود سنن الدارقطنی تحقیق: السید عبد الله هاشم یمانی المدنی الناشر: دار المعرفة - بیروت، 1386 - 1966 در (ج ۲ ص ۱۵۲) در حدیث نمبر (۶۶) به روایت ابن عمر رضی الله عنه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که قبل از خروج به نماز عید سراسایه را اداء نمائید و عبد الله سراسایه خود را اداء میکرد قبل از یک روز و یادو روز از عمل عبد الله رضی الله عنه معلوم میشود که بهتر اینست که هرچی وقتتر سراسایه اداء شود که مساکین ضروریات خود را پوره کنند.

جمال الدین أبو محمد عبد الله بن یوسف بن محمد الزیلعی (المتوفی: 762هـ) در کتاب خود نصب الرایة لأحادیث الهدایة مع حاشیته بغیة الأعمی فی تخریج الزیلعی در (ج ۲ ص ۴۳۲) فرموده است گفتم: این جمله (غریب) است و دارقطنی در سنن خود فرموده.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرموده است: «أَغْنُوهُمْ عَنِ الْمَسْأَلَةِ فِي هَذَا الْيَوْمِ»، «(بی پروا کنید غریبان را از سوال کردن درین روز علامه زیلعی می فرماید: این جمله (غریب) است و دارقطنی در سنن الدارقطنی: ص 225. آن را روایت کرده است. ابی معشر از نافع از ابن عمر فرموده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زکات فطره را وضع کرد، و فرمود: در این روز آنان را (مساکین) راغنی سازید.

(ثُمَّ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْمُصَلَّى) وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يَمْشِيَ رَاجِلًا، هَكَذَا رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَلَا يَكْبُرُ جَهْرًا عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ؛ وَقَالَا: يُكْبَرُ اعْتِبَارًا بِالْأَضْحَى. وَلَهُ مَا رُوِيَ أَنَّ ابْنَ عَبَّاسٍ سَمِعَ النَّاسَ يُكْبِرُونَ يَوْمَ الْفِطْرِ، فَقَالَ لِقَائِهِ: أَكْبَرَ الْإِمَامُ؟ قَالَ لَا، قَالَ: أَفَجُنَّ النَّاسُ؟ وَالْأَنْ الذُّكْرَ مَبْنَاهُ عَلَى الْإِخْفَاءِ. وَالْأَثَرُ وَرَدَ فِي الْأَضْحَى فَيُقْتَصَرُ عَلَيْهِ،

بعد از آن به طرف عیدگاه برود، و مستحب است که پیاده برود؛ همین طور از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت شده است(1). و نزد امام ابو حنیفه رحمه الله باید تکبیر را به صدای بلند نگویید، و صاحبین میگویند: به صدای بلند تکبیر میگویند، بر مبنای قیاس به تکبیر عید قربان.

دلیل امام ابوحنیفه این است که عبدالله ابن عباس دید که مردم تکبیر میگویند، از کسی که او را رهنمای می کرد پرسان کرد: آیا امام تکبیر گفته است؟ گفت: نه، ابن عباس فرمود: آیا مردم دیوانه شده اند؟ و دلیل دیگر امام ابوحنیفه رحمه الله اینست که اصل وقاعده در ذکر اینست که باید خفیه باشد، و حدیث وارد شده تنها در مورد عید قربان میباشد(4)

(۱) ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد (المتوفى: 273هـ) در کتاب خود: سنن ابن ماجه الناشر: دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي در (ج ۱ ص ۴۱۲) در روایت نمبر (۱۳۰۰) به روایت محمد بن عبید الله بن أبي رافع و او از پدر خود واو از پدر کلان خود روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه وسلم به نماز عید پیاده میرفت و دوباره به دیگر راه میآمد. ابن بطال أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك (المتوفى: 449هـ) در کتاب خود: شرح صحيح البخارى لابن بطال دار النشر: مكتبة الرشد - السعودية، الرياض (ج 2 ص 556) فرموده که سنة به نرد علماء اینست که به نماز عید پیاده بروند بخاطریکه در پیاده رفتن تواضع است بدلیل روایت زر از عمر رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم به نماز عید پیاده میرفت و از علی رضی الله عنه روایت است که به نماز عید پیاده رفتن سنة است و همچنان به نزد امام مالک، و امام ثوری، و امام شافعی و امام احمد رحمت الله علیهم و جماعة از علماء میفرمایند که به نماز عید پیاده رفتن سنة است و امام مالک رحمة الله علیه میفرماید اگر کسی سوار رفت پروا ندارد.

(۴) محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي در کتاب خود صحيح ابن حبان الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت در (ج ۷ ص ۵۷) در حدیث نمبر (۲۸۱۸) به روایت ابن عباس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز عید سعید فطر و روز عید ضحی قبل از نماز نفل نخوانده و به نزد شعیب ارنووط اسناد این حدیث صحیح است.

وَلَا يُتَطَوَّعُ قَبْلَ صَلَاةِ الْعِيدِ؛ لِأَنَّهُ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - لَمْ يَفْعَلْهُ مَعَ حَرِيصِهِ عَلَى الصَّلَاةِ. وَعَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ خَرَجَ إِلَى الْمُصَلِّيِّ فَرَأَى قَوْمًا يُصَلُّونَ، فَقَالَ: مَا هَذِهِ الصَّلَاةُ الَّتِي لَمْ نَعْهَدْهَا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -؟

قَالَ: (وَوَقْتُ الصَّلَاةِ مِنْ ارْتِفَاعِ الشَّمْسِ إِلَى زَوَالِهَا) لِأَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كَانَ يُصَلِّي الْعِيدَ وَالشَّمْسُ عَلَى قَدْرِ رُمْحٍ أَوْ رُمْحَيْنِ ;

و پیش از نماز عید نماز نفل را نمی خواند، زیرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم این عمل را انجام ندادند، با وجود که به نماز خواندن حریص هم بودند .

و از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که ایشان به مصلی رفتند، و مردمی را دیدند که نماز میگذارند، فرمودند این چی نمازی است که در زمان پیامبر علیه السلام مشاهده نکردیم (1)؟ مصنف علیه الرحمه فرمود: وقت نماز عید از بالا شدن آفتاب آغاز میشود تا وقت زوال می باشد، زیرا پیامبر اکرم نماز عید را وقتی میگذارند که آفتاب به اندازه یک نیزه یا دونیزه بالا می شد (2)

(1) أبو بكر بن علي بن محمد الحدادي العبادي الرُّبَيْدِيُّ اليميني الحنفي (المتوفى: 800هـ) در کتاب خود الجوهرة النيرة الناشر: المطبعة الخيرية در (ج 1 ص 93) فرموده به روایت علی رضی الله عنه مردم را دید که قبل از نماز عید درجه نفل میخواندن و علی رضی الله عنه فرموده همراهی نبی صلی الله علیه وسلم نماز عید خوانده ام لکن قبل از نماز عید وبعد از نماز عید نفل نخوانده است

(2) جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: 762هـ) در کتاب خود نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الألمعي في تخريج الزيلعي در (ج 2 ص 211) فرموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز عید را خواند و آفتاب باندازه یک نیزه یا دو نیزه بلند بود. لکن این حدیث غریب است.

أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ) در کتاب خود الدرر في تخريج أحاديث الهداية (ج 1 ص 219) در حدیث نمبر 284 - فرموده - رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز عید را خواند و آفتاب باندازه یک نیزه یا دو نیزه بلند بود. لکن این حدیث پیدا نشد.

وَلَمَّا شَهِدُوا عِنْدَهُ بِالْهَلَالِ بَعْدَ الزَّوَالِ صَلَّى الْعِيدَ مِنَ الْغَدِ، وَلَوْ بَقِيَ وَقْتُهَا لَمَا أَخَّرَهَا.

قَالَ: (وَيُصَلِّي الْإِمَامُ بِالنَّاسِ رَكَعَتَيْنِ: يُكَبِّرُ تَكْبِيرَةَ الْإِحْرَامِ وَثَلَاثًا بَعْدَهَا، ثُمَّ يَقْرَأُ الْفَاتِحَةَ وَسُورَةً، ثُمَّ يُكَبِّرُ وَيَرْكَعُ، وَيَبْدَأُ فِي الثَّانِيَةِ بِالْقِرَاءَةِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ ثَلَاثًا وَأُخْرَى لِلرُّكُوعِ) وَهَذَا قَوْلُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، وَيُؤَيِّدُهُ مَا رَوَى: «أَنَّهُ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - كَبَّرَ فِي صَلَاةِ الْعِيدِ أَرْبَعًا، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ فَقَالَ: أَرْبَعُ كَأَرْبَعِ الْجِنَازَةِ»

وقتی که به پیشگاه شان در مورد دیدن مهتاب بعد از زوال شهادت دادند، نماز عید را فردای آن روز ادا نمود، و اگر بعد از زوال وقت نماز عید می بود نماز را به فردای آن روز موکول نمی کرد.

مصنف علیه الرحمه فرمود: امام دو رکعت را با مردم با جماعت طوری می خواند، که تکبیر تحریمه میگوید، و بعد از آن سه تکبیر دیگر می گوید، بعد از آن سوره فاتحه و یک سوره را می خواند، بعد از آن تکبیر می گوید و رکوع می کند، و رکعت دوم را به قرائت آغاز می کند، و بعد از قرائت سه تکبیر می گوید، و تکبیر دیگر هم برای رکوع می گوید. این قول و مذهب ابن مسعود رضی الله عنه است (1) و این قول را روایتی هم تأیید میکند که از پیامبر اکرم سلی الله علیه وسلم نقل شده است، که رسول الله صلی الله علیه وسلم در نماز عید چهار مرتبه تکبیر گفتند، بعد از ختم نماز رو به طرف مردم نموده فرمودند: "چهار تکبیر مانند چهار تکبیر جنازه".

(1) أبو بکر عبد الرزاق بن همام الصنعاني در کتاب خود مصنف عبد الرزاق در (ج ۳ ص ۲۹۳) در حدیث نمبر (۵۶۸۶) و حدیث نمبر (۵۶۸۷) از عبد الرزاق او از ثوری و او از ابی اسحاق روایت کرده و او از علقمة والأسود بن یزید روایت کرده که ابن مسعود رضی الله عنه فرموده که تکبیر عیدین نو تکبیر است چهار تکبیر قبل از قرائت است باز تکبیر گفته و رکوع کند و در رکعت دوم اول قرائت بخواند در آخر چهار تکبیر بگوید و رکوع کند.

وَأَشَارَ بِأَصَابِعِهِ، وَخَنَسَ إِبْهَامَهُ. فَفِيهِ عَمَلٌ وَقَوْلٌ وَإِشَارَةٌ وَتَأْكِيدٌ. وَعَنْ أَبِي حَنِيفَةَ أَنَّهُ
يَسْكُتُ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ قَدْرَ ثَلَاثِ تَسْبِيحَاتٍ.

وبه انگشتان مبارک خود اشاره نمودند و انگشت ابهامه خویش را پائین نموده بودند (یعنی به چهار انگشت
خویش اشاره کردند) درین مورد (تعداد تکبیرات نماز عید) عمل هم وجود دارد، .

اشاره به چهار انگشت هم وجود دارد و حدیث قولی هم موجود است (1) واز امام ابوحنیه رحمه الله روایت
شده است که در میان هر دو تکبیر به اندازه سه تسبیح سکوت بکند.

(1) أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى : 852هـ) در کتاب خود الدرابة في تخریج أحاديث الهداية
در (ج ۲ ص ۲۲۰) در حدیث نمبر (۲۸۶) چنین فرموده وگفته که اسناد اش صحیح است.
در باره تکبیرات عیدین میان ائمه کرام اختلاف نظر است الشافعی أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد
المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي (المتوفى : 204هـ) در کتاب خود الام در (ج ۱ ص ۲۷۰) فرموده است که در نماز عیدین بغیر
از تکبیر اولی هفت مرتبه تکبیر خوانده شود و بعد از آن قرائت خوانده شود و رکوع شود باز در رکعت دوم بعد از تکبیر قیام پنج مرتبه تکبیر
خوانده شود و بعد از آن قرائت خوانده شود باز رکوع و سجده و نماز خلاص شود.
بهرام بن عبد الله بن عبد العزيز بن عمر بن عوض، أبو البقاء، تاج الدين السلمي الدميري الدميّطي المالكي (المتوفى : 805هـ) در کتاب
خود شامل في فقه الإمام مالك در (ج ۱ ص ۱۴۲) فرموده که به نزد حنابله طریقه نماز عیدین چنین است که در اول هفت مرتبه تکبیر
خوانده شود با تکبیر اولی و در رکعت دوم پنج مرتبه تکبیر خوانده شود بغیر تکبیر قیام.

قَالَ: (وَيَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي الزَّوَائِدِ) لِمَا رَوَيْنَا. (وَيَخْطُبُ بَعْدَ الصَّلَاةِ خُطْبَتَيْنِ يُعَلِّمُ النَّاسَ فِيهِمَا صَدَقَةَ الْفِطْرِ وَأَحْكَامَهَا) لِمَا رَوَى ابْنُ عُمَرَ أَنَّهُ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - كَانَ يَخْطُبُ بَعْدَ الصَّلَاةِ خُطْبَتَيْنِ يَجْلِسُ بَيْنَهُمَا كَالْجُمُعَةِ، وَكَذَلِكَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ.

مصنف علیه الرحمه فرمود: و دستهای خود را در تکبیرات زوائد بالا می کند، بر مبنای حدیثی که روایت کردیم (1) و بعد از نماز دو خطبه می خواند، و در این خطبه ها مردم را در مورد صدقه فطر تعلیم می دهد و آگاه می سازد. (2) به دلیل حدیثی که عبد الله بن عمر روایت نموده: که پیامبر علیه السلام بعد از نماز دو خطبه میخواندند و در میان دو خطبه مینشستند مانند خطبه های جمعه (3) وهمچنان همین کار را ابوبکر و عمر رضی الله عنهما نیز انجام داده اند (4).

(1) مجیر الدین بن محمد العلیمی المقدسی الحنبلی (المتوفی: 927 هـ) در کتاب خود فتح الرحمن فی تفسیر القرآن الناشر: دار النوادر (إصدارات وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية - إدارة الشؤون الإسلامية) در (ج 1 ص 260) فروده که به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه در رکعت اول بعد از تکبیر تحریمه سه مرتبه تکبیر زوائد خوانده شود و در رکعت دوم اول قرائت خوانده شود بعد از قرائت سه مرتبه تکبیرات زوائد خوانده شود و رکوع شود و در تکبیرات زوائد دستهای خود را بلند کنند و به نزد امام مالک رحمه الله علیه در رکعت اول بعد از تکبیر تحریمه شش مرتبه تکبیر زوائد خوانده شود و در رکعت دوم بعد از قیام پنج تکبیر زوائد خوانده شود و در تکبیر اولی دست بلند شود و به نزد امام شافعی رحمه الله علیه در رکعت اول بعد از تکبیر تحریمه هفت مرتبه تکبیر زوائد خوانده شود و در رکعت دوم قبل از قرائت پنج مرتبه تکبیر زوائد خوانده شود و در تکبیرات زوائد دستهای خود را بلند کنند و به نزد امام احمد رحمه الله علیه در رکعت اول بعد از تکبیر تحریمه شش مرتبه تکبیر زوائد خوانده شود و در تکبیرات زوائد دستهای خود را بلند کنند مانند قول امام مالک رحمه الله علیه و در رکعت دوم بعد از قیام پنج تکبیر خوانده شود مانند قول امام شافعی رحمه الله علیه.

(2) محمد العربی القروی در کتاب خود الخلاصة الفقهية على مذهب السادة المالكية - للقروی در صفحه نمبر (136) فرموده است مردم را درباره احکام صدقه فطر تعلیم بدهد رابالای آنان که صدقه فطر واجب است در روز عید فطر.

(3) جمال الدین أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزبلی (المتوفی: 762 هـ) در کتاب خود نصب الرأیة لأحادیث الهدایة مع حاشیته بغیة الألمعی فی تخریج الزبلی ناشر: مؤسسة الريان للطباعة والنشر - بیروت - لبنان / دار القبلة للثقافة الإسلامية - جدة - السعودية در (ج 2 ص 220) که در بخاری و مسلم به روایت نافع از عبد الله بن عمر رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم و ابو بکر صدیق رضی الله عنه و عمر بن خطاب رضی الله عنه نماز عید را قبل از خطبه میخواندند.

دریک روایت دیگر از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم و ابو بکر صدیق رضی الله عنه و عمر بن خطاب رضی الله عنه نماز عید را خواندم همه ایشان نماز عید را قبل از خطبه میخواندند.

(4) محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: 1420 هـ) در کتاب خود صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه در (ج 3 ص 293) در حدیث نمبر (1289) فرموده است. به طریق ابو بحروا روایت کرده از اسماعیل بن مسلم الخولانی و او روایت کرده از ابوزبیر او از جابر رضی الله عنهم جابر رض فرموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم روز عید خورد وعید کلان ایستاده شده خطبه میخواند و بعد می نشست دوباره ایستاده میشد و خطبه دوم را میخواند. اسنادش ضعیف است ازوجه ضعف لأبی بحر.

وَيَنْبَغِي أَنْ يَسْتَخْلَفَ مَنْ يُصَلِّي بِأَصْحَابِ الْعَلَلِ فِي الْمِصْرِ، لِمَا رَوَيْنَا عَنْ عَلِيٍّ، وَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ جَازًا.

و بهتر است که حاکم کسی را بخاطر امامت أصحاب اعدار جانشین خود تعیین نماید(1) به دلیل اثری که از علی کرم الله وجهه روایت کردیم²، و اگر این کار را نکرد جایز است.

(¹) أبو بكر بن حسن بن عبد الله الكشناوي (المتوفى: 1397 هـ) در کتاب خود أسهل المدارك «شرح إرشاد السالك في مذهب إمام الأئمة مالك» الناشر: دار الفكر، بيروت - لبنان در (ج ۱ ص ۳۳۷) فرموده مناسب است که نماز عید در عیدگاه خوانده شود مگر در مکه مکرمه البته در مکه بهتر اینست که در مسجد الحرام نماز عید خوانده شود امام الخرشى رحمة الله عليه میفرماید که خواندن نماز عید در عیدگاه مستحب است حتی در مدینه منوره هم در عیدگاه بهتر است مراد از عیدگاه صحراء است رسول الله صلى الله عليه وسلم و خلفاء راشدین نماز عید را در عیدگاه خوانده اند.

(²) علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي (المتوفى: 587 هـ) در کتاب خود بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع الناشر: دار الكتب العلمية در (ج ۱ ص ۲۸۰) فرموده وقتی که امام همراهی مردم به عیدگاه میروند مستحب است که به نفر را در مسجد منطقه تعیین نمایند تا همراهی آن ضعیفان که توان رفتن به عیدگاه را ندارند نماز عید بخوانند قسم که حضرت علی رضی الله عنه در کوفه میکرد ابو موسی اشعری را تعیین میکرد با آنان که توان رفتن به عیدگاه را ندارند در مسجد خود نماز عید بخوانند و خود حضرت علی رضی الله عنه به جبانه که نام یک جائی است در کوفه میرفت با مردم نماز عید را اداء میکرد و این کار همراهی نا توانان منطقه همکاری بود و اگر کدام نفر را تعیین نکرد هم پروا ندارد بخاطریکه در وقت رسول الله صلى الله عليه وسلم و در وقت خلفاء راشدین بغیر از حضرت علی رضی الله عنه این چنین کار انجام داده نه شده است.

قَالَ: (فَإِنْ شَهِدَ بِرُؤْيَا الْهَلَالِ بَعْدَ الزَّوَالِ صَلَّوْهَا مِنْ الْعَدِ لِمَا تَقَدَّمَ. وَلَا يُصَلُّوْهَا بَعْدَ ذَلِكَ) لِأَنَّهَا صَلَاةُ الْفِطْرِ فَتَخْتَصُّ بِيَوْمِهِ، وَيَنْبَغِي أَنْ لَا تُقْضَى، لَكِنْ خَالَفْنَا بِمَا رَوَيْنَا أَنَّهُ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - قَضَاهَا مِنَ الْعَدِ فَيَبْقَى مَا وَرَاءَهُ عَلَى الْأَصْلِ.

مصنف رحمه الله فرمود: اگر به دیدن هلال عید بعد از زوال گواهی داده شد، نماز عید را باید فردای آن روز بخوانند(1) بنا بر دلیلی که قبلاً ذکر گردید(2) وبعد از فردای آن روز نماز عید را نمی گذارند، زیرا این نماز فطر است، و بمقتضای نام آن به همان روز فطر باید مختص باشد، و قاعده اینست که قضا آورده نشود، ولی ما به این قاعده به خاطر آن حدیثی مخالفت کردیم که به ما روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم به فردای روز فطر قضا آورد(3) غیر ازین باید مطابق اصل بوده باشد (یعنی قضا آورده نه شود)

(1) درباره وقت نماز عید میان ائمه کرام اختلاف نظر است عبد الله بن عبد الرحمن بن عبد الله بن جبرین در کتاب خود شرح أخصر المختصرات فقه حنبلی در (ج ۱۰ ص ۲۲) فرموده است. اگر خبر رسید بعد الزوال نماز عید را به صبا اش بخواند. المؤلف: أ.د. وهبة الزحيلي در کتاب خود (الفقه الإسلامي وأدلته) الشامل للأدلة الشرعية والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية وتحقیق الأحادیث النبوية وتخريجها أستاذ ورئيس قسم الفقه الإسلامي وأصوله بجامعة دمشق - كلية الشريعة الناشر: دار الفكر - سورية - دمشق در (ج ۲ ص ۵۱۸) اگر مردم هلال عید را بعد از زوال دیدن و به حاکم وقت شاهی داده شد صبا اش نماز عید را اداء نمایند. امام مالک رحمه الله علیه میفرماید که به صبا اش نماز عید درست نیست و قضائی هم نمیشود. و جمهور علماء میفرمایند که به صبا اش بخوانند درست است و نماز عید قربان الی سه روز جائز استبدلیل روایت ابوعمیر بن انس رضی الله عنه که هلال ماه شوال در آخر وقت روز دیده شد و به رسول الله صلی الله علیه وسلم شاهی پیش شد و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که روزه ایتن را افطار کنید و نماز عید را صبا اداء میکنیم.

(2) در همین کتاب الاختیار فی تعلیل المختار در صفحه نمبر (67) ذکر است.

(3) أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، الشهير بالماوردي (المتوفى: 450هـ) در کتاب خود الحاوي في فقه الشافعي در (ج ۳ ص ۴۵۱). فرموده که از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که مهتاب شوال بعد از زوال دیده شده بود باز رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز عید را به صبا اش خواند.

فَصَلِّ (يُسْتَحَبُّ فِي يَوْمِ الْأَضْحَى مَا يُسْتَحَبُّ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ) مِنَ الْغُسْلِ وَالتَّطَيُّبِ
وَالسَّوَاكِ وَاللَّبْسِ. (إِلَّا أَنَّهُ يُؤَخَّرُ الْأَكْلَ بَعْدَ الصَّلَاةِ) لِمَا رُوِيَ: «أَنَّهُ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -
كَانَ لَا يَطْعَمُ يَوْمَ النَّحْرِ حَتَّى يَرْجِعَ فَيَأْكُلُ مِنْ أَضْحِيَّتِهِ» قَالَ: (وَيُكَبَّرُ فِي طَرِيقِ الْمُصَلَّى
جَهْرًا) هَكَذَا فَعَلَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -

و در روز عید قربان همه اعمال مستحب است که در روز عید فطر مستحب می باشد، مانند غسل کردن،
خوشبویی استعمال نمودن، مسواک زدن و پوشیدن کالای (جدید یا پاک) مگر این که در عید قربان
خوردن چیزی به بعد از نماز به تعویق انداخته میشود، بنا بر روایتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم
در روز عید قربان چیزی را نمی خوردند(1) تا اینکه بر می گشتند و از گوشت قربانی خود می خوردند.
مصنف علیه الرحمه فرمود: (و در این کار عید قربان از عید فطر متفاوت است که) در راه به طرف عیدگان
به آواز بلند تکبیر گفته می شود.

(1) محمد بن یزید أبو عبدالله القزويني در کتاب خود سنن ابن ماجه در (ج ۱ ص ۵۵۸) در حدیث نمبر (۱۷۵۶) فرموده است از محمد بن
یحیی روایت استواو از. أبو عاصم . روایت کرده و او از ثواب بن عتبة المهري او از ابن بريدة او از پدر خود روایت میکند که
رسول الله صلی الله علیه و سلم قبل از بیرون شدن به نماز عید فطر خوراک میکرد و قبل از نماز عید قربان خوراک نمیکرد.
الشیخ الألبانی فرموده که حدیث صحیح است

محمد بن عیسی أبو عیسی الترمذی السلمی الجامع الصحیح سنن الترمذی در (ج ۲ ص ۷۷) همین طور روایت است در حدیث نمبر (۵۴۲) و
الشیخ الألبانی فرموده که حدیث صحیح است.

علي بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي در کتاب خود سنن الدارقطني در (ج ۲ ص ۴۵) در حدیث نمبر (۷) همین فرموده است.
عبدالله بن عبدالرحمن أبو محمد الدارمي در کتاب خود سنن الدارمي در (ج ۱ ص ۴۵۵) در حدیث نمبر (۱۶۰۰) همین طور فرموده
است. حسین سلیم أسد فرموده که اسناد اش ضعیف است از خاطر که از جمله راویان عقبه ضعیف است و لکن حدیث صحیح است.

فَإِذَا وَصَلَ الْمُصَلِّي قَطَعَ ; وَقِيلَ : إِذَا شَرَعَ الْإِمَامُ فِي الصَّلَاةِ .

همین قسم این عمل را پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم انجام داده است (1) وقتی به عیدگاه رسید تکبیر را قطع میکند و گفته شده است: که زمانیکه امام به نماز شروع کرد باید تکبیر را قطع کند (3)

(¹) علی بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي در کتاب خود سنن الدارقطني در (ج ۲ ص ۴۵) در حدیث نمبر (۸) همین طور فرموده است. به روایت بن عمر رضی الله عنه: رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز عید قربانی وعید فطر در راهی عیدگاه تکبیر به صدای بلند میگفت وقتی که به عیدگاه میرسید باز هم تکبیر میگفت وقتی که امام میامد باز تکبیر نمی گفت.

(³) محمود محمد خطاب السبکی در کتاب خود الدین الخالص أو إرشاد الخلق إلى دين الحق (والمجلد التاسع طبع باسم: إرشاد الناسك إلى أعمال المناسك) الناشر: المكتبة المحمودية السبكية در (ج ۴ ص ۳۲۸) فرموده وقتی که به عیدگاه رسید تکبیر قطع میشود به نزد احناف و ابو جملة میفرماید علی رضی الله عنه را دیدم که در راه عیدگاه تکبیر میخواند وقتی که به عیدگاه رسید تکبیر را قطع کرد. امام مالک رحمه الله علیه تکبیر وقتی باید قطع شود که امام به نماز شروع کند این هم قول احناف است. امام شافعی رحمت الله علیه هم میفرماید که تکبیر وقتی باید قطع شود که امام به نماز شروع کند. امام احمد رحمه الله علیه میفرماید تکبیر وقتی باید قطع شود که به عیدگاه برسد.

قَالَ: (وَيُصَلِّيَهَا كَصَلَاةِ الْفِطْرِ) كَذَا النَّقْلُ. (ثُمَّ يَخْطُبُ خُطْبَتَيْنِ) كَمَا تَقَدَّمَ. (يُعَلِّمُ النَّاسَ فِيهِمَا الْأُضْحِيَّةَ وَتَكْبِيرَ التَّشْرِيقِ) لِحَاجَتِهِمْ إِلَيْهِ. (فَإِنْ لَمْ يُصَلُّوْهَا أَوَّلَ يَوْمٍ صَلَّوْهَا مِنْ أَلْغَدِ وَبَعْدَهُ، وَالْعُذْرُ وَعَدَمُهُ سَوَاءٌ) لِأَنَّهَا صَلَاةُ الْأُضْحَى، فَتَتَقَدَّرُ بِأَيَّامِهَا وَهِيَ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ،

مصنف علیه الرحمه فرمود: و نماز عید قربان را مانند نماز عید فطر می گذارد، همین قسم روایت شده است (1) بعد از آن دو خطبه ارایه می کند چنانچه گذشت (2) و در این خطبه ها به مردم احکام قربانی و احکام تکبیرات تشریح را تعلیم می دهد، بخاطر نیاز مردم به این مسایل .
و اگر در روز اول نماز عید قربان را نه خوانند به فردای آن و پس فردای آن روز بخوانند. (3) و موجودیت عذر و عدم موجودیت آن درین مسئله یکسان است، زیرا که این نماز، نماز عید الاضحی است، پس وقت آن به اندازه وقت اضحیه تعیین می گردد، و آن سه روز است،

(1) درهمین کتاب الاختیار لتعلیل المختار در صفحه نمبر (71) نقل شده است که نماز عید ضحی مانند نماز عید فطر است مگر قبل از نماز عید ضحی خوراک نشود و قبل از نماز عید فطر خوراک کردن مستحب است.

(2) درهمین کتاب الاختیار لتعلیل المختار در صفحه نمبر (69) گذشت به روایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از نماز عید ضحی دو خطبه میخواند و همچنان ابو بکر صدیق و عمر فاروق رضی الله عنهما.

(3) أحمد بن محمد بن إسماعيل الطحاوي الحنفي در کتاب خود حاشیة الطحاوي علی مراقی الفلاح شرح نور الإيضاح در صفحه (350) فرموده است قربانی کردن کار ثواب است و قربانی باید در ایام قربانی که سه روز است شود و نماز عید قربان هم همینطور است. اگر نماز عید را در روز اول نخواند باید که قربانی هم نه شود و نماز و قربانی هر دو در روز بعدی شود.

المؤلف: أ.د. وَهْبَةُ الرَّحْيَلِيّ در کتاب خود (الفقه الإسلامي وأدلته) الشامل للأدلة الشرعية والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية و تحقیق الأحادیث النبویة وتخریجها أستاذ ورئيس قسم الفقه الإسلامي وأصوله بجامعة دمشق - كلية الشريعة الناشر: دار الفكر - سوریه - دمشق در (ج 2 ص 518) اگر مردم هلال عید را بعد از زوال دیدن و به حاکم وقت شاهی داده شد صبا اش نماز عید را اداء نمایند.

امام مالک رحمه الله علیه میفرماید که به صبا اش نماز عید درست نیست و قضائی هم نمیشود. و جمهور علماء میفرمایند که به صبا اش بخوانند درست است و نماز عید قربان الی سه روز جائز است بدلیل روایت ابوعمیر بن انس رضی الله عنه که هلال ماه شوال در آخر وقت روز دیده شد و به رسول الله صلی الله علیه وسلم شاهی پیش شد و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که روزه ایتان را افطار کنید و نماز عید را صبا اداء میکنیم.

تکبیر التشریق: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، وَهُوَ
 مَذْهَبُ عَلِيِّ وَابْنِ مَسْعُودٍ. وَالْأَصْلُ فِيهِ مَا رُوِيَ فِي قِصَّةِ الذَّبِيحِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنَّ
 الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - ، وَلَا فَرْقَ بَيْنَ الْعُذْرِ وَعَدَمِهِ فِي ذَلِكَ. لَمَّا أَخَذَ فِي مُقَدَّمَاتِ الذَّبْحِ
 جَاءَهُ جَبْرِيلُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - بِالْفِدَاءِ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا خَافَ عَلَيْهِ الْعَجَلَةَ،
 فَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ،

و (در مورد جواز اضحیه تا سه روز) بین موجودیت عذر و عدم موجودیت آن فرقی نیست (بناء در مورد
 نماز همچنین موجودیت عذر و عدم موجودیت آن برابر است) (1) تکبیر التشریق اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ لَا
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ) است. و این مذهب حضرت علی و حضرت عبد الله ابن
 مسعود رضی الله عنهما است (2). و دلیل این در قصه ای ذبیح علیه السلام است، وقتی ابراهیم علیه
 السلام به کارهای ابتدایی ذبح کردن (حضرت اسماعیل علیه السلام) آغاز نمود، جبریل علیه السلام
 فدیہ (گوسفندی که در بدل حضرت اسماعیل باید ذبح می شد) را آوردند، و زمانی که به آسمان دنیا نزدیک
 شد ازین ترسید که در ذبح حضرت اسماعیل عجله نه شود (الله اکبر الله اکبر) گفت،

(1) أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسین الغیتابی الحنفی بدر الدین العینی (المتوفی: 855هـ) در کتاب خود عمدة
 القاری شرح صحیح البخاری الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت (ج 6 ص 289) فرموده است روزهای عید قربان سه روز است و
 روزهای تشریق هم سه روز است روز دهم ذوالحجه خاص به عید ایت و سیزدهم ذوالحجه خاص به تکبیرات تشریق است و یازدهم و دوازدهم
 مشترک بین عید و تکبیرات تشریق است معلوم شد که روز عید قربان سه روز است و همچنان روز تکبیرات تشریق هم سه روز است.

(2) جمال الدین أبو محمد عبد الله بن یوسف بن محمد الزلیعی (المتوفی: 762هـ) "در کتاب خود نصب الرایة لأحادیث الهدایة مع حاشیته
 بغیة الألمعی فی تخریج الزلیعی در (ج 2 ص 224) فرموده است: (اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ الْحَمْدُ)
 این روایت از خلیل علیه السلام است، لکن امام زلیعی می فرماید که این روایت را از خلیل علیه السلام نیافتیم بلکه این روایت از
 عبدالله ابن مسعود است و این آبی شبیه می فرماید که به سند اش خوب است.

فَسَمِعَهُ إِبْرَاهِيمَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَرَفَعَ رَأْسَهُ، فَلَمَّا عَلِمَ أَنَّهُ جَاءَ بِالْفِدَاءِ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
وَاللَّهُ أَكْبَرُ، فَسَمِعَ الذَّبِيحُ، فَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، فَصَارَتْ سُنَّةً إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ. كَرْد،

این کلمات را وقتی ابراهیم علیه السلام شنید، سر خود را بلند و زمانیکه دانست که او فدیهِ آورده است،
(لا اله الا الله، والله اكبر) گفت، و زمانیکه اسماعیل علیه السلام این کلمات را شنید، (الله اكبر والله
الحمد) گفت. پس همین تا روز قیامت سنت گشت 1.

(¹) زین الدین بن ابراهیم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: 970هـ) در کتاب خود البحر الرائق شرح كنز الدقائق الناشر: دار
الكتاب الإسلامي در (ج ۲ ص ۱۷۸) فرموده است که (وقتی که به ابراهیم علیه السلام حکم شد بر ذبح پسرش اسماعیل علیه السلام و
ابراهیم علیه السلام به حکم الله تعالی اطاعت نمود و اسماعیل علیه السلام را میخواست که ذبح کند) جبریل علیه السلام یک گوسفند آورد
تا به عیوض اسماعیل علیه السلام ذبح شود جبریل علیه السلام فکر کرد که ابراهیم علیه السلام مدعجله نکند و پسر خود را (اسماعیل علیه
السلام) را ذبح نکند درین اثناء فرمود اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ وقتی که ابراهیم علیه السلام دید که به عیوض پسرش (اسماعیل علیه السلام)
گوسفند به ذبح کردن آورده شد پس ابراهیم علیه السلام فرمود لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وقتی که اسماعیل علیه السلام فهمید که به عیوض
اش یک گوسفند آورده شد اسماعیل علیه السلام فرمود اللّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ و در اکثر کتاب ها همین قسم قصه نقل است لکن در کتابهای
حدیث ثابت نیست.

قَالَ: (وَهُوَ وَاجِبٌ عَقِيبَ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ فِي جَمَاعَاتِ الرِّجَالِ الْمُقِيمِينَ بِالْأَمْصَارِ) **أَمَّا الْوُجُوبُ فَلِقَوْلِهِ تَعَالَى: {وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ} [البقرة: 203]. قِيلَ: الْمُرَادُ تَكْبِيرُ التَّشْرِيقِ. وَقَوْلُهُ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «لَا جُمُعَةَ وَلَا تَشْرِيقَ، وَلَا فِطْرَ، وَلَا أَضْحَى إِلَّا فِي مِصْرٍ جَامِعٍ».**

مصنف علیه الرحمه فرمود: تکبیر تشریق در عقب هر نماز فرض در نمازهای جماعت مردهای مقیم در شهر واجب است (1). وجوب آن به دلیل این قول الله متعال ثابت است که می فرماید: {وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ} [البقرة: 203]. "و ذکر کنید خداوند متعال را در روزهای شمارش شده گفته شده است: که مراد ازین ذکر "تکبیرات تشریق" است. و بر بنای این قول پیامبر علیه السلام که فرموده اند: نیست جمعه و نیست تشریق و نه عید فطر و نه عید قربان مگر در شهرکه جامع باشد" (3).

(1) عبد الغنی الغنیمی الدمشقی الميدانی در کتاب خود اللباب فی شرح الكتاب الناصر: دار الكتاب العربي در صفحه نمبر (57) فرموده که تکبیرات تشریق از روز عرفه بعد از نماز صبح شروع میشود باتفاق رأی الی روز اول عید نماز عصرکه جمله هشت نماز میشود به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه و به نزد صاحبین الی روز چهارم عید که جمله بیست سه نماز میشود. در التصحیح: برهان الشریعة و صدر الشریعة: می فرماید که عمل بر قول صاحبین است. در الاختیار و الجامع الکبیر للإسبغیانی و مختارات النوازل آمده که فتوی به قول صاحبین است. به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه تکبیرات تشریق مستحب است. تکبیرات این است (الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله، والله أكبر ولله الحمد).

أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني (المتوفى: 855هـ) در کتاب خود عمدة القاري شرح صحيح البخاري الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت در (ج 6 ص 293) فرموده است کبیر التشریق از به نزد صاحبین واجب است، اما به نزد امام ابوحنیفه رحمه الله علیه بعد از نمازهای فرض برای ساکنان شهر (مقیمین) در جماعت مستحب است پس از نماز وتر، نماز عید، سنت و نفل تکبیر نگویید. و بالای مسافر و کسی که تنها گذار باشد تکبیر تشریق نیست این نظر ابن مسعود رضی الله عنه است و امام ثوری رحمه الله علیه این را گفته است و این نظر مشهور اما احمد رحمه الله علیه هم است. امام ابو یوسف رحمه الله علیه و امام محمد رحمه الله علیه میفرمایند که واجب است بر هر کس که نماز فرض را بخواند، خواه مقیم باشد، خواه مسافر باشد تنها گذار باشد یا با و جماعت. به نزد امام اوزاعی و اما مالک رحمه الله علیهما و امام شافعی رحمه الله علیه در نماز و جنازه و نفل هم تکبیر خوانده شود. (3) باقی مانده در صفحه (116)

باقی مانده صفحه (115) أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ) در کتاب خود الدراریة فی تخریج أحادیث الهدایة در (ج 1 ص 214) در حدیث نمبر (275) فرموده است (این قول رسول الله صلی اله علیه وسلم که نماز عید و نماز جمعه و تکبیرات تشریق فقد در مسجد جامع و در شهر میشود این قول را پیدا نکردیم و از عبد الرزاق و او از علی رضی الله عنه روایت کرده است که این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم که نماز عید و نماز جمعه و تکبیرات تشریق فقد در مسجد جامع و در شهر میشود اسناد اش صحیح است و این ابی شبیه مانند این می فرماید که نماز عید فطر و نماز عید قربان و لکن زیاد کرده است که در شهر کلان و اسنادش ضعیف است و بیهقی میفرماید این چنین حدیث نه دیده ام.

جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: 762هـ) در کتاب خود نصب الرایة لأحادیث الهدایة مع حاشيته بغية الألمعي فی تخریج الزيلعي در (ج 2 ص 195) فرموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم که نماز عید و نماز جمعه و تکبیرات تشریق فقد در مسجد جامع و در شهر میشود.

وَالْتَّشْرِيقُ: هُوَ التَّكْبِيرُ نَقْلًا عَنِ الْخَلِيلِ وَالنَّضْرِ بْنِ شَمَيْلٍ ; وَمِثْلُهُ عَنِ عَلِيٍّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -

وتشريق همان تكبير است (1) همين قسم از خليل (2) و نضر بن شميل (3) نقل شده است، و مانند اين از علي رضي الله تعالى عنه هم نقل شده است (4) (در حديث مذکور أسلوب حصر است)

(¹) عبد الحميد بن هبة الله بن محمد بن الحسين بن أبي الحديد، أبو حامد، عز الدين (المتوفى : 656هـ) در کتاب خود شرح نهج البلاغة الناشر : دار احياء الكتب العربية عيسى البابي الحلبي وشركاه در (ج ۱۹ ص ۱۲۰) ذکر کرده که أبو عبیده رضی الله عنه میفرماید که مراد از تشريق در اين جاء نماز عيد است و نماز عيد مسماء به تشريق شد بخاطريکه درين وقت روشنی ميشود و وقتی برآمدن آفتاب و روشنی است. و به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله عليه مراد از تشريق درين جاء تكبيرات بعد از نماز است بخاطريکه تكبيرات تشريق بالای اهل مسكونه شهر است درين سه روزه بالای مسافر است و نه بالای آنان که خارج از شهر زندگی میکنند.

(²) شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى : 748هـ) در کتاب خود سير اعلام النبلاء المحقق : مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط الناشر : مؤسسة الرسالة در (ج ۷ ص ۴۳۱) الخليل بن أحمد الفراهيدي أبو عبدالرحمن امام در لغة عربي بود و در علم عروض معلومات کافی داشت از بصره بود و زندگی فقر داشت در سال (۲۶۶) هـ قات شده.

(۱۹۰) أبو عبد الله محمد بن سعد بن منيع الهاشمي بالولاء، البصري، البغدادي المعروف بابن سعد (المتوفى: 230هـ) در کتاب خود الطبقات الكبرى الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت در (ج ۷ ص ۲۶۳) در روایت نمبر (۳۶۴۶) فرموده که النضر بن شميل المروزي از بصره بود نسبت اش به قوم بنی مازن ميشود و صاحب حديث و شاعر بود و در علم نحو معرفت زياد داشت و در خراسان در سال (۲۰۳) هـ ق در وقت خلافت المأمون وفات کرد.

(⁴) باقی در صفحه (۱۱۷)

باقی مانده صفحه (۱۱۶)

أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني در کتاب خود مصنف عبد الرزاق الناشر : المكتبة الإسلامية - بيروت در (ج ۳ ص ۳۰۱) در روایت نمبر (۵۷۱۹) آمده که عبد الرزاق از معمر و او از أبي إسحاق و او از الحارث و او از علي رضي الله عنهم روایت کرده که نماز جمعه و تكبيرات تشريق بالای ساكنين شهر است.

نَفَاهُ ثُمَّ أَوْجَبَهُ، وَمِثْلُهُ يَقْتَضِي الْوُجُوبَ كَالْفَطْرِ وَالْأُضْحَى. وَأَمَّا بَقِيَّةُ الشَّرَائِطِ فَمَذْهَبُ أَبِي حَنِيفَةَ.

وَقَالَ: يَجِبُ عَلَى كُلِّ مَنْ صَلَّى الْمَكْتُوبَةَ لِأَنَّهُ تَبَعَ لَهَا فَيَجِبُ عَلَى مَنْ يُؤَدِّيَهَا ; وَلِأَبِي

حَنِيفَةَ مَا رَوَيْنَا، وَلِأَنَّ الْجَهْرَ بِالتَّكْبِيرِ خِلَافُ الْأَصْلِ، إِذِ الْأَصْلُ الْإِخْفَاءُ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

{ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً} [الأعراف: 55].

در ابتدا نفی نمود و بعد از آن واجب نموده است و این چنین اسلوب تقاضای وجوب را میکند، مثلی که در مورد نماز عید فطر و نماز عید قربان تقاضای وجوب را می کند (در وجوب همه امامان مذهب حنفی اتفاق دارند) اما شرایط دیگر که در این جا ذکر گردید تنها مطابق مذهب ابوحنیفه رحمه الله میباشد. وصاحبین فرمودند: تکبیرات تشریق بالای هر آن شخصیکه نماز های پنجگانه را ادا میکند واجب است؛ زیرا که تکبیر تابع نماز است، بناء هر کس که نماز می خواند بالایش واجب می گردد. دلیل امام ابوحنیفه آن است که نقل کردیم(1) ودلیل دیگر اینست که تکبیر را به جهر خواندن خلاف قاعده است، زیرا که اصل در ذکر خفیه بودن است. الله تعالی می فرماید: {ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً} [الأعراف: 55]. "

(1) درهمین کتاب الاختیار لتعلیل المختار در صفحه(۶۶) روایت ذکر شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم تکبیر به جهر نخوانند به نزد امام ابوحنیفه رحمت الله علیه.

وَقَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «خَيْرُ الذِّكْرِ الْخَفِيِّ» وَلِأَنَّهُ أَبْعَدُ عَنِ الرِّيَاءِ، وَالسُّنَّةُ وَرَدَتْ
بِالْجَهْرِ عَقِيبَ الصَّلَوَاتِ بِهَذِهِ الْأَوْصَافِ، فَبَقِيَ مَا وَرَاءَهَا عَلَى الْأَصْلِ وَيَجِبُ عَلَى النِّسَاءِ
إِذَا اقْتَدَيْنَ بِالرِّجَالِ، وَالْمَسَافِرِ إِذَا اقْتَدَى بِالْمُقِيمِ تَبَعًا.

پروردگار خود را به عاجزی و به خفیه بطلبید" (1) و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: (بهترین ذکر، ذکر خفی است) (2) و (به این خاطر ذکر بشکل خفیه بهتر است که) از ریا کاری دور است، و در سنت تکبیر به شکل جهری تنها در مورد نمازهای آمده که این اوصاف متصف باشد (که در ضمن مذهب امام ابو حنیفه ذکر گردید که آن نمازهای با جماعت مردان مقیم در شهرهای جامع است) اذکار در نمازهای دیگر به اصل خود باقی می ماند. و تکبیرات تشریح بالای خانم ها به حیث تابع بودن واجب است وقتی به مردان اقتداء بکنند، همچنان بالای مسافران نیز بالتبع (3) واجب می گردد وقتی به مقیم اقتدا بکنند.

(1) مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر در کتاب خود التفسیر الوسیط للقرآن الکریم الناشر: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية در (ج 3 ص 1441) درباره این آیت ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً وَتَكْبِيرًا اظہار نظر دارند که هدف از آیت دعا کردن به عاجزی است و چیخ زدن بی ادبی است همین طور در تکبیرات هم به عاجزی تکبیر گفتن بهتر است در یک سفر همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم صحابه کرام به صدای بلند تکبیر میگفتند رسول الله صلی الله علیه وسلم آنها را منع فرمود از چیخ زدن.

(2) محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن معبد، التمیمی، أبو حاتم، الدارمی، البستی (المتوفی: 354هـ) در کتاب خود [الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان] - در (ج 3 ص 91) در حدیث نمبر (809) فرموده به روایت محمد بن عبدالرحمن بن أبی لیلیة و او از سعد بن أبی وقاص روایت کرده که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که بهترین ذکر آن است که خفی باشد و ابن حبان می فرماید که اسناد اش ضعیف است که در روایان بن عبدالرحمن است و ابن معین برایش ضعیف گفته است.

أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشیبانی در کتاب خود مسند الإمام أحمد بن حنبل رحمة الله علیه در (ج 1 ص 172) در حدیث نمبر (1477) فرموده است که اسناد این حدیث ضعیف است.

(3) أبو مُحمَّد، صالح بن مُحمَّد بن حَسَنِ أَلِ عُمَيْرٍ، الأسمريُّ، القحطانيُّ مجموعة الفوائد البهية على منظومة القواعد الفقهية الناشر: دار الصمعي للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية در (ج 1 ص 90) فرموده که (التابع تابع) که این یک قاعده فقیه است و تابع مستقل نمیباشد وقتی که تابع مستقل شد حکم غیر را میگیرد.

ابن سعدی رح می فرماید که در قواعد و اصول اینست که مسائل و صورته ها تابع میباشند و شامل میباشند به حکم متبوع خود تنها کدام حکم ندارند و اگر به او حکم ثابت کنیم این حکم دیگر خواهد بود.

قَالَ: (مِنْ عَقِيبِ صَلَاةِ الْفَجْرِ يَوْمَ عَرَفَةَ إِلَى عَقِيبِ صَلَاةِ الْعَصْرِ أَوَّلَ أَيَّامِ النَّحْرِ ثَمَانِ صَلَوَاتٍ) وَقَالَ: إِلَى عَصْرِ آخِرِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ ثَلَاثٌ وَعِشْرُونَ صَلَاةً، وَهُوَ مَذْهَبُ عَلِيٍّ وَمَذْهَبُهُ، وَمَذْهَبُ ابْنِ مَسْعُودٍ يُؤَيِّدُهُ أَنَّ الْأَصْلَ الْإِخْفَاءُ كَمَا تَقَدَّمَ، فَالْمَصِيرُ إِلَى الْأَقْلِّ جَهْرًا أَوْلَى.

مصنف علیه الرحمه فرمود: تکبیرات تشریق از عقب نماز فجر روز عرفه شروع تا عقب نماز دیگر روز اول ازین روزهای نحر می باشد که این هشت نماز می شود. و صاحبین می گویند: تا نماز عصر آخرین روز از روزهای تشریق می باشد که این بیست و سه نماز می شود(1). و این مذهب علی رضی الله تعالی عنه است. و مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله علیه و مذهب عبد الله ابن مسعود رضی الله عنه همین را دلیل ذیل تایید تأیید میکند: اصل در تکبیر خفیه انجام دادن است، چنانچه گذشت، و به صدای بلند خواندن تکبیر خلاف اصل است، بناء چیزی که خلاف اصل است او را به کمترین اندازه رساندن اولی است.

(1) أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي (المتوفى: 476هـ) در کتاب خود المذهب في فقه الإمام الشافعي در (ج 1 ص 228) فرموده که درباره تکبیرات عید قربان سه اقوال ذکر است اول: تکبیرات تشریق بعد از نماز پیشین روز اول عید قربان شروع میشود الی آخر روز تشریق بدلیل قوله الله عز وجل [فَإِذَا قُضِيَتْ مَنَاسِكُكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ] [البقرة: 200] مناسک پوره میشود روز عید قربان بعد از زوال که وقت نماز پیشین است.

دوم قول: تکبیرات تشریق شروع میشود بعد از غروب آفتاب شب عید قربان قیاسا به ایام عید فطر الی آخر روز تشریق. سوم قول: تکبیرات تشریق شروع میشود بعد از نماز صبح روز عرفه الی آخر روز تشریق روایت است از عمر و علی رضی الله عنهما که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از نماز صبح روز عرفه تکبیر شروع میکرد الی آخر روز تشریق. (47) محمد بن علي بن محمد الشوكاني در کتاب خود در نیل الأوطار شرح منتقى الأخبار من أحاديث سيد الأخبار (ج 6 ص 143) فرموده است ابن ابي شيبه از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده که روز های تشریق روز اول عید و سه روز بعد از عید است.

وَلَهُمَا أَنَّهَا عِبَادَةٌ، وَالْإِحْتِيَاظُ فِيهَا الْوَجُوبُ، وَقِيلَ الْفَتْوَى عَلَى قَوْلِهِمَا.

ودلیل صاحبین این است که تکبیرات تشریق عبادت است، و احتیاط در عبادت اینست که واجب

پنداشته شود. و گفته شده است که فتوی بر قول صاحبین است(1)

(1) الشافعي أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي (المتوفى: 204هـ) در کتاب خود مسند الإمام الشافعي الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان در (ج 1 ص 153) فرموده که در مورد ابتداء و انتهاء تکبیرات بعد از نماز عید در بین علماء اختلاف نظر است امام مالک و امام شافعی رحمة الله علیهما می فرمایند که وقت شروع تکبیرات بعد از نماز ظهر روز اول عید الی صبح آخر ایام تشریق است و یک قول امام شافعی رحمة الله علیه این است که الی نماز عصر ایام تشریق تکبیرات خوانده شود و به نزد جمهور علماء از صبح روز عرفه الی آخر ایام تشریق تکبیرات خوانده شود و به همین عمل اکثر اهل امصار است. أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابی الحنفی بدر الدين العینی (المتوفى: 855هـ) در کتاب خود عمدة القاري شرح صحيح البخاري الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت در (ج 6 ص 293) درباره تکبیرات تشریق اختلاف نظر

[بَابُ صَلَاةِ الْخَوْفِ]

(وَهِيَ أَنْ يَجْعَلَ الْإِمَامُ النَّاسَ طَائِفَتَيْنِ: طَائِفَةً أَمَامَ الْعَدُوِّ، وَطَائِفَةً يُصَلِّي بِهِنَّ رَكْعَةً: إِنْ

كَانَ مُسَافِرًا)؛ لِأَنَّهَا شَطْرُ صَلَاتِهِ، وَكَذَلِكَ فِي الْفَجْرِ وَرَكْعَتَيْنِ إِنْ كَانَ مُقِيمًا لِأَنَّهُمَا

الشَّطْرُ. (وَكَذَلِكَ فِي الْمَغْرِبِ)

(این باب در بیان نماز خوف است)¹

و روش و طریقه نماز خوف این است که امام مردم را دو گروه میسازد (2)، یک گروه آن در مقابل دشمن

ایستاده شود و گروه دیگر را امام یک رکعت نماز بگذارد اگر مسافر باشد، زیرا همین یک رکعت نصف

نماز مسافر است، و همچنان در نماز فجر نیز برای شان یک رکعت بگذارد.

¹ اول دوم: به نزد امام اب حنیفة رحمة الله علیه بعد از نماز فرائض بالای مقیمین در شهر تکبیرات تشریح خواندن مستحب است و لکن بعد از نماز وتر واجب و نوافل، سنن تکبیرات تشریح لازم نیست و همچنان بالای مسافرین و منفرد تکبیرات نیست این مذهب عبد الله بن مسعود رضی الله عنه است و قول امام الثوری رحمة الله علیه و امام احمد رحمة الله علیه هم است. سوم: قول امام ابو یوسف و امام محمد رحمة الله علیهما این است که هر آن نفر که نماز فرض را بخواند اگر مقیم، مسافر، تنها گذار، با جماعت باشد باید تکبیرات تشریح را بخواند و این رأی امام اوزاعی، و امام مالک رحمة الله علیهما هم است. چهارم: به نزد امام شافعی رحمة الله علیه بعد از نماز سنن و نوافل نیز خوانده شود. دوم در باره وقت تکبیرات تشریح به نزد امام ابو حنیفة رحمة الله علیه بعد از نماز صبح روز عرفه الی بعد از نماز عصر روز اول عید و این قول عبد الله بن مسعود، رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ، وَعَلْقَمَةُ وَالْأَسْوَدُ وَالنَّخَعِيُّ هم است و به نزد امام ابو یوسف و محمد رحمة الله علیهما بعد از نماز صبح روز عرفه الی بعد از نماز عصر روز آخر أيام التَّشْرِيقِ، و این قول عمر بن الخطاب وَعَلِي بن أَبِي طَالِب وَعَبْد الله بن عَبَّاس، وَبِهِ قَالَ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ وَسُفْيَانُ بن عُيَيْنَةَ وَأَبُو ثَوْرٍ وَأَحْمَدُ وَالشَّافِعِيُّ .

(²) أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: 463هـ) در کتاب خود الکافی فی فقه أهل المدينة در (ج ۱ ص ۲۵۳) فرموده اگر مسافر باشند و نماز خوف میخوانند چنین خوانده شود امام دو طائفه جور کنند یک طائفه در مقابل دشمن باشد و یک طائفه با امام نماز بخوانند نماز چنین بخوانند امام با طائفه اولی یک رکعت بخواند و به رکعت دوم ایستاده شود و قرائت را دراز کند و مقتدی هایش رکعت دوم را با خود تنهائی خوانده و به سوی دشمن بروند و آن طائفه که در مقابل دشمن است بیایند و در رکعت دوم همراهی امام شریک شوند و رکعت دوم را با امام خوانده امام تشهد را دراز کند تا طائفه دوم رکعت دوم را با خود تنهائی بخواند و سلام با امام یکجا بگردانند زیرا که نماز همه تمام شد میگردانند.

عبد السلام بن عبد الله بن الخضرم بن محمد، ابن تیمیة الحرانی، أبو البرکات، مجد الدین (المتوفى: 652هـ) در کتاب خود المحرر فی الفقه علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل در (ج ۱ ص 137) نماز خوف را مانند نماز که در فقه مالکی ذکر است چنین تشریح داده اند لکن فرق اش این است اگر دشمن روبرو بود (طرف قبله بود) دو صف یا چندین صف جور کنند همه با امام یکجا نماز بخوانند وقتی که به سجده میروند فقد صف اول سجده نکند و ایستاده باشد دیگران با امام سجده کنند وقتی که امام و صف های پشت سر ایستاده شد باز صف اول سجده کرده با امام ملحق شوند و در رکعت دوم صف اول با امام سجده کند و متباقی صفوف ایستاده شوند وقتی که امام وصف اول به تشهد نشستند باز متباقی صفهء سجده کرده با امام ملحق شوند و سلام یکجا بگردانند.

الشافعی أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي (المتوفى: 204هـ) در کتاب خود (الام ج ۱ ص ۲۳۴) نماز خوف را مانند نماز خوف فقه مالکی بیان کرده است.

و اگر مقیم بود برای شان دو رکعت میگذارد، زیرا در نماز مقیم دو رکعت نصف محسوب میشود، وهمچنان در نماز شام،

لَأَنَّهَا لَا تَقْبَلُ التَّنْصِيفَ فَكَانُوا أَوْلَىٰ لِلسَّبْقِ. (وَتَمْضِي إِلَىٰ وَجْهِ الْعُدُوِّ وَتَجِيءُ تِلْكَ الطَّائِفَةُ) لِقَوْلِهِ تَعَالَىٰ: {وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ} [النساء: 102]. (فَيُصَلِّي بِهَمْ بَاقِيَ الصَّلَاةِ وَيُسَلِّمُ وَحْدَهُ) لِأَنَّهُ قَدْ أَتَمَّ صَلَاتَهُ. (وَيَذْهَبُونَ إِلَىٰ وَجْهِ الْعُدُوِّ، وَتَأْتِي الْأَوْلَىٰ فَيَتِمُّونَ صَلَاتَهُمْ بِغَيْرِ قِرَاءَةٍ) لِأَنَّهْمُ لِأَحْقُونَ، وَيَتَحَرَّوْنَ أَنْ يَقْفُوا مِقْدَارَ مَا وَقَفَ الْإِمَامُ فَكَانَهُمْ خَلْفَهُ.

زیرا نماز شام نصف کردن را نمیپذیرد، (و گروه اول دو رکعت و گروه دوم یک رکعت با امام می خواند) که گروه اول به خاطر سبقت شان اولویت دارد. و این گروه (که با امام یک رکعت یا دو رکعت خواند) در مقابل دشمن میروند، و گروه بعدی می آید به دلیل این قول خداوند متعال که می فرماید: {وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ} [النساء: 102]. ترجمه "و باید بیاید گروه دیگری که تا حال نماز نخواندند و با شما نماز بگارند" و با این گروه امام نماز متباقی را می گذارد، و تنها خود امام سلام می گرداند زیرا نماز امام پوره شده است.

و گروه دوم در مقابل دشمن می رود، و گروه اول می آید و نماز شان را بدون قرائت تکمیل می کنند، (وقرائت نمی خوانند) زیرا اونها لاحق میباشند، و کوشش می کنند که به اندازه قیام کنند که امام قیام کرده باشد، گویا که آنان پشت سر امام هستند.

(وَيُسَلِّمُونَ وَيَذْهَبُونَ) وَتَأْتِي الْأُخْرَى فَيَتِمُّونَ صَلَاتَهُمْ بِقِرَاءَةٍ لِأَنَّهُمْ مَسْبُوقُونَ.

(وَيُسَلِّمُونَ) هَكَذَا رَوَاهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وسلام می گردانند، و میروند، و گروه دوم میآید، و آنها نماز (متباقی) خود را با قرائت تمام میکنند، (وقرائت می خوانند) زیرا اینها مسبوق هستند نه لاحق وسلام می گردانند (1) به همین شکل (نماز خوف) را عبد الله ابن مسعود از رسول اکرم علیه السلام روایت نموده است (3).

(¹) أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: 463هـ) در کتاب خود الکافی فی فقه أهل المدينة در (ج ۱ ص ۲۵۳) فرموده اگر مسافر باشند و نماز خوف میخوانند چنین خوانده شود امام دو طائفه جور کند یک طائفه در مقابل دشمن باشد و یک طائفه با امام نماز بخواند نماز چنین بخوانند امام با طائفه اولی یک رکعت بخواند و به رکعت دوم ایستاده شود و قرائت را دراز کند و مقتدی هایش رکعت دوم را با خود تنهایی خوانده و به سوی دشمن بروند و آن طائفه که در مقابل دشمن است بیایند و در رکعت دوم همراهی امام شریک شوند و رکعت دوم را با امام خوانده امام تشهد را دراز کند تا طائفه دوم رکعت دوم را با خود نتهایی بخواند و سلام با امام یکجا بگردانند زیرا که نماز همه تمام شد میگردانند.

عبد السلام بن عبد الله بن الخضر بن محمد، ابن تیمیة الحرانی، أبو البرکات، مجد الدین (المتوفى: 652هـ) در کتاب خود المحرر فی الفقه علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل در (ج ۱ ص 137) نماز خوف را مانند نماز که در فقه مالکی ذکر است چنین تشریح داده اند لکن فرق اش این است اگر دشمن روبرو بود (طرف قبله بود) دو صف یا چندین صف جور کنند همه با امام یکجا نماز بخواند وقتی که به سجده میروند فقد صف اول سجده نکند و ایستاده باشد دیگران با امام سجده کنند وقتی که امام و صف های پشت سر ایستاده شد باز صف اول سجده کرده با امام ملحق شوند و در رکعت دوم صف اول با امام سجده کند و متباقی صفوف ایستاده شوند وقتی که امام وصف اول به تشهد نشستند باز متباقی صفها سجده کرده با امام ملحق شوند و سلام یکجا بگردانند.

الشافعی أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي (المتوفى: 204هـ) در کتاب خود الام (ج ۱ ص ۲۳۴) نماز خوف را مانند نماز خوف فقه مالکی بیان کرده است.

(³) أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني در کتاب سنن أبي داود در (ج ۱ ص ۴۸۲) در حدیث نمیر (۱۲۴۶) فرموده است که عبد الله بن مسعود رضی الله عنه می فرماید که ما همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز خوف خواندیم اول طائفه با رسول الله - صلی الله علیه وسلم یک رکعت خواند و باز رفت بسوی دشمن و طائفه دوم یک رکعت با رسول الله - صلی الله علیه وسلم خواند و طائفه اول یک رکعت با خود خواند.

وَلَوْ أَنَّ الطَّائِفَةَ الثَّانِيَةَ أَتَمُّوا صَلَاتَهُمْ فِي مَكَانِهِمْ بَعْدَ سَلَامِ الْإِمَامِ جَارٍ؛ لِأَنَّ الْمَسْبُوقَ كَالْمُنْفَرِدِ فَلَمْ يَبْقُوا فِي حُكْمِ الْإِمَامِ. قَالَ: (وَمَنْ قَاتَلَ أَوْ رَكِبَ فَسَدَتْ صَلَاتُهُ) لِأَنَّهُ فَعَلَ

كَثِيرٌ، وَالنَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - شَغِلَ يَوْمَ الْخَنْدَقِ عَنْ صَلَوَاتٍ حَتَّى قَضَاهَا لَيْلًا،

واگر گروه دومی نماز خود در جای خود بعد از سلام گشتانیدن امام تکمیل نماید، جایز است. زیرا اینها مسبوق هستند، و مسبوق مانند منفرد هست، پس در حکم جماعت نیستند.

مصنف علیه الرحمه فرمود: شخصیکه در حال نماز جنگ کرد یا (بر اسپ) سوار شد نمازش فاسد شد؛

زیرا این کارها از جمله عمل کثیر محسوب میگردد، و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم مشغول باقی

ماندند از چندین نماز (1) در روز خندق (2) و آن نمازها را شب قضا آورد،

(¹) سلیمان بن أحمد بن یوسف بن مطیر اللخمی الشامی، أبو القاسم الطبرانی (المتوفی: 360هـ) در کتاب خود المعجم الأوسط در (ج 2 ص 72) در حدیث نمبر (1285) از جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز خندق مصروف شد و چهار نمازش قضاء شد نماز پیشین، نماز دیگر، نماز شام، نماز خوفتن، باز به بلال رضی الله عنه امرآدان را فرمود که آذان کند باز اقامه خوانده و نماز پیشین را به جماعت خواندند باز به نماز دیگر همین طور آذان و اقامه گفته نماز دیگر را باجماعت خواندند نماز شام و خوفتن را هم به آذان و اقامه و به جماعت خواندند.

(²) روز خندق چیست، معرفی نمائید الحاج ملا عنایت الله «علمی» ابن مولانا محمد انور در کتاب خود د سرور کائنات صلی الله علیه وسلم ژوند ناشر المکتبه الغفاریه ارگ بازار قندهار افغانستان در (ج 2 ص 699) فرموده خندق یا جنگ احزاب یهودیان برای حمله بر مدینه منوره اراده کردن لکن جرئت کرده نمیتوانستند که روبرو با مسلمانان بجنگند یک عجیب نقشه جور کردند قبیله بنی نضیر که در خیبر زندگی میکردند تقریباً بیست نفر به مشرکین مکه مکرمه رفتند تا اونها را بر حمله بالای مسلمانان تشویق کنند یهود و مشرکین مکه باهم وعده کردند که در هر جنگ بر علیه مسلمانان باهم همکاری میکنند باز همین گروه یهودها به غطفان رفتند و قبیله غطفان را هم دعوه به جنگ بر علیه مسلمانان نمودند و قبیله غطفان هم قبول کردند باز گروه یهود به قبیله بنی سلیم رفته و قبیله بنو سلیم را دعوه بر علیه مسلمانان دادن و آنها هم قبول کردند به همین قسم مختلف قبائل رفته و همه رابه جنگ بر علیه مسلمانان دعوه میدادند مانند قبیله بنوفزاره، بنو مره، بنو اشجع، بنو اسد، قبائل حبشیها همه وعده کردند که باهم بالای مسلمانان حمله نموده و همه مسلمانان را بکشیم از طرف جنوب مدینه منوره قبیله کنانه و قبیله تهامی با چهار هزار نفر مصلح به سرپرستی ابو سفیان به طرف مدینه منوره روان شدند و درمر الظهران که حالا نامش وادی فاطمه مسمی است بنو سلیم هم همراهی ایشان یک جاء شدند و از طرف شرق مدینه منوره قبیله غطفان روان شده بودند که در آن یک قبیله بنو فزاره بود که زیر سرپرستی عیینه بن حصن بود دوم قبیله بنومره بود که زیر سرپرستی حارث بن عوف بود و بنو اشجع که زیر سرپرستی مسعر بن رخیله همچنان قبیله بنو اسد وغیره

قبائل بر آمده و روان به طرف مدینه منوره میشوند یک لشکری بزرگ جور شد که در آن وقت همین قسم لشکر هیچ گاه یک جاء نه شده بود پس از چند روز این قبائل باهم در نزدیک مدینه منوره یک جاء شدند که تقریباً به (1000) ده هزار نفر میرسیدند درین وقت به رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر این چنین لشکر به نزدیک مدینه منوره رسید و رسول الله صلی الله علیه وسلم با صحابه خود مشوره کرد باین نتیجه رسید بخاطر دفاع از مسلمانان باید گرد چافیر مدینه منوره باید چقریهای کلان کلان حفر نمایند تا روی هجوم دشمن گرفته شود و از طرف شمال مدینه منوره که یهود بنو قریظه استند و همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم پیمان همکاری داشتند به خاطر تجدید پیمان ایشان بنو قریظه را خواست و همراهی ایشان تجدید پیمان نمود و یهودیها وعده کردند که از طرف شمال مدینه منوره روی حملات دشمن را میکیریم و رسول الله صلی الله علیه ازین طرف مطمئن شد و عاجلاً دست به کار شروع کردند و به هر ده نفر (40) ذراع جای رسید که باید حفر کنند بالاخره کار تمام شد و از طرف دیگر لشکر گفار هم به مدینه منوره رسیدند لشکر ابو سفیان با چهار هزار نفر رسید و به طرف

شمال غرب مدینه منوره یک جای بنام مجمع الاسیل جاگدین شدند قبیله غطفان و نجد که شش هزار نفر بودند از طرف شرق مدینه منوره نزدیک کوه احد

رسیدند همه ده هزار نفر رسیدند و مدینه منوره محاصره شد الله تعالی در سوره احزاب در دهم نمبر آیت می فرماید (إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ) سوره احزاب آیت نمبر (۱۰) وقتی که لشکر کفار از طرف بالا و پائین رسیدند. لشکر کفار وقتی که به نزدیک خندق رسیدند

هرچی کوشش که میکردند که بالای مسلمانان حمله کنند نمیتواستند بسیار به قهر گرد چارفیر خندق می چرخیدند لکن خندق محاصره است و کفار کوشش میکنند که به سوی مسلمانان حمله کرده بیایند لکن مسلمانان سخت دفاع میکنند که یک روز از پیشین الی شام رسو الله سلی الله علیه وسلم بسیار مصروف به دفاع شد که حتی چند وقت نماز اش هم قضاء شد امام نووی رحمه الله علیه میفرماید که در غزه خمدق چندین روز نماز های رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام قضاء شد بعضی روزها یک نماز بعضی روزها دو یا زودتر از دو نماز قضاء میشود از طرف دیگر ابو سفیان رئیس یهودی های بنو نضیر (حیی بن أخطب) را با چند نفر روان کرد به قبیله بنو نضیر که همراهی مسلمانان عهد و پیمان داشتند که از یک دیگر دفاع میکنند و به خانه کعب بن أسد القریظی که رئیس قبیله بنی قریظه بود رسید با آنها بحث مباحثه روان است که یهود بنی قریظه باید با کفار یک جاء شده و به مقابل مسلمانان بجنگند بالاخره یهود بنی قریظه راضی شدند که بر علیه مسلمانان بجنگند و آن معاهده که با مسلمانان کرده بودند و معاهده ایشان در یک کاغذ نوشته بود آن کاغذ را پاره کردند و عملاً دست به جنگ با مسلمانان زدند الله تعالی میفرماید در سوره المائده آیت نمبر (۸۲) (لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا) حتما همراهی مؤمنان در دشمنی یهود و مشرکین سخت استند. وقتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر شد که یهود بنی قریظه با دیگر یهودی ها و مشرکین یک جاء شدند و معاهده خود را پاره کردند پس رسول الله صلی الله علیه وسلم چند نفر صحابه کرام را که یکی سعد بن معاذ او دوم سعد بن عباده عبدالله بن رواحه و خوات بن جبیر رضی الله عنهم را به یهود بنی قریظه فرستاد تا همایشان صحبت نمایند که باید بر تعهد سابقه خود قائم باشند مگر یهود به صحابه کرام بد رد گفتن را شروع کردند و گفتن که هیچ تعهد باشما نداریم صحابه دوباره آمدند و به رسول الله فرمودند که یهود بنی قریظه عهد و پیمان که با ما کرده بودند آن شکستانند رسول الله صلی الله علیه وسلم تکبیر گفته فرمود این یک فتح دیگر به مسلمانان است وقتی که مسلمانان خبر شدند که یهود عهد خود را شکستانند آن مسلمانان که ضعیف بودند ترسیدند و یک بعد دیگر خندق را ترک کرده و به خانهای میروند حتی که با رسول الله صلی الله علیه وسلم سه صد نفر باقی ماند و دیگر همه رفتن به خانهای خود و فکر کردند که درین جنگ با کفار کامیاب نخواهد شدند بالاخره کفار شکست خورده کریختند محاصره غزه خندق از یک زیاد بود که در ماه شوال محاصره شروع و در آخر ذوالقعدة محاصره پایان یافت و این غزه را غزه خندق بخاطری میگویند که خندق (چقری) که درین غزه خندق ها کشیده شده بود.

وَقَالَ: «مَلَأَ اللَّهُ بُيُوتَهُمْ وَقُبُورَهُمْ نَارًا كَمَا شَعَلُونَا عَنِ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى» وَلَوْ جَازَتْ الصَّلَاةُ مَعَ الْقِتَالِ لَمَا أَخْرَهَا؛ لِأَنَّ الْخَنْدَقَ كَانَ بَعْدَ شَرْعِيَّةِ صَلَاةِ الْخَوْفِ،

و فرمودند خداوند خانه ها و قبرهای آنها را یعنی کافران را آتش پر کند، قسمیکه ما را از ادای "صلوة وسطی" (1) جا ماندند (2) و اگر نماز به همراهی جنگ همزمان درست میشد، نماز را تاخیر نمی کردند، زیرا غزوه خندق بعد از مشروعیت نماز خوف به وقوع پیوست،

(¹)المظهري، محمد ثناء الله در تفسیر التفسیر المظهري الناشر: مكتبة الرشدية - الباكستان در (ج ۱ ص ۳۳۴) امام بغوی رحمة الله عليه فرموده که علماء و صحابه کرام در باره صلوة وسطی اختلاف نظر دارند عمر و ابن عمرو ابن عباس و معاذ بن جبل رضی الله عنهم و عطاء و عکرمة و مجاهد و مالک و الشافعي رحمهم لله می فرمایند که مراد از صلوة وسطی نماز صبح است و زید بن ثابت و ابی سعید الخدری و أسامة رضی الله عنهم میفرمایند که مراد از صلوة وسطی نماز پیشین است بخاطریکه اوسط نماز روز است بدلیل روایت بخاری در تاریخ اش و احمد و ابو داود و بیهقی و ابن جریر به روایت زید بن ثابت رضی الله عنه که نبی صلی الله علیه وسلم نماز پیشین را در هاجرة خواند و این آیت نازل شد (حَافِظُوا عَلَي الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى) و امام احمد رحمة الله عليه روایت میکند از زید رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم در هاجره نماز پیشین را خواند و یک صف یا دو صف مقتدیان بودند این آیت نازل شد (حَافِظُوا عَلَي الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى) جمهور صحابه کرام میفرمایند که مراد از صلوة وسطی نماز دیگر است و این قول علی و ابن مسعود و ابی ایوب و ابی هريرة و عائشة رضی الله عنهم و قول ابراهيم النخعي وقتادة والحسن و مذهب ابی حنیفة و احمد رحمه الله است بدلیل روایت علی رضی الله عنه که نبی صلی الله علیه وسلم در روز غزوه خندق (احزاب) فرمود که خانه ها و قبر های مشرکین الله تعالی از آتش پر کند که ما را مصروف کردند از نماز وسطی تا که آفتاب غروب کرد معلوم شد که مراد از صلوة وسطی نماز دیگر است بخاطریکه بعد از نماز دیگر آفتاب غروب میکند. یک روایت در مسلم آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود ما را مصروف کردند از نماز وسطی نماز دیگر الله تعالی دل ها و خانه های ایشان را از آتش پر کند و روایت ابن مسعود رضی الله عنه است که مشرکین رسول الله صلی الله علیه وسلم را از نماز دیگر مصروف کرد تا اینکه آفتاب زرد یا سرخ شد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود ما را مصروف کردند از نماز وسطی نماز الله تعالی شکم ها و قبر های ایشان را از آتش پر کند در روایت مسلم از ابی یونس مولى عائشه رضی الله عنها میفرماید که عائشه رضی الله عنها بر من حکم کرد تا قرآن کریم برایش بنویسم وقتی که باین آیت رسیدم حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی عائشه رضی الله عنها فرمود که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که مراد از صلوة وسطی نماز دیگر است.

(²) باقی در صفحه (۱۲۷)

باقی مانده صفحه (۱۲۶)

زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السّلامی، البغدادي، ثمّ الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: 795هـ) در کتاب خود فتح الباري شرح صحيح البخاري در (ج 5 ص 149) از حماد بن سلمة رضی الله عنه روایت است و او از عبدالكريم پدراميه روایت کرده است و او از مجاهد روایت کرده است و او از جابر رضی الله عنه همین حدیث را به همین الفاظ روایت کرده است. لکن عبدالكريم ابو أمیه متروک الحدیث است اگرچه امام بخاری رحمة الله علیه حسن رأی دارد.

محمد بن محمد بن محمد بن أحمد، ابن سيد الناس، اليعمری الربعي، أبو الفتح، فتح الدين (المتوفى: 734هـ) در کتاب خود شرح الترمذي «الفتح الشذی شرح جامع الترمذي» مثل حدیث فوق فرموده است لکن عبدالكريم ضعيف است. جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: 762هـ) در کتاب خود نصب الرأية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الألعبي في تخريج الزيلعي در (ج ۲ ص ۱۶۶) در باره راوی این حدیث که عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنِ أَبِي الْمُخَارِقِ است فرموده که ضعیف است.

فَإِنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - صَلَّى صَلَاةَ الْخَوْفِ فِي غَزْوَةِ ذَاتِ الرَّقَاعِ،

بخاطری که پیامبر علیه السلام نماز خوف را در غزوه ذات الرقاع⁽¹⁾ ادا نموده اند،

⁽¹⁾ غزوه ذات الرقاع را معرفی کنید ابراهیم بن اسماعیل الأبیاری (المتوفی: 1414هـ) در کتاب خود الموسوعة القرآنیة الناشر: مؤسسة سجل العرب (غزوة ذات الرقاع) رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پس از غزوه بنی نضیر در ماه ربیع الاخر و چند روز از جمادی الاول در مدینه منوره سپری نمود، سپس به نجد هجوم آورد و بنی محارب و بنی ثعلبه را هدف قرار داد. از غطفان، و اباذر الغفاری را بر مدینه به کار استخدام کرد تا بر نخله (جای است در نجد) که همان غزوه ذات الرقاع است، آمد غزوه ذات الرقاع بخاطری ذات رقاع میگویند که آنها در پایهای خود تکه تاء کرده بودند و تکه تاء کردن را به عربی رقاع میگویند. در آنجا از مردم غطفان زیاد نفر جمع شده بودند لکن جنگ نشد و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از غزوه ذات رقاع برگشت. و در الرقاع، مسکن گزین شد جمادی الاول و جمادی الثانی و رجب را در آنجا ماند.

الحاج ملا عنایت الله «علمی» ابن مولانا محمد انور در کتاب خود د سرور کائنات صلی الله علیه وسلم ژوند ناشر المکتبه الغفاریه ارگ بازار قندهار افغانستان (در ج ۲ ص ۶۹۱) فرموده که بعد از غزای بنی نظیر یک غزای دیگری رخ داد بنام غزای ذات الرقاع و این غزوه در سال چهارم هج در ماه جماد الاول رخ داد سبب این غزوه این بود که قبیله غطفان که در نجد یک قبیله بزرگ بودند برای حمله بر مدینه منوره آمادگی میگرفت و مردم را جمع میکردند ازین افعال ایشان رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر شد و رسول الله صلی الله علیه وسلم هم لشکر تیار کرد و اراده حمله بالای غطفان را کرد تا اراده آنها درهمان جاء از بین برده شود سپس لشکر مسلمانان به طرف نجد و غطفان روان شدند و از طرف دیگر قبیله غطفان یک لشکر بزرگ جور کرده بودند که تقریباً چند برابر لشکر مسلمانان بود بالاخره هر دو لشکر با هم روبرو شدند هر دو لشکر به انتظار حمله استن لکن یکی هم حمله نمیکنند چند روز همین قسم انتظار ماندن وقت نماز که میشود مسلمانان نماز میخوانند لشکر غطفان مشوره کردند که در وقت نماز خواندن مسلمانان باید حمله کنیم قبل از وقت نماز آیات های نماز خوف نازل شد رسول الله صلی الله علیه وسلم با صحابه کرام نماز خوف خواندن را شروع کرد طریقه نماز خوف این است که یک گروه مسلمانان با امام یک رکعت میخواند اگر دو رکعتی بود و گروهی دیگری در مقابل دشمن ایستاده میشود باز یک رکعت که اداء شد گروهی دوم میاید و رکعت دوم را با امام میخواند و گروهی اول به مقابل دشمن ایستاده میشود به همین قسم چند روز در مقابل یک دیگر ایستاده ماندن بالاخره لشکر قبیله غطفان آهسته آهسته میدان جنگ را ترک کرده و رفتند لشکر مسلمانان در میدان جنگ تا چند روز ماندن باز به طرف مدینه منوره حرکت کردند این غزوه را غزوه ذات رقاع بخاطری میگویند که مسلمانان بسیار زیاد غریب بودند حتی به پای کردن پا پوش نداشتند و تکه را به پای های خود تاؤ میکردند و تکه تاؤ کردن را به عربی رقاع میگویند به همین سبب این غزوه را ذات رقاع میگویند.

وَهِيَ قَبْلَ الْخَنْدَقِ، هَكَذَا ذَكَرَهُ الْوَاقِدِيُّ وَابْنُ إِسْحَاقَ.

واین قبل از غزوه خندق بود این را ابن اسحاق^(۱) و واقدی^(۲) ذکر نموده اند .

(^۱) تقي الدين بن عبد القادر التميمي الداري الغزي (المتوفى: 1010هـ) در کتاب خود الطبقات السنیه فی تراجم الحنفیه (ابن اسحاق) ابراهیم بن اسحاق بن یحیی بن اسحاق بن ابراهیم بن اسماعیل، الأمدی در اصل دمشقی است در سال (۷۹۵) هق پیدا شده از ابن مشرف، والتقی سلیمان، وابن الموازینی، وغیرهم. وأجاز له أبو الفضل ابن عساکر، وإسماعیل الفراء، درس خوانده است شاگردانش صدر الدین ابن امام المشهد "مشیخة"، حدث بها بدمشق ومصر. قال ابن حجر: سمع منه جماعة من أصحابنا، منهم المجد إسماعیل البرماوی وقریبه محمد بن عبد الدائم بن فارس، وأبو حامد ابن ظهیرة، وأبو محمد سبط ابن العجمی.

(^۲) عبد الشافی محمد عبد اللطیف در کتاب خود السیره النبویه والتاریخ الإسلامی الناشر: دار السلام - القاهرة در صفحه نمبر (۵۰) ذکر کرده است که (الواقدی) محمد بن عمر بن واقد است معروف به لقب الواقدی - و مولای بنی هاشم است و بعضی گفتن که مولای بنی سهم بن اسلم واقدی به نزد علما دومین نفر پس از ابن اسحاق است از نظر علم در باره مغازی و سیر معلومات زیادی دارد واقدی در سال 130 هجری قمری در مدینه منوره به دنیا آمد و در سال 207 هجری قمری در بغداد وفات نمود و به روایت شاگردش محمد بن سعد در قبرستان های خیزران به خاک سپرده شد وهمرای زیاد شیوخ کرام ملاقات کرده است و از آنان مانند معمر بن راشد رحمم الله علیه و مالک بن انس رضی الله عنه امام معروف سفیان ثوری رحمة الله علیه از آنان علم حاصل کرده است و یکی از مشهورترین شیوخ او در مغازی سیر و تاریخ، ابومعشر رحمة الله علیه است.

وَعَنْ أَبِي يُوسُفَ: أَنَّهَا لَا تَجُوزُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ لِأَنَّهَا مُخَالَفَةٌ لِلْأُصُولِ، وَلِقَوْلِهِ تَعَالَى: {وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ} [النساء: ۱۰۲] وَجَوَابُهُ أَنَّ الصَّحَابَةَ صَلَّوْهَا بِطَبْرِسْتَانَ وَهُمْ مُتَوَافِرُونَ مِنْ غَيْرِ نَكِيرٍ مِنْ أَحَدٍ مِنْهُمْ فَكَانَ إِجْمَاعًا.

واز امام ابی یوسف روایت است که نماز خوف بعد از زمان پیامبر علیه اسلام جایز نیست، زیرا این نوع نماز مخالف اصول است (1)، و دلیل دیگر این قول الله متعال است که می فرماید: {وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ} [النساء: ۱۰۲] ترجمه "زمانیکه شما در میان آنها بوده باشید" و جواب مذهب امام ابو یوسف این است که اصحاب کرام این نماز را در منطقه به نام طبرستان (2) خوانده اند، و درین واقعه صحابه کرام به کثرت حضور داشتند، و هیچ کسی از آنان درین مورد انکاری هم نداشت (4). این کار صحابه کرام یک نوع اجماع شمرده می شود.

(۱) ابن دقیق العید در کتاب خود إحصاء الأحكام شرح عمدة الأحكام در (ج ۱ ص ۳۶۰) فرموده است این طریق نماز خواندن اگرچه خلاف اصول است لکن باین طریق نماز خواندن استنباط شده و تقاضای حدیث هم باین طریق نماز خوانده است درین نماز ترجیح به حیث معنا است.

العلامة: الإمام جمال الدين عبد الرحيم الإسوي در کتاب نهاية السؤل شرح منهاج الوصول الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان در (ج ۲ ص ۲۳۰) در (قاعده ما ثبت خلاف الاصل) فرموده است که آن اصل که خلاف قیاس باشد و دلیل قطعی داشته باشد آن هم اصل است. (۲) أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفى: 303هـ) در کتاب خود السنن الصغرى للنسائي الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب در (ج ۳ ص ۱۶۷) فرموده است که ثعلبة بن زهدم، میفرماید که ما همراهی سعید بن العاصی در طبرستان بودید و حذیفة بن الیمان هم همراهی ما بود و عن ثعلبة بن زهدم، پرسید که در میان شما کسی است که نماز خوف را همراهی رسول الله صلی الله علیه و سلم خوانده باشد حذیفة بن الیمان فرمود بلی من نماز خوف همراهی رسول الله صلی الله علیه و سلم خوانده ام باز بیان نمود که رسول الله صلی الله علیه و سلم دو صف جور کرد یک صف همراهی رسول الله صلی الله علیه و سلم نماز میخواندن و صف دوم در مقابل دشمن بود یک رکعت خوانده شد آنان که نماز میخواندن رفتن به مقابل دشمن و آنان که در مقابل دشمن بودن آمدن و همراهی رسول الله صلی الله علیه و سلم یک رکعت خواند.

أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ) در کتاب خود سنن أبي داود الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت در (ج ۲ ص ۱۶) در روایت نمبر (۱۲۴۶) مثل روایت نسائی روایت کرده است.

(۴) محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي در کتاب خود صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان در (ج ۲ ص ۳۰۲) در حدیث نمبر (۲۴۵۲) از حذیفة رضی الله عنه این که نماز خوف را در طبرستان خوانده این حدیث را باین الفاظ روایت کرده و شعيب الأرنؤوط می فرماید که إسنادش صحیح است.

متباقی در صفحه (۱۳۱)

باقی مانده صفحه (۱۳۰)

المسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ) در کتاب خود المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت در (ج ۱ ص ۵۷۵) در روایت نمبر (۸۴۲/۳۱۰) به روایت صالح بن خوات، که همراهی رسول الله صلی الله علیه و سلم در روز غزوه ذات الرقاع نماز خوف خوانده بود گروهی با رسول الله صلی الله علیه و سلم

قَالَ: (فَإِذَا اشْتَدَّ الْخَوْفُ صَلُّوا رُكْبَانًا وَحَدَانًا يُومِئُونَ إِلَىٰ أَيِّ جِهَةٍ قَدَرُوا) لِقَوْلِهِ تَعَالَى:

{فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا} [البقرة: ٢٣٩]

مصنف علیه الرحمه فرمود: و وقتی که خوف از دشمن زیاد گردید نمازهای خود را سواره بخوانند اشاره کنند به هر طرف که قادر بودند(1) به دلیل این قول الله متعال که می فرماید: {فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا} [البقرة: ٢٣٩] "اگر خوف داشتید پس به صورت پیاده یا سواره نماز بگذارید".

وَسَلَّمَ در صف ایستاد شده و یک رکعت خواندن باز یک رکعت دیگر را با خود خواندن و سلام دور داده به مقابل دشمن رفتن و گروه دیگر آمدند و رکعت باقی مانده را خواندند، سپس رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشست و نماز خود پوره کرد، و سلام گشتاند و گروهی دوم هم نماز خود را پوره کرده سلام گشتاندند. (يوم الرقاع) جنگ معروفی است در سال پنجم هجری در سرزمین غطفان از نجد (1) عبد الرحمن بن محمد بن سليمان المدعو بشيخي زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: 1078هـ) در کتاب خود مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر الناشر: دار إحياء التراث العربي (ج ١ ص ١٧٨) نماز خوف به خوانده شود رکوع و سجده به اشاره شود هر طرف که نماز خوان توان داشت همان طرف روی خود را بگرداند بدون رکوع و سجده، و بدون التزام استقبال قبله بخاطر که ضرورت است.

وَعَدَمُ التَّوَجُّهِ لِلضَّرُورَةِ، وَلِأَنَّ التَّكْلِيفَ بِقَدْرِ الْوُسْعِ، وَلَا يَسْعُهُمْ تَأْخِيرُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْوَقْتُ إِلَّا أَنْ لَا يُمْكِنُهُمُ الصَّلَاةُ ;

وعدم توجه به سوی قبله بخاطر ضرورت است(1) و دیگر اینکه تکلیف به اندازه توان است(2) و گنجایش تأخیر نماز برای ایشان نیست که آن را تا این اندازه به تأخیر بیاورند که وقت خارج شود، مگر تنها زمانی (تأخیر جواز دارد) که امکان ادای نماز اصلاً وجود نداشته باشد(3).

(¹) علی حیدر در کتاب خود در حکام شرح مجله الأحكام الناشر دار الکتب العلمیة مکان النشر لبنان / بیروت در (ج ۱ ص ۳۳) فرموده که در وقت ضرورت آن چیزهای که ممنوع باشد مباح میگردد بخاطریکه ضرورت یک عذر است که بسبب این یک چیز ممنوع جازز میشود مانند خوراک میتته در وقت هلاک شدن از گرسنگی.

العلامة: خالد بن إبراهيم الصقعي در کتاب خود شرح منظومة القواعد الفقهية للسعدی صفحه (۳۹) فرموده است (قاعدة الضرورات تبيح المحظورات) فرموده است هر آن چیز که بنا به ضرورت مباح شود مباح بودنش تا دور شدن ضرورت است وقتی که ضرورت رفع شد مباح بودنش هم خلاص میشود.

(²) الموسوعة الفقهية الكويتية صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت (29 ص 286)

در الدر المختار آمده است: هر کس که به علت مریضی واقعی نتواند که نماز را ایستاده شده بخواند و یا در خواندن نماز به ایستاده شده به او ضرری می رسد، اعم از اینکه مرض قبل از نماز واقع شده باشد یا در نماز یا عجز حکمی باشد کسی که نماز ایستاده شده بخواند مرض اش زیاد میشود و یا زود جور نمیشود.

- ناتوانی یکی از اسباب تخفیف و تسهیل در عبادات و معاملات و حدود و قضاء میباشد اگر انسان از انجام دادن آن عاجز شود، پس شریعت بالای او آسانی میاورد این نعمت است از جانب خداوند متعال و رحمت است برداشتن تکلیف و مشقة است دلیل این قول خداوند متعال است: (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) خداوند بر نفسی بیش از توانش تکلیف نمی کند امام جصاص رحمة الله علیه می فرماید که در این آیه آمده است که خداوند متعال بر هیچ کسی آنچه را که توان اش را ندارد و توان عمل کردن بر او را هم نداشته باشد تحمیل نمی کند.

(³) محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله در کتاب خود الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وأيامه و سننه و أحاديثه (۹۴۳) فرموده است ابن عمر رضی الله عنه از رسول الله صلى الله عليه وسلم روایت نموده است که در حالت که نماز خواندن ممکن نباشد به ایستاده گی و به سواری نماز بخوانید.

وَلَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ لِلرَّاكِبِ إِذَا كَانَ طَالِبًا، وَفِي قَوْلِهِ تَعَالَى: {فَإِنْ خِفْتُمْ} [البقرة: ۲۳۹] إِشَارَةٌ إِلَيْهِ، فَإِنَّ الطَّالِبَ لَا يَخَافُ. وَعَنْ مُحَمَّدٍ تَجُوزُ بِجَمَاعَةٍ أَيْضًا لِمَا تَقَدَّمَ مِنَ الْحَدِيثِ فِي الصَّلَاةِ فِي الْمَطَرِ فِي بَابِ الْمَرِيضِ، وَالْفَتْوَى أَنَّهُ لَا يَجُوزُ لِلْمُخَالَفَةِ فِي الْمَكَانِ.

در حالت سوار بودن نماز خواندن برای کسی جایز نیست که در تعقیب دشمن باشد، و در این قول الله متعال که می فرماید: {فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا} [البقرة: ۲۳۹] ترجمه "پس اگر خوف داشتید پس به صورت پیاده یا سوارا بخوانید" به همین اشاره است، زیرا کسی که تعقیب می کند او در حالت خوف نه می باشد. و امام محمد رحمه الله تعالی می فرماید که (در حالت سوار بودن) نماز با جماعت نیز جواز دارد، به دلیل حدیثی که در مورد نماز در بارش در باب مریض پیش ذکر شده است (1) و فتوی به این قول است که این جایز نیست؛ زیرا (در میان امام و مقتدی ها) اختلاف مکان وجود دارد.

(1) به حدیث اشاره است، که درین کتاب الاختیار لتعلیل المختار در صفحه نمبر (۲۰، ۲۱) ذکر است. مریض سوار است که توانای ندارد از اسپ پایین گردد یا کسی دیگر هم نیست که آنرا از سواری پایین کند میگذارد نماز های پنجگانه را در حالت سوار به صورت اشاره و همچنان زمانیکه قدرت پایین شدن از سواری را از جهت مرض یا از لحاظ بودن باران یا گل ولایی یا از جهت موحودیت دشمن از لحاظ اینکه روایت شده است رسول اکرم صلی الله علیه وسلم د ریک را بودند در سفر پس در تنگنای قرار گرفتند پس وقت نماز شد و باران از بالای شان باریدن گرفت و از پایین نم وتری بود. پس رسول اکرم صلی الله علیه وسلم اجازه دادند در حالیکه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بالای سواری خود بودند پس پیش آهنگ شدند و برای اصحاب کرام امامتموندند و در بالای سواری خود با اشاره نماز ادا میکردند و سجده خود را از رکوع پایین تر انجام میدادند. و دلیل دیگر اینکه زمانیکه قادر بر پایین شدن از راحله نداشت قیام از اوساقت میشود مانند صلوة خوف و وقتیکه نماز در حالت سواری جایز گردید پس ایماء یا اشاره فرض است زیرا که سوار کار توانای رکوع و سجود را ندارد و دلیل دیگر هم همان رویت است که تذکر صورت گرفت میباشد. و اگر قدرت بر نزول داشت و لکن رکوع و سجود را انجام داده نمیتوانیست از لحاظ موجودیت گل ولای باید نماز را به صورت ایستاده ادا نماید با اشاره از لحاظ موجودیت عجز از رکوع و سجود و زمانیکه به صورت سوار نماز ادا میکند ایستاد میکند سواری را زیرا که در حرکت نوع انتقال و دگرگونی در حرکات میباشد که آن در نماز ممنوع است و اگر ایستاد نمودن سواری متعذر بود در آن حالت نماز گذاریدن در حالت حرکت جایز میباشد مانند نماز خوف.

(وَلَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ مَاشِيًا) لِأَنَّ الْمَشْيَ فِعْلٌ كَثِيرٌ.

قَالَ: (وَخَوْفُ السَّبْعِ كَخَوْفِ الْعَدُوِّ) لِاسْتَوَائِهِمَا فِي الْمَعْنَى، وَلَوْ رَأَوْا سَوَادًا فَظَنُّوهُ
عَدُوًّا فَصَلُّوا صَلَاةَ الْخَوْفِ وَكَانَ إِبْلًا جَازَتْ صَلَاةَ الْإِمَامِ خَاصَّةً؛ لِأَنَّ الْمُنَافِيَ وَجِدَ فِي
صَلَاتِهِمْ خَاصَّةً، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

در حالت رفتار پیاده نماز جایز نیست، زیرا پیاده رفتن عمل کثیر است.

مصنف علیه الرحمه فرمود: و خوف از حیوانات درنده مانند خوف از دشمن است، بخاطر یکسان بودن هر دو در علت و اگر (از دور) سیاهی را دیدند، و گمان کردند که دشمن است، و نماز خوف خواندند، و معلوم شد که شترها بود، درین حالت تنها نماز امام جایز است، زیرا اعمال منافی نماز (از قبیل عمل کثیر) تنها در نماز مقتدیان یافت شده است (1) الله تعالی بهتر میدانند. 2.

(1) لموسوعة الفقهية الكويتية صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت در (ج ۱۹ ص ۱۳۶) اگر از دور سیاهی معلوم میشد فکر کرد که دشمن است و نماز خوف خواند بعدا معلوم شد که دشمن نبود نماز اش درست نیست بخاطریکه به نماز خوف حضور دشمن حتمی است.

الروای، أبو المحاسن عبد الواحد بن إسماعيل (ت 502 هـ) بحر المذهب (في فروع المذهب الشافعي) الناشر: دار الكتب العلمية در (ج ۲ ص ۲۶۲) امام شافعی رحمه الله علیه اگر از دور سیاهی معلوم میشد فکر کرد که دشمن است و نماز خوف خواند بعدا معلوم شد که دشمن نبود نماز اش درست نیست بخاطریکه به نماز خوف حضور دشمن حتمی است.

أبو حيان محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين الأندلسي (المتوفى: 745 هـ) الناشر: دار الفكر - بيروت در کتاب خود ا لبحر المحيط في التفسير در (ج ۲ ص ۵۵۰) اگر یک نفر سیاهی را دید و فکر کرد که دشمن است و نماز خوف خواند باز معلوم شد که دشمن نبود به نزد امام ابو حنیفة رحمه الله علیه نماز خود را دوباره بخواند. به نزد امام مالک رحمه الله علیه و یک قول امام شافعی رحمه الله و امام مزنی رحمه الله می فرمایند که اگر یک نفر در حالت امن نماز خود را شروع کرد و بعد ازان حالت خوف آمد باقیمانده نماز خود را به شکل نماز خوف بخواند و اگر نماز خوف شروع کرده بود حالت خوف تتم شد باقیمانده نماز خود را به شکل نماز امن بخواند. و امام ابو حنیفة رحمه الله علیه می فرماید اگر در حالت امن نماز خود را شروع کرد و حالت خوف شروع شد نماز خوف نخواند و اگر نماز خوف شروع کرده بود به امن شد باقیمانده نماز خود را در حالت امن بخواند و امام ابو یوسف رحمه الله علیه می فرماید که اگر نماز در حالت خوف شروع کرد و حالت امن شد نماز خود را بناء نکند و بر عکس اش همچنان.

² أبو حيان محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين الأندلسي (المتوفى: 745 هـ) الناشر: دار الفكر - بيروت در کتاب خود ا لبحر المحيط في التفسير در (ج ۲ ص ۵۵۰) اگر یک نفر سیاهی را دید و فکر کرد که دشمن است و نماز خوف خواند باز معلوم شد که دشمن نبود به نزد امام ابو حنیفة رحمه الله علیه نماز خود را دوباره بخواند. به نزد امام مالک رحمه الله علیه و یک قول امام شافعی رحمه الله و امام مزنی رحمه الله می فرمایند که اگر یک نفر در حالت امن نماز خود را شروع کرد و بعد ازان حالت خوف آمد باقیمانده نماز خود را به شکل نماز خوف بخواند و اگر نماز خوف شروع کرده بود حالت خوف تتم شد باقیمانده نماز خود را به شکل نماز امن بخواند. و امام ابو حنیفة رحمه الله علیه می فرماید اگر در حالت امن نماز خود را شروع کرد و حالت خوف شروع شد نماز خوف نخواند و اگر نماز خوف شروع کرده بود به امن شد باقیمانده نماز خود را در حالت امن بخواند و امام ابو یوسف رحمه الله علیه می فرماید که اگر نماز در حالت خوف شروع کرد و حالت امن شد نماز خود را بناء نکند و بر عکس اش همچنان.

[بَابُ الصَّلَاةِ فِي الْكَعْبَةِ]

(يَجُوزُ فَرَضُ الصَّلَاةِ وَنَفْلُهَا فِي الْكَعْبَةِ وَفَوْقَهَا) لِقَوْلِهِ تَعَالَى: (وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ

وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) [الحج:26].

این باب در بیان نماز در داخل کعبه است.

نماز های فرضی و نفلی در درون کعبه و بالای بام یا سطح آن جایز است. به دلیل این قول الله متعال

که می فرماید: (وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) [الحج:۲۶]. "وپاک کن خانه مرا

برای طواف کننده گان و برای قیام کنندگان، و برای رکوع کننده کان و سجده کننده گان".

وَرَوَى ابْنُ عُمَرَ أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - «صَلَّى دَاخِلَ الْبَيْتِ بَيْنَ سَارِيَتَيْنِ، وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ الْحَائِطِ مَقْدَارُ ثَلَاثَةِ أَذْرُعٍ»، وَلِأَنَّهَا صَلَاةٌ اسْتَجْمَعَتْ شَرَائِطَهَا، فَتَجُوزُ، وَالِاسْتِيعَابُ فِي التَّوَجُّهِ لَيْسَ بِشَرْطٍ، وَعَلَيْهِ إِجْمَاعُ النَّاسِ مِنْ لَدُنِ الصَّدْرِ الْأَوَّلِ إِلَى يَوْمِنَا،

وابن عمر رضی الله تعالی عنهما روایت کرده است که: "پیامبر علیه السلام در داخل کعبه نماز خواندند در میان دو ستون، و در میان پیامبر علیه السلام و دیوار به اندازه سه گز مصافه بود" (1). و دلیل دیگر اینست یکه این نمازی است که به همه شروط نماز مشتمل است، بناء باید جایز باشد. و به همه اجزای کعبه روی گشتاندن از شرایط استقبال قبله نیست. و نماز در درون کعبه و بالای بام آن یک امر اجماعی بین امت اسلامی است از از صدر اسلام تا امروز.

(1) محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي در کتاب خود: صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان در (ج 7 ص 481) در حدیث نمبر (۳۲۰۶) به روایت ابن عمر رضی الله عنهما - فرموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم در داخل کعبه نماز خواند در میان دو ستون سه گز از قبله دور بود.

محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله در کتاب خود الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم و سننه وأيامه (البخاری) در (ج ۱ ص ۴۸۱) در حدیث نمبر (۵۰۶) و در (ج ۱ ص ۸۸) و حدیث نمبر (۳۹۷) از عبد الله بن عمر رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم داخل کعبه نماز خواند از دیوار کعبه سه گز دور بود. أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني در کتاب خود سنن أبي داود در (ج ۲ ص ۱۶۲) به روایت ابن عمر رضی الله عنه مانند حدیث بالا روایت شده است. یاقوت بن عبد الله الحموي أبو عبد الله در کتاب خود معجم البلدان در (ج ۱ ص ۸۰) ابوقیسیس از طرف مشرق کعبه و قعیقان از طرف مغرب کعبه است و گفته شده است که نام آن را به نام مردی از اهل مذحج که به ابوقیسیس ملقب شده بود، گذاشته اند زیرا او اولین کسی بود که در آنجا گنبدی ساخت.

أحمد بن حنبل در کتاب مسند الإمام أحمد بن حنبل در (ج ۱۰ ص ۱۵۵) در حدیث نمبر (۵۹۲۷) مانند حدیث بالا از ابن عمر رضی الله عنه روایت است.

وَلِأَنَّ الْقِبْلَةَ اسْمٌ لِلْبُقْعَةِ وَالْهَوَاءِ إِلَى السَّمَاءِ، لَا نَفْسُ الْبِنَاءِ عَلَى مَا ذَكَرْنَا؛ وَكَذَا لَوْ صَلَّى عَلَى جَبَلٍ أَبِي قُبَيْسٍ جَازَتْ صَلَاتُهُ لِمَا بَيَّنَّا، وَمَا وَرَدَ مِنَ النَّهْيِ عَنْ ذَلِكَ مَحْمُولٌ عَلَى الْكَرَاهَةِ، وَنَحْنُ نَقُولُ بِهِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَرْكِ التَّعْظِيمِ.

و دلیل دیگر جواز این نماز اینست که قبله این مکان است با همه فضای آن از زمین گرفته تا آسمان، و نام تنها همین ساختمان نیست. و همچنان اگر نماز را بالای کوه ابوقبیس (۲۱۹) بگذارد جایز است، بنا بر دلیلی که توضیح دادیم (1) و منعی که ازین گونه نمازها آمده است (2)، آن منع محمول به کراهت است نه به عدم جواز. و مذهب ما همین است که این نوع نماز همراه به کراهیت جواز دارد، زیرا در این ترک تعظیم است.

(۲۱۹) أبو عبد الله محمد بن إسحاق بن العباس المكي الفاهقي (المتوفى: 272هـ) در کتاب خود أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه المحقق: د. عبد الملك عبد الله دهيش الناشر: دار خضر - بيروت در (ج ۳ ص ۱۸۹) فرموده که اولین کوه که در زمین گذاشته همین کوه ابی قبیس بود.

أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني (المتوفى: 855هـ) عمدة القاري شرح صحيح البخاري الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت در (ج ۹ ص ۱۲۸) فرموده است که کوه ابی قبیس آن کوه است وقتی که ابراهیم علیه السلام تعميربيت الله شريف را پوره کرد الله تعالى به ابراهیم علیه السلام فرمود که اعلان کنید تا همه مردم خبر شوند و به حج بیایند ابراهیم علیه السلام به کوه ابی قبیس که نزدیک مسجد حرام است بالا شد و اعلان کرد

(۱) به دلیل که اشاره شده در صفحه (۸۴) در همین کتاب الاختیار لتعلیل المختار نماز های فرضی و نفلی در درون کعبه و بالای بام یا سطح آن جایز است. به دلیل این قول الله متعال که می فرماید: [وَطَهَّرُ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ] [الحج: ۲۶]. "و پاک کن خانه مرا برای طواف کننده گان و برای قیام کنندگان، و برای رکوع کننده گان و سجده کننده گان".

(۲) محمد بن یزید أبو عبدالله القزويني در کتاب خود سنن ابن ماجه در (ج ۱ ص ۲۴۶) در حدیث نمبر (۷۴۶) به روایت عبدالله بن عمر فرموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم نهی کرده از نماز خواندن در بام کعبه محمد بن عیسی أبو عیسی الترمذی السلمی در کتاب خود الجامع الصحیح سنن الترمذی در (ج ۲ ص ۱۷۷) در حدیث نمبر (۲۴۶) ه روایت عبدالله بن عمر فرموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم نهی کرده از نماز خواندن در ب

قَالَ: (فَإِنْ قَامَ الْإِمَامُ فِي الْكَعْبَةِ وَتَحَلَّقَ الْمُقْتَدُونَ حَوْلَهَا جَازَ) إِذَا كَانَ الْبَابُ مَفْتُوحًا؛
لأنَّهُ كَقِيَامِهِ فِي الْمِحْرَابِ فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ. قَالَ: (وَإِنْ كَانُوا مَعَهُ جَازَ) لِأَنَّهُ مُتَوَجِّهُ
إِلَى الْكَعْبَةِ. (إِلَّا مَنْ جَعَلَ ظَهْرَهُ إِلَى وَجْهِ الْإِمَامِ) لِأَنَّهُ تَقَدَّمَ عَلَى إِمَامِهِ.

مصنف علیه الرحمه فرمود: اگر امام در داخل کعبه (1) استاد شد، ومقتدی ها در اطراف کعبه حلقه زدند، جایز است بشرطیکه دروازه باز باشد، زیرا این حالت برای امام مانند ایستاد شدن وی در محراب مساجد دیگر است. واگر مقتدیان هم با امام داخل کعبه بودند جایز است، مگر جایز نیست نماز شخصیکه پشت خود را به طرف روی امام بگرداند، زیرا وی از امام خود پیش استاد شده است (2)

(1) عبد الکریم بن محمد الرفاعی القزوينی (المتوفى: 623هـ) در کتاب خود شاء فتح العزیز بشرح الوجیز = الشرح الکبیر [وهو شرح لکتاب الوجیز فی الفقه الشافعی لأبی حامد الغزالی (المتوفى: 505 هـ)] در (ج 4 ص 339) فرموده اگر امام در داخل کعبه ایستاده شد ومقتدی ها بیرون از کعبه جائز است نماز خواندن هر طرف که باشند.

أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی (المتوفى: 676هـ) در کتاب خود المجموع شرح المهدب ((مع تکملة السبکی والمطیعی)) در (ج 4 ص 300) فرموده اگر امام در داخل کعبه ایستاده شد ومقتدی ها بیرون از کعبه جائز است نماز خواندن هر طرف که باشند.

أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی (المتوفى: 676هـ) در کتاب خود المجموع شرح المهدب ((مع تکملة السبکی والمطیعی)) در (ج 3 ص 197) فرموده که امام شافعی رحمه الله علیه در کتاب خود (الام) فرموده که نماز خواندن بیرون از کعبه بهتر است نسبت به داخل کعبه.

(2) الموسوعة الفقهية الكويتية صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت در (ج 37 ص 240) احناف و حنابلة میفرمایند جائز است که امام بیرون از کعبه نماز بخواند به دور کعبه حلقه شوند و نماز بخوانند مگر به طرف امام کسی که است از امام پیش نباشد. و امام شافعی رحمه الله علیه میفرماید مسح است که دور کعبه حلقه شوند و امام پیش باشد نسبتا به مقتدی ها و اگر در طرف امام مقتدی ها از امام خود پیش ایستاده بود در باره صحت و عدم صحت نماز مقتدی از امام شافعی رحمه الله علیه دو قول روایت است یکی قول جدید که نماز مقتدی باطل است و دوم قول قدیم که نماز مقتدی صحت است.

قَالَ: (وَإِذَا صَلَّى الْإِمَامُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَحَلَّقَ النَّاسُ حَوْلَ الْكَعْبَةِ وَصَلُّوا بِصَلَاتِهِ) هَكَذَا تَوَارَتْ النَّاسُ الصَّلَاةَ فِيهِ مِنْ لَدُنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - إِلَى يَوْمِنَا هَذَا ; وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ أَقْرَبَ إِلَى الْكَعْبَةِ مِنَ الْإِمَامِ جَازَتْ صَلَاتُهُ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِي جَانِبِهِ؛ لِأَنَّهُ حِينَئِذٍ يَكُونُ مُتَقَدِّمًا عَلَيْهِ؛ لِأَنَّ التَّقَدُّمَ وَالتَّأَخَّرَ إِنَّمَا يَظْهَرُ عِنْدَ اتِّحَادِ الْجَانِبِ، أَمَّا عِنْدَ اخْتِلَافِهِ فَلَا.

اگر امام در مسجد الحرام به نماز گذاران امامت می کند، مردم (مقتدی ها) در اطراف کعبه حلقه بزنند، و با نماز امام نماز خود را ادا کنند (به امام اقتدا بکنند)، نماز در حرم به همین شکل به تواتر عملی از زمان پیامبر علیه السلام تا امروز ثابت است¹ و کسی که از امام به کعبه نزدیک تر بود نمازش جایز است، به شرطیکه در جهتی نباشد که امام در آن استاد باشد. زیرا درین صورت از امام خود پیشگی گرفته (پیش روی امام خود استاد شده). (واین شرط که در جهتی نه باشد که امام در آن جهت بوده باشد بخاطری گذاشته شده) زیرا مقدم بودن و یا موخر بودن از امام وقتی آشکار می شود که امام و مقتدی هر دو در یک جهت کعبه بوده باشند، و وقتی جهت مختلف شد متقدم و متأخر ظاهر نمی شود⁽²⁾

(¹) محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ) در کتاب خود المبسوط الناشر: دار المعرفة - بيروت در (ج 2 ص 78) فرموده وقتی که امام با مردم نماز باجماعت میخواند در مسجد الحرام مردم حلقه شوند گرد چارفیر کعبه شریف باین قسم از ان رسول الله صلى الله عليه وسلم الى يومنا نماز خوانده میشود بدلیل قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى [قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ] [البقرة: 144] و روی مقتدی ها همه بسوی قبله باشند و مقتدی باید از امام خود که به طرف امام است مقدم نباشد و اگر پشت مقتدی به روی امام باشد درست نیست بخاطری که از امام خود مقدم ایستاده شده است به دیوار کعبه و کسی که از امام خود مقدم ایستاده شود اقتداء اش درست نیست. (²) د.د. وَهْبَةُ الرَّحِيلِيّ در کتاب خود الفقه الإسلامي وأدلته الشامل للأدلة الشرعية والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية وتحقیق الأحادیث النبویة وتخریجها در (۱ ص ۶۷۳) فرموده که الشیخ خلیل المالکی میفرماید جائز است نماز دور کعبه اگر مقتدی به قبله نزدیکتر از امام بو و به طرف امام هم بود باز هم درست است.

خاتمه ونتائج بحث

الحمد لله اولاً و آخراً والشكر لله على ما وفقني لاتمام هذا الجهد.

وبعد: به فضل وتوفيق الله متعال ترجمه و تحقیق در ابواب سجود التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العيدين، صلاة الخوف، صلاة الكعبة، الاختيار لتعليل المختار را تا آن جاء که در توان واستطاعتم بود به اتمام رسانیدم، امید است احاطه پسندیده ی روی موضوع کرده باشم و تحقیقم روی موضوعی یک مقدمه خوبی برای تحقیقات بعدی در این کتاب میراث علمی در فقهی حنفی که به حیث موضوع تحقیقی در مرحله ماستری تعیین شده است بوده باشد، اگر کوتاهی در عملی نمودن این مکلفیت بوده باشد از تقصیر و نارسائی من خواهد بود.

واز بررسی و ترجمه تحقیق در یک قسمت کتاب الاختيار لتعليل المختار که عبارت از یکی ارکان دین اسلام است. (سجود التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العيدين، صلاة الخوف، صلاة في الكعبة)، است به نتایج ذیل دست یافتیم.

۱- کتاب الاختيار لتعليل المختار از مهم ترین منابع فقهی در مذهب حنفی بوده که دید گاهای پیشوایان این مذهب فقهی مستند با ادله ی از نصوص شرعی (قرآن کریم و سنت رسول الله) بیان نموده است.

۲- این کتاب که اثر علمی یکی از فقهای متقدمین در مذهب حنفی است در واقع شرح متن مختصری است که اولاً از طرف خود مؤلف (موصلی سجود التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العيدين، صلاة الخوف، صلاة في الكعبة، رحمة الله عليه) نوشته شده و سپس با تقاضای دانش آموزان و علماء آن عصر توسط خود مؤلف شرح شده است.

۳- کتاب الاختيار لتعليل المختار ابتداء مسائل سجود التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العيدين، صلاة الخوف، صلاة في الكعبة، را مختصر و به شبهه فقهی بیان نموده که به نام «المختار» بوده و در آن اشاره به دلائل منصوصی نشده است و سپس هر حکم و مسأله سجود التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العيدين، صلاة الخوف، صلاة في الكعبة، را با دلایل آن توضیح نموده است.

۴- سجود التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الكعبة، یکی از ارکان عبادی پنج گانه دین اسلام بوده که در معروف به حدیث جبریل بیان شده است که انکار از آن مستلزم کفر میباشد.

۵- با وصف اینکه سجود التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الكعبة، از ارکان دین اسلام است اما رکنیت و عمل نموده آن مشروط به وقت است، اگر مسلمانی است عذر داشت در بعضی اوقات عذر اش پذیرفته میشود.

۶- فريضه سجود التلاوة، صلاة الجمعة، صلاة العیدین، صلاة الخوف، صلاة فی الكعبة، مثل سائر فرائض عبادی دیگر بالای مردان و زنان یکسان فرض بوده و جز رعایت شروط و ضوابط خاصی در فرضیت استثنائی در میان مرد وزن نمیشود.

پیشنهادات:

ترجمه و تحقیق کتابها تراث اسلامی از زبان عربی به لسان های دیگر یک بخش از غنی سازی فرهنگ اسلامی بوده و نیاز های مسلمانان اهل هر زبان را در هر مکان مرفوع میسازد بنا بر این فرهنگ، جوانان دانش آموزان و مراکز تحصیلی دولتی و غیر دولتی مسئولیت دارند تا از این طریق در غنای مکتبه اسلامی با ترجمه و تحقیق کتاب های معتبر فقه اسلامی سهم فعال گرفته و از ایت طریق ضرورت های دینی اهل هر زبان را مرفوع سازد.

لذا در قدم نخست از برنامه ماستری پوهنتون سلام که ابتکار را در دوبخش تفسیر وحديث و فقه وقانون با ترجمه و تحقیق کتاب های معتبر تفسیر و فقه چون زهرة التفاسیر و کتاب الاختیار لتعلیل المختار روی دست گرفته اند قدر دانی نموده و به مسئولین این اداره تحصیلی و استادان محترم پیشنهاد مینمایم در قسمت رهنمود هر چه بهتر این اقدام فرهنگی تلاش نموده و محصلین بخش ماستری را تشویق نمایند.

۲- ترجمه یک کتاب از زبان عربی به زبان های ملی یک ضرورت بوده جوانان محصل از این طریق به مهارت های علمی و تحقیقی تشویق میشوند لذا به مسئولین امارت اسلامی پیشنهاد مینمایم که مرکزی را در چوکات اداره تألیف و ترجمه وزارت محرم معارف و وزارت محترم تحصیلات ایجاد نمایند تا علاوه به تألیف کتاب های نصاب درسی کتاب های مهم دینی را از زبان های عربی به زبان هان ملی ترجمه نمایند.

۳- دست رسی و استفاده از کتابهای فقهی به خصوص فقه حنفی در کشور ما از اهمیت زیادی برخوردار میباشد این نیاز مهم جوانان از طریق ترجمه کتاب های مهم معتبر فقهی امکان پذیر است پس به علماء کشور پیشنهاد مینمایم که جوانان و نسل های آینده در این راستا با ابتکار های علمی و استعداد های شان در بخش تألیف و ترجمه همکاری و تشویق نمایند.

۴- حکم صادر نمودن در یک قضیه شرعی مطابق با افکار مذهبی در یک کشور اسلامی متکی به آگاهی از دیدگاههای فقهی همان مذهب به لسان های ملی کشور، از کتب متداول فقه و فتوی سهولت های را برای مسلمانان در حال و آینده ایجاد نمایند.

۵- و مهمتر از همه به امارت اسلامی پیشنهاد مینمایم یک مرکز تحقیقاتی بزرگ درمرکز ایجاد نمایند تا اینکه مثل سائر کشور های اسلامی تحقیقات را در موضوعات دینی در موضوعه های فقهی انجام دهد. وفي الختام أحمدالله وأسأله المعافات في الدين والدنيا والآخره ولن يجعل هذا العمل زخرا لي ولوالدين ولاساتذتي جميعا.

فهرست آيات

شماره	آيات	سورة	آيت نمبر	صفحه
۱	إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ	الاعراف	۲۰۶	۱۴
۲	وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ	الرعد	۱۵	۱۴
۳	وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ	النحل	۴۹	۱۴
۴	يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ	النحل	۵۰	۱۴
۵	وَيَخِرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ	الاسرى	۱۰۹	۱۴
۶	أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ	مريم	۵۸	۱۴
۷	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي	الحج	۱۸	۱۴
۸	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ	الفرقان	۶۰	۱۴
۹	أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ	النمل	۲۵	۱۴
۱۰	إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا	الم تنزيل (السجده)	۱۵	۱۴
۱۱	قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالٍ	ص	۲۴	۱۴
۱۲	ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارِ	حم السجده (فصلت)	۳۸	۱۴
۱۳	فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا	النجم	۶۲	۱۴
۱۴	فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (20)	الانشقاق	۲۱-۲۰	۱۵
۱۵	كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ	العلق	۱۹	۱۵

١٦	قوله تعالى: {فَمَنْ كَانَ	البقرة	١٨٤	٥١
١٧	وقوله تعالى: {فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا}	البقرة	٢٣٩	٥١
١٨	{فَتَيَمَّمُوا}	المائدة	٦	٥١
١٩	{غَيْرِ بَاغٍ وَلَا عَادٍ}	البقرة	١٧٣	٥٢
٢٠	{إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ}	الجمعة	٩	٥٦
٢١	{فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ}	الجمعة	٩	٦٦
٢٢	{فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ}	الجمعة	٩	٧٠
٢٣	{فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا}	الاعراف	٢٠٤	٨٨
٢٤	{إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ}	الجمعة	٩	٩٣
٢٥	{وَلِتُكْمَلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ}	البقرة	١٨٥	٩٤
٢٦	{وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ}	البقرة	٢٠٣	١١٥
٢٧	{ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً}	الاعراف	٥٥	١١٧
٢٨	{وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكُمْ}	النساء	١٠٢	١٢٢
٢٩	وَلِقَوْلِهِ تَعَالَى: {وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ}	النساء	١٠٢	١٢٢
٣٠	{فَإِنْ خِفْتُمْ}	البقرة	٢٣٩	١٣٢
٣١	{وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ}	الحج	٢٦	١٣٤

فهرست احاديث

شماره	حديث	راوى	كتاب	صفحه
۱	«السَّجْدَةُ عَلَى مَنْ تَلَاهَا،	ابن عمر رض	ابن شيبه	۱۲
۲	لِقَوْلِهِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «يُصَلِّي الْمَرِيضُ قَائِمًا،	ابن عمر رض	نصب الرأيه	۲۳
۳	وَقَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ لِعِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ: «صَلِّ قَائِمًا	عمران بن حصين	بدرالمنيرفى تخريج الاحاديث	۲۴
۴	صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ عَلَى رَاحِلَتِهِ وَأَقَامَ،	عمر بن عثمان	ترمذى	۳۳
۵	لِحَدِيثِ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ: «فُرِضَتِ الصَّلَاةُ فِي الْأَصْلِ رَكَعَتَيْنِ،	عائشه رض	ابو داود	۳۸
۶	أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ الصَّلَاةَ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكُمْ فِي الْحَضَرِ أَرْبَعًا وَفِي السَّفَرِ رَكَعَتَيْنِ»	ابن عباس رض	ابو داود	۳۹
۷	فَلِقَوْلِهِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «يَمْسَحُ الْمُسَافِرُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلِيَالِيهَا»	عبدالرحمن بن بكرة	دارالقطنى	۴۲
۸	لَمَا رُوِيَ «أَنَّهُ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - أَقَامَ بِتَبُوكَ عِشْرِينَ لَيْلَةً يَقْصُرُ الصَّلَاةَ»	ابن عمر رض	ابن ابى شيبه	۴۵
۹	قَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ إِمَامًا لِيُؤْتَمَّ بِهِ فَلَا تَخْتَلِفُوا عَلَى أُمَّتِكُمْ»	ابى هريرة	مصنف عبدالرزاق	۴۹
10	كُلُّ مُسْلِمٍ إِلَّا امْرَأَةً أَوْ صَبِيًّا أَوْ مَمْلُوكًا .	ابى سعيد خدرى	معجم الاوسط	۵۷
۱۱	قَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ «تَجِبُ الْجُمُعَةُ عَلَى	طارق بن شهاب	ابى داود	۵۸

٥٨	ابى داود	طارق بن شهاب	وَقَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ «أَرْبَعَةٌ لَا جُمُعَةَ عَلَيْهِمْ: الْعَبْدُ، وَالْمَرِيضُ، وَالْمُسَافِرُ، وَالْمَرْأَةُ»	١٢
٦٠	مصنف عبدالرزاق	على رض	فَلِقَوْلِهِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «لَا جُمُعَةَ وَلَا تَشْرِيْقَ وَلَا أَضْحَى إِلَّا فِي مِصْرَ جَامِعٍ»	١٣
١١٨	صحيح ابن حبان	سعد بن ابى وقاص	وَقَالَ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -: «خَيْرُ الذِّكْرِ الْخَفِيِّ»	١٤
١٣٥	صحيح ابن حبان	ابن عمر	وَرَوَى ابْنُ عُمَرَ أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - «صَلَّى دَاخِلَ الْبَيْتِ بَيْنَ سَارِيَتَيْنِ، وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ الْحَائِطِ مِقْدَارُ ثَلَاثَةِ أَذْرَعٍ»	15

فهرست اعلام

شماره	شهرت	صفحه
۱	ابن سيرين رح	۳۷
۲	امام ابو يوسف رح	۶۱
۳	محمد بن شجاع الثلجى رح	۶۲
۴	كرخى رح	۶۳
۵	محمد رح	۶۳
۶	امام ابو حنيفه رحمه الله عليه رح	۷۴
۷	وامام زفر رح	۸۳
۸	الخليل رح	۱۱۶
۹	نضر بن شميل رح	۱۱۶

مراجع و مصادر

- ١- محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ) دركتاب خود المبسوط الناشر: دار المعرفة - بيروت در (ج 2 ص 78)
- ٢- وهبة الزحيلي دركتاب خود الفقه الإسلامي وأدلته الشامل للأدلة الشرعية والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية وتحقيق الأحاديث النبوية وتخريجه.
- ٣- عبد الكريم بن محمد الرافعي القزويني (المتوفى: 623هـ) دركتاب خود شاء فتح العزيز بشرح الوجيز = الشرح الكبير [وهو شرح لكتاب الوجيز في الفقه الشافعي لأبي حامد الغزالي (المتوفى: 505 هـ)]
- ٤- أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ) دركتاب خود المجموع شرح المهذب ((مع تكملة السبكي والمطيعي)) در الموسوعة الفقهية الكويتية صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت
- ٥- أبو عبد الله محمد بن إسحاق بن العباس المكي الفاكهي (المتوفى: 272هـ) دركتاب خود أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه المحقق: د. عبد الملك عبد الله دهيش الناشر: دار خضر - بيروت
- ٦- أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني (المتوفى: 855هـ) عمدة القاري شرح صحيح البخاري الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- ٧- محمد بن يزيد أبو عبد الله القزويني سنن ابن ماجه.
- ٨- محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي الجامع الصحيح سنن الترمذي .
- ٩- محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان.
- ١٠- محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه (البخاري)
- ١١- أحمد بن حنبل دركتاب مسند الإمام أحمد بن حنبل در

١٢- محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله سنة الولادة 150 / سنة الوفاة 204 (درج ٧ ص ٢٠٣) الأم فرموده

١٣- محمد أشرف بن أمير بن علي بن حيدر، أبو عبد الرحمن، شرف الحق، الصديقي، العظيم آبادي (المتوفى: 1329هـ) عون المعبود شرح سنن أبي داود، ومعه حاشية ابن القيم: تهذيب سنن أبي داود وإيضاح علله ومشكلاته الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت

١٤- أبو حيان محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين الأندلسي (المتوفى: 745هـ) الناشر: دار الفكر - بيروت | لبحر المحيط في التفسير

١٥- علي حيدر درر الحكام شرح مجلة الأحكام الناشر دار الكتب العلمية مكان النشر لبنان / بيروت

١٦- محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه.

١٧- عبد الرحمن بن محمد بن سليمان المدعو بشيخي زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: 1078هـ) مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر الناشر: دار إحياء التراث العربي

١٨- ابن دقيق العيد إحصاء الأحكام شرح عمدة الأحكام

١٩- أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفى: 303هـ) السنن الصغرى للنسائي الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب

٢١- أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السُّجِسْتَانِي (المتوفى: 275هـ) سنن أبي داود الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت

٢١- الممسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت

٢٢- عبد الشافي محمد عبد اللطيف السيرة النبوية والتاريخ الإسلامي الناشر: دار السلام - القاهرة

٢٣- محمد بن محمد بن محمد بن أحمد، ابن سيد الناس، اليعمري الربعي، أبو الفتح، فتح الدين (المتوفى: 734هـ) در كتاب خود شرح الترمذي «النفح الشذي شرح جامع الترمذي»

٢٤ جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: 762هـ) در كتاب خود نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الأملعي في تخريج الزيلعي

٢٥- إبراهيم بن إسماعيل الأبياري (المتوفى: 1414هـ) الموسوعة القرآنية الناشر: مؤسسة سجل العرب

٢٦- الحاج ملا عنایت الله «علمی» ابن مولانا محمد انور در كتاب خود د سرور كائنات صلى الله عليه وسلم ژوند ناشر المكتبه الغفاريه ارگ بازار قندهار افغانستان

٢٧- المظهري، محمد ثناء الله در تفسير التفسير المظهري الناشر: مكتبة الرشدية - الباكستان

٢٨ زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السّلامي، البغدادي، ثمّ الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: 795هـ) فتح الباري شرح صحيح البخاري

٢٩- سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360هـ) المعجم الأوسط

٣٠- أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: 463هـ) الكافي في فقه أهل المدينة در

٣١- عبد السلام بن عبد الله بن الخضر بن محمد، ابن تيمية الحراني، أبو البركات، مجد الدين (المتوفى: 652هـ) المحرر في الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل

٣٢- عبد السلام بن عبد الله بن الخضر بن محمد، ابن تيمية الحراني، أبو البركات، مجد الدين (المتوفى: 652هـ) المحرر في الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل

٣٣- الشافعي أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي (المتوفى: 204هـ) مسند الإمام الشافعي الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت -

٣٤- أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي (المتوفى: 476هـ) المهذب في فقه الإمام الشافعي

٣٥- محمد بن علي بن محمد الشوكاني در نيل الأوطار شرح منتقى الأخبار من أحاديث سيد الأخيار.

٣٦- مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر التفسير الوسيط للقرآن الكريم الناشر:

الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية

٣٧- محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن معبد، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البستي

(المتوفى: 354هـ) [الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان.

٣٨- أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني مصنف عبد الرزاق الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت

٣٩ أبو عبد الله محمد بن سعد بن منيع الهاشمي بالولاء، البصري، البغدادي المعروف بابن سعد

(المتوفى: 230هـ) الطبقات الكبرى الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت

٤٠- شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748هـ) سير أعلام

النبلاء المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط الناشر: مؤسسة الرسالة

٤١- عبد الحميد بن هبة الله بن محمد بن الحسين بن أبي الحديد، أبو حامد، عز الدين (المتوفى:

656هـ) شرح نهج البلاغة الناشر: دار إحياء الكتب العربية عيسى البابي الحلبي وشركاه

٤٢- عبد الغني الغنيمي الدمشقي الميداني اللباب في شرح الكتاب الناشر: دار الكتاب العرب

٤٣- أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ) الدراية في

تخريج أحاديث

٤٤- أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني

(المتوفى: 855هـ) عمدة القاري شرح صحيح البخاري الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت

٤٥- عبد الغني الغنيمي الدمشقي الميداني اللباب في شرح الكتاب الناشر: دار الكتاب العربي

٤٦- جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: 762هـ) نصب الراية لأحاديث

الهداية مع حاشيته بغية الأملعي في تخريج الزيلعي

- ٤٧- أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني (المتوفى: 855هـ) عمدة القاري شرح صحيح البخاري الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت
- ٤٨- أحمد بن محمد بن إسماعيل الطحطاوي الحنفي حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح
- ٤٩- أ.د. وهبة الزحيلي (الفقه الإسلامي وأدلته) الشامل للأدلة الشرعية والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية وتحقيق الأحاديث النبوية وتخريجها أستاذ ورئيس قسم الفقه الإسلامي وأصوله بجامعة دمشق - كلية الشريعة الناشر: دار الفكر - سورية - دمشق
- ٥٠- علي بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي سنن الدارقطني
- ٥١- محمود محمد خطاب السبكي الدين الخالص أو إرشاد الخلق إلى دين الحق (والمجلد التاسع طبع باسم: إرشاد الناسك إلى أعمال المناسك) الناشر: المكتبة المحمودية السبكية
- ٥٢- أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، الشهير بالماوردي (المتوفى: 450هـ) الحاوي في فقه الشافعي
- ٥٣- أبو بكر بن حسن بن عبد الله الكشناوي (المتوفى: 1397 هـ) أسهل المدارك «شرح إرشاد السالك في مذهب إمام الأئمة مالك» الناشر: دار الفكر، بيروت - لبنان
- ٥٤- اشاره به کدام اثر است؟ باید تذكر دهيد و تخريج نمائيد علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي (المتوفى: 587هـ) بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع الناشر: دار الكتب العلمية.
- ٥٥- مجير الدين بن محمد العليمي المقدسي الحنبلي (المتوفى: 927 هـ) فتح الرحمن في تفسير القرآن الناشر: دار النوادر (إصدارات وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية - إدارة الشؤون الإسلامية)
- ٥٦- محمد العربي القروي الخلاصة الفقهية على مذهب السادة المالكية - للقروي
- ٥٧- محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى: 1420هـ) صحيح وضعيف سنن ابن ماجه.
- ٥٨- أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني مصنف عبد الرزاق.

٥٩- أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى : 852هـ) الدراية في تخريج أحاديث الهداية.

٦٠- بهرام بن عبد الله بن عبد العزيز بن عمر بن عوض، أبو البقاء، تاج الدين السلمي الدَّمِيرِيّ الدَّمِيَّاطِيّ المالكي (المتوفى: 805هـ) الشامل في فقه الإمام مالك.

٦١- أبو بكر بن علي بن محمد الحدادي العبادي الزَّبِيدِيّ اليميني الحنفي (المتوفى: 800هـ) الجوهرة النيرة الناشر: المطبعة الخيرية

٦٢- جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى : 762هـ) نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الألمي في تخريج الزيلعي.

٦٣- أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى : 852هـ) الدراية في تخريج أحاديث الهداية.

٦٤- ابن بطلال أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك (المتوفى: 449هـ) : شرح صحيح البخارى لابن بطلال دار النشر: مكتبة الرشد - السعودية، الرياض

٦٥- محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي دركتاب خود صحيح ابن حبان الناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت

٦٦- تخريج حديث جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: 762هـ) نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الألمي في تخريج الزيلعي الناشر: مؤسسة الريان للطباعة والنشر - بيروت - لبنان / دار القبلة للثقافة الإسلامية- جدة - السعودية

٦٧- علي بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي سنن الدارقطني تحقيق : السيد عبد الله هاشم يماني المدني الناشر : دار المعرفة - بيروت

٦٨- جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: 762هـ) نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الألمي في تخريج الزيلعي

٦٩- عبد الكريم بن محمد بن عبد الكريم، أبو القاسم الرافعي القزويني (المتوفى: 623هـ) شرح مُسند

الشَّافِعِيِّ

٧٠- ابن الملقن سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى :

804هـ)المحقق : مصطفى أبو الغيط و عبدالله بن سليمان وياسر بن كمالالناشر : دار الهجرة للنشر

والتوزيع - الرياض-السعودية البدر المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير

٧١- أحمد بن علي أبو بكر الرازي الجصاص الحنفي (المتوفى: 370 هـ) شرح مختصر الطحاوي

٧٢- علي بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي سنن الدارقطني الناشر : دار المعرفة - بيروت ، 1386

- 1966 تحقيق : السيد عبد الله هاشم يماني المدني.

٧٣- علي بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي سنن الدارقطني الناشر : دار المعرفة - بيروت ، 1386

- 1966تحقيق : السيد عبد الله هاشم يماني المدني

٧٤-: عبد الكريم بن محمد بن عبد الكريم، أبو القاسم الرافعي القزويني (المتوفى: 623هـ) شرح مُسند

الشَّافِعِيِّ.

٧٥- أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى : 852هـ)المحقق: السيد

عبد الله هاشم اليماني المدنيالناشر : دار المعرفة - بيروت الدراية في تخريج أحاديث الهداية.

٧٦- أحمد بن محمد بن إسماعيل الطحطاوي الحنفي - توفي 1231 هـ المحقق: محمد عبد العزيز

الخالديالناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح

٧٧- محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول

الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري

٧٨- أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف

بالطحاوي (المتوفى: 321هـ) الناشر: عالم الكتب شرح معاني الآثاردر

٧٩- أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه العبسي الكوفي (159 - 235 هـ) رقما الجزء والصفحة يتوافقان مع طبعة الدار السلفية الهندية القديمة. مُصنف ابن أبي شيبه.

٨٠- أبو بكر بن أبي شيبه، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي العبسي (المتوفى: 235 هـ) المصنف في الأحاديث والآثار

٨١- أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت مصنف عبد الرزاق.

٨٢- أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف بالطحاوي (المتوفى: 321 هـ) الناشر: عالم الكتب شرح معاني الآثار ج٠

٨٣- عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسي أبو محمد المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني [المغني - ابن قدامة] الناشر: دار الفكر - بيروت

٨٤- أبو عبد الله محمد بن الحسن الشيباني الجامع الصغير وشرحه النافع الكبير سنة الولادة 132/ سنة الوفاة 189 الناشر عالم الكتب

٨٥- مؤلف النافع الكبير: محمد عبد الحي بن محمد عبد الحلیم الأنصاري اللكنوي الهندي، أبو الحسنات (المتوفى: 1304 هـ) الناشر: عالم الكتب - بيروت

٨٦- بهرام بن عبد الله بن عبد العزيز بن عمر بن عوض، أبو البقاء، تاج الدين السلمي الدميري الدميّطي المالكي (المتوفى: 805 هـ) الشامل في فقه الإمام مالك

٨٧- موسى بن أحمد بن موسى بن سالم بن عيسى بن سالم الحجواي المقدسي، ثم الصالحي، شرف الدين، أبو النجا (المتوفى: 968 هـ) الإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل

٨٨- علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (المتوفى: 1014 هـ) مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح الناشر: دار الفكر، بيروت - لبنان

٨٩- أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف بالطحاوي (المتوفى: 321 هـ)

٩٠- جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى : 762هـ) نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الألمعي في تخريج الزيلعي.

٩١- ابن الملقن سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى : 804هـ) البدر المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير

٩٢- محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبَدَ، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البُستي (المتوفى: 354هـ) الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان

٩٣- ابن بطلال ابوالحسن علي بن خلف بن عبد الملك (متوفى: 449 ق)، ، شرح صحيح البخارى، ابن بطلال،

٩٤- أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه العبسي الكوفي (159 - 235 هـ) دركتاب مُصنّف ابن أبي شيبه.

٩٥- أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني مصنف عبد الرزاق.

٩٦- أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه العبسي الكوفي (159 - 235 هـ) مُصنّف ابن أبي شيبه.

٩٧- أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف بالطحاوي (المتوفى : 321هـ) أحكام القرآن الكريم .

٩٨- امام محمد بن الحسن الشيباني رحمة الله عليه الآثار لمحمد ابن الحسن .

٩٩- سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360هـ) المعجم الكبيردر.

-ابن منذر رحمة الله عليه الاوسط لابن المنذر.

١٠١- أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطني (المتوفى: 385هـ) سنن الدارقطني.

١٠٢- امام أبو بكر محمد بن إبراهيم بن المنذر النيسابوري (المتوفى: 319هـ) الأوسط في السنن والاجماع والاختلاف.

١٠٣- محمد العربي القروي الخلاصة الفقهية على مذهب السادة المالكية.

١٠٤- أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ) دركتاب خود سنن أبي داود

١٠٥- أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ) سنن أبي داود درحديث

١٠٦- أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: 241هـ) مسند الإمام أحمد بن حنبل.

١٠٧- محمد بن يزيد أبو عبد الله القزويني (المتوفى: 273هـ) سنن ابن ماجه.

١٠٨- ياقوت بن عبد الله الحموي أبو عبد الله معجم البلدان.

١٠٩- مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري ابن الأثير (المتوفى: 606هـ) جامع الأصول في أحاديث الرسول

١١٠- جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: 762هـ) نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الألمعي في تخريج الزيلعي.

١١١- عبد الله بن قدامة المقدسي أبو محمد (الكافي في فقه الإمام المبجل أحمد بن حنبل).

١١٢- أبو الحسين يحيى بن أبي الخير بن سالم العمراني اليميني الشافعي (المتوفى: 558هـ) البيان في مذهب الإمام الشافعي.

١١٣- أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ) التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير.

١١٤- محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الجامع المسند الصحيح المختصر

من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = (صحيح البخاري)

١١٥- محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الجامع المسند الصحيح المختصر

من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = (صحيح البخاري)

١١٦- مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ) المسند

الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم.

١١٧- أبو العباس أحمد بن محمد الخلوئي، الشهير بالصاوي المالكي (المتوفى:

1241هـ) لأقرب المسالك المعروف بحاشية الصاوي على الشرح الصغير (الشرح الصغير

هو شرح الشيخ الدردير لكتابه المسمى أقرب المسالك لِمَذْهَبِ الْإِمَامِ مَالِكٍ) دار

المعارف.

١١٨- أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ) المجموعة شرح

المهذب دار العام الكتب _ الرياض.

١١٩- محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوي الشافعي

(المتوفى: 516هـ) شرح السنة.

١٢٠- الحافظ ابن حجر دركتاب خودالدراية في تخريج أحاديث الهداية الناشر: دار

المعرفة - بيروت .

١٢١- أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى : 676هـ) المجموع شرح

المهذب موقع.

Summary of the topic

The topic of the research is: (Translation and research, from the chapter of prostration of recitation to the chapter of prayer in the Kaaba, Al-Akhtiar, to explain the chosen one) After translating the text of the book, it was examined in terms of details, concepts and jurisprudential views from the book of hadith, the sciences of hadith, and ancient and contemporary jurisprudential sources, and then the rulings related to the prostration of recitation, Friday prayer, Eid prayer, fear prayer, prayer in the Kaaba in the order of the book of Al-Akhtiar. It should be said that "Kitab al-Akhtyar for the Explanation of the Chosen One" is one of the most important sources of jurisprudence among the Hanafi school of thought and has been written twice (once in abridged form under the name Chosen One and the other time in the form of an explanation with explanations) by the author himself. The selected part of it, which is (Sajdat al-Tilaawa, il-Akher, Salat al-Kaaba) has been compiled by the Messenger of Allah (peace and blessings of Allah be upon him) in the order in which it is written in the instructions and in the practical form.



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

**Al Aekhteyar Le Tahlelul Mokhtar
Transelation & Research
(Bab Sajda Telawt to bab Salat fi Kaba)**

Master's thesis

Student: SafiUllah Qazizada

Supervisor: Dr. Misbahullha Abulbaqi

Year: 2024



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program In Jurisprudence & Law



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Al Aekhteyar Le Tahleelul Mokhtar
Transeletion & Research
(Bab Sajda Telawt to bab Salat fi Kaba)

Master's thesis

Student: SafiUllah Qazizada
Supervisor: Dr. Misbahullha Abulbaqi

Year: 2024